روزنامه اقتصادی ایران
صدای بخش خصوصی ایران
جهان صنعت
شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ ■ ۲۵ شعبان ۱۴۴۷ ■ ۱۴ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم ■ شماره ۶۰۱۹ ■ ۱۶ صفحه ■ قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

۴

تن‌دادن دولت به منطق بازار

عقب نشینی سیاستگذار درباره افزایش قیمت خودرو واکاوی شد

جهان صنعت پس‌از ماه‌ها تحمل زیان انباشته و تنفس در فضای خفقان‌آور قیمت‌گذاری دستوری سرانجام منطق اقتصادی بر مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت غلبه کرد و مجوز افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو صادر شد. این‌تصمیم اگرچه برای مصرف‌کنندگان تلخ است اما یک‌تزریق اضطراری و حیاتی برای جلوگیری از ایست کامل قلب صنعت خودروسازی کشور محسوب می‌شود. خودروسازان که در هفته‌های اخیر باوجود استنادبه فرمول رسمی «کاست پلاس» و افزایش ۸۱درصدی نهاده‌های تولید درگیر یک‌کشمکش فرسایشی با نهادهای نظارتی بودند حالا نفس راحتی می‌کشند. افزایش ۳۰تا۳۹درصدی قیمت‌ها نه یک‌عطش سودجویی که یک‌نیاز حداقلی برای جبران بخشی از زیان انباشتی است که ناشی از تورم شدید مواد اولیه(فولاد و آلومینیوم) و جهش نرخ ارز رسمی بر دوش تولید سنگینی می‌کند. به‌عبارت دیگر سرانجام پیکره نحیف خودروسازی که قربانی سیاست‌های دلاریزه‌شدن اقتصاد بدون پشتوانه شده بود مورد تفقد واقع شد تا بتواند به‌چرخه تولید و ارائه خدمات‌پس‌از فروش ادامه دهد. ۸

رقابت وعده‌ها، پیروزی تورم

«جهان‌صنعت» عملکرد اقتصادی دولت‌های مختلف در ایران را تحلیل می‌کند ۳

گره تحریم بر تاروپود فرش ایرانی

«جهان‌صنعت» از سقوط صادرات صنایع‌دستی گزارش می‌دهد ۱۲

«جهان‌صنعت» وعده پزشکیان برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب با حضور منتقدان را بررسی کرد

شفافیت گمشده

سید رحیم ابوالحسنی: امیدی به کارآمدی کمیته حقیقت‌یاب نیست

۲

سرمقاله

اخلاق قدرت و مسوولیت امنیت

محمدرضا سعدی *

در روزهایی که کشور بیش از هر زمان دیگری به آرامش، انسجام ملی و بازسازی اعتماد عمومی نیاز دارد، نوع مواجهه مقامات عالی اجرایی با افکار عمومی اهمیتی تعیین‌کننده پیدا می‌کند. در همین چارچوب اظهارات اخیر آقای مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور در تریبون عمومی درباره فایل صوتی منسوب به آقای علی شکوری‌راد بار دیگر این پرسش را به میان آورده است که اخلاق قدرت و مسوولیت حکمرانی در چنین موقعیت‌هایی چه اقتضائاتی دارد. وقتی رییس‌جمهور با دسترسی به گزارش‌ها و اطلاعات امنیتی درباره فردی سخن می‌گوید که امکان دفاع از خود را ندارد، انتظار افکار عمومی این است که یا مسیر اثبات ادعا روشن باشد یا امکان پاسخ فراهم شود. در غیراین صورت اعتماد عمومی که سرمایه اصلی امنیت ملی است دچار خدشه می‌شود. امنیت ملی برخلاف تصور رایج صرفا محصول ابزارهای سخت و برخوردهای قهری نیست. امنیت پایدار از دل ترکیبی از کارآمدی نهادی، اخلاق در قدرت، شفافیت حداقلی و اقناع اجتماعی بیرون می‌آید. هرگاه یکی از این مولفه‌ها تضعیف شود هزینه آن نه متوجه یک دولت یا یک جریان سیاسی بلکه متوجه کلیت کشور خواهد بود. طرح اتهام یا داوری در فضای عمومی بدون ارائه مستندات قابل بررسی حتی اگر با نیت دفاع از نظام صورت گیرد در عمل می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کند. تجربه تاریخی جمهوری اسلامی ایران نیز گواه آن است که روایت‌های امنیتی و یک‌سویه از بحران‌ها نه‌تنها مسائل را حل نکرده بلکه در بسیاری موارد به تکرار چرخه بحران انجامیده است. از ماجرای کوی دانشگاه گرفته تا حوادث بعدی که در سال‌های مختلف رخ داد، همواره این الگو تکرار شده است و متاسفانه به‌جای آنکه ریشه این اتفاق‌های تلخ کالبدشکافی و علت وقایع در گفت‌وگو با جامعه مطرح شود، همواره شاهد بودیم که روایت رسمی، بسته و غیرقابل پرسش ارائه شده است. نتیجه چنین رویکردی فرسایش اعتماد عمومی و انباشته شدن نارضایتی‌های حل‌نشده است که هراز چند گاهی به بهانه‌های مختلف این نارضایتی‌ها خود را به شکل بحران‌های پرهزینه‌تر نشان می‌دهد. واکاوی حوادث نقاط مبهم در روایت رسمی برخی رخدادها به‌ویژه در حوادث ۱۸ و ۱۹دی‌ماه امسال، نسبت میان ادعای اقتدار امنیتی و پیامدهای انسانی این وقایع را روشن می‌کند به‌خصوص زمانی که روایت رسمی از کنترل اوضاع یا حتی پیروزی سخن گفته می‌شود، در حالی که همزمان آمار قابل‌توجهی از جانباختگان مطرح می‌شود. در چنین شرایطی این پرسش به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد که تعریف ما از پیروزی چیست؟ اگر هزاران نفر از شهروندان این کشور که بخش قابل‌توجهی از آنها جوانان همین سرزمین بوده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند، این چه نوع پیروزی است و بر چه دشمنی حاصل شده است؟

اگر گفته می‌شود دشمن از ابزار رسانه‌ای برای تحریک افکار عمومی استفاده کرده است، پرسش بدیهی آن است که چرا ما از ظرفیت‌های رسانه‌ای داخلی خود بهره کافی نبرده‌ایم؟ رسانه ملی دقیقا برای چنین بزنگاه‌هایی طراحی شده، حال آنکه عملا در مقابل هجمه‌های رسانه‌ای ناتوان است. رسانه‌های مستقل هم که دست‌شان بسته است و هرنوع نقدی مترادف است با توقیف و احضار و نهایت دستگیری! وقتی رسانه داخلی نتواند روایت خود را به‌موقع و موثر ارائه کند، طبیعی است که میدان به رسانه‌های بیرونی واگذار شود. پاسخ به ضعف رسانه‌ای نمی‌تواند جایگزینش تفنگ باشد.در توضیح حوادث اخیر عنوان شده که گروه‌هایی مسلح یا سازمان‌یافته در صحنه حضور داشته‌اند، اگر این ادعا درست است پرسش اساسی این است که مسوولیت شناسایی و مهار این عناصر پیش از وقوع بحران بر عهده چه نهادی بوده است؟

ادامه در صفحه ۲

نقدروز

دوراهه مردم و حکومت

محمدصادق جنان‌صفت

پرسش مهمی که اکنون در ذهن ایرانیان پررنگ‌تر از پیش شده این است که آیا نهاد حکومت در ایران دنبال این است که منافع مادی و آرامش روحی- روانی برای آنها را در پلکان اول فعالیت خود قرار دهد یا اینکه دنبال هدف‌ها و خواسته‌های راهبردی دیگری است. اگر این پرسش را با مدیران نهادهای حاکمیتی در میان بگذاریم بدون تردید از پاسخ دادن مستقیم به آن شانه خالی خواهند کرد. البته آنها در ضمن پاسخ‌های خود اگر پاسخ دهند، می‌گویند این هدف نیز برای آنها در صدر هدف‌ها قرار دارد. تنگنای ساختاری در جمهوری اسلامی اما این است که نمی‌توان این پرسش را به‌طور مستقیم با شهروندان در میان گذاشت و مطمئن بود پاسخ مردم هرچه باشد بدون دستکاری منتشر می‌شود برای اینکه بتوان به این پاسخ رسید نیاز به نهادهای نظرسنجی مستقل از قدرت وجود دارد که جمهوری اسلامی راه تاسیس آنها را مسدود کرده است. به این ترتیب راهی نیست که بشود به پرسش بالا پاسخ داد.

بیاید فرض کنیم تامین منافع مادی و رفاه ایرانیان و نیز آماده‌سازی آرامش روانی و ذهنی ایرانیان در دستور کار نهادهای حاکمیتی قرار دارد و حتی فرض کنیم دیگر هدف‌های استراتژیک مثل صدور انقلاب اسلامی، مبارزه با استکبار برای نابودی تبلور استکبار یعنی آمریکا و نیز ادامه حکومت به شکل فعلی در ذیل این راهبرد قرار دارند. حالا پرسش این است که در ۴۷سال تازه سپری‌شده و تحت حاکمیت نهادهای حاکمیتی این هدف راهبردی یعنی افزایش رفاه مادی و نیز آماده کردن الزام‌های آسایش روح- روانی مردم موفقیت‌آمیز بوده یا ناکامی و شکست را هدیه کرده است. پرسش تازه مطرح شده برای این است که بررسی شود آیا حکمرانی اقتصادی و نیز سیاسی و اجتماعی در ۴۷سال پس از سپری شدن کارآمدی داشته یا نه. معیار سنجش برای پاسخ به این پرسش تازه چیست؟ یک معیار این است که سطح رفاه مادی در دوره رژیم پیشین را با امروز مقایسه کنیم. این مقایسه به دلیل اینکه محل مناقشه است و نیز به این دلیل است که شرایط گوناگون را در حال حاضر کنار می‌گذاریم. یک معیار دیگر این است که سطح رفاه مادی و درآمد سرانه ایرانیان را با کشورهای دیگر مثل کشورهای حاشیه خلیج‌فارس یا ترکیه و کره‌جنوبی یا حتی مالزی و اندونزی مقایسه کنیم. واقعیت این است که کشورهای یادشده و حتی میانگین سطح رفاه در جهان نشان نمی‌دهد حکمرانی اقتصادی در جمهوری اسلامی کامیاب باشد. یادمان باشد که میزان آرامش روانی و ذهنی ایرانیان به دلیل اینکه در این سال‌ها با دو جنگ و سال‌ها مبارزه با استکبار را دیده‌اند نیز نسبت به کشورهای یاد شده پایین‌تر است. یک معیار دیگر این است که سطح رفاه مادی امروز ایرانیان را با سال‌های تازه سپری شده پس از جنگ در ترازو قرار داده وزن‌کشی کنیم. اعتراف بسیاری از مدیران نهادهای حاکمیتی و نیز آمارهای رسمی از شاخص‌های کلان و نیز سبد مصرفی خانوادها نشان می‌دهد ایرانیان در دهه ۷۰ در وضعیت بهتری قرار داشتند. آمارهای رسمی بانک مرکزی و نیز مرکز آمار نشان می‌دهد میزان مصرف سرانه گوشت قرمز، برنج، لبنیات و دیگر کالاهای اساسی کاهش جدی داشته است. از سوی دیگر امروز ایرانیان با دلهره احتمال شروع جنگی تازه روبه‌رو هستند و آرامش از ایرانیان سلب شده است. چرا چنین وضعیتی داریم؟ دلیل اصلی این است که نهادهای حاکمیتی به جای اینکه به فکر نان و آب و آسایش مردم باشند دنبال راهبردهای دیگر بوده‌اند. این در حالی اتفاق افتاده که اکثریت قابل اعتنای مردم ایران همانند همه شهروندان جهانی از دولت انتظار داشتند حکمرانی را به سوی برآورده کردن نیازهای مادی سوق دهد.

یادداشت

سایه جنگ پرواز می‌کند

نادر کریمی‌جونی

هنوز هیچ‌کس حتی دونالد ترامپ واقعا نمی‌داند که آیا منطقه خلیج‌فارس آماده جنگ شده یا استعداد نظامی که در این منطقه مستقر شده یا به سوی آن در حال حرکت است، کارکرد نظامی غیرجنگی دارد و ممکن است در هفته‌های آینده همه‌چیز فروکش کند و زمان به نقطه صفر پیش از بحران بازگردد. روی کاغذ البته همه‌چیز ممکن است و تحلیلگرانی که علاقه به درگیری نظامی ایالات‌متحده با ایران داشتند و می‌خواستند با اهرم قدرت واشنگتن، جمهوری اسلامی را براندازی کنند، وعده یک‌ماهه برای اجرای اقدام نظامی علیه ایران را می‌دادند و پیش‌بینی می‌کردند که حداکثر در اواخر فوریه این حمله صورت خواهد گرفت، به نتیجه خواهد رسید و ایرانیان در مارس که همزمان با عید نوروز ایرانی است، شاهد به قدرت رسیدن نظام حکومتی جدید با سازوکارهای نزدیک یا همراه با غرب خواهند بود. زمان گذشت اما و هنوز در کاخ سفید تنها تصمیم‌گیرنده نمی‌داند که آیا عزم خود و سربازانش را برای حمله به ایران جزم کرده است یا نه و اگر اراده خود را در نهایت به حمله معطوف نموده، این حمله همانطورکه مخالفان خارج‌نشین جمهوری اسلامی می‌خواهند و اسرائیل نیز در این خواسته آنان را همراهی می‌کند، آیا به براندازی یا دست‌کم به تسهیل براندازی نظام حکومتی ایران منجر خواهد شد؟ روی کاغذ البته همه‌چیز ممکن است و به همین دلیل است که مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور کماکان به سقوط و براندازی جمهوری اسلامی در ایران اعتقاد یا امید دارند و برای تحقق آن لحظه‌شماری می‌کنند.

استدلال ساده‌ای در این‌باره وجود دارد؛ در حالی که ایالات‌متحده سر موضوع مهم توانمندی هسته‌ای، توانایی‌های موشکی و توان منطقه‌ای تهران را هدف گرفته و درصدد مهار یا متوقف کردن آن است تهران فقط گفت‌وگو و امتیازدهی محدود درباره یکی از این موضوع‌ها را پذیرفته و دیگر موضوع‌ها را از دایره گفت‌وگوها خارج کرده است حتی در مورد توان هسته‌ای نیز ایران قائل به دادن امتیازهای بی‌حساب و نامحدود نیست چنانکه نه فقط حاضر نیست ذخایر غنی‌سازی‌شده اورانیوم خود را به خارج از کشورش - حتی روسیه- منتقل کند بلکه پذیرفتن توقف غنی‌سازی و از آن مهم‌تر از بین بردن توان غنی‌سازی هسته‌ای را هم رد و از دستور کار مذاکرات خارج کرده است. واقعا معلوم نیست که آیا در کاخ سفید کسی حاضر است شرایط ایران برای مذاکرات را بپذیرد یا نه؟ در پی همین تردیدها بود که بنیامین نتانیاهو سراسیمه به واشنگتن رفت تا در دیداری جدی، صریح و دوجانبه با ترامپ برای رییس‌جمهور آمریکا تشریح کند که اوضاع چگونه است و مبادا در واشنگتن شرایط ایران برای توافق پذیرفته شود. جالب است که در پایان این دیدار، برخلاف شش دیدار گذشته کنفرانس خبری مشترک برگزار نشد و ناظران ابراز عقیده کردند که بی‌نتیجه پایان یافتن این گفت‌وگوهای چندساعته باعث شد تا رغبتی برای ظاهر شدن طرف‌های آمریکایی و اسرائیلی در مقابل خبرنگاران وجود نداشته باشد.

جالب است که در مقابل دونالد ترامپ که لااقل در حساب کاربری‌اش در شبکه اجتماعی خودش موضع‌گیری کرد و توضیح داد که گفت‌وگوی چندساعته با نتانیاهو، نتیجه مشخص و امیدوارکننده‌ای نداشته است و یک ماه زمان خواست که تکلیف گفت‌وگو با ایران را مشخص کند، نتانیاهو هیچ موضعی نگرفت و برخلاف ورودش به خاک ایالات‌متحده که با لشکرکشی خبرنگاران و سروصدای زیاد همراه بود، بی‌سروصدا خاک آمریکا را ترک و از تمدید سفرش نیز خودداری کرد، آنطور که نتانیاهو در ابتدای سفرش به ایالات‌متحده توضیح داده بود قرار بود این سفر ترامپ را از انعقاد توافق با ایران برحذر دارد و تمام دغدغه‌های اسرائیل که شامل موارد پیش‌گفته است را در مفادی که قرار است با ایران حاصل شود بگنجاند.

ادامه در صفحه ۲

تریبون بورس

بورس در رکود، مسوولان در سکوت!

هومن عمیدی*

روند فعلی بازارسرمایه نامشخص بوده به‌طوری که سطح ارزندگی سهام به‌دلیل شرایط بنیادی شرکت‌ها و کاهش قیمت و انجام حراج واقعی در برخی نمادها به‌شدت افزایش یافته اما در بحث نااطمینانی و عدم حمایت توسط متولیان بازارسرمایه چشم‌انداز چندان روشنی مشاهده نمی‌شود. در چنین فضایی نمی‌توان پیش بینی کرد که چه اتفاقی قرار است رخ بدهد و همه متغیرها تا حدودی به‌شرایط سیاسی کشور گره خورده است. در بازارهای موازی چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود و می‌توان چنین اظهار داشت که‌تنها بورس کاهش قیمت و ثبت بازدهی منفی را به‌نمایش گذاشت.

عملکرد ضعیف شاخص‌های بورس درمقابل بازارهای موازی را می‌توان به‌پای مسوولان چه در سازمان بورس و چه در وزارت اقتصاد نوشت که متاسفانه حمایت از بازارسرمایه را در دستور کار خود قرار ندادند. فضای کنونی چندان مطلوب نیست و پرتفوی بورسی سهامداران خرد متحمل زیان شده اما با این‌وجود بورس پتانسیل زیادی برای رشد دارد. درواقع بازار از نظر عملکرد مالی شرکت‌ها و ارزندگی سهام مشکل بنیادی ندارد و صرفا مساله نااطمینانی و نگرانی‌های سیاسی گریبان‌گیر سهام شده است. جالب است بدانید این‌نگرانی‌ها تنها در بازار بورس وجود دارند و بازار املاک و مستغلاتی که طبیعتا باید اثر منفی از ریسک‌های سیاسی و نظامی بپذیرد در ایران روند صعودی در پیش گرفته و طی سه‌ماهه اخیر تقریبا ۱۵الی۲۰درصد افزایش قیمت را تجربه کرده است. چنین به‌نظر می‌رسد که بازارسرمایه را به‌حال خود رها کرده و شاید هم منفعت در خنثی نگه‌داشتن روند و نهایتا افت ۲۰درصدی قیمت سهام است! ازسوی دیگر ارزش‌دلاری بازار بورس وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد که بی‌مسوولیتی عده‌ای منجربه ایجاد بحران در بازار شده است. در رابطه با عملکرد بازارها درمقابل نرخ تورم باید گفت که تورم نقطه‌به‌نقطه در برخی اقلام بیشتر از سایر اقلام به‌چشم می‌خورد. به‌طور مثال مواد غذایی نرخ تورم قابل توجهی را به‌ثبت رساند و اثر تورمی خود را به‌سفره‌های مردم وارد کرد. اگر نرخ تورم تمامی اقلام را به‌صورت میانگین و در قالب یک‌سبد در نظر بگیریم تورم نقطه‌به‌نقطه بیش از ۵۵درصد را شاهد هستیم. دلار و طلا که همسو با تورم رشد قیمت را تجربه کردند و درآمد و سودآوری شرکت‌ها نیز رشد بیش از ۳۰درصدی را به‌ثبت رساندند و حتی در برخی نمادها وضعیت بنیادی و درآمدی عجیبی مشاهده می‌شود. همانطور که گفته شد وضعیت در برخی نمادها آن قدر عجیب است که سود ناشی از تسعیر ارز و سود عملیاتی شرکت بیش از قیمت سهام آن برآورد می‌شود. زمانی که بازار روز معاملاتی مثبتی را تجربه می‌کند تعداد زیادی از افراد در مورد بورس صحبت می‌کنند و به‌اصطلاح عکس‌های یادگاری می‌گیرند اما در روز معاملاتی منفی بازار را رها کرده و اجازه می‌دهند که ریزش‌ها عمیق تر شود. به‌هر حال وضعیت بورس رضایت بخش نبوده و حتی ریزش‌های آن در رسانه‌های خارجی نیز منعکس می‌شود. اگر قرار بر این‌است که بازارسرمایه کشور بدون مدیریت صحیح از ریسک‌های مختلف تاثیر منفی بپذیرد و روند رو به‌افول ادامه دار باشد بهتر نیست بازار بورس و معاملات سهام بسته شود؟ فاجعه‌بار است که نسبت قیمت به‌سود (P/E) یک‌سهم کمتر از یک‌واحد باشد و همین مورد برای اثبات وضعیت بحرانی بورس در شرایط فعلی کفایت می‌کند. با ریزش پیاپی قیمت سهام و روند روبه‌افول بازارسرمایه رونق تولید و کمک به‌اقتصاد کشور قربانی و سیاستگذاری‌های غلط اقتصادی منجر به‌فرار پول از بازار بورس می‌شود. از طرفی مسوولان به‌صندوق‌های نقره‌ای مجوز می‌دهند که دارایی فیزیکی نداشته و سپرده کالایی جای اوراق و سپرده بانکی را در پرتفوی این‌صندوق‌ها گرفته که با یک‌حباب سنگین معامله می‌شوند.

صفحه ۵

در صفحات دیگر بخوانید

۱۶ جشنواره‌ای که دیگر مردمی نیست
۱۴ بحران خاموش ایمنی
۱۱ بورس در کشاکش جنگ و صلح!
۱۳ نفت میان توافق و تهدید
۱۵ گردشگری در رکود کامل
۷ نبرد نامرئی در مدار پایین زمین!
۹ بازار ماشین‌آلات معدنی در انحصار مافیا

پرسش روز

پرسش از پزشکیان درباره مزد هزاردلاری

یکم- مردم ایران همیشه می‌خواستند و می‌خواهند بدانند بالاترین مقام‌های ایرانی چقدر درآمد و چقدر مزد و حقوق ماهانه دارند. آیا در این باره هیچ مدیری پاسخ نداده است؟ چرا تازه‌ترین مدیری که در این باره جواب داده مسعود پزشکیان، رییس دولت چهاردهم است.

دوم- خب، او حقوق ماهانه خود را چند تومان اعلام کرده است؟ آقای رییس‌جمهور تمایل داشته که میزان حقوق خود را به دلار اعلام کند. حالا او چند دلار در ماه می‌گیرد؟ او گفته است در ماه هزار دلار حقوق از نهاد ریاست‌جمهوری دریافت می‌کند.

سوم- حالا اگر مردم بخواهند بدانند حقوق او به تومان چقدر است باید دلار را در چه عددی ضرب کنند؟ به‌نظر می‌رسد پزشکیان به این پرسش فکر نکرده است. اما می‌توان زیرسبیلی در کرد و دلار پزشکیان را همین ۱۶۵هزارتومان این روزها در نظر گرفت. به این ترتیب او در ماه ۱۶۵میلیون حقوق می‌گیرد. آیا این رقم بالایی است؟ بستگی دارد این میزان حقوق را با چه عددی مقایسه کنیم.

چهارم- اگر با حقوق میانگین کارگران مقایسه کنیم که ۲۰میلیون‌تومان در ماه است شش برابر مزد کارگران است. اما این شاید در مقایسه با کاری که رییس‌جمهور دارد مقایسه درستی نیست.

پنجم- پس پرسش این نوشته چیست؟ پرسش این است که آقای پزشکیان در برابر این مزد ماهانه دریافتی که در ۲۰ماه گذشته دریافت کرده کدام تصمیم مهم را برای آسایش مادی و ذهنی مردم گرفته است؟ آیا خود پزشکیان می‌تواند بگوید چه تصمیمی برای مردم گرفته که ارزش این میزان مزد ماهانه را داشته است؟

ششم- به‌نظر نمی‌رسد با طرح این پرسش انحراف ایجاد شده است؟ مثل این انحراف که رییس‌جمهور در دستگاهی ریاست می‌کند که هزینه هر دقیقه آن بیشتر از این عدد هزار دلار در ماه است؟ آقای رییس دولت بگویید همکاران‌تان حساب کنند در برابر حقوق و مزایایی که دارند کدام تصمیم مهم را برای بهتر شدن وضع مردم گرفته‌اند.

جهان صنعت
سازمان آگهی روزنامه جهان صنعت
سازمان آگهی شهرستان ها
از سراسر کشور
نماینده فعال می پذیرد
۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴
۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱
www.jahanesanat.ir

دریافت ایده‌ها، اخبار و رویدادهای اقتصادی
t.me/jahansanatpress
جهان صنعت
سال بیست‌ودوم ■ شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ ■ شماره ۶۰۱۹

ادامه سرمقاله

اخلاق قدرت و مسوولیت امنیت

حتما دســـتگاه امنیتی از فراخوان‌ها مطلع بوده ولی چرا اقدامات پیشگیرانه انجام نداده است؟ چرا به‌جای مدیریت قبل از بحران، هزینه‌ها در میانه بحران و با جان مردم پرداخت شده است؟

افکار عمومی حـــق دارد بداند بودجه‌های کلان نهادهای امنیتی دقیقا صرف چه اموری می‌شود و چرا با وجود این هزینه‌ها، همچنان شاهد بروز حوادثی هستیم که به بهای جان شهروندان تمام می‌شود. طرح این پرسش‌ها نه تضعیف امنیت است و نه همراهی با دشمن بلکه تقویت امنیت از مسیر پاسخ‌گویی است. امنیتی که نتواند درباره عملکرد خود توضیح دهد، در بلندمدت مشروعیت و کارآمدی خود را از دست خواهد داد

مساله مهم دیگر، تفکیک دقیق میان اعتراض، نارضایتی اجتماعی و تهدید امنیتی است. برخورد یکسان با پدیده‌های متفاوت نه عادلانه است و نه کارآمد. جامعه‌ای که احساس کند همه صداها با یک برچسب واحد حذف می‌شوند، دیر یا زود از مسیرهای قانونی فاصله می‌گیرد و این دقیقا همان نقطه‌ای است که بیشترین آسیب را به منافع ملی وارد می‌کند.

آقای پزشکیان! به‌عنوان رییس‌جمهور، اگر دغدغه اصلی‌تان حفظ ایران، ثبات ملی و آینده نسل‌های بعدی است، این هدف از مسیر شفافیت، اخلاق در قدرت و استفاده حداکثری از ابزارهای نرم محقق می‌شود. اجازه دادن به دفاع افراد، کالبدشکافی دقیق وقایع و توضیح روشن درباره چرایی تصمیمات امنیتی نه‌تنها اقتدار نظام را تضعیف نمی‌کند بلکه آن را در چشم مردم تقویت خواهد کرد.

امروز بیش از هر زمان دیگری کشور نیازمند گفت‌وگویی صریح اما مسوولانه است؛ گفت‌وگویی که در آن حقیقت حتی اگر تلخ باشـــد، قربانی مصلحت‌های کوتاه‌مدت نشود. این مسیر دشوارتر بوده اما تنها مسیری است که می‌تواند همزمان امنیت، اخلاق و منافع ملی را حفظ کند.

*** مدیرمسوول**

ادامه یادداشت

سایه جنگ پرواز می‌کند

تمـــام تلاش نتانیاهـــو اما برای حصول این هدف کافی نبود و نخســـت‌وزیر اسرائیل نتوانست خواســـته‌هایش را به ترامپ تحمیل کند. حال او باید ماه آینده که برای سخنرانی در آیپک- شورای یهودیان آمریکا- به واشنگتن سفر می‌کند دوباره به ملاقات ترامپ بشـــتابد تا ببیند که از گذر توافق با ایران چیزی نصیب اسرائیل می‌شود یا نه؟

بـــا این همه طرف‌های ایرانی مخالف جمهوری اسلامی که در اروپا و آمریکا زنـــدگی می‌کننـــد، امیدوارند که توافقی میان آمریکا و ایران حاصل نشـــود تا در نهایت ایالات‌متحده دست به اشغال خاک و براندازی نظام حاکمیتی ایران بزند و کشـــور را به این مخالفان تقدیم کند. این کار اما به همان سادگی که در گفتار و روی کاغذ امکان‌پذیر است، قابل تحقق نیست و ترامپ نشان داده است که برای انجام فعالیت‌ها و اقدامات پرهزینه، حســـاب و کتاب زیادی می‌کند و بی‌محاسبه وارد اقیانوس نمی‌شـــود. تحلیلگران مخالف جمهوری اسلامی به‌ویژه تحلیلگران رســـانه‌های فارسی‌زبان هنوز هم با حرارت از ضرورت و لزوم حمله به جمهوری اسلامی در ایران، ترور یا دســـتگیری مقامات ارشد کشـــور و سرانجام براندازی جمهوری اسلامی ســـخن می‌گویند و هواداران خود در سراسر جهان را به اقدامی کـــه ایالات‌متحده انجام خواهد داد، امیدوار نگه می‌دارنـــد اما آنان نمی‌دانند که ممکن اســـت این حمله هیچ‌گاه رخ ندهد و چه با مفاد مورد نظر بنیامین نتانیاهو، چه بدون این مفاد، ایالات‌متحـــده می‌تواند با ایران به توافق مرضی‌الطرفین که مقدمه توافق‌های بعدی باشـــد، دست پیدا کند و جمهوری اسلامی در ایران برای سال‌های متمادی به حکومت خویش ادامه دهد.

در عین حال گمان می‌رود که در تهران وقوع حمله نظامی به‌عنوان یک گزینه تحمیل خیلی جدی گرفته شده است. در خلال صحبت‌هایش در ۲۲بهمن، مسعود پزشکیان از برخی کشورهای عربی- اسلامی که در حمله اول علیه ایران با آمریکا همکاری کرده بودند نام برد ولی گفت که ایران با همکاری با این کشـــورها در مقابل دشـــمنانش ایستادگی می‌کند. این در حالی است که برخی از این کشورها مانند عراق، پاکســـتان و... به‌طور مستقیم به ایالات‌متحده و اسرائیل در حمله به ایـــران کمک کرده بودند. ماراتن دیپلماتیک مقامات ایرانی در روزها و هفته‌های گذشته نه فقط صرف هشدار به همسایگان عرب و غیرعرب کشورمان شده بلکه به‌طور غیرمستقیم زنگ‌های خطر را در مورد وقوع یک جنگ منطقه‌ای، در صورت تعرض به ایران برای ایالات‌متحده به صدا درآورده است. همین هشدارها که البته از ســـوی همسایگان ایران بیشـــتر از اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها جدی گرفته شده، موجب به تعویق افتادن وقوع جنگ تا زمانی نه چندان قابل پیش‌بینی شده است

خبر

وزیران خارجه ایران و بحرین گفت‌وگو کردند

رایزنی تلفنی تهران و منامه در ارتباط با مذاکرات مسقط

ایسنا- وزیـــران امور خارجه ایران و بحرین با یکدیگر رایزنی و گفت‌وگو کردند. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و عبداللطیف الزیانی وزیر امور خارجه بحرین در یک تماس تلفنی باهم گفت‌وگو و رایزنی کردند. وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در این تماس تلفنی با تشکر از پیام تبریک پادشاه بحرین به رییس‌جمهور ایران به مناسبت چهل‌وهفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، همتای بحرینی را در جریان تحولات مرتبط با مذاکرات هسته‌ای ایران-آمریکا قرار داد. وزیر امور خارجه بحرین نیز ضمن تشکر از توضیحات وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ابراز امیدواری کرد گفت‌وگوهای جاری تا حصول نتیجه تداوم یابد. وزیران امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و بحرین همچنین بر استمرار رایزنی‌ها میان دو کشور تاکید کردند. جمعه هفته گذشته بود که بالاخره پس از حدود هشت‌ماه وقفه، گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا با میانجیگری طرف عمانی در مسقط برگزار شد و با تفاهم طرفین برای ادامه گفت‌وگوها خاتمه یافت.

حسینعلی حاجی‌دلیگانی، نماینده مجلس:

عدد ثابتی بنابر تورم ۶۲درصدی به حقوق کارگران اضافه شود

ایلنا- نایب‌رییس کمیسیون اصل‌نود قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی بر لزوم تعیین عدد ثابتی بنابر تورم ۶۲درصدی به‌منظور تعیین میزان افزایش حقوق کارگران در سال آینده تاکید کرد و گفت که باید از تعیین‌درصد در تعیین مزد کارگران پرهیز کنیم و عدد ثابتی را به حقوق‌شان اضافه کنند تا با تورم ۶۲درصدی که ماه گذشته بر کشور حاکم بود، مطابقت داشته باشد چراکه تعیین‌درصد در این شرایط پاسخگوی وضعیت تورمی اقتصاد ایران نیست. حسینعلی حاجی‌دلیگانی درباره تعیین دستمزد کارگران در سال آینده گفت: بحث حقوق کارگران جایگاه قانونی خودش را دارد که وزیر کار باید شورای‌عالی را تشکیل دهد و در آنجا تعیین‌تکلیف شود. این عضو فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: باید از تعیین درصد برای تعیین مزد کارگران پرهیز و عدد ثابتی را به حقوق‌شان اضافه کنند که مطابق تورم ۶۲درصدی که ماه گذشته داشتیم باشد چراکه تعیین درصد جواب تورم را نمی‌دهد. این نماینده اصولگرای مجلس همچنین تاکید کرد: باید به حقوق کارگران عددی اضافه شود زیرا عدد دستمزد کارگران پایین است اگردرصدی را مثلا ۵۰درصد اضافه کنیم، این ۵۰درصد جواب این تورم را نمی‌دهد اما در عدد مشخص می‌شود هزینه زندگی یک کارگر متاهل در سال آینده با توجه به نرخ تورمی که این روزها رکورد زده است، چقدر می‌شود. این نماینده مجلس شـــورای اسلامی همچنین ادامه داد: تورم در ماهای اخیر رشد بسیار فزاینده‌ای داشته است و فشار را بر اقشار ضعیف و کارگران آورده است. نایب‌رییس کمیسیون اصل‌نود قانون اساسی در مجلس شورای اسلامی در ادامه درخصوص تعیین حقوق و دستمزد کارمنـــدان در بودجه بیان کرد: افزایش حقوق کارمندان در بودجه بین ۲۰ تا ۴۳درصد آمده اســـت که به نظر من درصد کافی نیست و باید تلاش کنیم اینجا هم یک عدد ثابتی را به حقوق کارمندان اضافه کنیم.

«جهان‌صنعت» وعده پزشکیان برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب با حضور منتقدان را بررسی کرد

شفافیت گمشده

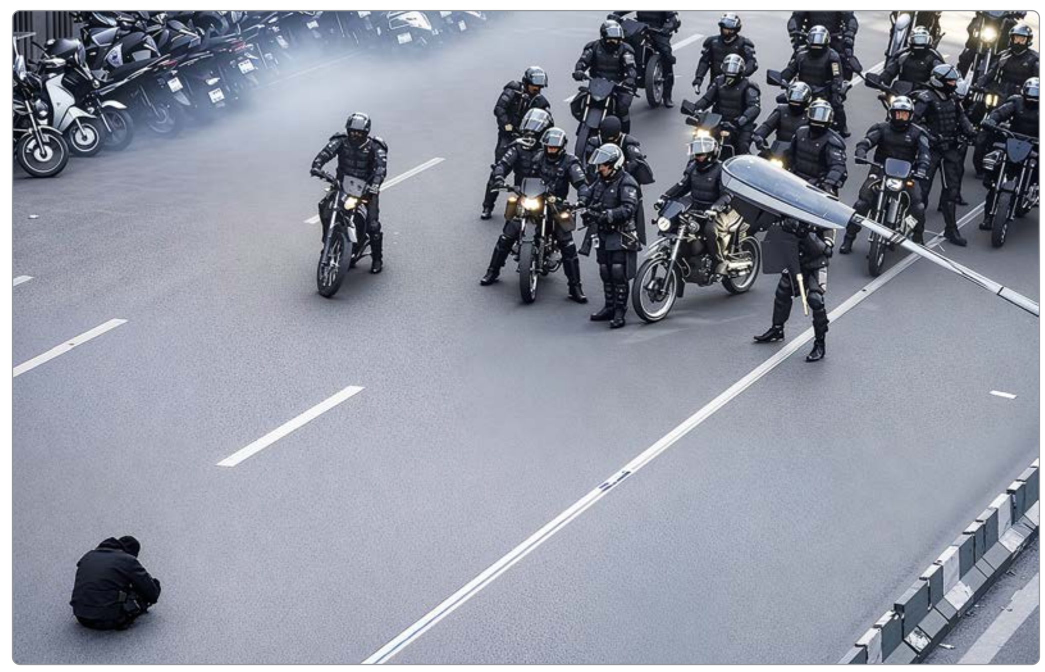

علیرضا کیانپور- «انصاف و حقیقت‌یابی هم خوب چیزی است!» این آخرین جمله و بخشی از نطقی است که رییس‌جمهور در آن علی شکوری‌راد را صراحتا به «بی‌انصافی» و فراتر از آن، «دروغگویی» متهم کرد. پزشکیان کمتر از ۲۴ساعت پیش از این اتهام‌زنی عجیب به یکی از مهم‌ترین حامیانش در انتخاباتی که او را به کاخ ریاســـت‌جمهوری رساند به‌طور سرزده خود را به مراسم اختتامیه جشنواره فیلم فجر رساند و هنرمندانی را که دست‌کم بعضا گفته بودند از آنجا که هنوز چهلم هزاران جانباخته اعتراضات دی‌ماه۱۴۰۴ نگذشـــته و دل و دماغ شرکت در مراسمی را ندارند که دولت هر سال به‌عنوان «جشن سالانه سینمای ایران» برگزار می‌کند، به‌شدت به باد انتقاد گرفت و گفت که غیبتشان در اختتامیه این جشن دولتی «کمال نامردی» است.

■ در اقتدار تریبون‌های یکجانبه

شاید اما یکی از عجیب‌ترین بخش‌های سخنان جنجالی و انتقادی پزشـــکیان علیه نایب‌رییس ستاد انتخاباتش که کمتر هم موردتوجه ناظران قرار گرفت، آنجاست که او خود صراحتا اذعان می‌کند که حتی خود او هم هنوز دقیقا نمی‌داند که در آن روزهای تلخ دی‌ماه چه در کشور گذشته است؛ آنجا که پزشکیان پیش از اتهام‌زنی به شکوری‌راد، از این می‌گوید که «گروهی را برای هر اســـتان» تعیین کرده تا درباره علت وقوع آنچه گذشت، تحقیق و «بررسی» کنند؛ بررسی‌هایی که از قضا همین دیروز سخنگوی دولت در توضیحاتی دوسطری اعلام کرده که بالاخره «با حضور نمایندگان نهادهای مرتبط تشکیل شده و در حال جمع‌آوری اسناد و شنیدن اظهارات است.» فاطمه مهاجرانی البته به‌جز این یک جمله توضیح سربسته، این را هم گفته که «گزارش نهایی کمیته حقیقت‌یاب پس از تکمیل فرآیند برای اطلاع عموم و اقدامات قانونی بعدی منتشر خواهد شد.» در واقع مسعود پزشکیان در حالی با این اطمینان هرگونه احتمالی درخصوص چگونگی شـــکل‌گیری این اعتراضات و دلایل به خشونت کشیده‌شدن آن را زیرسوال برده و انکار کرده که به اعتراف خودش و سخنگوی دولتش، روند بررسی و حقیقت‌یابی کماکان در گام‌ها و مراحل نخستین است و طبیعتا خروجی آن هنوز روشن نشده است.

البته اگر بخواهیم همان «انصافی» را که پزشکیان پیوسته از آن دم می‌زند، در نظر بگیریم، باید بگوییم او در سخنرانی ۲۳بهمن‌ماه علیه نایب‌رییس ستاد انتخاباتی خود به‌مراتب منصفانه‌تر و معقول‌تر از نخستین مواضع و سخنانش درباره این اعتراضات و علیه معترضان بود.

هرچه نباشـــد تنها کلام تندی که پزشکیان در نطق ۲۳بهمن‌ماه علیه شـــکوری‌راد به‌کار برد، این بود که به‌طور غیرمستقیم و با استناد به آیات قرآن، هر آنکه همچون شکوری‌راد، به این دلیل که «بسیار دروغگو و بدکار» است و به فرامین «شیطان» گوش فرامی‌دهد و «اندک‌راســـتش هم برای شـــبهه‌کاری و فساد و فتنه‌انگیزی است»، به «بی‌انصافی» متهم کرد. حال آنکه بیش از یک ماه پیش از این سخنان درحالی‌که تنها چند روز بیشتر از انسداد چند هفته‌ای اینترنت در کشور نگذشته بود و انسداد خطوط تلفن و ارتباطات پیامکی هم به‌طور کامل مرتفع نشده بود، با استفاده از تریبون یک‌جانبه صداوسیما، دست‌کم بخشی از معترضان را «تروریســـت» و «جانی» و آشوبگر» خطاب کرد که به‌گفته او، دســـت به خشونت زده و اماکن عمومی را بـــه آتش کشیده‌اند! آن هـــم در حالی که هنوز حتی خبر «تشکیل کمیته حقیقت‌یاب» هم مخابره نشده بود؛ کمیته‌ای که دو روز بعد، سخنگوی دولت بالاخره از دستور پزشکیان به‌منظور تشکیلش خبر داد و حالا پس از بیش از یک ماه، بالاخره آنطور که باز سخنگوی دولت پزشکیان، حدود دو روز پس از اتهام‌زنی رییس دولت به هنرمندان و منتقدان اعلام کرده، فعالیتش را آغاز کرده است.

■ در جست‌وجوی آرمان شفافیت

اظهارات پزشکیان را از جنبه دیگری هم می‌توان مورد بازخوانی قرار داد. در واقع لازم اســـت به آنچه درخصوص «نبود شفافیت» و انسداد کامل اینترنت و قطع ارتباطات تلفنی و حتی پیامکی در حاشیه بحث از رویکرد دوگانه و غیرمنصفانه پزشکیان اشاره شد، به‌طور مجزا و مستقل نیز بپردازیم؛ چه آنکه این دقیقا «نبود شفافیت» است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به انتشـــار روایت‌های گوناگون و البته شایعه و اخبار جعلی(فیک‌نیوز) دامن می‌زند و اگر فضا شفاف باشد، دیگر نه‌تنها نیاز نمی‌شود بالاترین مقام اجرایی مملکت به هر آنچه در فضای مجازی منتشـــر شده و نشده، پاسخ بدهد بلکه به باور بسیاری از ناظران، اگر «آرمان شفافیت سیاسی» محقق شده بود، اساسا دلیل نداشت که شـــهروندان آگاه از هزینه سنگینی که شرکت در اعتراضات درپی دارد، باز به خیابان بروند تا مگر کسی از مقامات صدایشان را بشنود. چه آنکه «نبود شفافیت» مادر مفاسد سیاسی و اقتصادی است و بخش بزرگی از ناکارآمدی شدیدی که در ساختار سیاسی کشور ریشه کرده، امکان پیدایش نمی‌یافت و اگر هم جایی به‌طور موردی به هر دلیل بروز می‌کرد، باز به‌دلیل «شفافیت» پیش از آنکه مصیبت و خسارتی وارد کند، ریشه‌کن می‌شـــد. حال آنکه وقتی دولـــت نه‌تنها گام موثری در راســـتای شفاف‌سازی برنمی‌دارد بلکه هر آن ابزار شفاف‌سازی را هم که در سایه پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی در جهان امروز حاصل شده و شهروند ایرانی نیز به فراخور، از آن برخوردار شـــده، مسدود و محدود می‌کند، معلوم اســـت که جامعه و شهروندان جامعه، خود دســـت به کار شوند تا مگر سردربیاورند که چه بر سرشـــان آمده و می‌آید. وانگهی مگر آنچه امروز شکوری‌راد گفته، همان نیست که دیروز برخی از مهم‌ترین مقام‌های ارشد سیاسی و نظامی مملکت نیز گفتـــه بودند؟! مگر محمود احمدی‌نژاد که زمانی رییس‌جمهور محبوب هســـته سخت حاکمیت بود، وقتی در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری۱۴۰۰، دوباره فیلش یاد هندوستان کرده و اسبش را به‌سوی پاستور زین می‌کرد، همین را که شکوری‌راد درباره اعتراضات دی‌ماه۱۴۰۴ گفته، درباره اعتراضات پس از انتخابات۸۸ نگفته بود؟! مگر سردار همدانی از «به‌کارگیری ۵هزار نفر از اراذل و اوباش» در جریان همان اعتراضات پس از انتخابات۸۸ سخن نگفته بود؟! واقعیت این است که در تمام این سال‌ها و دهه‌ها، پس از اعتراضاتی که عملا هر چند ســـال یک بار بروز کرده و رویدادهایی تلخ و خونین را -از دی‌ماه۹۶ و آبان‌ماه۹۸ گرفته تا پاییز۱۴۰۱ و جنبـــش زن، زنـــدگی، آزادی»- در تقویم سیاسی این مملکت ثبت کرده، یا اساســـا تلاشی در راستای شفاف‌سازی و حقیقت‌یابی انجام نشده یا اگر چنین شده، چنان غیرشفاف بوده که نتوانسته اعتماد عمومی را جلب کند. کمیته‌هایی با ادعای «حقیقت‌یابی» که حتی در این حد شفاف نبوده‌اند که ملت بدانند اعضایشان چه کسانی هستند! چنانکه همین حالا هم که بالاخره سخنگوی دولت از فعال شدن کمیته حقیقت‌یاب خبر داده، معلوم نیست چه کسانی در این کمیته عضویت دارند.

در آرزوی «حقیقت‌یابی» و راستی‌آزمایی مستقل ازقضا مهم‌ترین بخش این نطق تند و تیز پزشکیان، دقیقا همانجاســـت که او به‌نحوی از منتقدان برای حقیقت‌یابی دعوت کرده است. هرچند از آنجا که در روزهای گذشته نه‌تنها علی شکوری‌راد که در ارتباط با نحوه برخورد با معترضان دست به افشاگری زده بود، هم‌اکنون در بازداشت است بلکه یک دو جین از دیگر همفکران او نیز بازداشت شده‌اند، پزشکیان به ناگزیر در جمله‌ای که خود می‌تواند سنگ محک قابل‌اعتمادی برای راستی‌آزمایی گفته‌هایش باشد، گفته «می‌خواهم آدمی را که ادعا کرده چنین اتفاقاتی از سوی حاکمیت رخ داده، از بازداشت بیرون بیاورند و به او اختیار بدهیم تا بررسی کند اگر ســـخنانش صحت داشت، ما را دار بزنند!» ادعایی که اگر رنگی از واقعیت داشت، اساسا نباید شکوری‌راد و همفکرانش بازداشت می‌شدند که حالا بالاترین مقام اجرایی کشور بخواهد دستور بدهد تا او را «از بازداشـــت بیرون بیاورند» و بعد به او اختیار بررسی و حقیقت‌یابی بدهد. با این همه اما از آنجا که پزشکیان پیوسته از «انصاف» می‌گوید، ما هم با پیروی از او که بالاترین مقام اجرایی مملکت است، به‌جای داوری پیشـــاپیش، منصفانه از پزشکیان می‌خواهیم دست‌کم به این یک وعده خود جامه عمل بپوشاند تا مگر یک‌بار برای همیشه، گزارشی شفاف و بی‌طرف از آنچه در یکی از فجایع ملی این مملکت رقم خورده، در اختیار شهروندان این سرزمین قرار گیرد؛ گزارشی که شاید حتی بشود سند و مدرکی باشد در رد یا تایید آنچه در گذشته رقم خورده و ملاک و معیاری برای آنچه احتمالا در آینده انتظارمان را می‌کشد.

گفت‌وگو

بررسی دلایل حمله پزشکیان به شکوری‌راد در گفت‌وگوی «جهان‌صنعت» با رحیم ابوالحسنی

امیدی به کارآمدی کمیته حقیقت‌یاب نیست

علی فریدونی- علی شـــکوری‌راد که از چهره‌های شاخص جریان اصلاحات است و در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر نیز از اعضای ارشد ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان بود، چندی پیش در نشستی که ازقضا به‌دعوت علی عبدالعلی‌زاده، معاون رییس‌جمهور و با حضور اعضای ســـتاد انتخاباتی پزشکیان برگزار شد، به روایت اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه پرداخته و در بخشی از سخنانش که فایل صوتی آن در فضای مجازی منتشـــر شده، ادعاهایی را درخصوص نقش «نهادهای امنیتی» در تشدید خشونت در اعتراضات با برخورد با معترضان مطرح کرده است. افشاگری و اظهاراتی که در ادامه در حالی زمینه‌ساز بازداشت او شد که پیش و پس از آن نیز شاهد بازداشت و احضار شماری از دیگر اعضای ارشد جبهه اصلاحات ایران همچون آذر منصوری، جواد امام، ابراهیم اصغرزاده، محسن امین‌زاده، بدرالسادات مفیدی، فرج کمیجانی، فیض‌الله عرب‌سرخی، حسین کروبی و محسن آرمین بودیم. بازداشت‌ها و احضارهایی که با واکنش‌های گسترده همراه شد و در ادامه باعث شد حتی مسعود پزشکیان نیز با لحن و ادبیاتی دور از انتظار به آن واکنش نشان دهد. پزشکیان که به‌ویژه شکوری‌راد را بـــه باد انتقاد گرفته و او را به «بی‌انصافی» و «دروغگویی» متهم کرده، همچنین گفته «می‌خواهم آدمی را که ادعا کرده چنین اتفاقاتی ازسوی حاکمیت رخ داده از بازداشت بیرون بیاورند و به او اختیار بدهیم تا بررسی کند تا اگر سخنانش صحت داشت ما را دار بزنند!» مواضعی که متعاقبا منجر به شکل‌گیری ابهامات و سوالاتی نزد افکار عمومی شد و ما نیز برای درک بهتر موضوع به سراغ رحیم ابوالحسنی رفتیم و بخشی از این پرسش‌ها را با این استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران که از اعضای ارشد حزب اعتماد ملی است، درمیان گذاشتیم.

***

آقای پزشکیان در هفته‌های گذشته علیه اعتراضات اظهارنظر کرده و دســـت‌کم بخشی از معترضان را با تعابیری تند خطاب کرده است. مواضعی که پیش از آغاز به کار کمیته حقیقت‌یاب دولت مطرح شده و به باور برخی ناظران برآمده از داوری یک‌جانبه اوست. نظر جنابعالی در این رابطه چیست؟!

به‌طور کلی، در واکنش به اظهارات اخیر آقای پزشکیان _به‌ویژه آنچه در پاســـخ به سخنان آقای شکوری‌راد مطرح شده و به نوعی یک‌طرفه تلقی شده_ چند نکته قابل‌طرح است. نخست اینکه این نوع موضع‌گیری‌ها از منظر افکار عمومی چگونه ارزیابی می‌شود. نکته دوم به مساله نبود شفافیت بازمی‌گردد که خود موجب طرح پرسش‌های بیشتر شده و به جای پاسخگویی، فضایی ایجاد کرده که نوعی انسداد و محدودیت در اطلاع‌رسانی برداشت می‌شود. نکته سوم نیز به موضوع کمیته حقیقت‌یاب مربوط است که درباره آن اظهاراتی از سوی مقام‌های دولتی مطرح شده است.

همانگونه که اطلاع دارید آقای شکوری‌راد درباره اعتراضات و اینکه برخی به‌سمت خشونت‌آمیز شدن فضا حرکت کرده‌اند، سخن گفته‌اند. از سوی دیگر آقای پزشکیان نیز اخیرا مواضعی اتخاذ کرده‌اند که لحن آنها به نظر برخی ناظران تا حدی یک‌جانبه بوده است؛ در حالی که پیشتر تاکید داشتند که نباید چنین رویکردی اتخاذ شود! برای مثال در اختتامیه جشنواره فیلم فجر هم خطاب به هنرمندان از تعبیر «نامردی» استفاده کردند؛ در حالی که این جشنواره اساسا متعلق به هنرمندان اســـت و آنان در شرکت یا عدم شرکت در آن اختیار دارند. از سوی دیگر سخنگوی دولت نیز درخصوص کمیته حقیقت‌یاب و همچنین اعتراضات مواضعی مطرح کرده و به نوعی درباره آنها قضاوت کرده است؛ ازجمله اینکه گفته شد افرادی اعزام شده‌اند تا بررسی کنند چه اتفاقی رخ داده و در برخی موارد نیز اتهاماتی همچون «تروریست» بودن معترضان مطرح شد؛ در حالی که گزارش قطعی هنوز منتشر نشده و حتی خود سخنگوی دولت هم تاکید کرده که این کمیته هنوز کار خود را به پایان نرســـانده و اساسا در حال تشکیل است. پرسش اصلی این است که این نوع یک‌طرفه سخن گفتن ازسوی چهره‌های سیاسی چه آسیب‌هایی دارد و ریشه آن در چیست.

به نظر من، اصل مســـاله به فقدان یک ســـازوکار نهادی برای رسیدگی به اختلافات و شـــبهات بازمی‌گـــردد. اختلاف، تعارض و ادعاهایی که در فضای سیاسی و رسانه‌ای مطرح می‌شود، درنهایت باید در یک مرجع قضایی و رسمی رسیدگی شود. وجود یک دادگاه یا مرجع رسیدگی مشخص می‌تواند این قبیل مسائل را به مسیر حقوقی هدایت کند، از شدت تضادها و تنش‌ها بکاهد، حقایق را روشن‌تر سازد و در نهایت اعتماد عمومی را تقویت کند. در شرایط کنونی هر جناح سیـــاسی یا جریان اپوزیسیون، مخاطبان و طرفداران خود را دارد که سخنان موردنظرشان را می‌پذیرند و سایر دیدگاه‌ها را طرد می‌کنند؛ این موضوع اساســـا خاصیت مخاطبان است و به فضای دوقطبی ارتباطی بازمی‌گردد. در نتیجه طرفداران آقای شـــکوری‌راد سخنان دولـــت را نمی‌پذیرند و در مقابل حامیـــان حاکمیت نیز دیدگاه‌های مخالف را رد می‌کنند.

معتقدم مشکل اساسا اینجاست که در کشورهایی مانند کشور ما رسانه‌ها از آزادی کافی برخوردار نیستند و به همین علت بی‌طرفی لازم نیز وجود ندارد و محدودیت‌های موجود در فضای سیاسی و رسانه‌ای کشور نیز قابل‌انکار نیست. ادبیات سیاسی امروز پزشکیان با ادبیات هم‌آوا و همساز دوران انتخابات او متفاوت است هرچند این موضوع تا حدی طبیعی است که هر مقام سیاسی از جایگاه خود دفاع کند اما افکار عمومی انتظار دارد او همان گفتمانی را که در زمان انتخابات بـــرای جلب رأی مردم مطرح کرد، پس از پیروزی نیز تا حد امکان حفظ کند. اگر محتوای وعده‌ها و ادبیات انتخاباتی آقای پزشـــکیان بررسی شـــود، می‌بینیم طی حدود یک‌سال‌ونیم، بخشی از وعده‌ها ازجملـــه در حوزه اینترنت، فیلترینگ یا در بحث مذاکره و همینطور مسائل اقتصادی محقق نشده است. این امر به‌طور طبیعی موجب تضعیف پایگاه اجتماعی و کاهش اعتماد و مشـــروعیت ادراک شده در افکار عمومی می‌شود.

لازم است پیشاپیش سازوکاری طراحی شود تا مدعیان هر ادعایی، به جای طرح مستقیم آن در رسانه‌ها، به یک مرکز مشخص برای رسیدگی مراجعه کنند. این مرکز می‌توانست زیر نظر ریاست‌جمهوری یا با همکاری قوه قضاییه تشکیل شود تا هرگونه شایعه‌پراکنی یا اتهام‌زنی در آن بررسی، صحت‌سنجی و تعیین‌تکلیف شود تا از تشدید تنش‌های رسانه‌ای جلوگیری شود.

از طرفی ادبیات آقای پزشکیان به نظر من در شأن شرایط اجتماعی و رنج مردم نیســـت. جامعه در حال تحمل مشـــکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده است و بسیاری از شهروندان با غم از دست دادن عزیزان خود مواجه هستند. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود ادبیاتی دلســـوزانه، مهربانانه و همدلانه به کار گرفته شود. همانگونه که در ابتدای انقلاب با اســـتناد به کتب و روایات گفته می‌شد که حضرت علی پس از جنگ جمل به خانواده کشته‌شدگان سر می‌زد و با یتیمان آنان همدردی می‌کرد و در فرهنگ دینی و تاریخی ما نیز نمونه‌های متعددی از این نوع ادبیات وجود دارد. چنین سخنانی در شأن آقای پزشکیان -که با نهج‌البلاغه آشنایی و ارتباط دارد، نیست بلکه ادبیات همدلانه، موردپسند افکار عمومی است و انتظار می‌رود ادبیاتی متناسب با میراث فکری و اخلاقی به‌کار گرفته شود. از این‌رو، آقای پزشکیان باید در ادبیات خود تجدیدنظر کند.

از طرفی درباره اظهارات آقای شکوری‌راد نیز باید توجه کرد که طرح برخی ادعاهای این‌چنینی در رسانه‌ها، به‌ویژه به این دلیل که اثبات آنها دشوار است، می‌تواند برای گوینده، افکار عمومی و حتی جریان‌های سیاسی حامی او مشکل‌آفرین باشد و بهانه‌ای در اختیار مخالفان قرار دهد. بسیاری از موضوعات را می‌توان ابتدا در قالب مکاتبه خصوصی با دولت مطرح کرد و در صورت عدم پاسخگویی به شکل متنی یا گفت‌وگو، سپس به‌صورت عمومی بیان نمود. وقتی کشور با تهدیدهای خارجی و دشمنان جدی مواجه است، طرح تنش‌های رسانه‌ای گسترده به صلاح نیست اما پس از فروکش کردن تنش‌ها، تشکیلات سیاسی مرتبط با آقای شکوری‌راد و سایر احزاب می‌توانند درخواست نشست، گفت‌وگو یا حتی مناظره داشته باشند تا به شفاف‌سازی مسائل کمک شود چرا که باقی ماندن این مسائل به‌صورت حل نشده، مانند آتش زیر خاکستر است که می‌تواند در آینده شعله‌ورتر شود.

البته در رابطه با آقای پزشـــکیان نکته دیگری که لازم به توجه است، این است که او تا پیش از انتخابات از سوی شخص خود سخن می‌گفت اما اکنون در ساختار حاکمیت ایفای نقش می‌کند. این موقعیت جدید، مستلزم ادبیات و مواضع خاصی است که البته درباره جزئیات آن قضاوتی ندارم زیرا از تمامی ملاحظات درون‌سیستمی آگاه نیستم. اما به هر حال او اکنون در سیستمی قرار دارد که در رأس آن حاکمیت، در کنار آن رقبای سیاسی و در بیرون از آن نیز دشمنانی خونخوار حضور دارند

اتفاقا همان‌طور که اشاره کردید، آقای پزشکیان در جریان اختتامیه جشنواره فیلم فجر هم ادبیاتی مشابه را علیه هنرمندانی که از حضور در این جشنواره به احترام سوگ و حزن عمومی صرف‌نظر کرده بودند، به‌کار برده است.

به‌نظر مـــن ادبیات اخیر آقای پزشـــکیان به‌ویژه در اختتامیه جشنواره فجر و خطاب به هنرمندانی که شرکت نکرده‌اند، ادبیات مهربانانه و بزرگوارانه‌ای نبود. در دوره پیش از انقلاب نیز در مقاطعی به‌دلیل حوادث و کشتارها، مراسم شادی لغو می‌شد؛ همانطور که به‌علت کشتار مردم تبریز مراسم عید سال نو برگزار نشد و این امر نشانه سوگواری اجتماعی تلقی می‌شد؛ بنابراین اگر فردی به‌دلیل سوگواری در یک جشنواره شرکت نکند، اهانت به او روا نیست و باید با ادبیات همدلانه با او سخن گفت، مگر آنکه مراسم به‌طور کلی ماهیت سیاسی داشـــته باشد و سیاسی تلقی شود که در این شـــرایط نیز برخی که از گفتمان سیاسی دیگری هستند، در آن شرکت نخواهند کرد. درمجموع، برداشت من این است که ادبیات رییس‌جمهور نســـبت‌به دوران انتخابات تغییر کرده؛ او عصبی و خســـته‌تر به نظر می‌آید و آن لحن مهربانانه و محترمانه پیشین، کمتر مشاهده می‌شود.

نکته دیگری که وجود دارد مساله شفافیت است که آقای پزشکیان و برخی از دیگر مقام‌ها نیز در سال‌های اخیر پیوسته از آن سخن گفته‌اند اما در اعتراضات اخیر شاهد بودیم که نه‌تنها بستری برای این شفافیت به‌وجود نیامد بلکه اینترنت و ارتباطات تلفنی و پیامکی مسدود و مختل شد و در برخی موارد حتی شاهد قطع برق برخی از خیابان‌هایی بودیم که معترضان در آنها دست به تجمع زده بودند؛ نظر شما در این رابطه چیست؟

شخصا معتقدم شفافیت در شرایط جنگی معنی ندارد و این توقع که بستر برای نظارت و مشاهده بی‌طرفانه فراهم باشد، انتظار عاقلانه، منصفانه و درستی نیست. در زمانی که یک طرف دست به کشتن می‌زند و یک نیروی خارجی اینچنین در حال فعالیت است، نمی‌توان انتظار شفافیت داشت و باید تمام راه‌های رد و بدل کردن پیام قطع می‌شد. به نظر من کار عاقلانه‌ای بود چراکه در وضعیت جنگی، تبادل آزاد اطلاعات می‌تواند از منظر امنیتی محدود شود تا دشمن نتواند از آن بهره‌برداری کند.

نکته دیگر درباره صحبت‌های اخیر آقای شکوری‌راد، این است که همین مســـائل پیش از این هم ازسوی برخی مقام‌های ارشد سیاسی و نظامی همچون آقای احمدی‌نژاد و سردار همدانی مطرح شده بود اما در آن موارد هم شاهد واکنش شفاف مسوولان به آن ادعاها نبودیم؛ نظر شما در این رابطه چیست؟

درخصوص اظهاراتی که از ســـوی ســـردار همدانی یا آقای احمدی‌نژاد درباره سوق دادن اعتراضات به خشونت مطرح شده، تاکیـــد من همچنان بر ضرورت وجود یـــک دادگاه صالح برای رسیدگی به این ادعاهاست. اگر چنین مرجع مستقلی وجود داشت، می‌توانست صحت یا سقم این ادعاها را بررسی و به‌صورت رسمی اعلام کند. فقدان چنین مرجعی یکی از مشکلات ساختاری کشور اســـت. شفافیت واقعی نیز از مسیر همین سازوکارهای حقوقی و رسیدگی‌های رســـمی تحقق می‌یابد. احزاب نیز می‌توانند نقش مهمی در پاسخگویی ایفا کنند؛ به‌گونه‌ای که اگر ادعایی ازسوی یک شخصیت سیاسی از طریق یک حزب مطرح شود، آن حزب باید در چارچوب تشـــکیلاتی خود پاسخگو باشد. باید توجه کرد که در کشـــوری که آمار طلاق هم در مقاطـــعی مثلا در زمان ریاســـت‌جمهوری احمدی‌نژاد محرمانه می‌شود، نمی‌توان انتظار شفافیت داشت!

یکی از شئون مهم شفافیت، شفافیت قضایی است که به بحث بازداشـــت‌ها مربوط است؛ نظرتان در این رابطه چیست؟!

براســـاس اصول حقوقی، تفهیم اتهام باید در کوتاه‌ترین زمان و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت انجام شود و در صورت نبود دلایل کافی، فرد آزاد گردد؛ مگر آنکه موضوع به جرایم سازمان‌یافته یا مسلحانه مربوط باشد. در این زمینه شخصا معتقدم که بخشی از عملکرد دستگاه‌های قضایی و امنیتی در این زمینه ازجمله چالش‌های ســـاختاری کشور محسوب می‌شود.

نکته دیگر تجربه تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در گذشته اســـت که به بخشی به دلیل همین بحث نبود شفافیت چندان در جلب اعتماد عمومی موفق نبوده؛ این بار آقای پزشکیان وعده دعوت از آقای شکوری‌راد را مطرح کرده؛ آیا اگر به‌واقع این کار انجام شـــود کمکی به بازسازی اعتماد عمومی می‌کند؟!

به نظر من ریشه عدم موفقیت نهادهایی از این دست را باید در ضعف قدرت اجتماعی و جامعه مدنی جســـت‌وجو کرد زیرا در غیاب نهادهای اجتماعی قدرتمند و پاسخگو، شفافیت نهادی نیز تضعیف می‌شـــود. تقویت احزاب، تربیت افکار عمومی و افزایش قدرت جامعه مدنی، راهکار اساسی برای ارتقای پاسخگویی است. به طور طبیعی هیچ نهادی برای ارائه آمارهای حقیقی ازسوی خود آماده نیســـت و نمی‌توان چنین انتظاری داشت بلکه باید جامعه و نهادهای مدنی آنها را پاســـخگو کنند. به‌طور کلی، تجربه چند دهه گذشته نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل مورد مناقشه در کشـــور به‌طور کامل رسیدگی نشده، متخلفان مشخص نشده‌اند و در برابر افکار عمومی به نتیجه روشـــنی نرسیده‌اند؛ در نهایت، هر دو طرف یکدیگر را متهم می‌دانند و پرونده‌ها بسته می‌شود. از این‌رو، شخصا امید چندانی به کارآمدی کمیته حقیقت‌یاب در بازسازی اعتماد عمومی ندارم.

«جهان‌صنعت» عملکرد اقتصادی دولت‌های مختلف در ایران را بررسی می‌کند

رقابت وعده‌ها، پیروزی تورم

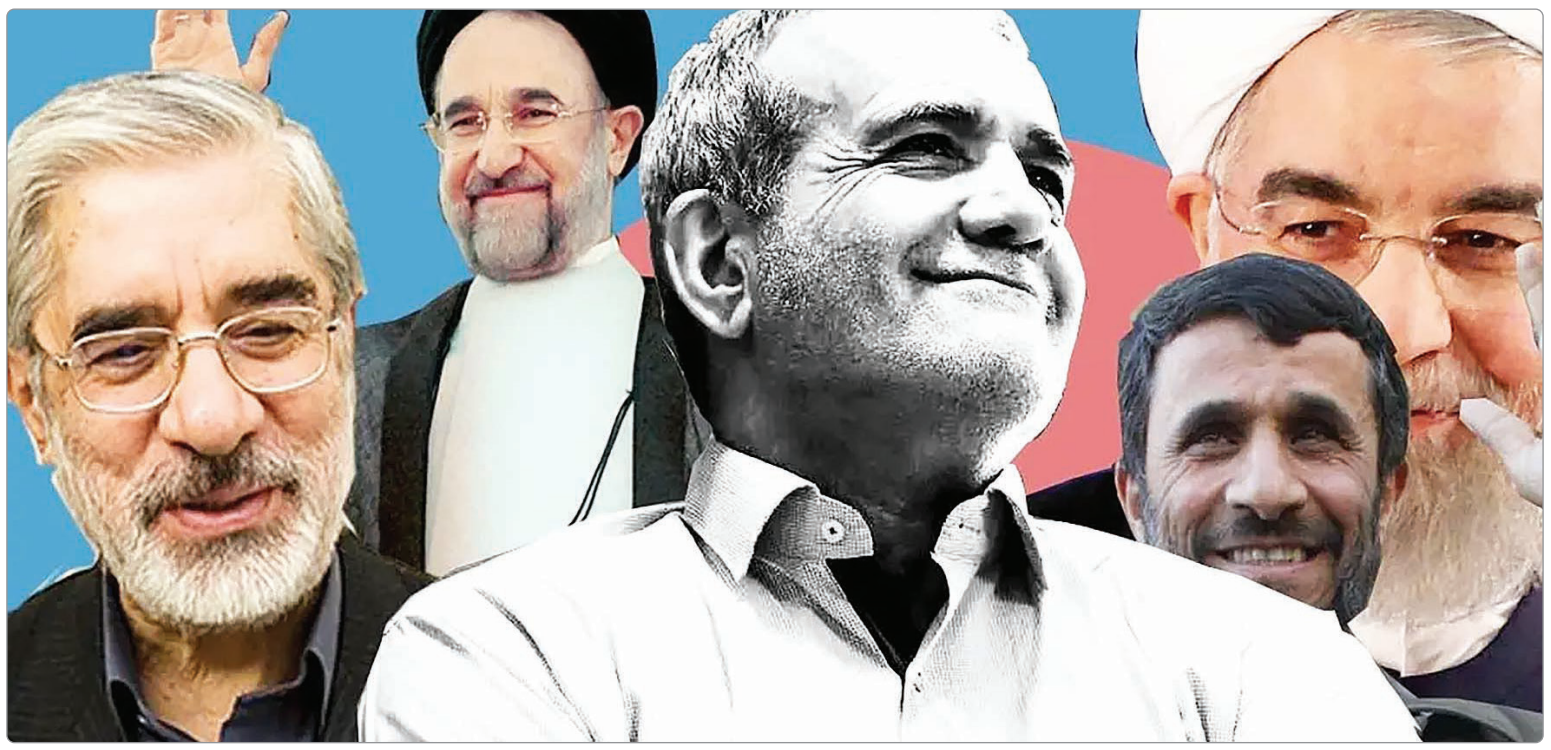

احسان کشاورز– چهاردهه وعده و چهار دهه تورم. اگر قرار باشد اقتصاد ایران را در یک جمله خلاصه کنیم شاید همین کافی باشد: دولت‌ها آمدند و شعارها تغییر کرد اما عددها چندان عوض نشد. از سازندگی و اصلاحات تا عدالت‌محوری، تدبیر و دولت مردمی هر جریان سیاسی با نسخه‌ای تازه برای نجات اقتصاد پا به‌میدان گذاشت اما آنچه در پایان هر دوره در حافظه مردم باقی مانده نه بیانیه‌ها که نرخ تورم، قیمت دلار و قدرت خرید فرسوده بوده است. مرور داده‌های رسمی از سال ۱۳۶۷تا۱۴۰۳ نشان می‌دهد اقتصاد ایران میان دوقطب در نوسان بوده است: بهترین دوره تورمی با حدود ۱۱درصد و بدترین آن با بیش از ۴۵درصد. رشد اقتصادی نیز از اوج‌های نزدیک به۸درصد تا کف‌های نزدیک‌به‌صفر در رفت‌وآمد بوده است. در این میان برخی دولت‌ها توانستند برای مدتی کوتاه ثبات نسبی ایجاد کنند اما هیچ‌کدام موفق به‌تثبیت پایدار آن نشـــدند. تفاوت‌ها بیشتر در شدت بحران بوده تا در ماهیت آن. گرایش‌های مختلف سیاسی هر کدام بخشی از مسیر را تجربه کردند. اصلاح‌طلبان دوره‌ای کم‌تورم‌تر را ثبت کردند اما ساختار بانکی و مالی اصلاح نشـــد. اصولگرایان با شـــعار عدالت وارد شدند اما با جهش‌های ارزی و تورمی سنگین مواجه شدند. دولت اعتدالی توانست تورم را موقتا مهار کند اما با بازگشت تحریم‌ها به‌یکی از پرنوسان‌ترین دوره‌های ارزی رسید. دولت مردمی نیز با وعده مهار تورم آغاز کرده اما در کارنامه خود بالاترین میانگین تورمی چهاردهه اخیر را ثبت کرد. اعداد نشان می‌دهد هیچ‌جریان سیاسی نتوانسته الگوی متفـــاوت و پایدار خلق کند و هرکدام در مقطعی از چرخه تورم و رکود گرفتار شدند. آنچه این روایت عددی آشکار می‌کند صرفا رقابت میان دولت‌ها نبوده بلکه رقابت میان شعار و واقعیت است. اقتصاد ایران در چهاردهه گذشته بیشتر از آنکه اسیر تغییر دولت‌ها باشد گرفتار تداوم یک ساختار بوده؛ ساختاری که در آن اصلاحات نهادی به‌تعویق افتاده، سیاست‌های کوتاه‌مدت بر تصمیم‌های بلندمدت غلبه کرده و هزینه نهایی بر دوش جامعه افتاده است. این گزارش با تکیه بر اعداد رسمی می‌کوشد کارنامه هر دولت را در آینه عملکرد واقعی آن نشان دهد؛ آیینه‌ای که بی‌رحم‌تر از هر شعار سیاسی قضاوت می‌کند.

■ کارنامه تورمی دولت‌ها؛ از ۱۱ تا ۴۵درصد

تـــورم در اقتصاد ایران فقط یک شـــاخص آماری نبـــوده بلکه روایتی فشـــرده از عملکـــرد دولت‌ها در چهاردهه گذشـــته اســـت. از ســـال ۱۳۶۷تا۱۴۰۳ این متغیـــر کلیدی در بازه‌ای میان ۱۱درصد تا ۴۵/۳درصد نوسان کرده و نشان داده کدام دولت‌ها توانستند ثبات نسبی ایجاد کنند و کدام‌ها با جهش‌های قیمتی مواجه شدند. مقایسه عددی دولت‌ها تصویر روشنی از فراز و فرودهای سیاستگذاری اقتصادی در ایران ارائه می‌دهد. در دولت‌پنجم به‌ریاســـت اکبرهاشـــمی رفسنجانی با گرایش سازندگی و شعار بازسازی اقتصاد پس از جنگ میانگین تورم حدود ۱۸/۸درصد ثبت شـــد؛ رقمی که در دولت‌ششـــم به۳۱درصد افزایش یافت. این جهش تورمی همزمان با بحران ارزی سال‌های۷۳و۷۴ رخ داد و نشان داد اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی بدون پشتوانه ارزی پایدار می‌تواند به‌موج‌های تورمی سنگین منجر شود. با روی‌کارآمدن محمد خاتمی و دولت‌های هفتم و هشـــتم با گرایش اصلاح‌طلبانه و شعار توسعه سیاســـی و جامعه مدنی تورم وارد مســـیر نزولی شد. میانگین تورم در دولت هفتم به۱۵/۵درصد و در دولت هشتم به۱۴/۱درصد کاهش یافت؛ یکی از باثبات‌ترین دوره‌های تورمی پس از انقلاب که در آن ثبات نســـبی بازار ارز نقش مهمی ایفا کرد. در ادامه محمود احمدی‌نژاد با گرایش اصولگرا و شعار عدالت‌محوری در دولت نهم تورمی حدود ۱۷درصد را تجربه کرد اما در دولت دهم میانگین تورم به۲۴/۶درصد رسید؛ دوره‌ای که با تشدید تحریم‌های هســـته‌ای و جهش نرخ ارز همراه بود. این روند نشان داد افزایش فشارهای خارجی چگونه می‌تواند مستقیما به‌ســـطح عمومی قیمت‌ها منتقل شود. دولت یازدهم به‌ریاست حسن روحانی با گرایش اعتدالی و شعار «تدبیر و امید» کمترین نرخ تورم چهاردهه اخیر را ثبت کرد. میانگین تورم در سال‌های۱۳۹۳تا۱۳۹۶ به‌حدود ۱۱درصد رسید؛ دوره‌ای که با توافق برجام و ثبات نسبی ارزی همـــراه بود. با این حال در دولت دوازدهم و پس از خروج آمریـــکا از برجام میانگین تورم به۴۱/۳درصد جهـــش کرد و یکی از ســـنگین‌ترین دوره‌های تورمی اقتصاد ایران رقم خورد.

دولت سیزدهم به‌ریاست ابراهیم رئیسی با گرایش اصولگـــرا و شـــعار «دولت مـــردمی» بالاترین رکورد تورمی ایـــن دوره را ثبت کرد؛ میانگین ۴۵/۳درصد در سال‌های۱۴۰۱تا۱۴۰۳. این‌رقم نه‌تنها بالاترین سطح تورم در میان دولت‌های مورد بررسی است بلکه فاصله معناداری با کف تاریـــخی ۱۱درصدی دارد. مرور این اعداد نشان می‌دهد تورم در اقتصاد ایران بیش از آنکه صرفا به‌گرایش سیاسی دولت‌ها وابســـته باشد تابعی از ثبات ارزی، شرایط تحریم و نحوه مدیریت شوک‌های بیرونی بوده است. با این حال کارنامه عددی چهاردهه گذشـــته نشـــان می‌دهد برخی دولت‌ها در ایجاد ثبات قیمتی موفق‌تر عمل کردند و برخی دیگر با رکوردهای تورمی ســـنگین‌تری در حافظه اقتصادی کشـــور ثبت شدند؛ تفاوتی که در جمع‌بندی نهایی تصویر دقیق‌تری از عملکرد جریان‌های سیاسی ارائه خواهد داد.

■ کارنامـــه ارزی دولت‌هـــا؛ جهش‌ها کجا رقم خورد؟

اگر قرار باشد تنها یک متغیر را به‌عنوان «دماسنج اقتصاد ایران» معرفی کنیم بی‌تردید نرخ ارز در صدر قرار می‌گیرد؛ متغیـــری که هر بار جهش کرده تـــورم، انتظارات و حتی معادلات سیاسی را نیز با خود بالا کشیده است. مرور عملکرد دولت‌ها از ســـال۱۳۶۷تا۱۴۰۳ نشان می‌دهد جهش‌های ارزی نه تصادفی بودند و نه بی‌ریشه بلکه هر کدام در بستر خاصی از سیاست خارجی، تحریم و مدیریت اقتصادی رقم خوردند. در دولت پنجم به‌ریاست اکبرهاشمی رفسنجانی با گرایش سازندگی میانگین رشد نرخ ارز حدود ۵/۶درصد بود اما در دولت ششم همین عدد به۳۱درصد رسید. بحران ارزی سال‌های۷۳و۷۴ نخستین شوک جدی ارزی پس از جنگ را رقم زد و نشان داد اقتصاد دربرابر عدم تعادل‌های ارزی تا چه اندازه شکننده است. با روی کار آمدن محمد خاتمی و دولت‌های هفتم و هشتم رشد نرخ ارز به‌ترتیب به۱۴/۲درصد و سپس به۳درصد کاهش یافت. این دوره یکی از باثبات‌ترین مقاطع ارزی محسوب می‌شود؛ زمانی که سیاست تنش‌زدایی خارجی و درآمدهای نفتی مناسب به‌مهار بازار ارز کمک کرد. در دولت نهم به‌ریاست محمود احمدی‌نژاد رشد نرخ ارز به‌حدود ۲/۵درصد محدود شد اما این آرامش دوام نداشت. در دولت دهم با تشدید تحریم‌های هسته‌ای و قطع دسترسی به‌منابع ارزی میانگین رشد نرخ ارز به۳۳/۶درصد جهـــش کرد. دلار در این دوره به‌موتور انتظارات تورمی تبدیل شد.

دولت یازدهم به‌ریاســـت حسن روحانی با شعار «تدبیر و امید» توانست رشد نرخ ارز را به۵/۲درصد کاهش دهد یعنی نتیجه ثبات نسبی حاصل از توافق برجام. در دولت دوازدهم اما با خروج آمریکا از برجام میانگین رشد نرخ ارز به‌رکورد بی‌سابقه ۶۳درصد رسید؛ بالاترین رقم در میان همه دولت‌های مورد بررسی. در دولت سیزدهم نیز میانگین رشد نرخ ارز در سطح ۲۹/۴درصد ثبت شد؛ رقمی کمتر از رکورد دولت دوازدهم اما همچنان بسیار بالاتر از دوره‌های باثبات پیشین. مرور این اعداد نشان می‌دهد جهش‌های ارزی دقیقا در مقاطع تشدید تحریم و تنش خـــارجی رخ دادند. دلار در اقتصاد ایران نه‌فقط یک متغیر مالی بلکه آیینه‌ای از ریسک سیاسی و بی‌ثباتی ساختاری است؛ آیینه‌ای که هر بار ترک برداشته سایر شاخص‌ها را نیز با خود شکسته است.

■ کارنامه پولی دولت‌ها؛ رشد بی‌وقفه نقدینگی

اگر تورم را نتیجه بدانیم نقدینگی علت مزمن آن بوده؛ متغیری که در چهاردهه گذشته تقریبا در همه دولت‌ها با آهنگی بالا رشد کرده و هیچ‌گاه به‌زیر ۲۰درصد سقوط نکرده است. از سال۱۳۶۷تا۱۴۰۳ میانگین بلندمدت رشد نقدینگی حدود ۲۸/۱درصد بوده؛ عددی که به‌خوبی نشان می‌دهد موتور خلق پول در اقتصاد ایران تقریبا همیشه روشن بوده صرف‌نظر از اینکه کدام جریان سیاسی بر سر کار بوده است. در دولت پنجم به‌ریاست اکبرهاشمی رفسنجانی میانگین رشد نقدینگی حدود ۲۵/۲درصد ثبت شد؛ رقمی بالا اما نسبتا هم‌راستا با سیاست‌های بازسازی و توسعه زیرساختی پس از جنگ. با ورود به‌دولت ششم رشد نقدینگی به۳۱/۹درصد رسید؛ بالاترین رقم در میان دولت‌های مورد بررسی. این دوره همزمان با بحران ارزی و فشـــارهای مالی نشان داد چگونه انبساط پولی می‌تواند به‌بی‌ثباتی منجر شود.

در دولت‌های هفتم و هشتم به‌ریاست محمد خاتمی رشد نقدینگی به‌ترتیب به۲۳/۶درصد و ۲۹/۷درصد رسید. اگرچه این ارقام همچنان بالا بودند اما نسبت به‌دوره قبل تعدیل و با ثبات نسبی تورم همراه شدند؛ نشانه‌ای از مدیریت محتاطانه‌تر پولی در کنار شرایط باثبات‌تر خارجی. در دولت نهم و دهم به‌ریاســـت محمود احمدی‌نژاد رشد نقدینگی به‌ترتیب ۲۹/۱ و ۲۶/۵درصد ثبت شـــد. سیاســـت‌های انبساطی، پرداخت‌های گسترده یارانه‌ای و تزریق منابع نفتی به‌اقتصاد به‌گسترش پایه پولی انجامید. هرچند در ظاهر رشد نقدینگی تفاوت چشمگیری با دوره‌های پیشین نداشت اما کیفیت آن تغییر کرده بود. دولت یازدهم به‌ریاست حسن روحانی رشـــد نقدینگی ۲۵/۶درصدی را ثبت کرد؛ رقمی نزدیک به‌میانگین بلندمدت اما در دولت دوازدهم این عدد به۳۱درصد افزایش یافت و همزمان با جهش ارزی و تورمی اثر خود را آشکارتر کرد. در دولت سیزدهم نیز رشد نقدینگی در سطح ۲۹/۸درصد قرار گرفت؛ عددی که نشان می‌دهد با وجود تغییر دولت‌ها و شعارهای متفاوت روند خلق پول در اقتصاد ایران تغییر ساختاری جدی نکرده است. مقایسه این اعداد یک واقعیت مهم را آشکار می‌کند: رشد نقدینگی در همه دولت‌ها بالا و نسبتا پایدار بوده است. تفاوت در نتایج تورمی بیشتر از کانال شوک‌های ارزی و شرایط خارجی عبور کرده تا صرفا تفاوت در نرخ رشد پول. به‌بیان دیگر سیاست پولی در ایران طی چهاردهه بیش از آنکه دچار نوسان‌های شدید شود در یک مسیر انبساطی مزمن حرکت کرده است

■ کارنامه رشد اقتصادی؛ از ۷/۷تا۰/۳درصد

رشد اقتصادی شاید مهم‌ترین شاخص برای سنجش موفقیت دولت‌ها باشـــد؛ عددی که نشان می‌دهد اقتصاد واقعا بزرگ‌تر شـــده یا فقط قیمت‌ها بالا رفتند. در فاصله سال‌های۱۳۶۷تا۱۴۰۳ رشـــد اقتصادی ایران در بازه‌ای میان ۷/۷درصد تا ۰/۳درصد نوسان کرده؛ دامنه‌ای وسیع که بیش از هر چیز از ناپایداری ساختاری اقتصاد حکایت دارد. بالاترین میانگین رشد اقتصادی متعلق به‌دولت پنجم به‌ریاســـت اکبر هاشمی‌رفسنجانی با گرایش سازندگی و ۷/۷درصد است. این رقم بازتاب دوره بازسازی پس از جنگ، تزریق سرمایه‌گذاری عمرانی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی بود اما این روند در دولت ششم به۲/۲درصد کاهش یافت؛ افتی محسوس که همزمان با بحران ارزی و فشارهای مالی دهه۷۰ رخ داد. در دولت‌های هفتم و هشتم به‌ریاست محمد خاتمی رشد اقتصادی به‌ترتیب ۳/۳درصد و ۵/۷درصد ثبت شد. این دوره با ثبات نسبی ارزی و درآمدهای نفتی مناسب همراه بود و توانســـت بخشی از ظرفیت رشد را احیا کند هرچند به‌سطح رکورد ۷درصدی دهه۶۰ بازنگشت. در دولت نهم به‌ریاست محمود احمدی‌نژاد رشد اقتصادی به۳/۷درصد رسید اما در دولت دهم این عدد به۱/۵درصد سقوط کرد.

تشدید تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت صادرات نفت و بی‌ثباتی ارزی اقتصاد را وارد دوره‌ای از رکود تدریجی کرد. با روی کار آمدن حسن روحانی و دولت یازدهم میانگین رشد اقتصادی به۲/۲درصد رسید؛ رقمی متوسط که در سایه برجام و افزایش صادرات نفت شـــکل گرفت اما در دولت دوازدهم رشد اقتصادی به‌پایین‌ترین سطح چهاردهه اخیر یعنی ۰/۳درصد رسید. این عدد عملا به‌معنای توقف رشد واقعی اقتصاد است؛ دوره‌ای که همزمان با بازگشت تحریم‌ها و جهش ارزی رقم خورد. در دولت سیزدهم به‌ریاست ابراهیم رییسی میانگین رشد اقتصادی به۴/۵درصد افزایش یافت؛ رقمی بالاتر از دو دولت پیشین؛ هرچند بخش مهمی از آن ناشی از رشد بخش نفت و بازگشت نسبی صادرات بود و نه جهش گسترده در بخش‌های غیرنفتی. مرور این اعداد یک واقعیت را آشکار می‌کند: رشد اقتصادی ایران به‌شدت وابســـته به‌نفت، ثبات ارزی و شرایط خارجی بوده است. هیچ دولتی نتوانســـته رشد پایدار بالای ۵درصد را در یک بازه طولانی تثبیت کند. فاصله میان رکورد ۷/۷درصدی و کف ۰/۳درصدی نشان می‌دهد اقتصاد ایران نه‌تنها مستعد جهش بلکه مستعد توقف نیز بوده؛ وضعیتی که بیش از هر چیز از شـــکنندگی ساختار تولید و وابستگی به‌شوک‌های بیرونی حکایت دارد.

■ اقتصـــاد گرفتار ناتـــرازی؛ بحران نهادی پشت جهش‌های تورمی

تورم در اقتصـــاد ایران فقط نتیجه یک دولت یا یک شوک خارجی نیست بلکه محصول یک سازوکار معیوب و مزمن بوده که سال‌ها بازتولید شده است. اگر نرخ ارز جرقه بوده نقدینگی سوخت آن است و شبکه بانکی موتور آن. پرسش اصلی این است که چرا با تغییر دولت‌ها تورم تغییر ساختاری نکرد؟ پاسخ را باید در بطن نهادهای اقتصادی جست‌وجو کرد. نخستین حلقه این چرخه ناترازی شبکه بانکی است؛ بانک‌هایی که به‌جای واسطه‌گری سالم مالی به‌بنگاه‌داری، تسهیلات رانتی و خلق اعتبار بدون پشتوانه روی آوردند. مطالبات غیرجاری اضافه‌برداشت‌های پنهان و رقابت مخرب برای جذب سپرده نظام بانکی را به‌کارخانه تولید پول بدل کرد. خلق نقدینگی دیگر نتیجه رشد تولید نبوده بلکه نتیجه پوشاندن زیان‌ها و تامین مالی کسری‌ها بود. دومین حلقه کســـری بودجه مزمن دولت‌هاست. هر دولتی با شـــعار متفاوت آمد اما درعمل با هزینه‌های بالا و منابع محدود مواجه شـــد. نتیجه استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی فشار بر شبکه بانکی و انتقال بدهی به‌آینده بود. این چرخه ساده است: کسری بودجه، استقراض، رشد پایه پولی و افزایش نقدینگی تورم. سومین عامل عدم استقلال واقعی بانک مرکزی است. سیاست پولی در ایران همواره در ســـایه ملاحظات سیاســـی قرار داشته است. رییس بانک مرکزی نه بازیگر مستقل مهار تورم بلکه اغلب مجری سیاست‌های مالی دولت بوده است. درچنین شرایطی مهار نقدینگی قربانی ملاحظات کوتاه‌مدت شده و کنترل تورم به‌تعویق افتاده است. درکنار اینها فساد اعتباری و توزیع رانت در تسهیلات کلان اعتماد عمومی به‌نظام مالی را فرسوده و تخصیص منابع را از مسیر تولید به‌سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق داده است. نتیجه نهایی روشن است: تورم نه یک حادثه بلکه یک ساختار است. تا زمانی که شبکه بانکی اصلاح نشده، کسری بودجه مهار نشود و بانک مرکزی استقلال عملی نیابد تغییر دولت‌ها تنها صورت مساله را عوض می‌کند و نه پاسخ را.

■ ۴دهه وعده؛ چرا نتیجه یکی بود؟

سیاست در ایران طی چهاردهه گذشته با شعار آغاز شده و حقیقت تلخ عددها پایان یافته است. هر دولت با واژگانی بزرگ وارد میدان شد؛ «سازندگی» برای بازسازی، «توسعه سیاســـی» برای عقلانیت، «عدالت» برای توزیع ثروت، «تدبیـــر» برای ثبات و «دولت مردمی» برای بازگرداندن مـــردم به‌متن اقتصاد. آنچه در نهایـــت باقی مانده اما نه شعارها که سبدهای کوچک‌تر، پول کم‌ارزش‌تر و فاصله بیشتر میان سیاستگذار و جامعه بوده است. به‌تدریج اقتصاد از یک مساله کارشناسی به‌میدان رقابت‌های پوپولیستی تبدیل شد. وعده‌های بزرگ، تصمیم‌های کوتاه‌مدت، سیاست‌های هیجانی و طرح‌های پرهزینه‌ای که در ظاهر به‌نام مردم اجرا شـــد اما در عمل هزینه آن را همان مردم پرداختند. توزیع پول به‌جای تولید ثروت، تثبیت مصنوعی قیمت‌ها به‌جای اصلاح ساختارها و پنهان کردن ناترازی‌ها زیر لایه‌ای از آمارسازی به‌روندی تکراری بدل شد. نتیجه این مسیر تورم مزمن و فرسایش اعتماد عمومی بود. در تمام این سال‌ها بارها نسبت به‌خطرات رشد بی‌ضابطه نقدینگی، وابستگی بودجه به‌نفت، فساد شبکه بانکی و بی‌انضباطی مالی هشدار داده شد. تاکید بر اقتصاد مقاومتی، اصلاح ساختار بودجه، حمایت از تولید و مردمی‌سازی واقعی اقتصاد بارها در سطوح عالی حاکمیتی تکرار شد اما درعمل بسیاری از دولت‌ها با هر گرایش سیاسی در اجرای کامل این رهنمودها یا تعلل کردند یا آن را به‌سیاست‌های مقطعی تقلیل دادند. فاصله میان توصیه‌های کلان و اجرای عملیاتی به‌یکی از شکاف‌های مزمن حکمرانی اقتصادی تبدیل شد. شعار «مردمی‌بودن» نیز به‌مرور از مشارکت واقعی مردم در سیاستگذاری فاصله گرفت و به‌توزیع یارانه و پرداخت‌های نقدی محدود شد. مردم بیشـــتر دریافت‌کننده سیاست شدند تا شریک آن. اقتصاد به‌جای آنکه بر پایه شفافیت، رقابت و تولید شکل بگیرد در گرداب تصمیم‌های دستوری و مصلحتی گرفتار ماند. کارنامه نهایی نشان می‌دهد مشکل فقط تغییر دولت‌ها نبوده بلکه مساله تداوم یک الگوی سیاستگذاری بوده که اصلاحات ساختاری را به‌تعویق انداخته و هربار صورت‌مساله را با بسته‌های کوتاه‌مدت پاک کرده است. در چنین شرایطی مقایسه دولت‌ها بیش از آنکه رقابت بر سر موفقیت باشد رقابت بر سر میزان فاصله با اهداف اعلام‌شده بوده و شاید گزنده‌ترین جمع‌بندی این باشد که در اقتصاد ایران وعده‌ها بزرگ‌تر از اراده اجرای آنها بودند؛ نتیجه‌ای که هزینه‌اش را جامعه پرداخته است.

متوسط رشد اقتصادی (%)	متوسط رشد نقدینگی (%)	متوسط رشد ارز (%)	متوسط تورم (%)	رئیس‌جمهور	دولت
۷.۷	۲۵.۲	۵.۶	۱۸.۸	اکبر هاشمی رفسنجانی	دولت پنجم (۱۳۷۲–۱۳۶۸)
۲.۲	۳۱.۹	۳۱	۳۱		دولت ششم (۱۳۷۶–۱۳۷۲)
۳.۳	۲۳.۶	۱۴.۲	۱۵.۵	محمد خاتمی	دولت هفتم (۱۳۸۰–۱۳۷۶)
۵.۷	۲۹.۷	۳	۱۴.۱		دولت هشتم (۱۳۸۴–۱۳۸۰)
۳.۷	۲۹.۱	۲.۵	۱۷	محمود احمدی‌نژاد	دولت نهم (۱۳۸۸–۱۳۸۴)
۱.۵	۲۶.۵	۳۳.۶	۲۴.۶		دولت دهم (۱۳۹۲–۱۳۸۸)
۲.۲	۲۵.۶	۵.۲	۱۱	حسن روحانی	دولت یازدهم (۱۳۹۶–۱۳۹۲)
۰.۳	۳۱	۶۳	۴۱.۳		دولت دوازدهم (۱۴۰۰–۱۳۹۶)
۴.۵	۲۹.۸	۲۹.۴	۴۵.۳	ابراهیم رئیسی	دولت سیزدهم (۱۴۰۳–۱۴۰۰)

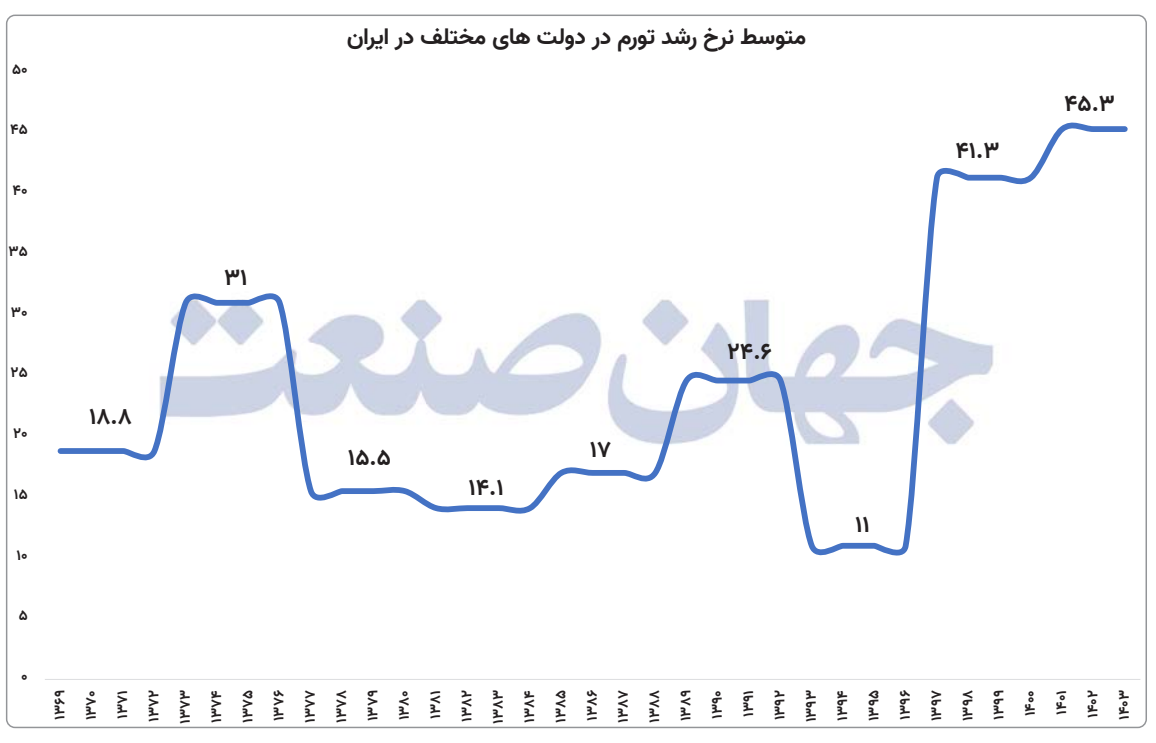

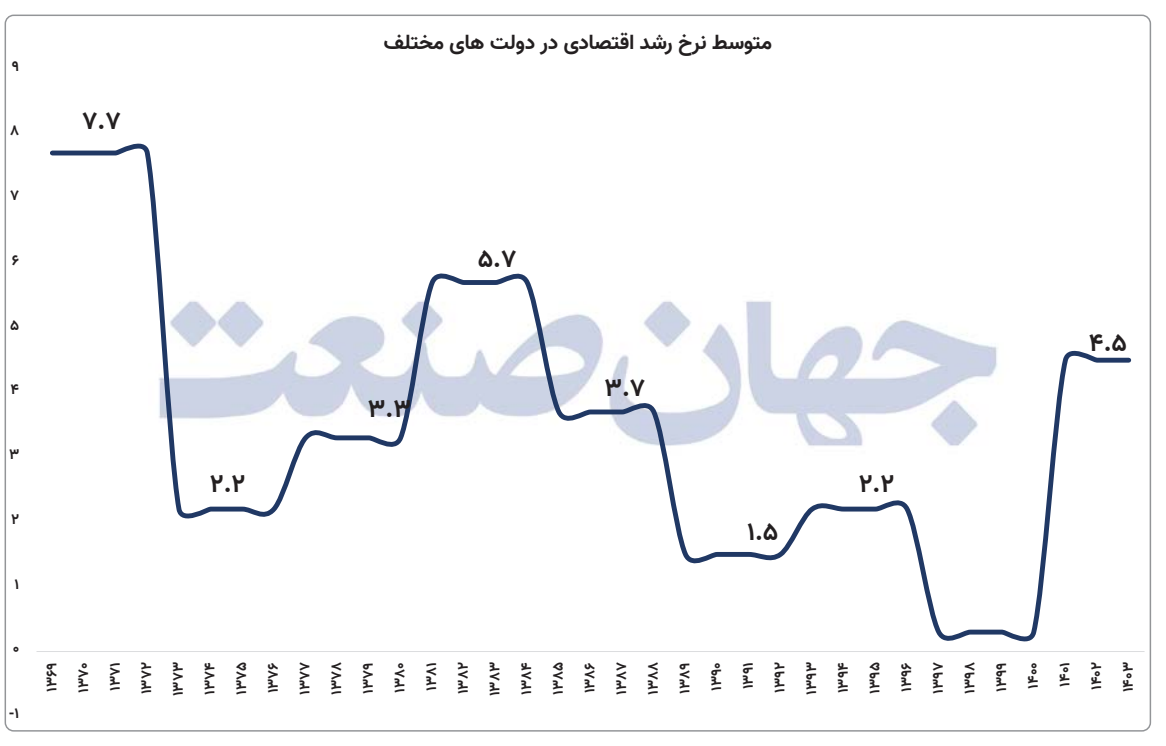

دوردنیا

روایت ایرانی از تحولات خاورمیانه در کنفرانس والدای مسکو

ابزار نوین موازنه‌سازی آمریکا در منطقه

«جهان‌صنعت»– رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات گفت که به لحاظ منطقه‌ای، آمریکا توازن قوای منطقه‌ای را از طریق استفاده از داده‌های تکنولوژیک و انتقال آن به عامل منطقه‌ای خود یعنی رژیم اسرائیل برقرار می‌کند.

دکتر کیهان برزگر در سخنرانی خود در پانزدهمین کنفرانس خاورمیانه کلوپ والدای در مسکو گفت: آمریکا و غرب از تکنولوژی به‌عنوان ابزاری برای ادامه سلطه خود در نظم جهانی استفاده می‌کنند.

در ۹فوریه۲۰۲۶ مراسم افتتاحیه رسمی پانزدهمین کنفرانس خاورمیانه که به طور مشترک با موسسه مطالعات شرقی آکادمی علوم روسیه در دفتر مرکزی باشگاه گفت‌وگوی بین‌المللی والدای در مسکو برگزار شد.

این رویداد با عنوان «تداوم و نوآوری: خاورمیانه در پس‌زمینه یک نظم جهانی شکسته» بیش از ۵۰متخصص برجسته، دیپلمات و شخصیت سیاسی از ۱۶کشور را گردهم آورد. وی افزود: به لحاظ منطقه‌ای، آمریکا توازن قوای منطقه‌ای را از طریق استفاده از داده‌های تکنولوژیک و انتقال آن به عامل منطقه‌ای خود یعنی رژیم اسرائیل برقرار می‌کند. آن‌هم برخلاف گذشته که توازن قوا از طریق تقویت حکومت‌های محلی، ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی و امنیتی و نهایتا ورود به جنگ مستقیم صورت می‌گرفت. این استاد تمام روابط بین‌الملل در ادامه یادآور شد: یک نمونه آشکار تجاوز ۱۲روزه اسرائیل به ایران است که بدون حمایت مطلق تکنولوژیک آمریکا و غرب از طریق کنترل آسمان، به‌کارگیری ماهواره‌ها و استفاده از هوش‌مصنوعی امکانپذیر نبود.

برزگر افزود: استفاده ابزاری آمریکا از انتقال هدفمند تکنولوژی خود به عامل بی‌ثباتی و شکاف سیاسی در منطقه غرب آسیا تبدیل شده است.

وی تاکید کرد: نظم منطقه‌ای اکنون دو قطب دارد: یک طرف اسرائیل و قدرت‌های غربی و طرف دیگر بقیه کشورها، شامل ایران، اعراب و ترکیه و قدرت‌های شرقی که برای مهار اهداف هژمونی طلبانه رژیم اسرائیل و سیاست‌های یکجانبه آمریکا باهم یک‌صدا شده‌اند. رییس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات در پایان گفت: برای مقابله با این نوع جدید از اهداف هژمونی طلبانه غرب، لازم است ائتلافی در بین جهان غیرغربی در جهت انتقال تکنولوژیک به یکدیگر صورت پذیرد.

به گزارش تابناک، کنفرانس «کلوپ والدی» با مشارکت سیاستمداران، روسای موسسات پژوهشی، نخبگان روشنفکری– دانشگاهی و پژوهشگران مسائل جهانی و منطقه‌ای به‌صورت سالانه در مسکو پایتخت روسیه برگزار می‌شود.

کیودو نیوز گزارش داد

مذاکرات تجاری ۵۵۰میلیارد دلاری آمریکا و ژاپن

«جهان‌صنعت»– ژاپن و آمریکا توافق کردند که روند انتخاب نخستین پروژه‌های سرمایه‌گذاری در چارچوب بسته ۵۵۰میلیارد دلاری توکیو در آمریکا را سرعت ببخشند.

به گزارش کیودونیوز، ریوسی آکازاوا، وزیر اقتصاد، تجارت و صنعت ژاپن پس از دیدار با هاوارد لاتنیک وزیر بازرگانی آمریکا در واشنگتن اعلام کرد: با وجود برخی پیشرفت‌ها شکاف قابل‌توجهی میان دو طرف باقی مانده و هماهنگی بیشتری برای تامین منافع مشترک لازم است.

وی تاکید کرد که مذاکرات با هدف موفقیت سفر قریب‌الوقوع سانائه تاکائیچی، نخست‌وزیر ژاپن به آمریکا انجام می‌شود؛ سفری که قرار است ۱۹مارس و به دعوت دونالد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا برگزار شود.

آکازاوا بدون اشاره به جزئیات گفت که اختلاف‌هایی درباره نرخ‌های بهره و ارزیابی ریسک تجاری وجود دارد و افزود: «سرمایه‌گذاری‌های پرریسک با بازده بالا به‌ویژه زمانی که پای منابع مالی عمومی در میان است، برای ما مطلوب نیست.»

گفته می‌شود این مذاکرات تلاش نهایی برای نهایی کردن نخستین بسته پروژه‌های ژاپنی در آمریکا پیش از ارسال آن برای تایید نهایی رییس‌جمهور ایالات متحده است. براساس توافق تجاری دو کشور در سال گذشته ژاپن متعهد شده است تا پایان دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ در مجموع ۵۵۰میلیارد دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند.

این رقم شامل ترکیبی از سرمایه‌گذاری مستقیم، وام و ضمانت‌نامه‌های اعتباری از سوی نهادهای مالی مورد حمایت دولت ژاپن است.

دو کشور توافق کرده‌اند تمرکز این سرمایه‌گذاری‌ها بر حوزه‌های راهبردی از جمله مواد معدنی حیاتی، نیمه‌رساناها، هوش‌مصنوعی و انرژی باشد؛ حوزه‌هایی که هم از نظر امنیت ملی و هم اهداف اقتصادی اهمیت دارند.

پس‌لرزه‌های پرونده اپستین در لندن

تداوم بحران سیاسی در داونینگ‌استریت

ایرنا– کریس ورمالد به‌عنوان عالی‌ترین کارمند دولت و دبیر کابینه انگلیس در ادامه بحران سیاسی ناشی از پرونده جفری اپستین و بحران داخلی دولت حزب کارگر از سمت خود کناره‌گیری کرد. ورمالد که از دسامبر۲۰۲۴ به‌عنوان دبیر کابینه و رییس خدمات کشوری انگلیس خدمت می‌کرد، با توافق کی‌یر استارمر نخست‌وزیر انگلیس، از این سمت کنار رفت. این سومین استعفای یک عنصر کلیدی از داونینگ‌استریت در روزهای اخیر به‌شمار می‌رود.

پیش از این مورگان مک‌سوینی، رییس دفتر نخست‌وزیر و تیم آلن مدیر ارتباطات دولت در پی بالا گرفتن انتقادها از انتخاب‌های جنجالی استارمر و نحوه مدیریت پرونده پیتر مندلسون(سفیر پیشین انگلیس در آمریکا) و ارتباطات او با اپستین از سمت‌های خود کناره‌گیری کردند. در داخل حزب کارگر و پارلمان انگلیس، فشارها برای پاسخگویی استارمر افزایش یافته و حتی برخی چهره‌های ارشد حزب از وی خواسته‌اند تا از رهبری کناره‌گیری کند.

با این‌حال استارمر تاکنون مقاومت و تاکید کرده که قصد ترک نخست‌وزیری را ندارد .استعفای ورمالد بر موج فشارها علیه دولت افزوده است.

کمی بدنوک رهبر حزب محافظه‌کار این استعفا را نشانه‌ای از فشار و ضعف مدیریتی دولت استارمر توصیف کرده و گفته که ورمالد آخرین فردی نیست که برای حفظ موقعیت نخست‌وزیر قربانی شده است.

در حال حاضر مقام دبیر کابینه که طبق ساختار اداری انگلیس بالاترین منصب در خدمات کشوری محسوب می‌شود، خالی مانده و دولت اعلام کرده است که به‌زودی فرد جدیدی را برای این سمت معرفی خواهد کرد.

کارشناسان سیاسی بر این باورند که این تغییرات گسترده در سطح عالی‌ترین بدنه اجرایی دولت نمایانگر چالش‌های عمیق‌تر در مدیریت داخلی و پیامدهای سیاسی بحران اخیر است. ورمالد با کمتر از ۱۴ماه خدمت در بالاترین مقام خدمات کشوری، یکی از کوتاه‌مدت‌ترین دوره‌ها را در تاریخ این جایگاه داشته است و تحلیلگران می‌گویند این امر نشان‌دهنده بحران اعتماد و انسجام در ساختار اجرایی دولت است

آیا آمریکا و چین می‌توانند از جنگ سرد جدید عبور کنند؟

پکن و واشنگتن در لبه تیغ

محمدرضا ستاری– از اوایل دهه۲۰۱۰ روابط میان پکن و واشنگتن به‌تدریج از الگوی «تعامل محتاطانه» به سمت «رقابت پرتنش» حرکت کرده است. در این روند تدریجی اما مستمر، هر دو کشور راهبردهای امنیت ملی خود را چنان بازتعریف کرده‌اند که طرف مقابل نه صرفا یک رقیب بلکه تهدیدی بنیادین برای ارزش‌های محوری، مشروعیت سیاسی و منافع حیاتی ملی تلقی می‌شود. این تحول صرفا محصول تحولات بیرونی نبوده بلکه ریشه در انگیزه‌های سیاست داخلی، رقابت‌های بوروکراتیک و نگرانی‌های عمیق درباره آسیب‌پذیری، افول و جایگاه جهانی داشته است. در نتیجه تلاش‌های فزاینده دو کشور برای بازدارندگی متقابل اصطکاک را در حوزه‌های دفاعی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک تشدید کرده و آنچه زمانی نوعی احتیاط راهبردی بود، اکنون به آرایشی تقابلی و پایدار تبدیل شده که خصومت بلندمدت را به اصل سازمان‌دهنده سیاست تبدیل می‌کند.

■ جهانی که میان ۲ قدرت شکل گرفته است

در همین رابطه طبق گزارشی که به‌تازگی مجله فارن افرز منتشر کرده، جهانی که در آن دو قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی، راهبردهای خود را برمبنای دشمنی متقابل سامان می‌دهند، جهانی است که در مسابقه تسلیحاتی، فلج نهادی و غفلت از تهدیدهای مشترکی مانند تغییرات اقلیمی، همه‌گیری‌های نوظهور و بی‌ثباتی مالی گرفتار شده است. در چنین محیطی بحران‌ها می‌توانند به‌سرعت از کنترل خارج شوند. درواقع بدون سازوکارهای اطمینان‌بخش و خطوط قرمز شفاف، مسیر کنونی می‌تواند دو جامعه و حتی کل نظام بین‌الملل را در وضعیت خصومت مدیریت‌شده اما مزمن تثبیت کند؛ وضعیتی که در آن رقابت به هدفی فی‌النفسه بدل می‌شود و هزینه‌های آن نه فقط بر دوش پکن و واشنگتن بلکه بر دوش اقتصاد و امنیت جهانی تحمیل خواهد شد. در چنین شرایطی خطر امروز بیش از آنکه ناشی از تصمیمی آگاهانه برای جنگ باشد، ناشی از احتمال یک درگیری تصادفی در بستر بی‌اعتمادی و فشارهای داخلی است. تجربه‌هایی مانند برخورد هواپیمای شناسایی EP-۳ آمریکا با جنگنده چینی در سال۲۰۰۱ یا بمباران سفارت چین در بلگراد در سال۱۹۹۹ نشان می‌دهد که حوادث ناخواسته چگونه می‌توانند به بحران‌های جدی بدل شوند؟ بنابراین اگر رخدادهایی مشابه در فضای ملتهب کنونی اتفاق افتد، دامنه پیامدهای آن می‌تواند به‌مراتب گسترده‌تر باشد زیرا این‌بار سخن از دو قدرت هسته‌ای و دو اقتصاد بزرگ جهان است.

با این حال این روند برگشت‌ناپذیر نیست. تحولات سیاسی، ضرورت‌های اقتصادی و نوعی خستگی راهبردی در هر دو کشور می‌تواند پنجره‌ای محدود اما واقعی برای تثبیت و عادی‌سازی روابط بگشاید. تجربه شش‌دهه فرازوفرود روابط دوجانبه نشان می‌دهد که خصومت می‌تواند به نسل‌ها منتقل شود اما اراده سیاسی نیز قادر است مسیر را تغییر دهد. آنچه امروز مورد نیاز است، نه بازگشت ساده به الگوهای گذشته تعامل بلکه تعریف عادی‌سازی جدیدی است که دو طرف را از لبه پرتگاه دور کند و رقابت را در چارچوبی قابل مدیریت نگه دارد.

■ عینک واشنگتن و پکن به یکدیگر

در وضعیت کنونی هر طرف دیگری را از دریچه بدبینانه‌ترین سناریوها می‌نگرد. در واشنگتن، چین به‌عنوان مهم‌ترین چالش ساختاری برای رهبری جهانی آمریکا، برتری فناوری، تسلط اقتصادی و هنجارهای دموکراتیک معرفی می‌شود. در مقابل در پکن این برداشت رواج دارد که ایالات متحده در پی مهار خیزش چین، تضعیف حزب کمونیست و حفظ برتری اول آمریکا به زیان منافع چین است. این تصورات صرفا در سطح گفتمان باقی نمانده بلکه در برنامه‌ریزی نظامی، ساختار ائتلاف‌ها، رژیم‌های کنترل صادرات و دیپلماسی عمومی نهادینه شده است

در حوزه نظامی مدرن‌سازی سریع توانمندی‌های هسته‌ای و متعارف، همراه با گسترش عرصه‌های جدید جنگ مانند فضا، سایبر و سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، بازدارندگی را پیچیده‌تر و شکننده‌تر کرده است. در نتیجه تمایل به تنوع‌بخشی و افزایش کمّی تسلیحات در عمل، آغاز یک مسابقه تسلیحاتی پرهزینه است. در غرب اقیانوس آرام برخوردهای نزدیک دریایی و هوایی میان نیروهای دو کشور افزایش یافته و خطر محاسبه اشتباه یا تشدید ناخواسته بحران دیگر صرفا فرضی نیست.

در عرصه اقتصادی وابستگی متقابل که زمانی به‌عنوان ستون ثبات روابط تلقی می‌شد، اکنون بیشتر به‌عنوان آسیب‌پذیری دیده می‌شود. پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال۲۰۰۱ نقطه‌عطفی در ادغام اقتصاد این کشور در نظام جهانی بود و طی دودهه هردو کشور از رشد قابل‌توجهی بهره‌مند شدند. با این حال پیامدهای توزیعی این رشد در هر دو جامعه نابرابر بود؛ برخی مناطق صنعتی در آمریکا و نیز بخش‌هایی از شمال‌شرق چین با بیکاری و فشار ساختاری مواجه شدند. در سال‌های اخیر کنترل‌های گسترده صادراتی، سیاست‌های صنعتی حمایتی و بازآرایی زنجیره‌های تامین، کارایی اقتصادی را تحت‌الشعاع ملاحظات امنیت ملی قرار داده است همچنین مفاهیمی مانند جداسازی، کاهش ریسک و خوداتکایی نشان می‌دهد که هردو کشور آماده‌اند برای کاهش وابستگی متقابل هزینه‌های اقتصادی قابل‌توجهی را بپذیرند. علاوه بر این محدودیت در تجارت عناصر نادر خاکی یا فروش تراشه‌های پیشرفته نمونه‌هایی از این روند است که به تکه‌تکه شدن بازار جهانی دامن می‌زند.در حوزه فرهنگی و علمی نیز بی‌اعتمادی متقابل سایه افکنده است. تبادلات دانشگاهی و پژوهشی کاهش یافته و دانشجویان، استادان و روزنامه‌نگاران با محدودیت‌های بیشتری مواجه هستند. این وضعیت سبب می‌شود هریک از دو جامعه، دیگری را در قالبی ژئوپلیتیک و حتی تمدنی تعریف کند و هرگونه مصالحه در داخل کشور به‌عنوان عقب‌نشینی تعبیر شود. در نتیجه کاهش ارتباطات انسانی، خطر سوءبرداشت و اغراق در ارزیابی تهدید را افزایش می‌دهد.

■ تبعات خصومت راهبردی

نسلی که دوران جنگ سرد را تجربه کرده به‌خوبی می‌داند که خصومت راهبردی چگونه می‌تواند به زندگی روزمره نفوذ کند. جنگ کره برای آمریکاییان خاطره‌ای دردناک و برای چینی‌ها تجربه‌ای سرنوشت‌ساز بود. جنگ ویتنام نیز این فضای بسیج دائمی را تداوم بخشید. میلیون‌ها نفر در هر دوسو تحت‌تاثیر مستقیم یا غیرمستقیم این تقابل قرار گرفتند. این تجربه تاریخی یادآور آن است که رقابت قدرت‌های بزرگ هزینه‌ای انسانی و پایدار دارد

در اوایل دهه۱۹۷۰ رهبران دو کشور به این جمع‌بندی رسیدند که تداوم چنین وضعی پرهزینه است. دیدار تاریخی میان رهبران چین و آمریکا در سال۱۹۷۲ که با نقش‌آفرینی چهره‌هایی مانند مائو و نیکسون رقم خورد، روندی از بالا به پایین برای ترمیم روابط را آغاز کرد. امروز نیز نشانه‌هایی از تمایل به کاهش تنش دیده می‌شود. دیدار رهبران دو کشور در بوسان در سال۲۰۲۵ و تاکید آنان بر همکاری و کاهش تنش در حوزه تجارت گامی نمادین در این مسیر بود. ازسرگیری خرید برخی کالاهای کشاورزی، تعلیق برخی محدودیت‌های صادراتی و تلاش برای همکاری در موضوعاتی چون مبارزه با قاچاق موادمخدر نشانه‌هایی از امکان مدیریت رقابت است.

البته تمرکز صرف بر تجارت برای یک تنظیم مجدد عمیق کافی نیست. مسائل راهبردی همچون رقابت فناوری، امنیت زنجیره‌های تامین و تنش‌های نظامی همچنان باقی است. با این حال حتی گام‌های محدود در حوزه فناوری مانند تسهیل فروش برخی تراشه‌ها می‌تواند به کاهش بی‌اعتمادی کمک کند. مهم آن است که دو طرف بپذیرند نه در پی هژمونی دوگانه باشند و نه حذف کامل دیگری از نظم منطقه‌ای و جهانی. درواقع واقعیت چندقطبی امروز ایجاب می‌کند برای حضور همزمان هر دو قدرت در آسیا و فراتر از آن فضایی تعریف شود.

افکار عمومی در هردو کشور نیز نشانه‌هایی از خستگی نسبت به مسیر تقابل نشان می‌دهد. بخش قابل‌توجهی از شهروندان بر این باورند که تمرکز دولت‌ها باید بیش از هر چیز بر حل مشکلات داخلی مانند نابرابری، تورم، اشتغال و رفاه طبقه متوسط باشد زیرا تداوم تقابل گسترده می‌تواند این اهداف را تضعیف کند. در چین تاکید بر احیای رشد اقتصادی و گشودگی بیشتر به جهان یادآور رویکرد اصلاحات‌محور دهه‌های گذشته است. در آمریکا نیز شعار اول آمریکا و تاکید بر توان داخلی، بیانگر تمایل به هم‌ترازسازی تعهدات خارجی با منابع موجود است.

■ معمای تایوان

در این میان به‌گفته کارشناسان، یکی از حساس‌ترین نقاط اصطکاک، مساله تایوان است. با وجود افزایش فعالیت‌های نظامی و مانورهای بازدارنده هنوز امکان کاستن از تنش سیاسی وجود دارد. قوانین چین شرایط مشخصی را برای توسل به زور تعیین کرده و در حال حاضر از منظر رسمی پکن آن شرایط تحقق نیافته است. از سوی دیگر تاکید مجدد واشنگتن بر عدم حمایت از استقلال رسمی تایوان می‌تواند به کاهش سوءبرداشت‌ها کمک کند حتی اگر این مواضع در ظاهر تکراری به‌نظر برسند در فضای ملتهب کنونی وزن سیاسی قابل‌توجهی دارند.

گام‌های عملی دیگری نیز می‌تواند به عادی‌سازی کمک کند یعنی بازگشایی کنسولگری‌های تعطیل‌شده، کاهش متقابل تعرفه‌ها تا سطحی سازگار با الزامات امنیت ملی و بازگرداندن تبادلات علمی و فرهنگی به سطوح پیش از همه‌گیری. تعرفه‌های بالا و محدودیت‌های تجاری بیش از همه به اقشار آسیب‌پذیر لطمه می‌زند و در بلندمدت کارایی خود را از دست می‌دهد بنابراین سیاست تجاری عقلانی می‌تواند بر مزیت نسبی استوار باشد، در عین آنکه وابستگی‌های حساس امنیتی نیز مدیریت شود

در چنین شرایطی کاهش سوءبرداشت‌ها نیازمند ارتباطات عمیق‌تر اجتماعی است. نباید دانشجویان، پژوهشگران و روزنامه‌نگاران به‌طور پیشینی در مظان اتهام قرار گیرند. همچنین گفت‌وگوهای نظامی میان دو کشور باید احیا تا خطر حوادث ناخواسته کاهش یابد و درباره عوامل محرک مسابقه تسلیحاتی تبادل‌نظر شود. چنین گفت‌وگوهایی باید بر این واقعیت استوار باشد که تنش‌های تجاری، فناورانه و امنیتی، بخشی از روندی بلندمدت است و مدیریت آن نیازمند صبر و ابتکار است.

در نهایت پیشگیری از یک رویارویی فاجعه‌بار مستلزم چیزی فراتر از ابزارهای تحلیلی پیشرفته است. حافظه تاریخی، تجربه بحران و اعتمادسازی تدریجی میان فرهنگ‌ها اهمیت حیاتی دارد. فرصت کنونی برای بازتنظیم اهداف و رویکردها ممکن است گذرا باشد. اگر این فرصت از دست برود، بازگرداندن ثبات دشوارتر خواهد شد. در نتیجه اکنون لحظه‌ای است که دو کشور می‌توانند با درک هزینه‌های تقابل و منافع همزیستی رقابتی، روز و ساعت را غنیمت بشمارند و از لغزش به سوی خصومتی مهارنشدنی جلوگیری کنند.

دیدگاه

«جهان‌صنعت» از شصت‌ودومین کنفرانس امنیتی مونیخ گزارش می‌دهد

۳ گانه بحران در اروپا

شصت‌ودومین کنفرانس امنیتی مونیخ در حالی روز گذشته(جمعه) در آلمان برگزار شد که سه‌گانه بحران در قاره اروپا، سنگین‌تر از دور پیشین این کنفرانس، بر قاره سبز سایه افکنده و بررسی آنچه گذشته است را برای ترسیم چشم‌انداز آتی ضروری می‌کند.

شصت‌ودومین دور از نشست‌های سالانه کنفرانس امنیتی مونیخ در سال۲۰۲۶ از ۱۳ تا ۱۵فوریه (۲۴تا۲۶ بهمن) برگزار شد به همین بهانه قصد داریم تا نگاهی به آنچه در نشست سال گذشته رخ داد بپردازیم. شصت‌ویکمین کنفرانس امنیتی مونیخ از ۱۴ تا۱۶فوریه۲۰۲۵ در شهر مونیخ آلمان برگزار شد و رهبران جهان، وزرای ارشد، فرماندهان نظامی و کارشناسان را گردهم آورد تا درباره فوری‌ترین چالش‌های امنیتی جهان گفت‌وگو کنند.

این نشست که به‌عنوان مهم‌ترین سکوی دیپلماسی امنیتی در جهان شناخته می‌شود، در سال۲۰۲۵ با رکورد مشارکت همراه بود. بیش از ۵۰ رییس دولت یا حکومت و ۱۵۰ وزیر در آن حضور داشتند

شعار و چارچوب مفهومی این کنفرانس «چندقطبی‌شدن» بود. در طول سه روز در قالب نشست‌های عمومی، پنل‌های تخصصی سطح بالا و دهها دیدار دوجانبه، موضوعاتی از جنگ اوکراین و روابط فراآتلانتیک گرفته تا تهدیدهای نوظهوری مانند تغییرات اقلیمی، جنگ سایبری و هوش‌مصنوعی مورد بحث قرار گرفت.

یکی از موضوعات مرکزی، ظهور نظم جهانی چندقطبی بود. سخنرانان توضیح دادند که توزیع قدرت در حال تغییر است و بازیگران نوظهور از چین و هند تا برزیل و سایر کشورهای جنوب جهانی نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به معادلات بین‌المللی دارند.

گزارش امنیتی مونیخ، گزارش سالانه‌ای که به‌عنوان متن پس‌زمینه کنفرانس منتشر می‌شود بخش‌های مفصلی را به قدرت‌های غیرغربی اختصاص داده و بر ضرورت تطبیق سازوکارهای حکمرانی جهانی با این واقعیت جدید تاکید می‌کند.

در بحث‌ها خاطرنشان شد که نهادهای چندجانبه و ائتلاف‌ها نمی‌توانند بر فرض «رهبری یکجانبه» استوار بمانند بلکه نیازمند ائتلاف‌های منعطف‌تر و مشارکت واقعی‌تر جنوب جهانی در حل مسائل فراملی همچون پاندمی‌ها، اقلیم و امنیت هستند. در کنفرانس سال گذشته بارها گفته شد که اروپا در میانه یک «سه‌گانه بحران» قرار دارد

۱– جنگ روسیه علیه اوکراین، معماری امنیتی اروپا را متلاشی کرده است.

۲– تنش‌های اقتصادی میان آمریکا و اروپا(از جمله تهدیدهای تعرفه‌ای) بر رفاه و همبستگی آنها سایه انداخته است.

۳– دموکراسی لیبرال تحت‌فشار جدی نیروهای پوپولیست و اقتدارگرا قرار گرفته است.

حضور دولت جدید آمریکا به ریاست دونالد ترامپ در پس‌زمینه، سایه‌ای سنگین بر مباحث انداخت. بسیاری از اروپایی‌ها نگران بودند که ایالات متحده از نقش تاریخی خود به‌عنوان تضمین‌کننده اصلی امنیت اروپا عقب بنشیند و رویکردی «اول آمریکا» در پیش گیرد که در آن سازمان پیمان آتلانتیک شمالی(ناتو) و اوکراین دیگر در اولویت نباشند در طول نشست‌ها مفهوم «خودکفایی راهبردی اروپا» یا همان استقلال راهبردی بارها تکرار شد؛ به این معنا که اروپا باید اتکای خود به واشنگتن را کاهش داده و مسوولیت بیشتری بر دوش خود بگیرد، در عین حال که در تلاش است تا حد امکان وحدت با آمریکا را حفظ کند. برای چندین سال پیاپی، جنگ روسیه علیه اوکراین محور بسیاری از بحث‌ها بود. رهبران حاضر بر این نکته تاکید کردند که هیچ توافق صلحی نباید «بر سر اوکراین و بدون اوکراین» یا بدون حضور اروپا شکل بگیرد. نگرانی اصلی این بود که احتمال دارد توافقی بین‌المللی میان واشنگتن و مسکو بدون مشارکت فعال اروپا و کی‌یف شکل بگیرد. بارها جمله «هیچ گفت‌وگویی درباره اوکراین بدون اوکراین» تکرار شد تا روشن شود که چنین روندی برای اروپا قابل قبول نیست. جنگ نه‌تنها به‌عنوان نبردی برای حاکمیت اوکراین بلکه به‌عنوان آزمون سرنوشت‌ساز برای نظم امنیتی اروپا توصیف شد. در واکنش، بحث بر سر تقویت توان دفاعی اروپا بالا گرفت: از افزایش تولید تسلیحات گرفته تا تعمیق همکاری اتحادیه اروپا و ناتو برای بازدارندگی در برابر هرگونه ماجراجویی بعدی روسیه. مفهوم «صلح از طریق قدرت» عبارتی که اورسولا فون‌درلاین رییس کمیسیون اروپا به کار برد به‌معنای ترکیب حمایت مستمر نظامی از اوکراین با بازدارندگی قدرتمند برای پیشگیری از جنگ‌های آتی بسیار تکرار شد

محور دیگر کنفرانس، تاب‌آوری دموکراسی‌ها در برابر فشارهای داخلی بود. مشارکت‌کنندگان از رشد جریان‌های راست‌افراطی و فرسایش هنجارهای دموکراتیک در خود اروپا ابراز نگرانی کردند. در آستانه انتخابات مهم آلمان و اوج‌گیری حزب راست افراطی AfD، این دغدغه کاملا عینی بود. نماینده آمریکا در سخنرانی خود حتی پا را فراتر گذاشت و مدعی شد بزرگ‌ترین تهدیدهای اروپا «درونی» هستند و به مثال‌هایی از محدودیت آزادی بیان و مناقشات پیرامون مهاجرت در کشورهای اروپایی اشاره کرد؛ اظهاراتی تند که بحث‌های مفصلی را برانگیخت. در مجموع نشست‌های مرتبط بر این نکته انگشت گذاشتند که کشورهای اروپایی باید همزمان که با قدرت‌های اقتدارگرا در بیرون مقابله می‌کنند، شکاف‌های اجتماعی، تبعیض‌ها و خشم‌های اقتصادی را در داخل نیز جدی گرفته و فضای دموکراتیک خود را ترمیم کنند. به گزارش ایرنا، مطابق با محور «چندقطبی»، بر حضور نمایندگان جنوب جهانی(آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین) تاکید ویژه‌ای شد و مشارکت این کشورها نسبت‌به سال‌های قبل به‌طور محسوسی افزایش یافت. آنها در موضوعاتی مانند تغییرات اقلیمی، امنیت انرژی و غذا، توسعه و پیامدهای اقتصادی جنگ اوکراین، از زاویه منافع خود سخن گفتند.

کشورهایی مانند قزاقستان، برخی کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین به‌روشنی نشان دادند که می‌خواهند در حل‌وفصل بحران‌هایی مانند جنگ اوکراین نقش فعال داشته باشند و نه صرفا تماشاچی تصمیمات قدرت‌های بزرگ. این رویکرد اذعان ضمنی به این واقعیت است که حل بحران‌های امروز بدون مشارکت واقعی جنوب جهانی ممکن نیست.

بازتاب

ماکرون به دنبال مذاکره با پوتین

رییس‌جمهور فرانسه تاکید کرد که بعید است در آینده نزدیک مذاکراتی را با ولادیمیر پوتین داشته باشد اما در حال تدارک برای برگزاری این مذاکرات است. امانوئل ماکرون، رییس‌جمهور فرانسه در اظهاراتی بعد از یک نشست غیررسمی سران اتحادیه اروپا در بلژیک خاطرنشان کرد که برنامه‌ای برای آنکه او گفت‌وگویی احتمالی را با ولادیمیر پوتین طی روزهای آینده برگزار کند تدوین نشده است.

او بیان داشت: «اینکه چنین گفت‌وگویی قرار باشد در عرض روزهای آینده برگزار شود، مطرح نیست.» ماکرون طبق ویدئویی از سخنرانی او که در حساب کاربری کاخ الیزه در شبکه اجتماعی «ایکس» انتشار یافت، خاطرنشان کرد مشاور دیپلماتیکش را به روسیه فرستاده است و «ما در حال فراهم کردن زمینه برای این گفت‌وگو هستیم.» رییس‌جمهور فرانسه همچنین در خصوص اینکه آیا مایل به دعوت از نمایندگان روسیه به نشست‌های گروه هفت در فرانسه است، اظهار کرد: «چنین چیزی تا زمانی که جنگ در اوکراین پایان نیابد در دستور کار قرار نمی‌گیرد اما این احساس را ندارم که این اتفاق قرار است به زودی رخ دهد.»

ماکرون پیش از این در مصاحبه با روزنامه آلمانی «زود دیوچه سایتونگ» نیز گفته بود خطاب به چند تن از همکاران اروپایی پیشنهاد داده که گفت‌وگوها با روسیه از سر گرفته شوند. او همچنین گفت چارچوب کنونی مذاکرات صلح اوکراین که در ضمن آن نمایندگان آمریکا بدون شرکت اروپایی‌ها مشغول مذاکرات با مسکو بر سر شرایط صلح هستند مناسب نیست

روز گذشته ماریا زاخاروا، سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه گفت تمایلی که ماکرون اخیرا برای داشتن گفت‌وگوی تلفنی با پوتین ابراز داشت، تنها در حد حرف باقی مانده و عملی نشده است.

به گزارش ایسنا، ماکرون در اظهاراتش که روز جمعه منتشر شد، همچنین اظهار کرد اروپایی‌ها باید برای شروع مذاکرات «در زمان مناسب» آماده باشند. او اضافه کرد: «ما چه چیزی می‌خواهیم؟ ما خواستار تضمین‌های امنیتی برای اوکراین هستیم اما همچنین خواسته‌هایی از اروپایی‌ها داریم. از جمله سعادت و آینده خودمان و معماری امنیتی اروپا.»

تلاش متفاوت سیا برای جذب جاسوس از چین

یک ویدئوی جدید از سازمان سیا با هدف استخدام جاسوسان جدید از میان افسران چینی منتشر شده است. این ویدئو که روز پنجشنبه در یوتیوب و پلتفرم‌های دیگر منتشر شد، داستانی به سبک هالیوود درباره یک افسر نظامی چینی را روایت می‌کند که پس از ناامیدی از «فساد» در ارتش چین، با سازمان سیا تماس می‌گیرد.

این ویدئو تنها چند هفته پس از برکناری ژانگ یوشیا، معاون رییس کمیسیون نظامی مرکزی، یک افسر نظامی میان‌رده و سرخورده چینی را نشان می‌دهد.

فیلم مشابهی سال گذشته ماموران سیاسی در پکن را هدف قرار داد و مانند ویدئوی قبلی، ویدئوی جدید شامل پیوندهایی به اطلاعات مربوط به نحوه تماس ایمن با سیاست. در پاسخ چین متعهد شد که «تمام اقدامات لازم» را علیه فعالیت‌های جاسوسی خارجی انجام دهد. لین جیان، سخنگوی وزارت امور خارجه چین روز جمعه به خبرنگاران گفت: «ما تمام اقدامات لازم را برای مقابله قاطع با فعالیت‌های نفوذی و خرابکارانه نیروهای خارجی متخاصم با چین انجام خواهیم داد و از حاکمیت ملی، امنیت و منافع توسعه خود محافظت خواهیم کرد.» همچنین سخنگوی سفارت چین در ایالات متحده آنچه را که او «تحریک سیاسی آشکار» این سازمان نامید، محکوم کرد.

ماه گذشته وزارت دفاع چین اعلام کرد که ژانگ که پس از شی جین‌پینگ، رییس‌جمهور و معاون رییس کمیسیون نظامی مرکزی نفر دوم است، تحت بازجویی قرار دارد. این مهم‌ترین اخراج یک افسر عالی‌رتبه نظامی چین در دهه‌های اخیر بوده است. سازمان سیا در ماه مه نیز تلاش مشابهی را انجام داد و چهره‌های خیالی در حزب کمونیست حاکم چین را هدف قرار داد. آن ویدئو شامل دستورالعمل‌های دقیقی به زبان چینی در مورد نحوه برقراری ارتباط ایمن با اطلاعات ایالات متحده بود.

جان راتکلیف، مدیر سیا در بیانیه‌ای گفت که سازمان او به تلاش‌های خود برای استخدام ماموران از درون صفوف دولت و ارتش چین ادامه خواهد داد. مدیر سیا افزود که ویدئوهای این سازمان به دست بسیاری از شهروندان چینی رسیده است و سیا همچنان به ارائه «فرصتی برای همکاری برای آینده‌ای روشن‌تر» به مقامات دولتی چین ادامه خواهد داد.

«جهان‌صنعت» کارنامه هفتگی بورس کالا را بررسی می‌کند

انقلاب خاموش گواهی سپرده

هادی بهرامی– بورس‌کالا در هفته‌ای که گذشت میزبان عرضه ۵میلیون‌و۳۱۱هزارو۱۸۰تن محصول مختلف شرکت‌ها بود که نسبت‌به هفته قبل ۴۷۹هزارو۹۷۷تن کمتر است. روز ۱۹بهمن زمان طلایی عرضه این‌هفته به‌حساب می‌آید به‌طوری که در ۱۹بهمن‌ماه به‌میزان ۲میلیون‌و۷۵۷هزارو۶۳۲تن محصول عرضه شد. در روز ۱۸و۲۰بهمن نیز محصولات تولیدی کمترین میزان عرضه را تجربه کردند و با عرضه ۶۶۸هزارو۷۵۷تن در روز ۱۸بهمن و عرضه ۷۳۱هزارو۵۶۹تن در روز ۲۰بهمن روز کم‌رمقی را برای بورس‌کالا رقم زدند.

■ **تابلوی عرضه در قبضه کالاهای صادراتی**

طی یک‌هفته اخیر بازار فرعی ۶۶هزارو۱۳۲تن، پتروپالایشی ۲۹۳هزارو۳۳۳تن، صنعتی ۹۸۰هزارو۷۹۲تن، کالای صادراتی یک‌میلیون‌و۸۷۶هزارو۵۴تن و بازار حراج ۷۸۵هزارو۸۰تن محصول عرضه کردند. بازار صنعتی در روز ۱۹ بهمن‌ماه، بازار کالای صادراتی ۲۱بهمن‌ماه و بازار حراج نیز در ۱۹ بهمن‌ماه بیشترین میزان عرضه را تجربه کردند به‌طوری که صنعتی ۳۷۳هزارو۱۵تن، کالای صادراتی ۵۴۳هزارو۱۱۵تن و بازار حراج ۷۰۵هزارو۲۲۰تن در آن روز عرضه محصول داشتند. در این‌مدت بازار فیزیکی ۴۹/۴درصد از کل حجم عرضه و بازار فروش را در بورس‌کالا به‌خود اختصاص داده بود در حالی که بازار مالی ۴۱/۵درصد، گواهی سپرده ۸/۵درصد و بازار آتی ۰/۵درصد به‌جریانات نقدینگی بورس‌کالا تسلط دارند. باید خاطرنشان کرد که تسلط بازار فیزیکی ۰/۶درصد افزایش، بازار مالی ۲/۶درصد کاهش، گواهی سپرده ۳/۵درصد افزایش و بازار آتی ۰/۱درصد کاهش را نسبت‌به هفته گذشته تجربه کردند که نشان از تقویت بازار گواهی سپرده و تضعیف نسبی بازار مالی دارد

■ **تزلزل اونس جهانی دربرابر جشن طلای داخلی**

میانگین ارزش معاملات گواهی سپرده طلا در هفته‌ای که گذشت ۳هزارو۱۴۷میلیاردتومان برآورد می‌شود که در ۲۰بهمن‌ماه به‌اوج خود در محدوده ۳هزارو۶۸۷میلیاردتومان رسید. در همین یک‌هفته بازار مشتقه و مالی ۲۳هزارو۷۸۴میلیاردتومان، گواهی زعفران ۶۰میلیاردتومان و گواهی شمش نقره ۵۱۹میلیاردتومان به‌طور میانگین ارزش معاملات داشتند. با یک‌مقایسه ساده می‌توان متوجه شد که بازار مشتقه و مالی با میانگین ارزش معاملات ۲۳هزارو۷۸۴میلیاردتومانی در یک‌هفته حجم و قدرت بیشتری نسبت‌به گواهی سپرده طلا، نقره و زعفران دارد. بازار مشتقه و مالی در ۲۰بهمن‌ماه بیشترین میزان ارزش معاملات را در محدوده ۲۸هزارو۷۹۸میلیاردتومان تجربه کرده است. لازم به‌ذکر است که در روز ۱۸بهمن به‌میزان ۳۰دستگاه خودرو، در روز ۱۹بهمن به‌میزان یک‌میلیون‌و۵هزارو۹۸۹تن سیمان و در روز ۲۱بهمن ۲۵۳هزارو۸۰۰تن سیمان عرضه شد که در دسته‌بندی سایر محصولات قرار می‌گیرند.طی یک‌هفته مورد بررسی نرخ اونس جهانی طلا ۰/۷–درصد و اونس نقره ۳/۱درصد کاهش یافته درحالی‌که طلای۱۸عیار ۰/۹+درصد و نقره در بازار داخلی ۱/۳+درصد رشد قیمت را تجربه کردند که به‌نظر می‌رسد از رشد نرخ‌دلار تاثیر مثبت پذیرفتند. در همین مدت سکه امامی ۰/۵–درصد، نیم‌سکه ۵/۸–درصد و ربع‌سکه ۰/۵–درصد کاهش قیمت را به‌ثبت رساندند. طبق آخرین بررسی‌ها اونس طلا ۴۹۱۸دلار، اونس نقره ۷۵/۱دلار، طلای ۱۸عیار ۱۹میلیون‌و۳۰هزارتومان، سکه امامی ۱۹۵میلیون‌و۹۹۰هزارتومان، نیم‌سکه ۹۸میلیون‌و۶۴۰هزارتومان و ربع‌سکه ۵۵میلیون‌و۷۰۰هزارتومان قیمت بازار دارند.

■ **گردش مالی ۶۰۳هزارمیلیاردی طلا در بورس**

طبق آخرین بررسی‌ها صندوق عیار ۲۱۹/۴همت، طلای لوتوس ۸۹/۳همت، کهربا ۵۳/۲همت، مثقال ۳۶همت، گنج ۳۱/۱همت، گوهر ۲۱/۱همت، جواهر ۱۷/۲همت، تابش ۱۵/۲همت، ناب ۱۲/۲همت، آلتون ۱۱/۶همت، زر ۱۲/۷همت، درخشان ۱۱همت، زروان ۹/۲همت، آتش ۸همت، زرفام ۶/۶همت، نفیس ۷/۲همت، لیان ۴/۳همت، ریتون ۸همت، زمرد ۵/۲همت، امرالد ۵همت، رز ترنج ۳/۱۵همت، قیراط ۲/۵۸همت، زرگر ۲/۹۶همت، جام ۳/۴۶همت، گلدیس ۱/۷۳همت، رزگلد ۱/۴۶همت، گلدا ۱/۸همت، درنا ۱/۲۹همت، نگین‌فارس ۰/۵۸همت و همیان ۰/۷۳همت ارزش خالص دارایی دارند. از سوی دیگر در گروه نقره نیز صندوق ۶۰۴میلیاردتومان، سیلور ۵۶۳میلیاردتومان و نقرابی ۸/۱همت ارزش خالص دارایی دارند.

ارزش خالص دارایی کل صندوق‌های طلای بورسی به۶۰۳هزارو۲۳۹میلیاردتومان رسیده و با ۱۷هزارو۲۸۵میلیاردتومان ارزش معاملات نسبت ارزش به‌تراکنش آن ۳۵واحد برآورد می‌شود که نشان می‌دهد گردش نقدینگی این‌گروه نسبت‌به میانگین بازارسرمایه قابل توجه بوده اما نسبت‌به هفته‌های قبل کاهش پیدا کرده است. از سوی دیگر در گروه زعفران صندوق نهال طی یک‌هفته اخیر به‌میزان ۰/۳+درصد رشد قیمت را تجربه کرده و از محدوده ۴هزارو۸۷۰تومان به۴هزارو۸۸۸تومان رسیده است. این‌صندوق ۳۵/۲میلیاردتومان ارزش معاملات دارد. ازطرف دیگر دومین و آخرین صندوق زعفران با نام سحرخیز هم در این‌مدت ۰/۲–درصد کاهش قیمت را تجربه کرده و با ارزش معاملات ۶/۷میلیاردتومانی به‌قیمت ۵هزارو۱۱۵تومان رسیده است.

■ **۱۰شرکت برتر بورس‌کالا در هفته‌سوم بهمن**

بررسی‌ها نشان می‌دهد در هفته گذشته نیز دوشرکت فلزی در صدر برترین‌های بورس‌کالا بودند. برترین‌های بورس‌کالای ایران در هفته منتهی‌به ۲۴بهمن‌ماه براساس ارزش فروش شرکت‌ها در بازار فیزیکی به‌شرح زیر است:

فولادمبارکه اصفهان با معامله ۱۱۵هزارو۳۷۰تن انواع ورق گرم و آرگون به‌ارزش ۶هزارو۸۳۶میلیاردتومان در رتبه نخست ایستاد. ملی صنایع مس ایران با فروش ۴هزارو۹۶۰تن انواع مس، سولفور و اکسید مولیبدن به‌ارزش ۶هزارو۵۶۳میلیاردتومان دوم شد.

پالایش نفت اصفهان ۸۹هزارتن وکیوم باتوم و لوب کات سبک به‌ارزش ۳هزارو۵۳۲میلیاردتومان فروخت و رتبه سوم را به‌خود اختصاص داد. پالایش نفت بندرعباس با معامله ۸۰هزارتن وکیوم باتوم و لوب کات سنگین به‌ارزش ۳هزارو۱۲۷میلیاردتومان چهارم شد.

شرکت معدنی و صنعتی چادرملو با معامله ۱۹۰هزارو۴۰تن کنسانتره و گندله سنگ آهن، شمش بلوم و آرگون به‌ارزش ۲هزارویک‌میلیاردتومان پنجم شد. پالایش نفت تهران(تندگویان) با فروش ۴۵هزارو۱۸۰تن وکیوم باتوم، لوب‌کات سبک و سنگین و گوگرد گرانوله به‌ارزش هزارو۷۹۴میلیاردتومان فروخت و رتبه ششم را به‌خود را کسب کرد.

پتروشیمی‌تندگویان فروش ۹هزارو۷۰۲تن پلی اتیلن ترفتالات بطری و نساجی و نخ پلی استر در گریدهای مختلف به‌ارزش هزارو۳۸۵میلیاردتومان رتبه هفتم را به‌خود اختصاص داد. مجتمع صنایع آلومینیوم جنوب با معامله ۲هزارو۸۷۵تن شمش و بیلت آلومینیومی به‌ارزش هزارو۳۳۷میلیاردتومان هشتم شد.

صنایع تولیدی دنیای مس کاشان ۶۲۵تن مس مفتول و سیم و مفتول مسی به‌ارزش یک‌هزارو۱۳۴میلیاردتومان فروخت و نهم شد. پتروشیمی شازند هم با فروش ۱۰هزارو۱۹۲تن مواد پلیمری به‌ارزش هزارو۱۰۶میلیاردتومان رتبه دهم را به‌خود اختصاص داد.

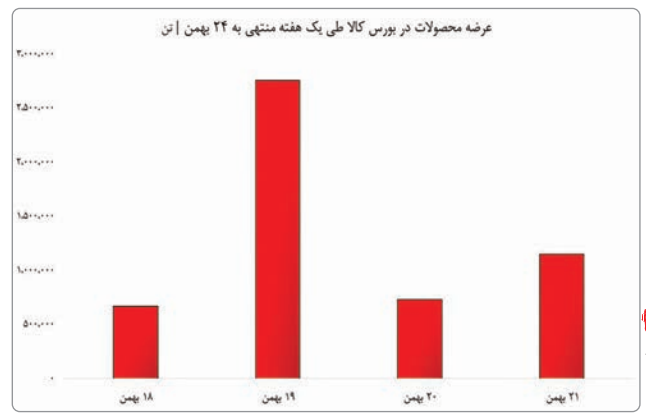

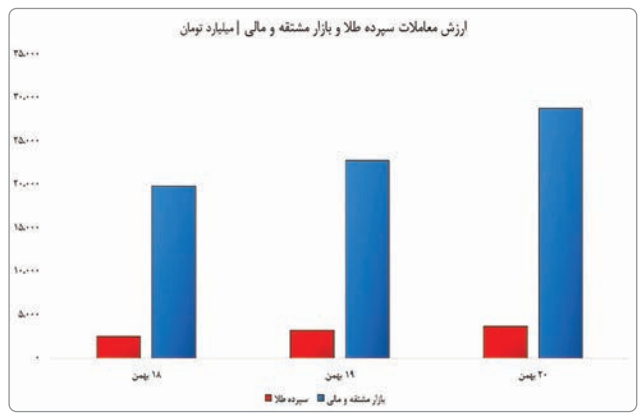

نمایه

یک‌کارشناس بازارسرمایه معتقد است بورس ایران در فضای فعلی با احتیاط کامل حرکت می‌کند و درصورت تحقق توافق ابتدا وارد فاز رشد عمومی می‌شود و سپس شرکت‌ها بر اساس عملکرد مالی و میزان بهره‌مندی از شرایط جدید مسیر متفاوتی را تجربه خواهند کرد. بازارهای مالی ایران طی چند هفته اخیر زیر سایه احتمالات بر سر وقوع جنگ یا توافق بین ایران و آمریکا قرار گرفته است. بورس تهران نیز از این‌وضعیت مستثنا نبوده و واکنش بازار سهام به‌سیگنال‌های جنگ و مذاکره قابل تحلیل و بررسی است. در همین رابطه حامد ستاک، تحلیلگر بازارسرمایه در گفت‌وگو با اقتصادنیوز در پاسخ به‌این پرسش که درصورت مثبت‌بودن مذاکرات ایران و آمریکا و احتمال توافق کدام صنایع شرایط بهتری پیدا خواهند کرد، گفت: بعد از این‌اتفاق بازار یک‌مرحله عمومی را طی خواهد کرد چراکه به‌طور کلی شرایط بازار نسبت‌به سایر بازارهای رقیب و موازی با نزول بسیار زیادی مواجه بوده است. بر این‌اساس یک‌مرحله عمومی وجود خواهد داشت که طی آن کل بازار با هم یک‌رشد نسبتا مناسبی را تجربه خواهند کرد. وی در ادامه خاطرنشان کرد: در مرحله بعد شرایط به‌اوضاع صورت‌های مالی شرکت‌ها باز می‌گردد یعنی شرکت‌هایی که در این‌وضعیت بحرانی عملکرد بهتری داشتند رشد خواهند داشت. در مرحله بعدی نیز شرکت‌ها و نمادهایی که تاثیر بیشتری از شرایط پس از آن رویداد می‌پذیرند و از آن منتفع می‌شوند رشد بهتری را تجربه خواهند کرد. ستاک افزود: با این‌حال اگر چنین اتفاقی رخ دهد و مذاکرات به‌نتیجه مثبتی منتهی شود بازار به‌صورت دسته‌جمعی رشد

کارشناس بازارسرمایه عنوان کرد

واکنش بورس به‌مذاکرات با الگوبرداری از تجربیات گذشته

قابل ملاحظه‌ای را خواهد داشت.

■ **بازارسرمایه؛ خوش‌بین یا بدبین؟**

این‌کارشناس بازارسرمایه درباره خوش‌بینی یا بدبینی بازار نسبت‌به مذاکرات ایران و آمریکا گفت: بازار چندین دفعه فرآیند مذاکرات را دیده بنابراین دیگر نمی‌تواند الگویی برای فرآیند مذاکرات ترسیم کرده و بر اساس آن الگو نتیجه‌گیری کند. این تحلیلگر بازارسرمایه ادامه داد: خوش‌بینی و بدبینی افراد به‌ویژه فعالان اقتصادی بر اساس الگوهای قبلی شکل می‌گیرد. به‌عنوان مثال تصور می‌شود اگر شرایط الف، ب و ج اتفاق بیفتد نتیجه فلان خواهد شد. از آنجایی که درخصوص مذاکرات هیچ الگویی نمی‌توان ترسیم کرد و دفعاتی وجود داشته که در اوج خوش‌بینی نتیجه مطلوب نبوده بازار کاملا با احتیاط جلو می‌رود.

■ **بیش‌واکنشی بورس به‌اخبار**

ستاک در ادامه این‌گفت‌وگو با تحلیل روند ریزشی اخیر بازار و تاثیر سیگنال‌های جنگ و مذاکره بر آن اظهار داشت: به‌طور کلی وقتی بازار در فاز احتیاطی قرار می‌گیرد هرگونه رویداد کوچکی با بیش‌واکنشی همراه می‌شود. از آنجایی که مراجع خبری و سیگنالی نمی‌توانند خیلی معتبر باشند هر مرجعی ممکن است بتواند شرایط روانی بازار را راهبری کند. ستاک خاطرنشان کرد: اگر بخواهیم به‌صورت خاص درباره ریزش بورس در هفته جاری صحبت کنیم پیش‌بینی‌هایی که اتفاق افتاده و مواضعی که اتخاذ شده باعث شد شرایط بازار به‌آن شکل درآمده و وضعیت بدی را به‌خود بگیرد. این تحلیلگر بازارسرمایه در پاسخ به‌پرسشی مبنی بر وضعیت بورس درصورت وقوع جنگ و لزوم تعطیلی یا ادامه فعالیت در شرایط خاص اظهار داشت: به‌نظر من عملکرد قبلی بورس با توجه به‌زمان کوتاه جنگ ایران و اسرائیل عملکرد مناسبی بود. اگر درگیری مدت زمان کوتاهی داشته باشد عملکرد قبلی الگو و رویه مناسبی برای دفعات بعدی خواهد بود اما اگر خدای نکرده درگیری به‌شکل بلندمدت اتفاق بیفتد بازار نمی‌تواند بسته بماند. شاید در آن صورت هم تصمیمات مرحله‌ای و فازی اتخاذ شود اما در مرحله اول همان الگوی قبلی مناسب است.

■ **مقصد نقدینگی خارج شده از بورس**

این تحلیلگر بازارسرمایه درخصوص مقصد پول‌های خارج شده از بورس در شرایط فعلی گفت: معمولا ازطریق رشد بازارها می‌توان متوجه شد که منابع به‌کدام سمت روانه شدند. منابع به‌سمتی می‌روند که در آن بازار تقاضا بیشتر از عرضه شده و رشد قیمتی اتفاق می‌افتد. بخشی از این‌وضعیت متاثر از بازارهای جهانی است و بخش دیگری از آن به‌شرایط داخلی کشور باز می‌گردد. وی در ادامه درباره اولویت سرمایه‌گذاری میان نمادهای بزرگ و کوچک درصورت توافق باتوجه به‌رشد نمادهای بزرگ گفت: اگر شرایط به‌حالت نرمال و عادی بازگردد همه نمادها با یک‌وقفه زمانی به‌جایگاه اصلی خود می‌رسند. با این‌حال نمادهای شاخص‌ساز یا همان نمادهای بزرگ خصوصیتی دارند که در شرایط خاص باعث اقبال به‌آن‌ها می‌شود و آن موضوع وضعیت نقدشوندگی آن‌هاست. ستاک گفت: این‌نمادها به‌دلیل وجود بازارگردان‌های توانمند و گاهی بازارگردان‌های اجباری وضعیت نقدشوندگی بهتری نسبت‌به سایر نمادها دارند. به‌همین دلیل اقبال فعالان بورسی در شرایط پرابهام روی این‌نمادها بیشتر از نمادهایی است که وضعیت نقدشوندگی ضعیف‌تری دارند.

■ **سرنوشت صندوق‌های کالایی و درآمد ثابت در شرایط جنگی**

ستاک درخصوص عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در شرایط جنگی گفت: صندوق‌های درآمد ثابت و صندوق‌های کالایی مانند طلاونقره دوجنس متفاوت هستند. صندوق‌های درآمد ثابت قطعا و حتما بهتر است باز باشند زیرا این‌صندوق‌ها روند مشخصی دارند و نوسانات خاصی برای آن‌ها متصور نیستیم. وی در ادامه اظهار داشت: صندوق‌های کالایی اما جنسی شبیه به‌سهام دارند. هرچند به‌عواملی نظیر قیمت‌های جهانی کالاها نیز مرتبط هستند اما درواقع ابزارهای مالی پرریسکی محسوب می‌شوند. جنس این‌صندوق‌ها با صندوق‌های درآمد ثابت متفاوت است و باید همان رفتاری با آنها صورت گیرد که با بازارهای پرریسک نظیر سهام انجام می‌شود.

نگاه

تحلیلگر بازارسرمایه با نگاه به‌تحولات سیاسی بررسی کرد

بورس در دوراهی ریزش و صعود

یک‌تحلیلگر بازارسرمایه معتقد است آنچه امروز بورس را تحت فشار قرار داده بیش از آنکه تهدیدهای نظامی باشد جنگ روانی و رسانه‌ای است. بازارسرمایه ایران در روزهای گذشته با افت قابل توجهی مواجه بود. برخی تحلیل‌هاتنش‌ها بین ایران و آمریکا و فضای جنگی حاکم بر کشور را علت این‌وضعیت بازار سهام می‌دانند.

بهمن فلاح در گفت‌وگو با اقتصاد نیوز معتقد است: «بازار در آستانه دور جدید مذاکرات و سفر آقای لاریجانی به‌عمان رویکردی احتیاطی درپیش گرفته و درصورت مثبت‌بودن نتایج می‌توان در این‌هفته شاهد برگشت روند بازار بود.»

■ **اثر جنگ رسانه و روانی بر بورس**

فلاح اظهار کرد: قسمت عمده وضعیت فعلی به‌فضای روانی و رسانه‌ای حاکم بر اقتصاد کلان بازمی‌گردد که به‌نوعی یک‌نوع جنگ محسوب می‌شود. درواقع کشورها در کنار جنگ نظامی جنگ رسانه‌ای و روانی را نیز آغاز می‌کنند که به‌طور طبیعی بر اقتصاد تاثیر می‌گذارد و ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی بازارهای سهام معمولا با ریزش مواجه می‌شوند.

■ **بورس هنوز به‌مدار مثبت برنگشته است**

این تحلیلگر بازارسرمایه اظهار کرد: اتفاقی که افتاد با توجه به‌سقوط سنگین بازار از ۱۰روز پیش و ریزش بیش از ۵۰۰هزارواحدی شاخص انتظار فعالان بازار این‌بود که پس از مذاکرات هفته گذشته فضا به‌تعادل برسد اما برخلاف انتظار و باوجود ثبات نسبی در قیمت جهانی انس، نقره و کامودیتی‌ها روند ریزشی بورس ادامه یافت.

وی افزود: متاسفانه با وجود ارزندگی بالای سهام و ارزش معاملات مناسب بازار هنوز به‌مدار مثبت بازنگشته است. به‌نظر می‌رسد اگرچه متغیرهای بنیادی مانند حرکت به‌سمت تک‌نرخی‌شدن ارز و حذف قیمت‌گذاری دستوری برخی صنایع در وضعیت خوبی هستند اما فشار فروش اوراق و تامین مالی از این‌محل(مانند فروش ۵همتی اوراق در هفته جاری) درکنار افزایش نرخ بهره در بازار پول مزیدبرعلت شده و فشار فروش را حفظ کرده است.

■ **روشن‌شدن موتور بورس با توافق نسبی**

فلاح بیان کرد: باتوجه به‌حرکت به‌سمت تک‌نرخی‌شدن ارز شرکت‌ها می‌توانند سود خوبی از محل تسعیر ارز شناسایی کنند. حتی درصورت شکل‌گیری یک‌توافق نسبی‌ونیم‌بند صنایع صادراتی ما و درصدر آنها صنعت پتروشیمی به‌دلیل رشد نرخ ارز متناسب با تورم و نقدینگی شرایط مساعدی خواهند داشت. این تحلیلگر بازارسرمایه گفت: بر اساس سامانه ارز توافقی که پیش از دوره آقای فرزین مطرح بود میانگین نرخ ارز در ماه‌های ابتدایی سال حدود ۷۸هزارتومان لحاظ می‌شد اما اکنون با ادغام بازار اول و دوم این‌میانگین به ۱۳۵تومان رسیده که رشدی بیش از ۹۰درصد را نشان می‌دهد. این‌موضوع با توجه به‌حاشیه سود شرکت‌های پتروشیمی که به‌طور میانگین ۴۰درصد است می‌تواند سودآوری چشمگیری را رقم بزند و ارزآوری خوبی هم برای اقتصاد کشور داشته باشند.

او افزود: تنها در شش‌ماهه‌نخست سال صنایع بورسی حدود ۲۰میلیارددلار تسعیر ارزی حتی با قیمت‌های زیر ۷۰هزارتومان داشتند بنابراین با حذف ارز دستوری و ترجیحی صنایع صادراتی در سال آینده از این‌محل به‌شدت مورد استقبال قرار گرفته و رشد خوبی را تجربه خواهند کرد.

■ **خروج ۴۷همت نقدینگی رکوردی وحشتناک برای بورس**

فلاح گفت: از ابتدای سال تاکنون شاهد خروج نقدینگی وحشتناکی از بازار بودیم که رقم آن از ۴۰همت فراتر رفته و الان به‌حدود ۴۷همت رسیده است. باتوجه به‌روند بازارها و ارزش معاملاتی که داریم اکنون ارزش روزانه معاملات به‌طور میانگین ۱۵همت شده است. از سوی دیگر ارزش معاملات در صندوق‌های طلا به بیش‌از ۳۰هزارمیلیاردتومان رسیده که دوبرابر میانگین ارزش معاملات کل بازار بورس است.

او افزود: این‌موضوع نشان می‌دهد جریان نقدینگی به‌سمت بازار طلا بوده و در بازار رسمی که مقیاس کوچکی از آن را در صندوق‌های طلا در نظر می‌گیریم می‌بینیم دوبرابر بورس معامله صورت می‌گیرد. مدیریت این‌نقدینگی توسط رییس‌کل پیشین بانک مرکزی و ازطریق پیش‌فروش سکه و حراج شمش در مرکز مبادله انجام شد که از ابتدای امسال مسیر پول را از بازارسرمایه به‌سمت بازارهای غیرمولد تغییر داد.

این تحلیلگر بازارسرمایه اظهار کرد: باوجود اینکه امسال سال سرمایه‌گذاری برای تولید نامگذاری شده بود اما سیاست‌های پیشین بانک مرکزی باعث آسیب به‌بازارسرمایه به‌عنوان بستر تامین مالی تولید شده تاجایی‌که ارزش بازارسرمایه به‌زیر ۹۰میلیارددلار سقوط کرد و نقدینگی در پول به‌سمت بازارهای غیرمولد رفت. درضمن این‌سیاست‌ها حتی در کنترل نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی نیز موفق نبودند و انقباضی هم محسوب نمی‌شدند. درنتیجه اکنون تورم بالای ۴۰درصد در اقتصاد ما مزمن شده است.

بانک صنعت و معدن
بانک پیشرفت و توسعه

آگهی ارزیابی کیفی تامین تجهیزات سخت افزاری و شبکه ای سرویس دهنده های راهکار جامع بانکداری متمرکز

بانک صنعت و معدن در نظر دارد در چارچوب قانون برگزاری مناقصات تامین تجهیزات سخت افزاری و شبکه ای سرویس دهنده های راهکار جامع بانکداری متمرکز را به شرکت‌های واجد شرایط که سابقه مرتبط با موضوع مناقصه را دارند به روش مناقصه عمومی دو مرحله‌ای واگذار نماید. لذا از کلیه شرکتها/موسساتی که در این زمینه فعالیت دارند و از مراجع ذیصلاح دارای مجوز لازم می باشند دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ انتشار این آگهی، به مدت ۷ روز به آدرس ذیل مراجعه نمایند. کلیه مراحل برگزاری اعم از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادهای مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه ذیل انجام خواهد شد. لذا لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی جهت شرکت در مناقصه را محقق سازند.

تلفن پاسخگویی: ۲۷۸۷۱۱۴۰ - ۲۷۸۷۱۱۲۱-۰۲۱

* ضمناً فایل اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس الکترونیکی www.setadiran.ir قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: ۷روز از تاریخ انتشار آگهی.

مهلت تحویل اسناد: ۱۴ روز بعد از آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد.

شناسه آگهی: ۲۱۲۱۴۵۲ – م‌الف ۴۲۳۶۰

روابط عمومی و امور مشتریان
سامانه یکپارچه پاسخگویی: ۸۴۹۸-۰۲۱
bim-prd
www.bim.ir

درنگ

بورس در رکود، مسوولان در سکوت!

هومن عمیدی*– روند فعلی بازارسرمایه نامشخص بوده به‌طوری که سطح ارزندگی سهام به‌دلیل شرایط بنیادی شرکت‌ها و کاهش قیمت و انجام حراج واقعی در برخی نمادها به‌شدت افزایش یافته اما در بحث نااطمینانی و عدم حمایت توسط متولیان بازارسرمایه چشم‌انداز چندان روشنی مشاهده نمی‌شود. در چنین فضایی نمی‌توان پیش بینی کرد که چه اتفاقی قرار است رخ بدهد و همه متغیرها تا حدودی به‌شرایط سیاسی کشور گره خورده است. در بازارهای موازی چنین وضعیتی مشاهده نمی‌شود و می‌توان چنین اظهار داشت که‌تنها بورس کاهش قیمت و ثبت بازدهی منفی را به‌نمایش گذاشت.

عملکرد ضعیف شاخص‌های بورس درمقابل بازارهای موازی را می‌توان به‌پای مسوولان چه در سازمان بورس و چه در وزارت اقتصاد نوشت که متاسفانه حمایت از بازارسرمایه را در دستور کار خود قرار ندادند. فضای کنونی چندان مطلوب نیست و پرتفوی بورسی سهامداران خرد متحمل زیان شده اما با این‌وجود بورس پتانسیل زیادی برای رشد دارد. درواقع بازار از نظر عملکرد مالی شرکت‌ها و ارزندگی سهام مشکل بنیادی ندارد و صرفا مساله نااطمینانی و نگرانی‌های سیاسی گریبان‌گیر سهام شده است. جالب است بدانید این‌نگرانی‌ها تنها در بازار بورس وجود دارند و بازار املاک و مستغلاتی که طبیعتا باید اثر منفی از ریسک‌های سیاسی و نظامی بپذیرد در ایران روند صعودی در پیش گرفته و طی سه‌ماهه اخیر تقریبا ۱۵الی۲۰درصد افزایش قیمت را تجربه کرده است. چنین به‌نظر می‌رسد که بازارسرمایه را به‌حال خود رها کرده و شاید هم منفعت در خنثی نگه‌داشتن روند و نهایتا افت ۲۰درصدی قیمت سهام است! ازسوی دیگر ارزش‌دلاری بازار بورس وضعیت نامطلوب را نشان می‌دهد که بی‌مسوولیتی عده‌ای منجربه ایجاد بحران در بازار شده است. در رابطه با عملکرد بازارها درمقابل نرخ تورم باید گفت که تورم نقطه‌به‌نقطه در برخی از اقلام بیشتر از سایر اقلام به‌چشم می‌خورد. به‌طور مثال مواد غذایی نرخ تورم قابل توجهی را به‌ثبت رساند و اثر تورمی خود را به‌سفره‌های مردم وارد کرد. اگر نرخ تورم تمامی اقلام را به‌صورت میانگین و در قالب یک‌سبد در نظر بگیریم تورم نقطه‌به‌نقطه بیش از ۵۵درصد را شاهد هستیم. دلار و طلا که همسو با تورم رشد قیمت را تجربه کردند و درآمد و سودآوری شرکت‌ها نیز رشد بیش از ۳۰درصدی را به‌ثبت رساندند و حتی در برخی از نمادها وضعیت بنیادی و درآمدی عجیبی مشاهده می‌شود. همانطور که گفته شد وضعیت در برخی نمادها آن قدر عجیب است که سود ناشی از تسعیر ارز و سود عملیاتی شرکت بیش از قیمت سهام آن برآورد می‌شود. زمانی که بازار روز معاملاتی مثبتی را تجربه می‌کند تعداد زیادی از افراد در مورد بورس صحبت می‌کنند و به‌اصطلاح عکس‌های یادگاری می‌گیرند اما در روز معاملاتی منفی بازار را رها کرده و اجازه می‌دهند که ریزش‌ها عمیق تر شود. به‌هر حال وضعیت بورس رضایت بخش نبوده و حتی ریزش‌های آن در رسانه‌های خارجی نیز منعکس می‌شود. اگر قرار بر این‌است که بازارسرمایه کشور بدون مدیریت صحیح از ریسک‌های مختلف تاثیر منفی بپذیرد و روند رو به‌افول ادامه دار باشد بهتر نیست بازار بورس و معاملات سهام بسته شود؟ فاجعه‌بار است که نسبت قیمت به‌سود (P/E) یک‌سهم کمتر از یک‌واحد باشد و همین مورد برای اثبات وضعیت بحرانی بورس در شرایط فعلی کفایت می‌کند. با ریزش پیاپی قیمت سهام و روند روبه‌افول بازارسرمایه رونق تولید و کمک به‌اقتصاد کشور قربانی و سیاستگذاری‌های غلط اقتصادی منجر به‌فرار پول از بازار بورس می‌شود. از طرفی مسوولان به‌صندوق‌های نقره‌ای مجوز می‌دهند که دارایی فیزیکی نداشته و سپرده کالایی جای اوراق و سپرده بانکی را در پرتفوی این‌صندوق‌ها گرفته که با یک‌حباب سنگین معامله می‌شوند. همین موارد نشان می‌دهند که بازارسرمایه را بخشی کرده و سیاست‌ها درحال رواج‌دادن سفته‌بازی و شیفت پول درون بازاری هستند. به‌طور کلی پذیرش صندوق‌ها و انجام عرضه اولیه در شرایطی معقول و منطقی است که بازارسرمایه در یک‌روند رو به‌رشد و یا حداقل استیبل باشد چراکه در ابتدا قیمت‌ها باید به‌ارزش واقعی خود نزدیک شده و زمانی که بازار به‌حالت بهینه خود بازگشت ظرفیت برای عرضه و پذیرش وجود خواهد داشت.

***کارشناس بازارسرمایه**

خبربان

سپرده‌گذاری مرکزی خبر داد

مکانیزه‌شدن پرداخت سود از طریق سمات

«**جهان صنعت**»– مکانیزه‌شدن فرآیند توزیع سود صندوق‌های سرمایه‌گذاری توسط سپرده‌گذاری مرکزی مزایای بی شماری را برای سرمایه گذاران و تسهیل فرآیندها در بازارسرمایه ایجاد کرده است. به گزارش روابط عمومی سپرده‌گذاری مرکزی، فرآیند توزیع سود صندوق‌های سرمایه‌گذاری با هدف افزایش دقت، شفافیت و کاهش خطای انسانی به‌طور کامل بازطراحی شد. از این‌پس کلیه عملیات مربوط به‌پرداخت سود به‌سرمایه‌گذاران ازطریق درگاه دارا و به‌صورت کاملا مکانیزه و خودکار انجام می‌شود. مشاهده سررسیدهای پرداخت سود در این‌طرح جدید نماینده صندوق سرمایه‌گذاری پس از ورود به‌سامانه دارا می‌تواند سررسیدهای پرداخت سود برای نمادهای تحت مدیریت خود را مشاهده کند. در روز سررسید نماینده صندوق موظف است مبلغ سود قابل پرداخت برای هر واحد صندوق را در سامانه ثبت کند. بر اساس این‌گزارش پس از ثبت مبلغ سود شناسه پرداخت برای تامین وجه در اختیار نماینده صندوق قرار می‌گیرد و صندوق باید مبلغ تعیین‌شده را به‌حساب معرفی‌شده واریز کند.

در این‌مرحله با انجام این‌واریز سامانه دارا به‌صورت خودکار و بدون دخالت انسانی عملیات تطبیق وجه، تایید پرداخت و ارسال دستور پرداخت به‌بانک را انجام می‌دهد. اسناد حسابداری مرتبط با فرآیند توزیع سود نیز به‌صورت مکانیزه در سیستم ثبت می‌شود.

گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی خودکار به‌سرمایه‌گذاران پس از تکمیل عملیات پرداخت نماینده صندوق می‌تواند وضعیت پرداخت‌ها را در سامانه مشاهده کرده و گزارش‌های مربوطه را دریافت کند. علاوه بر این درصورت فعالسازی گزینه ارسال پیامک اطلاع‌رسانی واریز سود به‌دارندگان افزایش کارایی، شفافیت و رضایت واحدهای سرمایه‌گذاری نیز به‌صورت خودکار انجام خواهد شد.

با اجرای این‌طرح فرآیند توزیع سود صندوق‌های سرمایه‌گذاری به‌شکل تمام‌مکانیزه و بدون نیاز به‌مداخله انسانی انجام می‌شود؛ اقدامی که انتظار می‌رود موجب افزایش کارایی، شفافیت و رضایت سرمایه‌گذاران در بازارسرمایه شود.

نمایه

موتور پنهان رشد صنعتی

محسن یادبروقی*- در جهان امروز فناوری دیگر یک ابزار جانبی برای رشد اقتصادی نیست بلکه ستون اصلی رقابت‌پذیری و توسعه صنعتی کشورها محسوب می‌شود. صنایع پیشرفته از ماشین‌سازی و خودروسازی گرفته تا تجهیزات صنعتی و انرژی با پیچیدگی‌های فناورانه و هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری مواجهند و موفقیت آنها بدون دسترسی به شبکه‌های گسترده دانش و فناوری تقریبا غیرممکن است.

در این میان انجمن‌های صنعتی به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای و هماهنگ‌کننده نقش حیاتی در تسهیل جریان دانش، انتقال فناوری و ارتقای ظرفیت نوآوری شرکت‌ها ایفا می‌کنند.

انجمن‌های صنعتی با اتصال بنگاه‌ها به دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سیاستگذاران پل مهمی میان تولید، تحقیق و توسعه فناوری ایجاد می‌کنند. آنها با شناسایی نیازهای مشترک اعضا، ارائه خدمات مشاوره‌ای و فنی، طراحی برنامه‌های آموزشی و شبکه‌سازی ظرفیت جذب شرکت‌ها به‌کارگیری و پیاده‌سازی فناوری‌های نوین را افزایش می‌دهند. به بیان ساده انجمن‌ها نه فقط یک مجمع صنفی بلکه موتور محرکه توسعه فناوری و صنعتی‌سازی محسوب می‌شوند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که انجمن‌های صنعتی فعال و توانمند دارند نرخ موفقیت پروژه‌های تحقیق و توسعه فناوری بالاتر، چرخه ورود فناوری به بازار کوتاه‌تر و بهره‌وری صنعتی بیشتری را تجربه می‌کنند. برای مثال انجمن تولیدکنندگان ماشین‌آلات صنعتی آلمان (VDMA) با بیش از ۳هزارعضو شبکه‌ای گسترده از تولیدکنندگان ایجاد کرده و استانداردهای بین‌المللی را پیاده‌سازی می‌کند. این انجمن با هدایت پروژه‌های مشترک تحقیق و توسعه فناوری دسترسی شرکت‌های کوچک و متوسط به فناوری‌های پیچیده را ممکن ساخته و ریسک شکست پروژه‌های نوآوری را کاهش می‌دهد. در ژاپن نیز انجمن مهندسین مکانیک (JSME) با تمرکز بر تحقیق و توسعه و دیجیتال‌سازی شبکه‌ای فعال میان دانشگاه و صنعت ایجاد کرده و امکان تبادل فناوری و توسعه محصول را تسهیل می‌کند.

در ایران انجمن‌هایی مانند انجمن سازندگان صنعت ماشین‌سازی و انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت(استصنا) با تمرکز بر آموزش، استانداردسازی و شبکه‌سازی گام‌هایی درجهت توسعه فناوری برداشتند. با این حال محدودیت‌های ساختاری، منابع مالی ناکافی و لزوم تقویت قابلیت مدیریت پروژه‌های تحقیقات فناورانه و توسعه‌ای اثرگذاری آنها را نسبت به نمونه‌های بین‌المللی محدود کرده است. این واقعیت نشان می‌دهد که تقویت نهادهای واسطه‌ای نه فقط یک ضرورت بلکه پیش‌شرط توسعه صنعتی پایدار است.

یکی از مهم‌ترین نقش‌های انجمن‌های صنعتی واسطه‌گری فناورانه است. این کارکرد به معنای شناسایی فناوری‌های نوظهور، انتقال دانش به بنگاه‌ها، پشتیبانی از پروژه‌های تحقیق و توسعه و ایجاد شبکه‌های همکاری است. شرکت‌های کوچک و متوسط که منابع مالی و تخصصی محدودی دارند بیشترین بهره را از این واسطه‌گری می‌برند. انجمن‌ها با اجرای کارگاه‌های آموزشی، پروژه‌های مشترک تحقیقاتی و ارائه مشاوره فنی ظرفیت جذب فناوری‌های نوین را افزایش و ریسک شکست پروژه‌ها را کاهش می‌دهند. به همین دلیل بسیاری از شرکت‌های فعال در انجمن‌های صنعتی سرعت بیشتری در نوآوری و توسعه محصولات دارند و با هزینه کمتر به فناوری‌های پیشرفته دسترسی پیدا می‌کنند.

استانداردسازی و راهبری فناوری نیز یکی از ابزارهای کلیدی انجمن‌هاست. همکاری‌های کارشناسی و تخصصی با سازمان‌ها و ساختارهای حاکمیتی در تدوین استانداردهای فنی و فرآیندی نه‌تنها کیفیت محصولات را افزایش می‌دهد بلکه امکان حضور در بازارهای بین‌المللی و اعتماد مشتریان را فراهم می‌کند. انجمن‌ها با ارائه راهنمایی‌ها و مشاوره در اجرای استانداردهای بین‌المللی مانند ISO ۹۰۰۱ ISO ۱۴۰۰۱ و ISO ۴۵۰۰۱ و استانداردهای فنی و مهندسی موجب کاهش هزینه‌های توسعه و افزایش قابلیت صادراتی صنایع را فراهم می‌آورند. با تدوین نقشه‌های راه فناوری اولویت‌های تحقیق و توسعه را مشخص و فرآیندهای تصمیم سازی و تصمیم‌گیری را هماهنگ کرده به نحوی که فعالیت‌های فناورانه شرکت‌ها با اهداف کلان صنعت و کشور همسو شود.

توسعه منابع انسانی نیز به‌عنوان حلقه‌ای حیاتی در زنجیره توسعه فناوری و صنعتی مورد توجه انجمن‌ها قرار دارد. کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر یکی از اصلی‌ترین موانع توسعه فناوری و صنعتی در ایران است. انجمن‌ها با برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های تخصصی و برنامه‌های کارآموزی مهارت‌های فنی، مدیریتی و نوآوری را در نیروی انسانی ارتقا داده و شکاف میان دانشگاه و صنعت را کاهش می‌دهند. تجربه نشان می‌دهد شرکت‌هایی که تحت پوشش انجمن‌های فعال هستند بهره‌وری و نوآوری بالاتری دارند و توان رقابت‌پذیری آنها در بازار داخلی و بین‌المللی افزایش می‌یابد. شبکه‌سازی و اشتراک دانش نیز یکی از ابزارهای مهم انجمن‌ها برای افزایش نوآوری است. ایجاد کنفرانس‌ها، نمایشگاه‌ها، وبینارها و پلتفرم‌های دیجیتال امکان تبادل تجربیات و دانش میان شرکت‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی را فراهم می‌کند. این شبکه‌ها موجب شکل‌گیری اکوسیستم نوآوری می‌شوند که در آن شرکت‌ها می‌توانند پروژه‌های مشترک تحقیق و توسعه را طراحی و اجرا کنند و از تجربیات یکدیگر بهره ببرند. به‌ویژه صنایع کوچک و متوسط که دسترسی محدودی به منابع علمی و فناوری دارند از این شبکه‌ها بهره‌برداری حداکثری می‌کنند.

انجمن‌های صنعتی نقش مشاوره و هدایت سیاستگذاری را دارند. آنها با ارائه تحلیل‌های بازار، مشاوره در تدوین قوانین و استانداردها و مشارکت در کمیته‌های سیاستگذاری نهادها و ساختار حکمرانی کشورمرتبط محیط نهادی حمایت‌کننده از نوآوری و توسعه فناوری را فراهم می‌کنند. این تعاملات موجب کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، ارتقای همکاری میان بخش‌های مختلف صنعت و تسهیل جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. تجربه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد هماهنگی میان سیاستگذاری صنعتی و فعالیت‌های انجمن‌ها اثرگذاری آنها را به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌دهد.

باوجود اهمیت کلیدی انجمن‌ها آنها با چالش‌هایی نیز مواجهند. محدودیت‌های ساختاری، وابستگی مالی به دولت، کمبود نیروی متخصص، چالش در برنامه‌ریزی بلندمدت و موانع قانونی از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی این نهادها هستند. عوامل فرهنگی مانند چالش اعتماد میان شرکت‌ها، کمبود انگیزه برای مشارکت فعال و مقاومت در برابر نوآوری نقش قابل‌توجهی در محدودکردن اثرگذاری انجمن‌ها دارند. نمونه‌های موفق بین‌المللی نشان می‌دهد که ساختار حرفه‌ای، استقلال مالی، مدیریت پروژه‌های تحقیق و توسعه و ایجاد مشوق‌های مشارکت از عوامل کلیدی موفقیت انجمن‌هاست. برای غلبه بر این چالش‌ها راهکارهای عملیاتی متعددی وجود دارد. تامین منابع مالی پایدار ازطریق ترکیب بودجه اعضا، حمایت دولتی و پروژه‌های مشترک صنعتی، توسعه ساختارهای مدیریتی حرفه‌ای، ایجاد مشوق‌های واقعی برای مشارکت فعال اعضا و تعامل مستمر با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ازجمله اقدامات موثر هستند. این اقدامات باعث افزایش اثرگذاری انجمن‌ها در توسعه فناوری و صنعتی، توانمندسازی صنایع کوچک‌ومتوسط و هدایت سیاست‌های صنعتی می‌شوند.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد انجمن‌های صنعتی می‌توانند با ایفای نقش واسطه‌گری، کاهش شکاف میان دانش دانشگاهی و نیازهای صنعت، استانداردسازی محصولات و فرآیندها، آموزش نیروی انسانی و شبکه‌سازی تخصصی موتور محرکه توسعه فناوری و صنعتی کشور باشند. شرکت‌هایی که در فعالیت‌های انجمن‌ها فعال هستند سریع‌تر و با ریسک کمتر به فناوری‌های نوین دسترسی پیدا می‌کنند، بهره‌وری بالاتری دارند و توان رقابت‌پذیری آن‌ها در بازار داخلی و بین‌المللی افزایش می‌یابد.درنهایت تقویت انجمن‌های صنعتی نه یک گزینه بلکه یک ضرورت راهبردی برای توسعه فناوری و صنعتی‌سازی کشور محسوب می‌شود. این نهادها با ترکیب فعالیت‌های استانداردسازی، شبکه‌سازی، آموزش، واسطه‌گری فناورانه و مشارکت در سیاستگذاری می‌توانند اثرگذاری خود را در رشد صنعتی افزایش دهند و به افزایش مزیت رقابتی کشور کمک کنند.

تجربه داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهد بدون حضور فعال انجمن‌ها توسعه صنعتی کند و پراکنده خواهد بود و صنایع داخلی در رقابت جهانی عقب خواهند ماند. بنابراین طراحی سیاست‌های حمایتی، ایجاد ساختارهای مدیریتی توانمند و توسعه شبکه‌های صنعتی گام‌های ضروری برای بهره‌گیری از ظرفیت انجمن‌ها در جهت توسعه و رشد پایدار کشور محسوب می‌شوند.

***تحلیلگر راهبردی هوش‌مصنوعی، فناوری و نوآوری**

نفت؛ طلای سیاه یا بلای توسعه؟

مرتضی فاخری*- در میانه قرن بیستم با آغاز جریان ثروت از میادین نفتی خوزستان آینده‌ای درخشان و پرزرق و برق در افق ایران ترسیم شد. درآمدهای سرشار، طرح‌های بلندپروازانه صنعتی و وعده تبدیل‌شدن به قدرتی اقتصادی در سطح جهانی تصویری فریبنده از «طلای سیاه» به‌عنوان موتور بی‌چون‌وچرای پیشرفت ارائه می‌داد. این رویای توسعه که در دوره‌ای حتی با عنوان «ژاپن خاورمیانه» از آن یاد می‌شد بر این فرض ساده‌انگارانه استوار بود که ثروت نفتی به خودی خود می‌تواند زیرساخت‌های یک ملت مدرن را بسازد، فقر را ریشه‌کن کند و جایگاه ایران را در نظم جهانی ارتقا بخشد. شوروشوق آن سال‌ها اگرچه طبیعی می‌نمود اما غبار طلایی رونق دیدگاه بلندمدت را نسبت به تله‌های پنهان این ثروت آسان تار می‌کرد

گذر زمان و تلاقی این درآمدهای بادآورده با ساختارهای سیاسی و اقتصادی اما رویا را به کابوسی پیچیده بدل کرد. پرسش اصلی این است: چگونه این موهبت ظاهری که باید جرقه‌ای برای جهش باشد به عاملی ساختاری برای ناپایداری، تشدید نوسانات اقتصادی و ایجاد مانعی دیرپا در مسیر توسعه پایدار تبدیل شد؟ پاسخ در این حقیقت تلخ نهفته که نفت فراتر از یک کالای صادراتی به رگ حیات بودجه دولت و تعیین‌کننده اصلی ارزش پول ملی بدل شد. این وابستگی عمیق اقتصاد کشور را به گروگانی بی‌اراده در برابر نوسانات قهقرایی بازار جهانی نفت و نیز ابزاری آسیب‌پذیر در دست بازی‌های ژئوپلیتیک تبدیل کرد. هدف این مقاله بازخوانی صرف تاریخ اقتصادی نبوده بلکه واکاوی مکانیسم‌های سیاسی و اقتصادی شکننده‌ای است که طی دهه‌ها «فرصت» را به «بلای توسعه» مبدل کرده و اقتصاد ایران را در چرخه‌ای مکرر از رونق‌های کاذب و رکودهای دردناک اسیر نگه داشته است.

■ بیماری هلندی؛ ارمغان پنهان درآمدهای نفتی

در میانه دهه‌های پررونق نفتی پدیده‌ای اقتصادی اما ویرانگر در سایه جریان عظیم ارز به کشور رخنه کرد که به «بیماری هلندی» شهرت یافت؛ نامی که از تجربه هلند پس از کشف گاز طبیعی در دریای شمال گرفته شد. این بیماری خطرناک در ساده‌ترین بیان هنگامی ظاهر شده که ورود گسترده درآمدهای ارزی حاصل از یک منبع طبیعی مانند نفت باعث تقویت شدید و کاذب پول ملی می‌شود. این تقویت گرچه در نگاه نخست مثبت به نظر می‌رسد در عمل مانند تزریق یک سم مهلک به بخش‌های تولیدی و صادراتی غیرنفتی عمل می‌کند چراکه با قدرتمندشدن ریال قیمت کالاهای ساخت داخل در بازارهای جهانی به شکل مصنوعی افزایش یافته و رقابت‌پذیری خود را از دست می‌دهند. همزمان واردات کالاهای خارجی به دلیل قدرت خرید بیشتر ارز حاصل از نفت ارزان‌تر و جذاب‌تر می‌شوند. نتیجه این فرآیند نابودی تدریجی صنایع داخلی در رقابت ناعادلانه با سیل کالاهای وارداتی است.

نمونه این تراژدی اقتصادی را می‌توان به وضوح در سرنوشت صنایع تاریخی و مولد ایران مشاهده کرد. دوران اوج درآمدهای نفتی ریال را چنان نیرومند کرد که محصولات کارخانه‌های نساجی اصفهان که روزگاری نه تنها نیاز داخلی را تامین می‌کردند بلکه در بازارهای منطقه‌ای نیز خوش می‌درخشیدند ناگهان در مقابل پارچه‌ها و البسه وارداتی که اکنون به لطف ارز ارزان قیمتی نازل داشتند بی‌مشتری و غیراقتصادی شدند. همین سرنوشت غم‌انگیز دامان هنر–صنعت اصیل فرش‌بافی کرمان و دیگر مناطق را نیز گرفت. فرش‌های دستباف ایرانی که با ارزش هنری و کیفیت بی‌نظیر خود جهانیان را می‌فریفت به دلیل افزایش هزینه‌های تولید به ریال قدرتمند و رقابت با محصولات مشابه ارزان‌قیمت رفته‌رفته از دور رقابت خارج شد. این روند به ایجاد یک «اقتصاد دوپاره» انجامید: از یک سو «جزیره نفتی» پرزرق‌وبرق و ثروتمندی که مستقیم به بازارهای جهانی وصل بود و انبوه ارز تولید می‌کرد و از سوی دیگر «پهنه فرسوده غیرنفتی» وسیعی شامل کشاورزی، صنعت و هنر–صنعت‌هایی که در انزوا و بی‌پشتوانی روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شدند و توان رقابت و حتی بقای خود را از دست می‌دادند. این شکاف ساختاری بنیان یک اقتصاد متوازن و خوداتکا را از درون می‌پاشاند و کشور را در وضعیت شکننده و تک‌محصولی محبوس می‌کرد.

■ دولت رانتیر؛ وقتی حکومت نیازمند مردم نیست

در هسته سیاسی معمای توسعه نیافتگی در کشورهای دارنده منابع طبیعی پدیده‌ای به نام «دولت رانتیر» قرار دارد. این مفهوم توصیفگر وضعیتی است که در آن حکومت بخش عمده درآمد خود را نه از طریق فرآیندهای متعارف اقتصادی مانند اخذ مالیات از تولید و درآمد شهروندان بلکه مستقیما و به شکل رانتی (Rent) از خارج و از محل فروش منابعی مانند نفت کسب می‌کند. این مکانیسم ساده اما عمیقا تاثیرگذار بنیان رابطه سنتی و تاریخی میان حکمرانان و مردم را دگرگون می‌کند. هنگامی که دولت برای تامین هزینه‌های خود نیازی به دریافت مالیات از جامعه ندارد پیوند حیاتی پاسخگویی و حسابداری که در سیستم‌های مالیات‌محور وجود دارد سست یا حتی گسسته می‌شود. دولت به‌جای آنکه خدمتگزار و پاسخگوی ملت باشد که منابع مالی را در اختیارش قرار می‌دهند به توزیع‌کننده رانتی تبدیل می‌شود که درآمدش منبعث از موهبتی خارجی است.

این تغییر جهت در منبع درآمد تاثیرات ساختاری شگرفی بر بدنه سیاسی و اجتماعی کشور می‌گذارد. در جوامعی که دولت متکی به مالیات شهروندان است نوعی چانه‌زنی و مذاکره دائم میان ملت و حکومت شکل می‌گیرد. شهروندان در ازای پرداخت مالیات خواستار خدمات کارآمد، شفافیت در هزینه‌کرد و حق نظارت می‌شوند. این رابطه نهادهای مدنی، احزاب و مجلس را تقویت کرده و حکمرانی را به‌سمتی پاسخگو و قانون‌محور سوق می‌دهد. درمقابل در دولت رانتیر نفتی جریان مالی یک‌طرفه از دولت به جامعه است. حکومت با استفاده از درآمد نفت می‌تواند بدون ایجاد فشار مالی بر مردم خدمات ارائه دهد، پروژه‌های بزرگ را اجرا و شبکه‌های حمایتی وسیعی ایجاد کند. این امر اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است رضایتی سطحی ایجاد کند اما در بلندمدت منجر به تضعیف شدید نهادهای مستقل مدنی، کاهش مطالبه‌گری عمومی و گسترش یک اقتصاد دیوانسالارانه و فاسد می‌شود. در چنین سیستمی تمرکز بر تقسیم رانت به جای ایجاد ثروت مولد، رقابت گروه‌ها بر سر دستیابی به جریان نفت به‌جای رقابت در عرصه تولید و وفاداری به مرکز توزیع رانت به جای شایستگی و کارایی به هنجار تبدیل می‌شود. نتیجه نهایی شکل‌گیری دولتی قدرتمند اما غیرپاسخگو در برابر ملتی منفعل اما وابسته است که در آن فساد ساختاری رخنه کرده و امکان ظهور یک نظام سیاسی دموکراتیک و یک اقتصاد رقابتی به شدت محدود می‌شود.

■ چرخه شیطانی: رونق، رکود و بی‌ثباتی

اقتصادهای وابسته به نفت محکوم به زندگی در چرخه‌ای بی‌پایان از نوسانات بیرونی هستند؛ الگویی تکراری و مخرب که می‌توان آن را «چرخه شیطانی رونق و رکود» نامید. این چرخه شوم با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی به حرکت درمی‌آید. ورود ناگهانی سیل درآمدهای ارزی بودجه دولت را به ظاهر سرشار می‌کند و پروژه‌های عمرانی گسترده یارانه‌ها و هزینه‌های دولتی را به‌طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. این تزریق گسترده نقدینگی به اقتصاد اگرچه در ابتدا رونق و رفاه کاذبی ایجاد می‌کند اما به سرعت به افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات می‌انجامد در حالی که عرضه داخلی توان پاسخگویی ندارد. نتیجه گریزناپذیر این وضعیت اوج‌گیری تورم است. در این مرحله قدرت خرید مردم به ویژه قشرهای کم‌درآمد که دسترسی کمتری به جریان نقدینگی دارند تحلیل رفته و توزیع ناعادلانه ثروت تشدید می‌شود. این رونق تورمی بنیان‌های شکننده‌ای دارد که با اولین کاهش قیمت نفت در بازار جهانی فرو می‌ریزد.

هنگامی که قیمت نفت سقوط می‌کند مرحله دردناک و آشنا این چرخه آغاز می‌شود. دولت که مخارج خود را بر اساس درآمدهای نفتی کلان تنظیم کرده ناگهان با شکاف عمیق بودجه مواجه می‌شود. برای پرکردن این کسری گزینه‌های محدود و همگی آسیب‌زایی پیش‌رو دارد: کاهش شدید هزینه‌های جاری و عمرانی که به تعلیق پروژه‌ها و رکود در بخش ساخت‌وساز منجر می‌شود، استقراض از بانک مرکزی که به خلق پول و ادامه تورم دامن می‌زند یا کاهش ارزش پول ملی برای جبران کسری ارزی. کاهش ارزش ریال خود بحران جدیدی می‌آفریند: گرانی شدید کالاهای وارداتی و مواد اولیه، ورشکستگی واحدهای تولیدی وابسته به واردات و تشدید تورم. پیامد این بحران چندبعدی بر زندگی شهروندان مستقیم و سنگین است. نوسانات شدید در اشتغال به‌ویژه در بخش‌های ساختمانی و خدماتی وابسته به بودجه دولت بی‌ثباتی شغلی ایجاد می‌کند. قدرت خرید خانوارها در یک نوسان دائمی قرار گرفته و برنامه‌ریزی بلندمدت برای خانواده‌ها ناممکن می‌شود. سرمایه‌گذاران نیز به‌دلیل غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن محیط اقتصادی از ورود به بخش‌های مولد اجتناب کرده و اقتصاد در دام رکود تورمی گرفتار می‌شود. این نوسان مداوم بین رونق تورمی و رکود رکودی نه‌تنها رشد پایدار را غیرممکن می‌کند بلکه اعتماد جامعه به آینده و توانایی نظام اقتصادی برای تامین رفاه را به تدریج از بین می‌برد.

■ تحریم‌ها؛ آشکارکننده عمق وابستگی

تحریم‌های نفتی بین‌المللی علیه ایران را نباید صرفا به‌عنوان یک تهدید خارجی صرف تحلیل کرد بلکه باید آن را یک «آزمون استرس» بی‌رحمانه اما گویا برای یک ساختار اقتصادی مبتنی بر وابستگی مزمن دانست. این تحریم‌ها مانند یک شوک الکتریکی قدرتمند دقیقا بر روی نقطه حیاتی و آسیب‌پذیرترین عصب اقتصاد ایران وارد آمد و ضعف‌های ساختاری پنهان در پشت درآمدهای آسان نفتی را به‌طور کامل و بی‌پرده عیان کرد. در حقیقت تحریم‌ها نه علت ریشه‌ای مشکلات بلکه عاملی شتاب‌دهنده و آشکارکننده عمق بحران در مدل اقتصادی تک‌محصولی بودند. آنها به وضوح نشان دادند که چگونه کل سازوکار تامین مالی دولت، تنظیم بازار ارز و حتی ثبات قیمت‌ها بر محور یک رشته باریک و شکننده به نام صادرات نفت می‌چرخد. قطع این رشته تمام سیستم را به‌لرزه درآورد و ثابت کرد اقتصاد ایران فاقد یک سیستم ایمنی و مکانیسم‌های جایگزین برای بقا در شرایط غیرعادی است.

ارقام و آمار گواهی گویای این ادعا هستند. با اعمال تحریم‌های شدید بر صادرات نفت درآمدهای ارزی کشور که در دوره‌های اوج به بیش از ۱۰۰میلیارد دلار در سال می‌رسید به شدت سقوط کرد و در مقاطعی تا کمتر از یک‌سوم این مقدار کاهش یافت. این شوک ارزی مستقیم فشار بی‌سابقه‌ای بر ذخایر ارزی کشور وارد و دولت را برای تامین نیازهای ضروری وارداتی و مدیریت بازار ارز با چالش‌های عظیم مواجه کرد. پیامد این امر در بودجه دولت ظهور کسری‌های هنگفت بود. بودجه‌ای که پیشتر با خوشبینی بر مبنای فروش روزانه میلیون‌ها بشکه نفت تنظیم شده ناگهان با شکافی عظیم مواجه شد که پرکردن آن تنها ازطریق کاهش شدید هزینه‌ها، استقراض از صندوق‌های داخلی و افزایش بی‌رویه نقدینگی ممکن بود. این وضعیت تورم افسارگسیخته و کاهش شدید قدرت خرید را به همراه آورد. این تجربه تلخ درس روشنی به همراه داشت: اقتصادهای تک‌پایه و وابسته به یک منبع درآمدی خاص حتی اگر آن منبع به ظاهر غنی و پایان‌ناپذیر باشد در مواجهه با شوک‌های خارجی فوق‌العاده شکننده و آسیب‌پذیرند. درمقابل اقتصادهای متنوع که پایه‌های درآمدی متعدد و بخش‌های مولد قوی دارند توانایی بالاتری برای جذب ضربات، انعطاف و تطبیق با شرایط جدید را دارا هستند. تاب‌آوری اقتصادی نه در انباشت منابع طبیعی که در تنوع بخشیدن به منابع تولید ثروت و کاهش وابستگی به هر عامل خارجی منفرد نهفته است

■ راه‌های گریز؛ آیا می‌توان از این دایره شکست؟

پرسش نهایی و حیاتی این است: آیا گریزی از این دور باطل وابستگی وجود دارد؟ پاسخ هرچند دشوار اما مثبت است. تجارب متضاد ملل مختلف گواه این امر است که سرنوشت محتوم کشورهای دارنده نفت فقر یا ناپایداری نبوده بلکه انتخاب‌های حکمرانی و جهت‌گیری‌های کلان اقتصادی است که سرنوشت را رقم می‌زند. در یک سوی این طیف کشورهایی مانند نروژ ایستادند که با درایت و آینده‌نگری درآمدهای کلان حاصل از نفت و گاز را نه برای هزینه‌های جاضر بلکه به‌عنوان «سرمایه نسل‌ها» در نظر گرفتند. آنها با ایجاد صندوق‌های ثروت ملی مستقل و سرمایه‌گذاری این منابع در دارایی‌های متنوع خارجی هم از اقتصاد داخلی در برابر بیماری هلندی محافظت و هم میراثی پایدار برای آیندگان ایجاد کردند. در نقطه مقابل نمونه ونزوئلا قرار دارد که با سیاست‌های پوپولیستی، مصرف زودگذر درآمد نفت و نابودی نظام‌مند بخش تولید خود را در دامی عمیق انداخت؛ دامی که رهایی از آن امروز به کابوسی اجتماعی و اقتصادی بدل شده است.

درس آشکار این مقایسه ضرورت انجام اصلاحات ساختاری جسورانه و دوراندیش در داخل است. نخستین و حیاتی‌ترین گام جداسازی کامل بودجه دولت از درآمدهای نفتی است. بودجه کشور باید بر پایه درآمدهای مالیاتی پایدار و عوارض داخلی تنظیم و درآمد نفت به‌طور کامل به یک صندوق توسعه‌ای خاص واریز شود که تنها سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن و نه اصل سرمایه طبق قانونی شفاف و سختگیرانه قابل مصرف باشد. همگام با این تحول حمایت همه‌جانبه و موثر از تولید و صادرات غیرنفتی باید در صدر اولویت‌های ملی قرار گیرد. این حمایت نه به‌معنای اعطای رانت و وام ارزان بلکه فراهم‌آوردن بستری از ثبات کلان‌اقتصادی، قوانین شفاف، مالیات‌های عادلانه و دسترسی به فناوری‌های روز است. درکنارآن سرمایه‌گذاری بلندمدت در «نفت نامرئی» یا منابع پایان‌ناپذیر ثروت ضرورتی انکارناپذیر است. ظرفیت‌های عظیم گردشگری تاریخی و طبیعی، استعداد نیروی جوان و خلاق و پتانسیل بخش فناوری و دانش‌بنیان می‌توانند پایه‌های اقتصاد آینده را تشکیل دهند. در این مسیر دشوار نقش یک جامعه مدنی آگاه و یک بخش‌خصوصی قدرتمند و مستقل تعیین‌کننده است.

تنها با ظهور و تقویت نهادهای اقتصادی غیردولتی که متکی به رانت نیستند مطالبه‌گری برای شفافیت افزایش یافته و اقتصاد از انفعال در برابر تصمیمات مقطعی دولت رهایی می‌یابد.

شکستن دایره وابستگی بیش از یک برنامه اقتصادی یک اراده جمعی برای تغییر رابطه ملت و دولت و گذار از شهروندی منفعل به‌بازیگری مسوول و مولد درعرصه اقتصاد ملی است.

■ نتیجه: آینده در گرو انتخاب است

سرنوشت اقتصادی ایران در تقاطع یک پارادوکس بزرگ قرار دارد: دارایی‌هایی که می‌توانستند موتور محرکه پیشرفتی تاریخی باشند به واسطه مدیریتی معیوب به زنجیری برای توسعه پایدار تبدیل شدند. جمع‌بندی تحلیل حاضر این واقعیت را آشکار می‌کند که نفت به‌ذات خود بلای توسعه نیست بلکه شیوه‌های رانتی، مصرفی و کوتاه‌مدت در اداره این ثروت ملی بوده که آن را به عاملی برای تشدید نوسانات، تخریب بخش مولد و ایجاد وابستگی ساختاری مبدل کرده است. تجربه دهه‌ها وابستگی، چرخه‌های ویرانگر رونق و رکود و آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌ها همگی گواهی بر این مدعا هستند که ثروت منابع طبیعی زمانی که جایگزین حکمرانی خوب، نهادهای پاسخگو و اقتصاد متنوع شود نه‌تنها نعمت نبوده بلکه نقمی آشکار است

با این حال افق آینده کاملا بسته نیست. منابع طبیعی ازجمله نفت‌وگاز هنوز هم می‌توانند به فرصتی بی‌نظیر بدل شوند اما تنها تحت یک شرط اساسی: اینکه درآمد حاصل از آنها نه همچون شیرینیِ مصرف فوری بلکه به مثابه سرمایه‌ای ملی برای سرمایه‌گذاری در «عصر پس از نفت» تعریف شود. این گذار نیازمند بازتعریف رابطه دولت، ملت و ثروت است. سرمایه انسانی، نوآوری، صنایع دانش‌بنیان و ظرفیت‌های بکر گردشگری می‌توانند «نفتِ» همیشه جاری فردای ایران باشند. پرسش نهایی و تعیین‌کننده این است: آیا اراده‌ای جمعی و راسخ متشکل از خرد سیاسی حاکم و مطالبه‌گری آگاهانه اجتماعی برای غلبه بر وسوسه راحت‌طلبی رانتی و پرداخت هزینه‌های دشوار اما ضروری ساخت اقتصادی مستقل مبتنی بر دانش و تولید وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش سرنوشت نسل‌های آینده را رقم خواهد زد.

*** پژوهشگر ارشد علوم راهبردی**

جهان صنعت
سال بیست و دوم ■ شنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۴ ■ شماره ۶۰۱۹
دریافت ایده‌ها، اخبار و رویدادهای اقتصادی
t.me/jahansanatpress

«جهان‌صنعت» از سلاح جدید چین برای مقابله با ماهواره‌های استارلینک گزارش می‌دهد

نبرد نامرئی در مدار پایین زمین!

«جهان‌صنعت»– شاید جنگ آینده نه با صدای انفجار موشک‌ها بلکه با سکوتی نامرئی در آسمان آغاز شود؛ سکوتی که در آن ماهواره‌ها هنوز در مدار می‌چرخند اما دیگر فرمانی را دریافت و داده‌ای را منتقل نمی‌کنند. نبرد بر سر مدار پایین زمین، آرام و بی‌صدا در حال شکل‌گیری است؛ جایی که چین به‌دنبال راهی برای خنثی‌سازی شبکه‌ای است که بسیاری آن را ستون فقرات ارتباطات نوین جهان می‌دانند: «استارلینک.» شبکه‌ای که توسط اسپیس‌ایکس توسعه یافته و با هدایت ایلان ماسک به سرعت گسترش یافته، به زیرساختی با کارکردهای بالقوه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. تجربه جنگ اوکراین نشان داد که چنین شبکه‌ای می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان به شریان حیاتی ارتباطات نظامی تبدیل شود. برای پکن این نشانه‌ای از تغییر قواعد بازی در جنگ‌های مدرن بود. ماسک با اعتمادبه‌نفس اعلام کرده بود که نابود کردن استارلینک کار ساده‌ای نیست. منطق او روشن است: وقتی هزاران ماهواره در مدار پایین زمین فعالند، برای از کار انداختن شبکه باید هزاران هدف جداگانه منهدم شوند. چنین اقدامی مستلزم حجم عظیمی از موشک‌های ضدماهواره است؛ آن هم در شرایطی که اسپیس‌ایکس توانایی پرتاب سریع ماهواره‌های جایگزین را دارد. در این معادله، حمله‌کننده وارد مسابقه‌ای فرسایشی می‌شود که احتمالا بازنده آن خواهد بود. معماری توزیع شده و انعطاف‌پذیر استارلینک آن را در برابر حملات کلاسیک مقاوم کرده است.

چین اما ظاهرا تصمیم گرفته به‌جای ورود به این مسابقه پرهزینه موشکی، معادله را از زاویه‌ای دیگر بازنویسی کند: حمله نه به جسم ماهواره بلکه به کارکرد آن. به جای انفجار، اختلال. به جای آوار فضایی، انرژی هدایت شونده. پژوهشگران چینی مدعی هستند که ماهواره‌های مدار پایین زمین، برخلاف تصور رایج در برابر امواج مایکروویو پرقدرت آسیب‌پذیرند. تمرکز آنان بر توسعه سلاح‌های انرژی هدایت شونده‌ای است که بتواند از سطح زمین با ارسال پالس‌های متمرکز و بسیار پرانرژی، سامانه‌های الکترونیکی ماهواره‌ها را مختل یا حتی دچار آسیب دائمی کند. این رویکرد یک مزیت مهم دارد: بدون ایجاد زباله فضایی و بدون ورود به درگیری آشکار موشکی، می‌توان کارایی شبکه را کاهش داد. در این میان، نام سامانه‌ای بیش از همه مطرح شده است: TPG۱۰۰۰Cs؛ محصول تیمی از پژوهشگران موسسه فناوری هسته‌ای شمال‌غرب چین. این دستگاه به‌عنوان نخستین محرک فشرده جهان برای سلاح‌های مایکروویو پرقدرت معرفی شده و رسانه‌های دولتی چین مدعی هستند که توانایی تولید توانی در حدود ۲۰گیگاوات را برای مدت نزدیک به یک دقیقه دارد؛ عددی که در حوزه سلاح‌های انرژی هدایت شونده بسیار قابل توجه است. آنچه این سامانه را متمایز می‌کند، صرفا توان خروجی آن نیست بلکه ترکیب قدرت، ابعاد و پایداری عملکرد است. در حالی که نمونه‌های قدیمی‌تر سلاح‌های مایکروویوی بسیار حجیم و محدود بودند — برای مثال سامانه روسی Sinus-۷ که حدود ۱۰تن وزن داشت و تنها برای یک ثانیه عمل می‌کرد — TPG۱۰۰۰Cs در قالبی فشرده‌تر طراحی شده است. طول آن حدود چهارمتر و وزنش نزدیک به پنج تن است؛ ابعادی که امکان نصب روی کامیون، کشتی جنگی، هواپیما یا حتی سکوهای فضایی را فراهم می‌کند.

این سامانه قادر است در هر چرخه عملیاتی هزاران پالس پرانرژی تولید کند و طبق گزارش‌ها در آزمایش‌ها بیش از ۲۰۰هزار پالس را بدون افت عملکرد ثبت کرده است. تیم پژوهشی به سرپرستی وانگ گانگ با بازطراحی ساختار داخلی دستگاه، استفاده از آلیاژ آلومینیوم به جای فولاد مقاوم و طراحی U شکل برای بازتاب همزمان انرژی به جلو و عقب توانسته‌اند نسبت توان به وزن را به شکل چشمگیری بهبود دهند. نتیجه، سیستمی است که کارایی سامانه‌های بزرگ‌تر را در فضایی کوچک‌تر و متحرک بازتولید می‌کند. از نگاه راهبردی، این تحول معنایی فراتر از یک پیشرفت فنی دارد. اگر سلاحی بتواند بدون تخریب فیزیکی، مدارهای الکترونیکی ماهواره را مختل کند، شبکه‌ای مانند استارلینک وارد چالشی تازه می‌شود. حمله موشکی آشکار است و پیامدهای سیاسی و حقوقی روشنی دارد اما اختلال الکترومغناطیسی می‌تواند در مرز خاکستری بین جنگ و صلح باقی بماند. این همان نقطه‌ای است که فناوری به ابزاری برای جنگ‌های پنهان تبدیل می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر تصمیم اسپیس‌ایکس برای کاهش ارتفاع مداری برخی ماهواره‌های استارلینک به منظور کاهش خطر برخورد است. این اقدام از منظر ایمنی فضایی منطقی است اما از دید تحلیلگران چینی یک آسیب‌پذیری بالقوه محسوب می‌شود زیرا هرچه ماهواره به زمین نزدیک‌تر باشد، در دسترس سلاح‌های انرژی هدایت شونده زمینی قرار می‌گیرد و شدت انرژی موثر بر آن افزایش می‌یابد. با این حال تاریخ فناوری نشان داده است که مقابله با سامانه‌های توزیع شده و مقیاس‌پذیر اغلب با چالش‌های پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو می‌شود. استارلینک صرفا مجموعه‌ای از ماهواره‌ها نیست؛ شبکه‌ای پویا با قابلیت جایگزینی سریع، به‌روزرسانی نرم‌افزاری و اصلاح معماری ارتباطی است. حتی اگر بخشی از آن دچار اختلال شود، ساختار مشبک شبکه می‌تواند مسیرهای ارتباطی را بازآرایی کند. علاوه بر این، توسعه سپرهای الکترومغناطیسی، سخت‌سازی تجهیزات در برابر تابش و بهبود تاب‌آوری الکترونیکی می‌تواند اثرگذاری چنین حملاتی را کاهش دهد. از سوی دیگر استفاده گسترده از سلاح‌های مایکروویو پرقدرت علیه اهداف فضایی خود می‌تواند پیامدهای راهبردی پیش‌بینی‌نشده‌ای داشته باشد. تشدید رقابت در حوزه انرژی هدایت شونده، ممکن است به مسابقه‌ای تازه در فضا منجر شود؛ مسابقه‌ای که مرز میان بازدارندگی و بی‌ثباتی را باریک‌تر می‌کند. همانطور که توسعه موشک‌های ضدماهواره در دهه‌های گذشته نگرانی از آوار فضایی را افزایش داد، اکنون سلاح‌های نامرئی نیز می‌توانند نظم شکننده مدار پایین زمین را تهدید کنند.

چین با تمرکز بر انرژی هدایت شونده، در تلاش است راهی کم‌هزینه‌تر و انعطاف‌پذیرتر برای مهار برتری فضایی آمریکا بیابد اما پرسش کلیدی این است که آیا چنین رویکردی می‌تواند در برابر شبکه‌ای باهزاران گره مستقل موفق باشد؟ فناوری‌های شبکه‌ای ذاتا برای بقا در شرایط اختلال طراحی می‌شوند. همان‌طور که اینترنت زمینی از حملات سایبری جان سالم به‌در برده و تکامل یافته شبکه‌های ماهواره‌ای نیز احتمالا مسیر مشابهی را طی خواهند کرد. بنابراین آنچه در حال شکل‌گیری است، نه صرفا رقابت میان دو فناوری بلکه جدالی میان دو فلسفه راهبردی است: انهدام در برابر اختلال، تمرکز در برابر توزیع، سکوت انرژی در برابر انفجار موشک. چین می‌کوشد با تکیه بر سلاح‌های مایکروویو پرقدرت، نقطه‌ضعف احتمالی استارلینک را بیابد اما تجربه نشان داده است که فناوری‌های مقیاس‌پذیر و شبکه‌ای معمولا با هر تهدیدی سازگار می‌شوند و شکل تازه‌ای به خود می‌گیرند. شاید آینده این رقابت را نه قدرت یک پالس ۲۰گیگاواتی بلکه سرعت نوآوری و توان سازگاری تعیین کند. در آسمانی که هر روز شلوغ‌تر می‌شود، برنده کسی خواهد بود که سریع‌تر یاد بگیرد، سریع‌تر اصلاح کند و سریع‌تر بازگردد.

خبر

فیلتر کامل واتس‌اپ در روسیه

بلومبرگ– واتس‌اپ اعلام کرد که دولت روسیه در راستای تلاش برای ترویج استفاده از یک برنامه بومی، به «مسدود کردن کامل» این سرویس پیام‌رسان در این کشور اقدام کرده است. واتس‌اپ که متعلق به شرکت آمریکایی «متا پلتفرمز» است، روز چهارشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: تمام تلاش خود را برای حفظ ارتباط بیش از ۱۰۰میلیون کاربر روسی این پیام‌رسان انجام می‌دهد. روزنامه فایننشال‌تایمز گزارش کرد که دسترسی میلیون‌ها نفر در این کشور به واتس‌اپ به طور ناگهانی قطع شده است. همزمان با مسدود شدن دسترسی به سرویس‌های پیام‌رسان خارجی، دولت روسیه استفاده از یک «ابربرنامه» دولتی به نام «مکس» که از «وی‌چت» چین الگوبرداری شده، را ترویج کرده است. «مکس» علاوه بر پیام‌رسان، میزبان سرویس‌های دولتی است و امکان ذخیره‌سازی اسناد، خدمات بانکی و سایر برنامه‌های عمومی و تجاری را فراهم می‌کند. تلگرام که یکی دیگر از برنامه‌های پیام‌رسان محبوب خارجی در روسیه است نیز با محدودیت دسترسی در این کشور روبرو شده است. سرویس خبری «آربی‌سی» به نقل از منابع آگاه گزارش کرد که نهاد ناظر بر ارتباطات روسیه (روسکومنادزور) قصد دارد هفته جاری، دسترسی به این برنامه را محدود کند

ممنوعیت‌های فناوری آمریکا علیه چین متوقف شد

رویترز– دولت ترامپ پیش از دیدار روسای‌جمهور دو کشور در آوریل، تعدادی از اقدامات امنیتی کلیدی فناوری علیه پکن را کنار گذاشته است. این اقدامات شامل ممنوعیت فعالیت‌های شرکت مخابرات چین در آمریکا و محدودیت‌های فروش تجهیزات چینی برای مراکز داده آمریکاست. به گفته چهار منبع آگاه، آمریکا همچنین ممنوعیت‌های پیشنهادی برای فروش داخلی روترهای ساخت شرکت تی‌پی-لینک و شرکت‌های اینترنتی چاینا یونیکام و چاینا موبایل و همچنین اقدام دیگری را که فروش کامیون‌ها و اتوبوس‌های برقی چینی را در آمریکا ممنوع می‌کند، به حالت تعلیق درآورده است. این منابع گفتند که این آخرین اقدامات دولت ترامپ برای توقف اقداماتی است که می‌تواند پس از انعقاد آتش‌بس تجاری میان آمریکا و چین در اکتبر گذشته پکن را خشمگین کند.

وزارت بازرگانی آمریکا از اقدامات خود دفاع و اعلام کرد به طور فعال از اختیاراتش برای رسیدگی به خطرات امنیت ملی ناشی از فناوری خارجی استفاده می‌کند و به این کار ادامه خواهد داد. در حالی که اقدامات دولت آمریکا احتمالا با هدف کمک به کاهش تنش‌های تجاری مربوط به جنگ تجاری پرهزینه ترامپ انجام می‌شود، برخی از منتقدان می‌گویند که این اقدامات همچنین مراکز داده و سایر فناوری‌های ایالات‌متحده را در برابر تهدیدات چین آسیب‌پذیر می‌کند. مت پوتینگر که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ به عنوان معاون امنیت ملی خدمت می‌کرد، گفت: «در لحظه‌ای که به شدت در تلاشیم تا خود را از نفوذ پکن بر زنجیره‌های تامین مواد کمیاب خارج کنیم، مضحک است که در واقع به پکن اجازه می‌دهیم حوزه‌های جدیدی از نفوذ را بر اقتصاد آمریکا- در زیرساخت‌های مخابراتی، در مراکز داده و هوش مصنوعی و خودروهای برقی - به دست آورد.» سفارت چین اعلام کرد که پکن با «تبدیل مسائل تجاری و فناوری به سیاست تسلیحاتی» مخالف است، در حالی که از همکاری آمریکا با چین که می‌تواند سال۲۰۲۶ را به «سالی تبدیل کند که دو کشور بزرگ ما به سمت احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد- برد پیش بروند» استقبال می‌کند. در همین حال شرکت «تی‌پی لینک سیستمز» مستقر در کالیفرنیا که در سال۲۰۲۴ از یک شرکت چینی جدا شد، تاکید کرد یک شرکت آمریکایی مستقل است که «نرم‌افزار آن توسط آمریکا مدیریت می‌شود، داده‌هایش توسط آمریکا میزبانی می‌شود و رویه‌های امنیتی آن مطابق با استانداردهای صنعتی آمریکاست.»

رمزارز

ریزش بیشتر در انتظار بیت‌کوین؟

ایسنا– بانک «استاندارد چارترد» در جدیدترین گزارش خود پیش‌بینی کرد که بیت‌کوین و اتریوم پیش از آغاز روند صعودی جدید، با کاهش بیشتری روبه‌رو خواهند شد. براساس این برآورد، قیمت بیت‌کوین ممکن است ابتدا تا ۵۰هزاردلار و اتریوم تا ۱۴۰۰دلار افت کند اما تا پایان سال۲۰۲۶ دوباره به ترتیب به ۱۰۰هزارو ۴۰۰۰دلار بازخواهند گشت. جف کندریک، رییس بخش تحقیقات دارایی‌های دیجیتال این بانک اظهار کرد: هرچند بازار فعلی برای رمزارزها چالش‌برانگیز بوده اما این اوضاع نشانه‌ای از بلوغ و افزایش تاب‌آوری این دارایی‌هاست. او در یادداشتی نوشت: در کوتاه‌مدت احتمال افت بیشتر قیمت‌ها در ماه‌های آینده وجود دارد. میزان دارایی صندوق‌های قابل معامله در بورس (ETF) مبتنی بر رمزارز کاهش یافته و میانگین سرمایه‌گذاری در صندوق‌های قابل معامله در بورس بیت‌کوین حدود ۲۵درصد افت کرده است. براساس داده‌های پلتفرم تحلیلی «کوین‌گلس»، مجموع دارایی‌های تحت مدیریت صندوق‌های قابل معامله در بورس بیت‌کوین در اوایل اکتبر به بیش از ۱۶۵میلیارددلار رسید اما این رقم اکنون با افتی ۴۱درصدی به حدود ۹۶میلیارددلار کاهش یافته است. صندوق‌های قابل معامله در بورس اتریوم نیز روند مشابهی داشته‌اند، این صندوق‌ها که در آگوست ۲۰۲۵ به اوج ۲۳میلیارددلاری رسیده بودند تا صبح پنجشنبه (۲۳بهمن) با ۴۳درصد کاهش از بالاترین میزان خود به ۱۳میلیارددلار رسیدند. بیت‌کوین طی ۳۰روز گذشته ۲۷درصد افت کرده و همچنان ۴۶درصد پایین‌تر از رکورد تاریخی ۱۲۶هزاردلار در اکتبر قرار دارد. قیمت اتریوم نیز نسبت به هفته گذشته حدود ۴درصد کاهش را تجربه کرده است. در بازارهای پیش‌بینی نیز نگاه کوتاه‌مدت چندان صعودی نیست. کاربران پلتفرم «میریاد» احتمال ۵۸درصدی می‌دهند که بیت‌کوین پیش از رسیدن به ۸۴هزاردلار، ابتدا تا سطح ۵۵هزاردلار سقوط کند. با وجود تعدیل پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت، بانک «استاندارد چارترد» تاکید کرد که چشم‌انداز بلندمدت آن تغییر نکرده است. کندریک نوشت: هرچند در واکنش به افت اخیر قیمت‌ها پیش‌بینی‌های کوتاه‌مدت را کاهش داده‌ایم، اما دیدگاه مثبت بلندمدت ما همچنان پابرجاست.

سایت دی‌کریپت گزارش کرد: این بانک همچنان بر پیش‌بینی خود برای پایان سال ۲۰۳۰ تاکید دارد، براساس این سناریو، بیت‌کوین به ۵۰۰هزاردلار، اتریوم به ۴۰هزاردلار و سولانا به ۲۰۰۰دلار خواهد رسید. کندریک افزود: این بانک در طول افت بازار دوشاخص کلیدی میزان فاصله قیمت از اوج تاریخی ودرصد بیت‌کوین‌هایی که همچنان سوددهی دارند را زیرنظر دارد. هرچند این شاخص‌ها کاهش قابل‌توجهی نشان می‌دهند اما شدت افت آنها به اندازه چرخه‌های نزولی گذشته نیست.

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک باب ساختمان پلاک شماره ۴۵۷۱ فرعی از ۲۵ اصلی مجزی شده از ۴۸۳ فرعی واقع در بخش ۱۴ ثبت اصفهان که طبق پرونده ثبتی به نام عصمت طاهری‌نیا فرزند یداله در جریان ثبت است به علت عدم حضور متقاضی ثبت تحدید حدود پلاک اولیه به عمل نیامده اینک بنا به دستور قسمت اخیر از ماده ۱۵ قانون ثبت و بر طبق تقاضای نامبرده تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۹ در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند. اعتراضات مجاورین و صاحبان املاک مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدیدی تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین‌تکلیف پرونده‌های معترضی ثبت معترض ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره بایستی با تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این اداره تسلیم نماید.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
ابوالفضل شهریاری‌نائینی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
شناسه آگهی: ۲۱۲۱۹۲۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۵۴۳۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا عندلی به شناسنامه شماره ۶۷۹ کدملی صادره فرزند رضا در قسمتی از/ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۹۹۹/۹۵ مترمربع پلاک شماره ۱۱۲ فرعی از ۱۲۳ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تائید (انتقال عادی و مع‌الواسطه از طرف محمدعلی منصوری که به موجب سند ۱۵۷۸۴ مورخ ۱۳۴۳/۰۲/۲۶ دفترخانه ۹ به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می‌باشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
مهدی صادقی‌وصفی– رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۴۶۶۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۴۷۲۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اکرم فنائی‌اصفهانی به شناسنامه شماره ۱۷۳۸ کدملی صادره فرزند یداله در قسمتی از/ ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی بدون درج اعیانی به مساحت ۳۱۴۲/۱۰ مترمربع پلاک شماره ۱۰۲ اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تائید (انتقال عادی و مع‌الواسطه از طرف منصور شیروانی که به موجب سند ۳۱۹۵۴ مورخ ۱۳۴۷/۱۲/۲۲ دفترخانه ۸۶ اصفهان به عنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک می‌باشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
مهدی صادقی‌وصفی– رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۳۷۸۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۵۶۳۱ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آستانه، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد شیری‌هرزویلی فرزند قدرت بشماره شناسنامه ۱۹۴۹ صادره از منجیل در ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۹۸/۷۵ مترمربع به شماره پلاک ۶۹۰ فرعی از ۱۵۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک یک فرعی از ۱۵۲ اصلی واقع در قریه گیلده‌بالا بخش ۱۴ گیلان مورد خریداری از مالک رسمی آقای حجت‌اله کشاورز (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
رئیس ثبت اسناد و املاک– مهدی مرادی
م‌الف ۶۹۴ – شناسه آگهی: ۲۱۲۳۴۰۹

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۶/۳۵ مترمربع (باستثناءِ بهای ثمنیه اعیانی) پلاک شماره ۵۳۴۸ فرعی از ۴۰ اصلی واقع در بخش ۱۴ ثبت اصفهان که طبق پرونده ثبتی به نام آقای کاظم مومنی‌آشجردی فرزند قاسمعلی به شماره شناسنامه ۵۸۹ و کدملی ۱۱۵۹۲۹۳۲۷۹ صادره از داران مستند به رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۵۰۱۴۵۰۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۱۷ از طرف هیات حل اختلاف موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت اسناد و املاک منطقه غرب اصفهان در جریان ثبت و در مالکیت نامبرده مستقر شده است و به لحاظ اینکه پرونده ثبتی مربوط به پلاک اولیه فاقد سابقه تحدید حدود می‌باشد لذا به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون فوق‌الذکر و طبق تقاضای مالک تحدید حدود ملک مرقوم در روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد و به موجب این آگهی به کلیه مالکین و مجاورین اعلام میگردد تا در روز و ساعت مقرر در محل حضور یابند و اعتراضات مالکین و مجاورین مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌مجلس تحدید حدود و فقط تا (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد و معترض طبق ماده ۸۶ آئین‌نامه قانون ثبت باید از تاریخ تسلیم اعتراض به این اداره، ظرف یک ماه دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تسلیم و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به این واحد ثبتی ارائه نماید، در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید و اداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه میدهد
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
ابوالفضل شهریاری‌نائینی– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک غرب اصفهان
شناسه آگهی: ۲۱۲۴۴۳۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۳۱۰۵۵۰۱۴۵۰۷ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ هیات اول موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نظرآباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم تهمینه محمدیان فرزند زین‌العابدین به شماره شناسنامه ۴۶۵۰ صادره از هشترود مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین باغ (بدون درج اعیان ساختمان) به مساحت ۱۵۵۸ مترمربع از باقیمانده پلاک‌های ۲ و ۶۱ فرعی از ۹۷ اصلی که مساحت ۱۲۵۰ مترمربع آن از مالکیت عربعلی مهین‌دهقان ذیل دفتر ۱۱۵۴ و صفحه ۵۹۷ (از پلاک ۶۱ فرعی از ۹۷ اصلی) و مساحت ۳۰۸ مترمربع دیگر آن از مالکیت علی نهال نشان ذیل دفتر ۱۱۴۷ و صفحه ۱۷۷ (از پلاک ۲ فرعی از ۹۷ اصلی) واقع در انبار تپه بخش حوزه ثبت ملک نظرآباد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
مهدی خان‌آشنا– رئیس ثبت اسناد و املاک
شناسه آگهی: ۲۱۲۳۴۳۴ – م‌الف ۲۴۴۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
ردیف ۱- برابر رای شماره ۲۲۱۹۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ هیات سوم مالکیت آقای عباسعلی محمدی به شناسنامه شماره ۱۰۷۲ کدملی ۵۶۵۸۹۲۶۷۸۵ صادره کوهپایه فرزند عبداله نسبت به سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به استثنای بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۱۵۱/۴۰ مترمربع پلاک شماره ۵۴ فرعی از ۲۷ اصلی واقع در بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت صدیقه سیاوشیان فرزند محمدجواد ثبت در دفتر املاک تائید و محرز گردیده است.
ردیف ۲- برابر رای شماره ۲۲۱۹۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ هیات سوم مالکیت خانم فاطمه رجبی‌بادافشانی به شناسنامه شماره ۳ کدملی ۵۶۵۹۵۹۸۷۴۹ صادره کوهپایه فرزند رجبعلی نسبت به سه‌دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به استثنای بهای ثمنیه اعیانی به مساحت ۱۵۱/۴۰ مترمربع پلاک شماره ۵۴ فرعی از ۲۷ اصلی واقع در بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان از مالکیت صدیقه سیاوشیان فرزند محمدجواد ثبت در دفتر املاک تائید و محرز گردیده است.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
شهریاری– رییس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان
شناسه آگهی: ۲۱۲۴۶۳۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۸۱۸۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۷ هیات اول/ ق‌ت‌ت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علیرضا علی‌پور فرزند قوچعلی بشماره شناسنامه ۴۵ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین صیفی‌کاری محصور به مساحت ۲۵۲/۰۳ مترمربع به شماره پلاک ۱۶۰۶۳ فرعی از ۱۰۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱و۴و۱۴و۱۹ فرعی از ۱۰۷ اصلی واقع در کیاشهر بخش ۱۴ گیلان مورد خریداری از مالک رسمی آقای صفر انفرادی (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است.
۲- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۵۷۸۸ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۱۱ هیات اول // ق‌ت‌ت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جعفر خیرنیای‌حسن‌کیاده فرزند صمد بشماره شناسنامه ۷۷ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین صیفی‌کاری به مساحت ۲۸۴/۹۳ مترمربع به شماره پلاک ۱۶۰۶۴ فرعی از ۱۰۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱و۴و۱۴و۱۹ فرعی از ۱۰۷ اصلی واقع در کیاشهر بخش ۱۴ گیلان مورد خریداری از مالک رسمی آقای صمد خیرنیای‌حسن‌کیاده (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است.
۳- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۸۰۰۶۰۲۷۰۳۳ مورخه ۱۴۰۴/۱۰/۲۵ هیات اول// ق‌ت‌ت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم فریده کشاورزبابائی‌نژاد فرزند کریم بشماره شناسنامه ۲۷۷۸ صادره از در ششدانگ یک باب خانه و محوطه محصور به مساحت ۱۹۸/۸۸ مترمربع پلاک ۲۷۲۴ فرعی از ۱۰۹ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱و۱۳و غیره فرعی از ۱۰۹ اصلی واقع در قریه لسکوکلایه مورد خریداری از مالک رسمی آقای کریم کشاورزبابائی‌نژاد (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است.
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰
رئیس ثبت اسناد و املاک– مهدی مرادی
م‌الف ۷۰۳ – شناسه آگهی: ۲۱۲۴۴۸۱

خبر

نیم رخ بازار کار ایران به روایت مرکز آمار

نرخ بیکاری به ۷/۴درصد رسید

«**جهان صنعت**»- براساس گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار ایران نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ساله و بیشتر نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۶، ۱۳۹۷-۱۳۹۸، ۱۳۹۹-۱۴۰۰ به ترتیب ۱۲/۴درصد، ۱۲/۱درصد، ۱۲/۱درصد، ۱۰/۷درصد، ۹/۶درصد و ۹/۲درصد بوده است.

در سال‌های ۱۴۰۱،۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز نرخ بیکاری به ترتیب ۹ درصد، ۸/۱درصد و ۷/۶درصد بوده است که نشانگر روند کاهشی نرخ بیکاری در ۱۰سال اخیر است. براساس این گزارش در تابستان ۱۴۰۳ نرخ بیکاری ۷/۵درصد و در پاییز ۱۴۰۳ معادل ۷/۲درصد و در زمستان ۱۴۰۳، ۷/۸درصد بوده است. در بهار ۱۴۰۴ نیز نرخ بیکاری ۷/۳درصد و در تابستان ۱۴۰۴ نیز ۷/۴درصد اعلام شده است. براساس این گزارش، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ تا ۲۴ساله نقاط شهری و روستایی در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶، ۱۳۹۷-۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۲۹/۲درصد، ۲۸/۲درصد، ۲۷/۷درصد، ۲۶درصد، ۲۳/۷درصد و ۲۳/۷درصد بوده است. در سال‌های ۱۴۰۱،۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز به ترتیب ۲۲/۶درصد، ۲۱/۲درصد و ۲۰/۱درصد نیز اعلام شده است. همچنین این نرخ در تابستان ۱۴۰۳ معادل ۱۹/۴درصد، در پاییز ۱۴۰۳ معادل ۲۰/۲درصد و در زمستان ۱۴۰۳ معادل ۲۱درصد بوده است. این نرخ بیکاری در این بازه سنی در بهار ۱۴۰۴ نیز ۱۹/۷درصد و تابستان ۱۴۰۴ نیز ۱۹درصد اعلام شده است. همچنین در گزارش‌های منتشر شده مرکز آمار به نرخ بیکاری جمعیت ۱۸ تا ۳۵ساله نیز اشاره شده است. نرخ بیکاری جمعیت ۱۸ تا ۳۵سال نقاط شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۶، ۱۳۹۹-۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ به ترتیب ۱۹/۷درصد، ۱۹/۶درصد، ۱۷/۹درصد، ۱۶/۷درصد و ۱۶/۵درصد بوده است. همچنین در سال‌های ۱۴۰۱،۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ نیز این نرخ به ترتیب ۱۶/۳درصد، ۱۵/۲درصد و ۱۴/۷درصد عنوان شده است. نرخ بیکاری در تابستان ۱۴۰۳، ۱۴/۸درصد، پاییز ۱۴۰۳، ۱۴/۳درصد و در زمستان ۱۴۰۳، ۱۴/۸درصد بوده است. براساس این گزارش در بهار ۱۴۰۴ نیز نرخ بیکاری این بازه سنی ۱۴/۵درصد و تابستان۱۴۰۴ نیز ۱۴/۴درصد اعلام شده است.

عرضه جدید خودروهای وارداتی از ۲۵بهمن

ایرنا- سامانه تخصیص خودروهای وارداتی از امروز یعنی شنبه ۲۵بهمن‌ماه به‌مدت دوروز برای وکالتی‌کردن حساب‌ها و ثبت‌نام فعال می‌شود.

متقاضیان می‌توانند از روز شنبه لغایت ساعت۲۳:۵۹ روز دوشنبه ۲۷بهمن یکی از حساب های خود را نزد شعب بانک‌های واجد شرایط اعلامی در سامانه salecars.ir به‌نام «خودرو وارداتی» وکالتی و مبلغ ۵۰۰میلیون‌تومان مسدود کنند.

بدیهی است متقاضیانی که با عناوینی غیر از عنوان مذکور اقدام به‌وکالتی‌کردن حساب می‌کنند امکان ثبت نام نخواهند داشت و سامانه هیچگونه مسوولیتی درخصوص موضوع مذکور ندارد.

شایان ذکر است پس‌از وکالتی‌کردن حساب(۲۴ساعت پس‌از ثبت درخواست در بانک مربوطه) لغایت روز سه‌شنبه ۲۸بهمن امکان ورود به‌سامانه و انتخاب دو اولویت برای متقاضیان به‌نشانی salecars.ir فراهم خواهد شد.

اطلاعات تکمیلی

۱. شرکت‌های عرضه‌کننده موظفند درهمه فروش‌ها ضوابط و روش‌های زیر ماده۴ آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو را رعایت کرده و براساس برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات انجام‌شده جهت ترخیص خودروها نسبت‌به انعقاد قرارداد با خریداران اقدام کنند.

۲. مفاد قراردادهای منعقده باید کاملا منطبق با آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان خودرو و سایر دستورالعمل‌های قانونی مرتبط بوده و هرگونه درج بند خارج از چارچوب یا اخذ وجه اضافه یا تعهد تحویل خارج از مهلت قانونی موجب مسوولیت حقوقی و قانونی شرکت عرضه‌کننده است.

۳. متقاضیان باید پیش از هرگونه پرداخت وجه یا امضای قرارداد تمامی اطلاعیه‌ها، شرایط عمومی و اختصاصی و سایر اسناد مرتبط را کامل مطالعه کنند. پرداخت وجه یا امضای قرارداد به‌منزله قبول کامل شرایط است و ادعای عدم آگاهی پذیرفته نخواهد بود.

۴. این‌اطلاعیه مطابق با مجوزهای شماره۷۱۵۳۹۱۷ ، ۷۱۲۷۵۷۲و۷۲۰۰۷۲۷ وزارت صنعت، معدن و تجارت تدوین شده است. شایان ذکر است قیمت های قطعی اعلامی از سوی شرکت‌های واردکننده مطابق با مصوبه هیات محترم وزیران و تصمیمات متخذه ازسوی ناظران و سیاست گذاران حوزه خودرو بوده و نظارت های پسینه توسط سازمان های ذی‌ربط مطابق قانون انجام خواهد شد.

۵. مسوولیت قانونی هرگونه تخطی از قوانین بالادستی برعهده شرکت‌های واردکننده خودرو بوده و سامانه عرضه خودروهای وارداتی مسوولیتی در این‌حوزه ندارد. شایان ذکر است سکوی عرضه خودروهای وارداتی صرفا محل نمایش اطلاعات خودروهای دارای مجوز عرضه در بند شماره۴ بوده و این‌سکو هیچگونه مسوولیتی در خصوص قیمت خودروهای ارائه شده ندارد.

۶. کاربرانی که نسبت‌به وکالتی‌سازی حساب بانکی خود اقدام کردند می‌توانند صرفا با شماره تلفن‌همراه ثبت‌شده در پایگاه اطلاعاتی بانک به‌سامانه ورود کنند

لازم به‌توضیح است که به‌منظور حفظ یکپارچگی اطلاعات و جلوگیری از بروز مغایرت و تخلف امکان ورود با شماره تلفن‌همراهی خارج از اطلاعات دریافتی از بانک وجود نخواهد داشت. چنانچه متقاضی به‌شماره همراه ثبت‌شده در بانک دسترسی نداشته یا تمایل به‌ورود به‌سامانه با شماره همراه دیگری که به‌نام ایشان است دارد ضروری است ابتدا به‌شعب بانک عامل مراجعه کرده و نسبت به‌اصلاح یا به‌روزرسانی اطلاعات تماس خود اقدام کند. بدیهی است بانک پس‌از ثبت تغییرات اطلاعات جدید را در بازه زمانی تقریبی ۲۴ساعت به‌سامانه ارسال خواهد کرد و سامانه هیچگونه مسوولیتی درخصوص ثبت اطلاعات نادرست توسط متقاضیان در بانک ندارد.

سلب حقوق کارگران به‌بهانه کمبود منابع

رییس انجمن صنفی گچکاران استان قم گفت که سازمان تامین اجتماعی از مسیر قانونی و حمایتی خود خارج و به‌نهادی تبدیل شده که با تصمیمات سلیقه‌ای نان و امنیت کارگران ساختمانی را نشانه گرفته و انتظار ما این‌است که مقابل این‌قبیل اقدامات محکم بایستد.

به گزارش ایلنا، اواخر ماه گذشته جلسه‌ای با حضور رییس سازمان تامین اجتماعی برای بررسی وضعیت بیمه کارگران ساختمانی برگزار شد. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در آن جلسه در رابطه با راههای حل مشکل کارگران ساختمانی گفت: «پیشنهاداتی ازجمله تغییر حق‌بیمه سهم کارفرمایی، تغییر فرمول یا کاهش اقلام مشمول معافیت حق‌بیمه و یا افزایش ساخت‌وساز در حوزه رشد حق‌بیمه سهم کارفرمایی مطرح شده است. از طرف دیگر راهکارهایی نظیر پایش جدی‌تر کارگران مشمول بیمه کارگران ساختمانی است اما باید توجه داشت که در مجموع ترکیبی از راهکارهای مذکور احتمالا منجر به‌حل مساله پوشش بیمه کارگران ساختمانی خواهد شد و درصورت تحقق شرایط مذکور و به‌تبع اصلاح قانون بیمه کارگران ساختمانی افزایش ظرفیت پوشش بیمه‌ای شاغلان حوزه ساختمان ممکن می‌شود.

سالاری در ادامه آن جلسه با تاکید بر اینکه باید بین حق‌بیمه پرداختی کارگر و کارفرما در حوزه بیمه کارگران ساختمانی و مستمری دریافتی آنان ارتباط منطقی مطابق با محاسبات بیمه‌ای برقرار باشد، گفته: «همکاری دولت و همراهی کارفرمایان و کارگران حوزه ساختمان امکان گسترش بیمه‌شدگان این‌بخش را فراهم خواهد کرد.»

اشاره به‌تغییر حق بیمه کارگران ساختمانی در حالی اتفاق افتاده که به‌گفته فعالان کارگری بخش ساختمانی مجلس مدتی بوده روی افزایش حق بیمه کارگران کار می‌کند و این‌موضوع انتقادات بسیاری در پی داشته است.

داوود کشوری، رییس انجمن صنفی گچکاران استان قم با اشاره به‌صحبت‌هایی که در رابطه با بیمه کارگران ساختمانی می‌شود، گفت: سازمان تامین اجتماعی از مسیر قانونی و حمایتی خود خارج و به‌نهادی تبدیل شده که با تصمیمات سلیقه‌ای نان و امنیت کارگران ساختمانی را نشانه گرفته و انتظار ما این‌است که مقابل این‌قبیل اقدامات محکم بایستد

وی تاکید کرد: افزایش حق بیمه کارگران ساختمانی در حالی مطرح می‌شود که مجلس چندسال پیش قانون اصلاحیه ماده(۵) بیمه کارگران ساختمانی را به‌بهانه افزایش حق بیمه کارگران اصلاح کرد. این‌قانون چرا اجرا نمی‌شود؟ آن زمان خیلی از فعالان کارگری تاکید کردند که این‌قانون نمی‌تواند منابع لازم را برای بیمه کارگران تامین کند اما کسی به‌حرف آنها گوش نداد.

این فعال کارگری بیان کرد: تجربه ثابت کرده تامین اجتماعی در دوره‌های مختلف رویه مشخصی برای حل مشکل منابع بیمه کارگران داشته یعنی قطع بیمه کارگران ساختمانی در جریان بازرسی‌های سختگیرانه و غیرمنطقی! قطع گسترده بیمه کارگران ساختمانی بدون پشتوانه منطقی و پاسخگویی شفاف نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار به‌حقوق کارگران است. کشوری گفت: تامین اجتماعی حق ندارد با آینده هزاران‌کارگر بازی کند. این‌سازمان با پول و عرق پیشانی کارگران اداره می‌شود و نه با خواست مدیرانی که پشت میز نشستند و از واقعیت زندگی کارگر بی‌خبرند.

رییس انجمن صنفی گچکاران استان قم گفت: چندسال دیگر وقت لازم است تا کارگران ساختمانی به‌حقوق ابتدایی خود برسند و چند جلسه دیگر باید برگزار شود تا در مورد بیمه کارگران تصمیم بگیرند؟ چرا باید گزینه افزایش حق بیمه کارگران ساختمانی روی میز باشد؟ مگر این‌کارگران چقدر درآمد دارند که مجلس روی این‌گزینه در کمیسیون اجتماعی‌اش جلسه می‌گذارد و رییس سازمان تامین اجتماعی هم در مورد آن صحبت می‌کند؟

زاویه

«جهان‌صنعت» از عقب نشینی سیاستگذار درباره افزایش قیمت خودرو گزارش می‌دهد

تن‌دادن دولت به منطق بازار

سارا اصغری - پس‌از ماه‌ها تحمل زیان انباشته و تنفس در فضای خفقان‌آور قیمت‌گذاری دستوری سرانجام منطق اقتصادی بر مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت غلبه کرد و مجوز افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو صادر شد. این‌تصمیم اگرچه برای مصرف‌کنندگان تلخ است اما یک‌تزریق اضطراری و حیاتی برای جلوگیری از ایست کامل قلب صنعت خودروسازی کشور محسوب می‌شود. خودروسازان که در هفته‌های اخیر باوجود استنادبه فرمول رسمی «کاست پلاس» و افزایش ۸۱درصدی نهاده‌های تولید درگیر یک‌کشمکش فرسایشی با نهادهای نظارتی بودند حالا نفس راحتی می‌کشند. افزایش ۳۰تا۳۹درصدی قیمت‌ها نه یک‌عطش سودجویی که یک‌نیاز حداقلی برای جبران بخشی از زیان انباشتی است که ناشی از تورم شدید مواد اولیه(فولاد و آلومینیوم) و جهش نرخ ارز رسمی بر دوش تولید سنگینی می‌کند. به‌عبارت دیگر سرانجام پیکره نحیف خودروسازی که قربانی سیاست‌های دلاریزه‌شدن اقتصاد بدون پشتوانه شده بود مورد تفقد واقع شد تا بتواند به‌چرخه تولید و ارائه خدمات‌پس‌از فروش ادامه دهد.

پس‌از هفته‌ها کشمکش میان خودروسازان و نهادهای نظارتی مجوز رسمی افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو صادر و قیمت محصولات خودروهای داخلی با رشد ۳۰تا۳۹درصدی وارد فاز اجرایی شد. پس‌از هفته‌ها گمانه‌زنی، ابهام و اختلاف‌نظر میان خودروسازان، نهادهای نظارتی و دستگاه‌های سیاستگذار سرانجام تکلیف افزایش قیمت کارخانه‌ای خودرو مشخص و مجوز رسمی رشد قیمت محصولات سه‌خودروساز بزرگ کشور صادر شد. این‌تصمیم که پس‌از بررسی مستندات و طی فرآیندهای قانونی اتخاذ شده پرونده یکی از پرحاشیه‌ترین موضوعات بازار خودرو در ماه‌های اخیر را وارد مرحله اجرا کرده است.

در هفته‌های گذشته بحث افزایش قیمت خودرو به‌یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های فعالان بازار و مصرف‌کنندگان تبدیل شده بود به‌ویژه پس‌از آنکه ایران‌خودرو در اوایل دی‌ماه اقدام به‌اعمال افزایش قیمت‌هایی کرد که بنا به‌اعلام سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بدون طی کامل فرآیند قانونی و اخذ مجوزهای لازم انجام شده بود. همین موضوع واکنش صریح نهادهای نظارتی را به‌دنبال داشت و تاکید شد هرگونه تغییر قیمت باید صرفا در چارچوب مصوبات شورای رقابت و پس‌از بررسی مستندات صورت گیرد.

در ادامه سازمان بازرسی کل کشور نیز اعلام کرد روند افزایش قیمت خودرو متوقف شده و هرگونه اقدام خارج از مسیر قانونی قابل پذیرش نیست. حتی در مقطعی برخی گزارش‌ها از استناد خودروسازان به‌رای دیوان عدالت اداری برای توجیه افزایش قیمت حکایت داشت که این‌موضوع نیز از سوی مراجع رسمی رد و تاکید شد رای مذکور نمی‌تواند مبنای قانونی قیمت‌گذاری خودرو قرار گیرد.

با این‌حال پس‌از ارائه مستندات تکمیلی ازسوی خودروسازان و بررسی آنها در هیات تعیین و تثبیت قیمت‌ها درنهایت مجوز افزایش قیمت کارخانه‌ای صادر و اعداد نهایی مشخص شد. براساس جمع‌بندی صورت‌گرفته ایران‌خودرو موفق به‌دریافت متوسط افزایش قیمت ۳۹درصدی شد. سایپا افزایش متوسط ۳۰درصدی و پارس‌خودرو افزایش متوسط ۳۵درصدی را در قیمت کارخانه‌ای محصولات خود به‌ثبت رساند.

احمد شانیان، معاون سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز با تشریح فرآیند قیمت‌گذاری خودرو اعلام کرده بود که براساس دستورالعمل تنظیم بازار خودرو، هیات تعیین و تثبیت قیمت‌ها مسوول محاسبه و ابلاغ قیمت‌های جدید است و سازمان حمایت صرفا نقش محاسباتی دارد. به‌گفته وی، در دستورالعمل جدید امکان به‌روزرسانی مداوم قیمت‌ها پیش‌بینی نشده و افزایش قیمت تنها درصورت درخواست مشخص خودروسازان و براساس شاخص‌هایی مانند تورم تولیدکننده و نرخ ارز مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیگیری‌ها نشان می‌داد که افزایش قیمت‌های انجام‌شده براساس فرمول اعلامی از سوی شورای رقابت موسوم به«کاست پلاس» صورت گرفته بود اما به‌دلیل آنکه پیش از تایید سازمان حمایت اعلام و اعمال شده بود فرآیند قانونی خود را طی نکرده بود. روش کاست پلاس به‌معنی قیمت‌گذاری بر مبنای هزینه به‌اضافه سود روشی است که در آن قیمت نهایی محصول براساس مجموع هزینه‌های تولید(شامل مواد اولیه، نیروی کار، سربار تولید و...) به‌اضافه یک‌حاشیه سود مشخص تعیین می‌شود.

■ وقتی مواداولیه گران می‌شود

رضا آریاراد، کارشناس حوزه خودرو در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» درباره افزایش قیمت خودرو عنوان کرد: حدود یک‌سال است که شورای رقابت به‌صورت مستقیم در قیمت‌گذاری خودرو دخالتی ندارد و این‌امر را به‌سازمان حمایت از مصرف‌کننده با وزارت صنعت معدن و تجارت سپرده که پس‌از چکش‌کاری‌های لازم قیمت خودرو را ابلاغ کنند. این‌درحالی است که خودروسازان با چالش‌های بسیاری در این‌صنعت مواجه هستند و یکی از مهم‌ترین چالش‌های آنها زیان انباشته بوده که طی سال‌های گذشته به‌دلیل قیمت‌گذاری دستوری ا از سوی دولت بر آنها تحمیل شده است.

آریاراد در ادامه با اشاره به‌این‌موضوع که طی شش،هفت‌سال گذشته خودروسازان با وجود تحریم‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو بودند، ادامه داد: نوسانات و افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت مواد اولیه یکی از مهم‌ترین مشکلات خودروسازان طی این‌سال‌ها بوده است. علاوه بر این‌باید به‌این‌موضوع نیز توجه داشت که طی سال‌های گذشته هیچ‌گاه ارز نیمایی و ارز ترجیحی به‌خودرو تعلق نگرفته چراکه این‌کالا در زمره کالاهای اساسی قرار نداشته است. بنابراین خودروسازان برای تامین ارز خود مجبور به‌تهیه ارز آزاد از بازار شدند. این‌درحالی است که قیمت محصول نهایی آنها با قیمت‌گذاری دستوری همواره عقب نگه داشته شده است. اکنون نیز همزمان شاهد افزایش بهای ارز، افزایش قیمت مواد اولیه و باوجود تحریم‌ها مشکل تامین نقدینگی خودروسازان هستیم و اگر خودروسازان افزایش قیمت نداشته باشند قادر به‌ادامه تولید نخواهند بود.

■ دولت اولویت خود را در صنعت خودرو گم کرده است

آریاراد در ادامه با تاکید بر این‌موضوع که دولت اولویت خود را در صنعت خودرو گم کرده بیان کرد: دولت باید مشخص کند که ترجیح می‌دهد که صنعت خودروسازی در ایران ادامه داشته باشد یا خیر؟ اگر قرار بر ادامه آن است نباید بر قیمت‌گذاری دستوری خود پافشاری کند. البته موضوع انحلال خودروسازی نیز مطرح نیست چراکه صنعت خودروسازی نقش بالایی در اشتغالزایی کشور برعهده دارد و این‌صنعت جزو یکی از صنایع مطرح در کشور به‌شمار می‌رود. از همین‌رو باید به‌دنبال حفظ این‌صنعت در کشور باشد و براساس آن سیاست‌های خود را در قبال این‌صنعت تعریف کرده و از قیمت‌گذاری دستوری پرهیز کند.

این کارشناس خودرو در پاسخ به‌این‌پرسش که تا چه حد می‌توان به‌افزایش قیمتی که خودروسازان اعمال کردند حق داد، تصریح کرد: خودروسازان عمدتا مواداولیه خود را از قطعه‌سازان می‌گیرند که مواداولیه قطعه‌سازان در سطح جهانی افزایش یافته است. باید به‌این‌موضوع توجه داشت که یک‌خودرو به۱۰تا۱۲هزارقطعه نیاز دارد که بخش عمده‌ای از این‌قطعات وارداتی هستند که باتوجه به‌افزایش قیمت ارز این‌قطعات با قیمت‌های بالاتری وارد کشور می‌شوند. افزایش قیمت فلزات در جهان را نیز نباید نادیده گرفت. جنگ تعرفه‌ای که ترامپ علیه کشورها راه انداخت نیز به‌افزایش قیمت بیشتر فلزات دامن زد. در نتیجه تمام این‌عوامل روی بهای تمام‌شده خودرو تاثیرگذار بوده است. آریاراد در پایان تاکید کرد: متاسفانه در کشور یک‌جو روانی منفی علیه خودروسازان به‌راه انداختند که خودروسازان خودروی بی‌کیفیت با قیمت بالاتر تولید می‌کنند درحالی‌که طی سال‌های گذشته خودروسازان باوجود تحریم‌های سنگین و با شرایط سخت قادر شدند به‌تولید خود ادامه بدهند و خود را ارتقا ببخشند. مساله این‌است که شرایط سیاسی بر شرایط اقتصادی کشور تحمیل شده و این‌فضا را برای خودروسازان تنگ کرده است.

■ خودروسازان اقدام غیرقانونی انجام ندادند

چندی پیش امیرحسن کاکایی، عضو هیات‌علمی دانشکده خودرو دانشگاه علم‌وصنعت ایران در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» درباره قانونی‌بودن افزایش قیمت محصولات ایران‌خودرو بیان کرد: از وقتی که دلار صنعتی از تالار اول به‌تالار دوم رفت و از قیمت ۷۰هزارتومان به۱۳۰هزارتومان رسید در این‌راستا تامین ارز صنعت خودرو نیز به‌تالار دوم رفت. در این‌میان باید توجه داشت که این‌افزایش قیمت ۸۰درصدی به‌صورت درجا اتفاق افتاد و سبب افزایش ناگهانی مواد وارداتی خودروسازی شد. از سوی دیگر تمام مواد اولیه خودروسازی در بورس کالا طی این‌مدت نیز با افزایش قیمت مواجه شدند. کاکایی خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی باوجود افزایش قیمت ۸۰درصدی به‌صورت درجا ایران‌خودرو تصمیم به‌افزایش ۴۰تا۶۰درصدی محصولات خود براساس اسناد قابل ارائه گرفته است. در این‌راستا ایران‌خودرو هیچ اقدام غیرقانونی انجام نداده و این‌افزایش قیمت براساس فرمول شورای رقابت انجام گرفته است. در این‌میان ممکن است ایران‌خودرو در طی‌کردن این‌مراحل برای قیمت‌گذاری جدید باسرعت بیشتری پیش رفته اما از نظر قانونی هیچ اقدام غیرقانونی انجام نداده است. چگونه دولت حق دارد به‌یک‌باره ارز صنعتگران را از تالار اول به‌تالار دوم ببرد اما صنعتگران حق ندارند محصولات خود را گران کنند. وی در ادامه تاکید کرد: دولت تصمیمات مهمی گرفته و در راستای ارز تکنرخی گام برداشته که ما نیز با این‌سیاست موافق هستیم اما دولت باید شرایط این‌گذار را برای تولیدکنندگان فراهم کند. چگونه است زمانی که نوبت به‌صنعت می‌رسد قانونمندی را به‌رخ آنها می‌کشد؟!

بازتاب

درپی اصلاح سیاست ارزی

قیمت موتورسیکلت افزایشی می‌شود؟

یک‌عضو انجمن تولیدکنندگان موتورسیکلت با اشاره به‌اجرای سیاست تک‌نرخی‌شدن ارز اعلام کرد که اگرچه این‌تصمیم بر قیمت موتورسیکلت اثر گذاشته اما به‌دلیل رقابت کامل در بخش‌خصوصی افزایش قیمت‌ها صرفا متناسب با رشد هزینه قطعات داخلی بوده و خبری از جهش بی‌رویه در بازار نیست.

به گزارش ایسنا، علی عرب، عضو انجمن تولیدکنندگان صنعت موتورسیکلت در تشریح وضعیت صنعت موتورسیکلت پس‌از اصلاحات در سیاست ارزی توسط دولت و اثر آن بر تولید در این‌حوزه گفت: بدون شک این‌موضوع هم بر بازار و بر قدرت خرید مصرف‌کننده نهایی تاثیرگذار است. در بحث قیمت‌گذاری در صنعت موتورسیکلت موضوع جدا از صنعت خودرو است و از آنجا که تولید موتورسیکلت به‌طور کامل در اختیار بخش‌خصوصی بوده و فضای رقابتی برقرار است اگر تولیدکننده‌ای قیمت‌گذاری نامناسب انجام دهد قطعا به‌صورت خودکار بازار خود را از دست خواهد داد چراکه بازار رقابتی است.وی افزود: معمولا قیمت‌هایی که در بازار مشاهده می‌شود میان تولیدکنندگان به‌صورت تقریبی هماهنگ است. البته نه به‌این‌معنا که تولیدکنندگان دور هم بنشینند و قیمت تعیین کنند بلکه به‌دلیل وجود رقابت چنین وضعیتی شکل می‌گیرد و تولیدکنندگان سعی می‌کنند در قیمت نهایی محصول با یکدیگر رقابت کنند و مشتری نیز زمانی که احساس کند قیمت محصول یک‌تولیدکننده بالاتر است به‌سراغ او نمی‌رود و به‌صورت طبیعی به‌کارخانه یا تولیدکننده‌ای مراجعه می‌کند که قیمت مناسب‌تری ارائه می‌دهد. این عضو انجمن تولیدکنندگان موتورسیکلت ادامه داد: درخصوص افزایش نرخ ارز موضوع بر قیمت موتورسیکلت تاثیر گذاشته و قیمت‌ها افزایش یافتند. با این‌حال اگر افزایش قیمت بازار خودروهای خارجی را در نظر بگیریم که با رشد قابل توجهی مواجه بودند درمقابل تولیدکنندگان موتورسیکلت صرفا به‌همان میزانی که تولیدکنندگان قطعات داخلی قیمت‌ها را افزایش داده قیمت محصولات خود را افزایش دادند و از آنجایی که حدود ۳۰درصد قطعات یک‌دستگاه موتورسیکلت ساخت داخل است این‌تولیدکنندگان قطعات به‌دلیل افزایش نرخ مواداولیه تولیدی قیمت تمام‌شده محصولات خود را افزایش دادند و درنتیجه این‌افزایش به‌صورت یک‌اضافه‌بها به‌تولیدکننده موتورسیکلت منتقل شده است. عرب تصریح کرد: با توجه به‌اینکه تا امروز مدل‌های سال۱۴۰۴ عرضه شد و هنوز مدل۱۴۰۵ وارد بازار نشده احتمالا افزایش قیمت‌ها تقریبا معادل همان افزایش قیمت قطعات ایرانی باشد. البته این‌افزایش قیمت به‌خاطر تک‌نرخی‌شدن از آنجاکه در پایان سال اجرایی شده همزمان با افزایش نرخ دستمزد و سایر هزینه‌ها و منابع خواهد بود. وی افزود: بااین‌حال خوشبختانه صنعت موتورسیکلت دراختیار بخش‌خصوصی است و رقابت به‌طور کامل وجود دارد. بنابراین افزایش قیمت بی‌رویه‌ای اعمال نخواهد شد و به‌همان میزان مبلغی که به‌کالاها و قطعات ایرانی اضافه شده باشد بر قیمت کل مجموعه تاثیر گذار خواهد بود. این‌عضو انجمن تولیدکنندگان صنعت موتور سیکلت در پایان گفت: درمورد وضعیت بازار در شرایط فعلی مردم کمتر از موتورسیکلت استفاده می‌کنند و بیشتر به‌وسایل حمل‌ونقل عمومی یا خودرو روی آوردند. ازطرف‌دیگر باتوجه به‌اینکه فصل زمستان معمولا فصل رکود فروشگاه‌های موتورسیکلت و تولیدکنندگان است انتظار می‌رود در فصل تابستان بازار وضعیت بهتری پیدا کند.

چالش

افزایش جزئی نامساعدی محیط کسب‌وکار در پاییز

براساس آخرین گزارش اتاق بازرگانی از محیط کسب‌وکار در پاییز سال جاری نامساعدی محیط کسب‌وکار افزایش یافته است.به گزارش تسنیم و براساس نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران در پاییز۱۴۰۴، میانگین نمره محیط کسب‌وکار ۶/۱۳(درمقیاس۰تا۱۰ که ۱۰ بدترین وضعیت بوده) محاسبه شده است. این‌نمره درمقایسه با فصل گذشته(تابستان۱۴۰۴ با میانگین۶/۰۹) نشان‌دهنده افزایش جزئی نامساعدی شرایط محیط کسب‌وکار کشور است.

نامساعدترین مولفه‌های محیط کسب‌وکار

فعالان اقتصادی شرکت‌کننده در این‌پایش سه‌مولفه زیر را به‌عنوان نامناسب‌ترین عوامل موثر بر کسب‌وکار معرفی کردند:

۱. غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن و تغییرات قیمت مواداولیه و محصولات

۲. دشواری تامین مالی از بانک‌ها

۳. بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی

وضعیت استان‌ها

براساس یافته‌های اتاق بازرگانی استان‌های زیر به‌ترتیب دارای مساعدترین محیط کسب‌وکار در کشور ارزیابی شدند:

۱. چهارمحال‌وبختیاری

۲. اصفهان

۳. زنجان

وضعیت ظرفیت فعالیت بنگاه‌های اقتصادی

میانگین ظرفیت فعالیت واقعی بنگاه‌های اقتصادی در پاییز۱۴۰۴ حدود ۳۹درصد گزارش شده که تقریبا مشابه وضعیت تابستان۱۴۰۴ است.

وضعیت محیط کسب‌وکار در بخش‌های اقتصادی

محیط کسب‌وکار در بخش خدمات با نمره۶/۰۸ نامناسب‌تر از بخش‌های صنعت (۶/۰۴) و کشاورزی (۶/۰۳) ارزیابی شده است

***بهترین وضعیت محیط کسب‌وکار:**

۱. مالی و بیمه

۲. آموزش

۳. حمل‌ونقل و انبارداری

بدترین وضعیت محیط کسب‌وکار:

۱. اداری و خدمات پشتیبانی

۲. سلامت انسان و مددکاری اجتماعی

۳. اطلاعات و ارتباطات

تداوم وضعیت نامناسب فضای کسب‌وکار

به‌طور کلی محیط کسب‌وکار ایران در پاییز۱۴۰۴ نسبت‌به فصل گذشته با افزایش جزئی نامساعدی روبه‌رو شده است.

مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی فعالان اقتصادی بی‌ثباتی قیمت‌ها، مشکلات تامین مالی و نوسانات قوانین و مقررات گزارش شدند. بااین‌حال برخی استان‌ها و رشته‌های فعالیت اقتصادی از شرایط نسبتا بهتری برخوردار هستند اما به‌طورکلی وضعیت فضای کسب‌وکار همچنان در کشور مناسب نیست.

تجارت سهند ویسمن

آگهی مزایده خودرو

شرکت تجارت سهند ویسمن در نظر دارد تعداد ۱ خودرو سواری با مشخصات ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

ردیف	نام خودرو	رنگ	مدل	پلاک انتظامی	مبلغ پایه (ریال)
۱	هایما S8	مشکی	۱۴۰۴	پلاک ۵۰/ ۷۸۶ ص ۲۱	۳۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

۱- مبلغ تضمین شرکت در مزایده: پنج درصد مبلغ پایه مزایده

۲- آخرین مهلت دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات: روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ ساعت ۱۱ صبح

۳- محل دریافت و تحویل اسناد و بازدید خودرو: تهران، خیابان شریعتی، خیابان گل‌نبی غربی، پلاک ۲۳، طبقه چهارم

۴- سایر جزئیات در اسناد مزایده

۵- تلفن تماس جهت هماهنگی و بازدید خودرو: ۳۳۷۷۱۹۲-۰۹۱۹، آقای خلج

«جهان‌صنعت» از مشکلات بخش معدن گزارش می‌دهد

بازار ماشین‌آلات معدنی در انحصار مافیا

منیر حضوری– چندی پیش بود که معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت اعلام کرد از ۳۵هزار دستگاه ماشین‌آلات معدنی فعال، بیشتر آنها با عمر بالای ۲۰سال نیاز به نوسازی دارد از این رو به‌دنبال آن هستیم که واردات در این حوزه بدون انتقال ارز انجام شود. وجیه‌الله جعفری اظهار کرد که با توجه به شرایط ارزی کشور به دنبال آن هستیم که این واردات بدون انتقال ارز انجام شود و برای تامین سرمایه آن‌هم تضمین‌هایی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که فعالان معدنی بر این سیاست خرده گرفته و باور دارند که چنین بخشنامه‌هایی نه‌تنها راهشگا نبوده بلکه صرفا فضای انحصاری و غیررقابتی را برای عده‌ای باز خواهد کرد.

فعالان بخش معدن بر این باورند که سیاستگذاری در حوزه ماشین‌آلات باید براساس نیازهای واقعی تولید و با مشارکت ذی‌نفعان اصلی این صنعت انجام شود. اما ایجاد انحصار در واردات یا حمایت غیرهدفمند از مونتاژکاران نه‌تنها به توسعه صنعتی کشور کمک نمی‌کند بلکه می‌تواند روند رشد اقتصادی در بخش معدن را با چالش‌های جدی مواجه سازد. بر همین اساس خواسته اصلی این بخش آزادسازی کامل واردات ماشین‌آلات معدنی براساس نیاز مصرف‌کنندگان و حذف محدودیت‌های غیرکارشناسی در این حوزه است.

این در حالی است که ساختار فعلی بازار ماشین‌آلات معدنی کشور نه‌تنها موجب افزایش هزینه‌های تولید در بخش معدن شده بلکه رقابت‌پذیری این صنعت را نیز در سطح ملی و بین‌المللی کاهش داده است اما اصلاح این وضعیت مستلزم بازنگری در سیاست‌های حمایتی، ایجاد رقابت سالم، تسهیل واردات برای مصرف‌کنندگان واقعی، الزام به رعایت واقعی ساخت داخل و توسعه زیرساخت‌های صنعتی است. کارشناسان باور دارند که بدون اتخاذ چنین رویکردی استمرار وضعیت موجود می‌تواند پیامدهای جدی برای توسعه پایدار بخش معدن و صنایع وابسته به آن به همراه داشته باشد.

امروز آزادسازی واردات با استفاده از منابع ارزی غیردولتی می‌تواند ضمن کاهش فشار بر منابع ارزی کشور زمینه دسترسی مصرف‌کنندگان به تجهیزات استاندارد، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید را فراهم کند. چنین رویکردی نه‌تنها به توسعه پایدار بخش معدن کمک می‌کند بلکه موجب تقویت اشتغال، افزایش رقابت‌پذیری صنایع وابسته و بهبود عملکرد اقتصادی این بخش خواهد شد.

■ سیاستگذاری نادرست

حسن حسینقلی، رییس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های صنایع و معادن سرب و روی ایران در این خصوص به «جهان‌صنعت» گفت: در سال‌های اخیر صنعت ماشین‌آلات معدنی کشور با چالش‌های جدی و ساختاری مواجه شده است که بخش قابل‌توجهی از آن ناشی از سیاستگذاری‌های نادرست، انحصارگرایی و شکل‌گیری مافیاست. براساس شواهد موجود حدود ۱۷شرکت با ادعای تولیدکننده بودن ماشین‌آلات معدنی موفق شده‌اند از وزارت صنعت، معدن و تجارت مجوزها و امتیازات ویژه‌ای دریافت کنند درحالی‌که بررسی دقیق توان تولیدی این شرکت‌ها نشان می‌دهد سهم ساخت داخل آنها حتی به چنددرصد نیز نمی‌رسد.

حسینقلی ادامه داد: مطابق ضوابط رسمی وزارت صنعت برای اطلاق عنوان تولیدکننده به یک شرکت، باید درصد مشخصی از ساخت داخل رعایت شود که این‌درصد در بسیاری از دستورالعمل‌ها بین ۳۰ تا ۶۰درصد تعریف شده است. با این حال واقعیت موجود نشان می‌دهد برخی شرکت‌های مذکور صرفا اقدام به مونتاژ محدود یا ساخت قطعات بسیار جزئی یا برخی اجزای جانبی می‌کنند. حتی شرکت‌هایی باسابقه مثل هپکو نیز غالبا تنها بخش کوچکی از تجهیزات مانند جک‌های جانبی را تولید می‌کنند و در حوزه‌های حیاتی نظیر تولید موتور، گیربکس، سیستم انتقال قدرت، سیستم‌های هیدرولیکی پیشرفته و شاسی یا زیربندی ماشین‌آلات عملا هیچ سهم تولیدی ندارند.

او تصریح کرد: یکی از مهم‌ترین مشکلات ایجادشده، تخصیص منابع ارزی به این شرکت‌هاست. براساس برخی اظهارات رسمی، مبالغ قابل‌توجهی ارز با نرخ ترجیحی به این شرکت‌ها اختصاص یافته اما در عمل ماشین‌آلات با نرخ ارز آزاد وارد و با قیمت‌هایی حتی بالاتر از نرخ بازار آزاد به مصرف‌کنندگان نهایی عرضه شده است.

■ اقلیت در رفاه

حسینقلی مشکل اصلی سیاستگذاری وزارتخانه را در رویکرد حمایت از گروه محدودی از شرکت‌ها دانست و اظهار داشت: با این رویه شاهد ایجاد محدودیت برای واردات مستقیم توسط مصرف‌کنندگان واقعی هستیم. این در حالی است که توسعه واقعی یک صنعت نیازمند مجموعه‌ای از عوامل کلیدی شامل سرمایه‌گذاری پایدار، انتقال فناوری، توسعه نیروی انسانی متخصص، ایجاد فضای کسب‌وکار رقابتی، دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی و تامین پایدار زیرساخت‌های انرژی است. در شرایط فعلی که کشور با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های خارجی و مشکلات ساختاری داخلی مواجه است، فقدان این زیرساخت‌ها عملا امکان توسعه واقعی صنعت ماشین‌آلات را محدود کرده است.

این فعال معدنی بخشنامه صادر شده اخیر درباره واردات ماشین‌آلات با ظرفیت‌های مشخص را عمدتا به نفع شرکت‌های بزرگ دولتی و شبه‌دولتی دانست و بیان داشت: این در حالی است که حدود ۸۵درصد اشتغال بخش معدن مربوط به معادن کوچک و متوسط است که بیشترین نیاز را به تجهیزات دارند. این معادن عملا مجبور به خرید تجهیزات از شرکت‌های مونتاژکار و واسطه‌هایی می‌شوند که دسترسی به منابع ارزی و ارتباطات اداری دارند

او ادامه داد: از سوی دیگر خدمات پس از فروش ماشین‌آلات وارد شده نیز با مشکلات جدی مواجه است. بسیاری از تجهیزات وارداتی فاقد شبکه تامین قطعات یدکی، پشتیبانی فنی و خدمات تعمیرات تخصصی هستند. این موضوع باعث افزایش هزینه‌های نگهداری، کاهش بهره‌وری عملیاتی و افزایش خواب تجهیزات در معادن می‌شود.

حسینقلی گفت: نکته مهم دیگر نادیده‌گرفتن تجربه و دانش فنی معدن‌کاران باسابقه در فرآیند انتخاب تجهیزات است. فعالان این حوزه که بعضا چندین دهه تجربه عملی دارند، بهتر از هر نهاد اداری می‌توانند نوع ماشین‌آلات مناسب، سازگاری تجهیزات با کیفیت سوخت داخلی، دسترسی به قطعات یدکی و شرایط عملیاتی معدن را تشخیص دهند. با این حال محدودیت‌های وارداتی و انحصار ایجادشده عملا امکان انتخاب تجهیزات استاندارد و برندهای معتبر جهانی را از این فعالان سلب کرده است.

او تاکید کرد: در نتیجه این سیاست‌ها، ماشین‌آلاتی که در بازار جهانی قیمتی در حدود ۶۰ تا ۷۰هزار دلار دارند، در بازار داخلی با دو تا سه برابر قیمت عرضه می‌شوند. علاوه بر ماشین‌آلاتی مانند لودر، بلدوزر و بیل مکانیکی، تجهیزات حیاتی دیگر از جمله کمپرسورها، واگن‌های معدنی و ماشین‌آلات تخصصی استخراج زیرزمینی نیز با کمبود شدید عرضه مواجه هستند.

■ مطالبات فعالان بخش معدن

رییس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های صنایع و معادن سرب و روی ایران درباره مطالبه اصلی فعالان بخش معدن و مصرف‌کنندگان واقعی ماشین‌آلات معدنی گفت: ایجاد آزادی در واردات ماشین‌آلات مورد نیاز براساس نیازهای عملیاتی و با استفاده از منابع ارزی آزاد از خواسته ماست. این مطالبه بر این اصل استوار است که مصرف‌کننده یا نماینده رسمی مصرف‌کننده بتواند بدون محدودیت‌های غیرکارشناسی نسبت‌به واردات ماشین‌آلات مورد نیاز خود اقدام کند.

او تصریح داشت: در شرایط فعلی که امکان استفاده از ارز آزاد یا منابع ارزی شخصی فراهم شده است، محدود کردن واردات به گروه خاصی از شرکت‌ها نه‌تنها توجیه اقتصادی ندارد بلکه موجب افزایش هزینه‌ها و کاهش بهره‌وری در بخش معدن شده است.

حسینقلی ادامه داد: در صورت آزادسازی واردات مصرف‌کنندگان می‌توانند ماشین‌آلاتی را انتخاب کنند که با ناوگان موجود آنها سازگار باشد. این موضوع از نظر فنی اهمیت بسیار بالایی دارد زیرا بهره‌برداران معدنی معمولا براساس تجربه عملی، نوع خاصی از ماشین‌آلات را انتخاب می‌کنند که قطعات یدکی آن در کشور موجود است، نیروی تعمیرکار با آن آشنایی دارد و شرایط بهره‌برداری آن با ویژگی‌های معادن کشور و کیفیت سوخت داخلی سازگار است.

او ادامه داد: در مقابل محدودیت‌های فعلی باعث شده است برخی شرکت‌های واسطه اقدام به واردات برندهای ناشناخته و فاقد استانداردهای معتبر جهانی کنند. این تجهیزات به دلیل نبود شبکه خدمات پس از فروش و دشواری تامین قطعات، هزینه‌های نگهداری بالایی ایجاد می‌کنند و در بسیاری موارد بهره‌وری عملیات معدنی را کاهش می‌دهند. درنتیجه بهره‌برداران معدنی ناچار می‌شوند ماشین‌آلاتی را خریداری کنند که انتخاب آنها براساس نیاز واقعی نبوده بلکه ناشی از محدودیت‌های اداری و انحصار ایجادشده در بازار است.

او در پاسخ به تلاش‌های فعالان این حوزه گفت: طی سال‌های گذشته تلاش شده از طریق مجلس شورای اسلامی، اتاق‌های بازرگانی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر این مشکلات مطرح شود. با این حال تاکنون پاسخ موثر و سیاستگذاری اصلاحی قابل‌توجهی در این زمینه مشاهده نشده است. انتظار می‌رفت با حضور مدیرانی از جمله اتابک که سابقه فعالیت در بخش معدن و صنایع وابسته دارند، رویکرد تصمیم‌گیری‌ها به سمت حمایت واقعی از تولید و اشتغال حرکت کند. با این وجود بخشنامه صادرشده همچنان محدودیت‌هایی ایجاد کرده که بسیاری از کارشناسان آن را مغایر با اهداف توسعه صنعتی، افزایش تولید و ایجاد اشتغال می‌دانند. در حال حاضر نیز انتظار نمی‌رود که گوش شنوایی وجود داشته باشد. تصور می‌کردم زمانی که وزیر فعلی صمت وارد عرصه شود به دلیل داشتن تجربه معدنی، اصلاحاتی صورت گیرد و شرایط تغییر کند اما او حرف عده‌ای را گوش می‌دهد که منافع دارند.

او به‌عنوان نمونه بیان کرد: در برخی مقررات، واردات ماشین‌آلات با ظرفیت‌های بالا و مشخص الزام شده است؛ برای مثال محدودیت‌هایی برای واردات بیل‌های مکانیکی با ظرفیت کمتر از ۴۰۰تن یا بلدوزرهایی خارج از کلاس‌های خاص تعیین شده است. این در حالی است که بخش عمده ناوگان ماشین‌آلات مورد استفاده در کشور شامل ظرفیت‌های کمتر است به طور مثال تاکید می‌شود که بلدوزر D۹ وارد کشور شود در حالی که تمام بلدوزرهای ما D۸ است که نه‌تنها در معادن بلکه در پروژه‌های راه‌سازی، عمرانی و زیرساختی نیز کاربرد گسترده‌ای دارند. اعمال چنین محدودیت‌هایی عملا باعث کمبود تجهیزات مورد نیاز در بازار و افزایش هزینه‌های پروژه‌های معدنی و عمرانی شده است.

بدین ترتیب می‌توان گفت درحالی‌که بخش معدن یکی از پیشران‌های اصلی اقتصاد و اشتغال کشور محسوب می‌شود، فعالان این حوزه از شکل‌گیری انحصار در بازار ماشین‌آلات معدنی و محدودیت‌های وارداتی به‌عنوان یکی از جدی‌ترین موانع توسعه این صنعت یاد می‌کنند. به گفته بهره‌برداران معدنی، سیاست‌های فعلی نه‌تنها موجب افزایش هزینه‌های تولید شده بلکه دسترسی معادن کوچک و متوسط به تجهیزات استاندارد را نیز با چالش‌های جدی مواجه کرده است. حالا فعالان بخش معدن خواستار آزادسازی واردات ماشین‌آلات معدنی هستند؛ مطالبه‌ای که به باور آنان می‌تواند انحصار موجود در بازار تجهیزات معدنی را از بین ببرد و زمینه کاهش هزینه‌های تولید و افزایش بهره‌وری را فراهم کند.

خبر

عضو هیات‌مدیره شرکت ملی صنایع مس ایران اعلام کرد

تحقق برنامه حفاری سال۱۴۰۴

«**جهان صنعت**»– شرکت ملی صنایع مس ایران با عبور از مرز ۵۰۰هزار متر حفاری مغزه‌گیری اکتشافی، برنامه حفاری سال۱۴۰۴ را محقق کرد و بالاترین آمار حفاری اکتشافی کشور را به ثبت رساند.

شهریار متوکل، عضو هیات‌مدیره و معاون اکتشافات و توسعه معدنی شرکت ملی صنایع مس ایران ضمن تبریک اعیاد شعبانیه و میلاد باسعادت یگانه منجی عالم بشریت، حضرت ولیعصر(عج) و ایام‌الله دهه فجر اعلام کرد: به حول و قوه الهی و به همت جوانان متخصص و مهندسان زبده و پیمانکاران پرتلاش این حوزه، شرکت ملی صنایع مس ایران موفق به عبور از مرز ۵۰۰۰۰۰متر حفاری مغزه‌گیری اکتشافی و ثبت بالاترین آمار حفاری اکتشافی در سطح ملی در معادن و محدوده‌های شرکت ملی صنایع مس ایران و تحقق برنامه اکتشافات سال۱۴۰۴ شد.

وی با اعلام این خبر گفت: میزان حفاری اکتشافی در مدت مشابه سال گذشته ۴۴۲۵۵۵متر و در کل سال۱۴۰۳، ۴۷۸۶۰۹ متر بوده است و با تحقق برنامه‌های حفاری اکتشافی در دوسال اخیر منابع زمین‌شناسی شرکت ملی صنایع مس ایران نیز افزایش قابل‌توجهی داشته است.

متوکل افزود: براساس نتایج به‌دست‌آمده، مجموع ذخایر معدنی(اندازه‌گیری‌شده و نشان‌داده‌شده M+I در آستانه عیاری ۰/۱۵درصد مس)، طی سال‌های۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ با افزایش ۱۸/۳درصدی از ۱۴/۲میلیارد تن به ۱۶/۸میلیارد تن با عیار متوسط ۰/۴۱درصد (چهل‌ویک‌صدم‌درصد) ارتقا یافته است. مجموع منابع زمین‌شناسی اندازه‌گیری‌شده، نشان‌داده‌شده و استنباط شده (M+I+I)، طی همین دوره با افزایش ۸/۷درصدی از ۲۰/۴میلیارد تن به ۲۲/۲میلیارد تن ارتقا یافته است.

عضو هیات‌مدیره و معاون اکتشافات و توسعه معدنی شرکت ملی صنایع مس ایران در پایان تصریح کرد: تحقق برنامه‌های اکتشافی و ارتقای همزمان ذخایر و منابع زمین‌شناسی، گامی راهبردی در مسیر افزایش ذخایر معدنی کشور و تثبیت جایگاه صنعت مس ایران در افق‌های بلندمدت توسعه اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود.

بین‌الملل

دیوار تعرفه‌ای بوسنی و هرزگوین در برابر فولاد

ایراسین– وزارت تجارت خارجی بوسنی و هرزگوین با هدف حمایت از تولیدکنندگان داخلی و مقابله با رشد بی‌رویه واردات، پیشنهاد اعمال تعرفه ۳۰درصدی بر فولاد و محصولات فولادی را برای مدت ۲۰۰روز تهیه کرده است؛ طرحی که در پی افزایش چشمگیر ورود کالا از ترکیه و صربستان و تهدید ثبات بخش ساختمان برای تصویب نهایی به شورای وزیران ارسال می‌شود.

براساس گزارش(eKapija)، بوسنی و هرزگوین قصد دارد برای مدت ۲۰۰ روز، تعرفه ۳۰درصدی بر واردات فولاد و محصولات فولادی اعمال کند. این پیشنهاد توسط وزارت تجارت خارجی و روابط اقتصادی این کشور به درخواست شرکت «نووا زلژارا زنیتسا(Nova Zeljezara Zenica)» تهیه شده است. این طرح باید پس از مشاوره‌های عمومی توسط شورای وزیران بوسنی و هرزگوین تصویب شود. دلیل اصلی این اقدام، حمایت از تولیدات داخلی عنوان شده است.طبق اعلام وزارتخانه، رشد کل واردات مش تقویتی (Reinforcing Mesh) به بوسنی و هرزگوین در سال گذشته در مقایسه با میانگین چهارساله، ۱۹۲/۸۷درصد افزایش یافته است. در این میان صربستان اصلی صادرکننده بوده و بیش از ۹هزار تن محصول به این کشور صادر کرده است.

واردات میلگرد کلاف (Reinforcing Steel in Coils) از ترکیه در سال۲۰۲۵ در مقایسه با میانگین چهارساله ۸۸۵درصد افزایش داشته درحالی‌که واردات میلگرد میله‌ای (Bars) ۲۲۹/۵۶درصد رشد کرده است

وزارت تجارت خارجی این موضوع را فشار آشکار از سوی تولیدکنندگان خارجی می‌داند که محصولات خود را در بوسنی و هرزگوین می‌فروشند، در حالی که ظرفیت‌های تولیدی داخلی بدون استفاده باقی مانده‌اند. این وزارتخانه خاطرنشان می‌کند که این رویکرد تهدیدی برای ثبات کلی بخش ساختمان است زیرا مصرف‌کنندگان به واردات وابسته می‌شوند در حالی که چنین محصولاتی در بازار داخلی موجود است.

پیش از این اتاق بازرگانی خارجی بوسنی و هرزگوین از مقامات خواسته بود تا نسبت به ثبت شکایت علیه صربستان و کمیته مشترک توافقنامه تجارت آزاد اروپای مرکزی (CEFTA)اقدام کنند. این درخواست در اعتراض به سهمیه‌های جدید صربستان در خصوص واردات برخی محصولات فولادی بود که در ژانویه امسال برای مدت شش‌ماه اعمال شده بود.

تولید

مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران:

تحول نهادی توسعه زنجیره مس را سرعت می‌بخشد

«**جهان‌صنعت**»–مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران با اشاره به جایگاه جهانی ذخایر مس ایران گفت: کشور ما با دارا بودن بیش از ۶۶میلیون تن ذخایر مس و رتبه ششم جهانی، از ظرفیتی کم‌نظیر برخوردار است که با مدیریت هوشمندانه می‌تواند به رشد اقتصادی و توسعه زنجیره صنعت مس منجر شود.

سیدمصطفی فیض در مراسم افتتاح پروژه‌های توسعه‌ای شرکت ملی صنایع مس ایران با حضور وزیر صنعت، معدن و تجارت در مجتمع مس سرچشمه با تبریک ایام دهه فجر انقلاب اسلامی اظهار داشت: این ظرفیت بی‌بدیل، فرصتی راهبردی برای اقتصاد کشور است که باید با نگاه توسعه‌محور و فناورانه از آن بهره گرفت.

مدیرعامل شرکت ملی مس با اشاره به تکالیف تعیین‌شده در برنامه هفتم توسعه گفت: شرکت ملی صنایع مس ایران موظف است تولید مس محتوا را از ۸۰۰هزار تن به یک‌میلیون تن افزایش دهد و در ادامه، تولید کنسانتره را به بالغبر ۴میلیون تن برساند؛ هدفی که می‌تواند درآمدی حدود ۱۰میلیارد دلار برای کشور ایجاد کند.

■ برای ورود به باشگاه جهانی مس

فیض با تاکید بر اهمیت توسعه سبد محصولات افزود: در کنار توسعه زنجیره تولید، تنوع‌بخشی به محصولات شرکت ملی مس نقش مهمی در تحقق اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت دارد. اگر ملی مس بخواهد در باشگاه مسی‌های بزرگ دنیا قرار بگیرد، باید ارتباطات عمیق و موثری با حوزه‌های فناوری، بازرگانی و مشارکت‌های بین‌المللی برقرار کند.

وی خاطرنشان کرد: در حال حاضر ۳۲استاندارد جهانی برای محصولات مسی تعریف شده که تطبیق با این استانداردها برای حضور موثر در بازارهای جهانی ضروری است.

■ عملکرد تولیدی، فراتر از برنامه

مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران با اشاره به عملکرد تولیدی شرکت در سال جاری گفت: با وجود اختلالات تامین انرژی، پیچیدگی‌های عملیاتی و حتی آثار جنگ تحمیلی ۱۲روزه، خوشبختانه در تولید مس محتوا ۳درصد و در تولید کنسانتره ۶درصد جلوتر از برنامه هستیم.

■ افزایش اعتماد بازار سرمایه به فملی

فیض با اشاره به عملکرد صادراتی شرکت افزود: با وجود مشکلات لجستیکی و محدودیت‌های تبادل منابع ارزی، با رویکردی هوشمندانه در زمان‌های مناسب فروش انجام شد که همزمان با افزایش قیمت‌های جهانی کاتد بود. در بازار داخلی نیز رشد ریالی مناسبی به ثبت رسید.

وی تصریح کرد: مجموع این عملکردها موجب افزایش اعتماد سهامداران به سهم «فملی» شد و بازدهی ۱۴۰درصدی برای این سهم در بازار سرمایه رقم خورد.

مدیرعامل شرکت ملی مس با اشاره به پروژه‌های توسعه‌ای گفت: در حال حاضر ۷۲پروژه در شرکت ملی صنایع مس ایران در دست اجراست که بزرگ‌ترین مجموعه پروژه‌ای کشور محسوب می‌شود. برای مدیریت این حجم پروژه، ۲۳بسته راهبردی طراحی شده تا کل زنجیره از ابتدا تا انتها به‌صورت همگن توسعه یابد.

■ تغییر نظام حکمرانی با هدف اصلاح رویه‌ها

فیض ادامه داد: با تغییر نظام حکمرانی پروژه‌ها و اخذ مجوز از هیات‌مدیره، تصمیم‌گیری‌ها و تخصیص منابع در حوزه توسعه چابک‌تر شده و کمیسیون‌های مستقل توسعه جایگزین ساختارهای زمان‌بر گذشته شده‌اند. نتیجه این اصلاحات، ثبت پیشرفت ۱۱/۵درصدی پروژه‌ها در ۱۰ماه گذشته بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد قابل‌توجهی دارد.

او افزود: در حوزه تولید و عملیات نیز با استقرار هیات‌های اجرایی در مجتمع‌ها و تفویض بخشی از اختیارات ستاد به مدیران مجتمع‌ها، مسیر تامین و اجرای پروژه‌ها کوتاه‌تر و کارآمدتر شده است.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران در ادامه گفت: با گذشت بیش از چهاردهه از عمر شرکت ملی صنایع مس ایران و افزایش ریسک‌های عملیاتی، تنوع مناطق فعالیت و پیچیدگی فضای کسب‌وکار، حرکت به‌سمت نوآوری و فناوری یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. ما بیش از یک‌میلیارد تن باطله معدنی در اختیار داریم که با توجه به عیار موجود می‌توانند به یک فرصت ارزش‌آفرین تبدیل شود. ایجاد سدهای باطله، زمان‌بر، پرهزینه و دارای پیامدهای محیط‌زیستی است بنابراین بازفرآوری باطله‌ها باید در دستور کار جدی قرار گیردوی ادامه داد: در حوزه معدن نیز با افزایش عمق معادن، ناگزیر به حرکت به سمت استخراج زیرزمینی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین هستیم. استفاده از روش‌های نوین انفجار، کاهش مصرف انرژی، کاهش هزینه‌های خردایش و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از محورهای اساسی استراتژی ملی مس در حوزه فرآیند و عملیات به‌شمار می‌رود.

■ مسوولیت اجتماعی؛ یک تعهد ذاتی

مدیرعامل شرکت ملی صنایع مس ایران با اشاره به اینکه شرکت مس در امتداد بیش از ۲هزار کیلومتر کمربند مس کشور فعالیت می‌کند و با پیچیده‌ترین شبکه ذی‌نفعان، از استان کرمان تا آذربایجان و یزد و سیستان‌وبلوچستان مواجه است، گفت: در استان کرمان، شرکت ملی مس همواره همراه توسعه بوده و اقدامات مهم و راهبردی متعددی در این استان رقم زده است؛ هرچند اذعان داریم که این تلاش‌ها پاسخگوی همه مطالبات نبوده است.

وی افزود: اگر شرکت ملی صنایع مس ایران بر منطق اقتصادی و بنگاه‌داری صحیح حرکت نکند و حاشیه سود آن کاهش یابد، امکان ایفای نقش موثر در حوزه مسوولیت اجتماعی نیز تضعیف خواهد شد. مسوولیت اجتماعی یک ترم بین‌المللی در بنگاه‌داری است و ما آن را جزء وظایف ذاتی شرکت ملی مس تلقی می‌کنیم.

فیض تاکید کرد: شرکت ملی صنایع مس ایران همچنان در کنار سیاست‌های کلان توسعه استان کرمان خواهد بود و کرمان بر فراز خواهد ماند.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

(سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر در نظر دارد خدمات مورد نیاز خود را به شرح ذیل، به استناد قانون برگزاری مناقصات، از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای از محل «اعتبارات داخلی» با مشخصات و شرایط مندرج در اسناد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لذا تقاضا می‌شود پس از نشر آگهی، به سامانه فوق مراجعه و پس از طی مراحل مندرج در سامانه، اقدام به شرکت در مناقصه نمایند و پیمانکاران می‌بایست جهت شرکت در مناقصه، اسناد را از طریق سامانه مذکور بارگذاری و نسبت به ارسال پاکات الف (به صورت فیزیکی) در تاریخ مقرر به شرکت توزیع استان بوشهر که الزامی می‌باشد، اقدام نمایند.

ضمنا علاوه بر ارائه اسناد مناقصه در سامانه بصورت الکترونیکی، در صورت برنده شدن ارسال اصل پاکات (ب، ج) به آدرس شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر الزامی می‌باشد.

محل تحویل اسناد مناقصه: امور تدارکات شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر- تلفن: ۳۱۲۸۲۲۱۶-۰۷۷

به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، و پیشنهاداتی که بعد از انقضاءِ مدت و ساعت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزییات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

هزینه درج آگهی با برنده مناقصه می‌باشد.

زمان فروش اسناد مناقصه: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ الی ۱۴۰۴/۱۲/۲

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	کد فراخوان سامانه ستاد	مبلغ تضمین ریال (ضمانت‌نامه بانکی معتبر)	تاریخ و ساعت ارسال پاکات از طریق سامانه	تاریخ و ساعت بازگشایی پاکات مناقصه از طریق سامانه
۱	۴۰۴/۱۵۷ م‌ن	تامین ۳۵ دستگاه خودرو استیجاری ایاب و ذهاب کارکنان در محدوده عملکرد شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر	۲۰۰۴۰۰۱۴۴۳۰۰۰۱۵۱	۹,۸۷۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۴۰۴/۱۲/۱۶ ساعت ۸	۱۴۰۴/۱۲/۱۶ ساعت ۸:۳۰

مدیر امور تدارکات و قراردادها
شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

مدیر روابط‌عمومی
شرکت توزیع نیروی برق استان بوشهر

شناسه آگهی: ۲۱۲۴۷۲۹

خبر

عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران تشریح کرد

واکنش مسکن به بحران‌های منطقه‌ای و التهابات سیاسی

ایسنا- عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران اظهار کرد که در حال حاضر شاهد افزایش محسوس قیمت‌ها در بازار مسکن هستیم که غیرطبیعی نیست. دلیلش این است که بیش از دو سال رکود را در بخش مسکن گذرانده‌ایم. در حالی که تورم اقتصاد نزدیک به ۶۰درصد بوده است. بنابراین اینکه مسکن که تمام مولفه‌ها و فاکتورهای تشکیل‌دهنده آن افزایش قیمت داشته و با رشد قیمت مواجه شود، دور از انتظار نبود.

حسن محتشم افزود: نزدیک شدن به بازار شب عید نیز در رشد قیمت مسکن بی‌تاثیر نبود. معمولا اواخر بهمن و اسفندماه خرید و فروش‌ها در بازار ملک افزایش می‌یابد زیرا خریدار می‌خواهد تورم ناشی از بخش مسکن در سال آینده را برای خودش ذخیره کند.

عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه سازان استان تهران با اشاره به شرایط نه جنگ و نه صلح در کشور بیان کرد: مسکن معمولا به تنش‌ها واکنش منفی نشان می‌دهد اما می‌بینیم که به بحران‌های منطقه‌ای و التهابات سیاسی اخیر واکنش مثبت نشان داد. این ممکن است ناشی از این باشد که خریدار این تصور را دارد که جنگ نخواهد شد و حتی اگر جنگ شود من در این مملکت زندگی می‌کنم. اگر شرایط باثبات شود دیگر قیمت‌ها این نخواهد بود و خیلی ملک بالاتر خواهد رفت.

محتشم تاکید کرد: باوجود افزایش نسبی قیمت، هنوز مسکن نسبت به تورم و به خصوص بازارهای ارز و طلا عقب است. این عقب‌ماندگی طبیعتا باید جبران شود و اگر التهابات سیاسی کاهش یابد و ناآرامی‌ها کم شود رشد قیمت ملک اتفاق می‌افتد.

عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان استان تهران درباره اینکه آیا خانه‌های خالی که طبق آمار ۹ سال قبل حدود ۲/۵میلیون واحد بود می‌تواند به آرامش بازار مسکن کمک کند، گفت: تعداد مسکن در ایران تقریبا با تعداد جمعیت برابری می‌کند اما توزیع و پراکنش واحدها مهم است. اگر ما به تعداد خانه‌های در دسترس متقاضیان مصرفی نگاه کنیم شاید کمبود هم داشته باشیم. این خانه‌های خالی عمدتا به صورت لوکس و نیمه‌لوکس در مناطق مرفه و برخوردار شهرها ایجاد شده که به دلیل گران بودن، متقاضی واقعی قدرت خرید آن را ندارد.

او بیان کرد: معمولا در هر کشوری باید تعداد مسکن ۱۰درصد مازاد بر تقاضا باشد تا بازار به تعادل برسد. در حال حاضر در ایران شاید بین ۵ تا ۱۰درصد مازاد مسکن داشته باشیم اما همانطور که گفتم در دسترس متقاضی مصرفی قرار ندارد. بنابراین همچنان نیاز به تولید مسکن احساس می‌شود.

عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان تهران یادآور شد: در اوایل دهه ۹۰ وزارت راه‌وشهرسازی یک طرح جامع تهیه و اعلام کرد اگر سالانه یک‌میلیون واحد مسکونی بسازیم در افق ۱۴۰۴ به تعادل می‌رسیم. طی این سال‌ها در هیچ مقطعی ما نتوانستیم یک‌میلیون واحد بسازیم و تولید بین ۳۰۰ تا ۴۰۰هزار واحد در سال بوده است. تخمین زده می‌شود که هم‌اکنون حدود ۶میلیون واحد مسکونی کسری داریم.

محتشم درباره پیش‌بینی بازار مسکن در سال آینده گفت: با این شرایطی که تورم به مرز ۶۰درصد رسیده، مشخص نیست که سال آینده با چه قیمت‌هایی در بخش مسکن مواجه شویم. تورم گریبان کل اقتصاد را گرفته است. در بخش مسکن نیز نهادهای ساختمانی و دستمزد همتراز با تورم افزایش می‌یابد. به اضافه حاشیه سودی که باید به سازنده برسد. اگر غیراز این باشد تولید مسکن متوقف می‌شود و از آن طرف با کمبود عرضه تورم این بخش تشدید خواهد شد. از آن طرف مصرف‌کننده قدرت خرید ندارد و محتمل‌ترین سناریوی پیش رو رکود تورمی است.

«جهان‌صنعت» از وضعیت بازار مسکن ایالات‌متحده گزارش می‌دهد

ریشه گرانی مسکن آمریکا

«جهان‌صنعت»- افزایش هزینه‌های مسکن در ایالات‌متحده یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود؛ چالشی که نه‌تنها بر تصمیم‌های فردی خانوارها درباره خرید یا اجاره مسکن اثر گذاشته بلکه پیامدهای گسترده‌ای برای نابرابری، تحرک اجتماعی، ثبات مالی و حتی رشد اقتصادی داشته است. گفت‌وگوی انجام شده در قالب «EconoFact Chats» با پروفسور جفری زیبل از دانشگاه تافتس، تصویری جامع و مبتنی بر شواهد از تحولات بازار مسکن آمریکا، ریشه‌های افزایش قیمت‌ها و گزینه‌های سیاستی پیش‌رو ارائه می‌دهد. این یادداشت تلاش می‌کند با تکیه بر آن گفت‌وگو، یک جمع‌بندی تحلیلی و منسجم از مساله افزایش هزینه‌های مسکن ارائه کند.

■ تجربه نوسانات شدیدی در روند بلندمدت قیمت واقعی مسکن آمریکا

نخستین نکته‌ای که در این گفت‌وگو برجسته می‌شود، روند بلندمدت قیمت واقعی مسکن در آمریکا در مقایسه با سایر کالاها و خدمات است. از اوایل دهه ۲۰۰۰، بازار مسکن آمریکا نوسانات شدیدی را تجربه کرده است. دوره رونق شدید ابتدای دهه ۲۰۰۰ که با رشد سالانه حدود ۱۰درصد قیمت واقعی مسکن همراه بود، به حباب مسکن و در نهایت به سقوط قیمت‌ها در پی بحران مالی ۲۰۰۸ انجامید. در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، قیمت واقعی مسکن به‌طور متوسط سالانه حدود ۵درصد کاهش یافت. با این حال پس از عبور از بحران، بازار مسکن وارد دوره‌ای از رشد نسبتا پایدار شد؛ به‌طوری که نرخ رشد سالانه قیمت واقعی مسکن در دوره‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۵ و ۲۰۲۵-۲۰۲۰ هر دو در حدود ۴درصد بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که حتی پس از تجربه یک بحران عمیق، فشارهای ساختاری در بازار مسکن همچنان به افزایش قیمت‌ها دامن زده‌اند. با وجود این تصویر کلی یکی از نکات کلیدی مطرح‌شده در گفت‌وگو، ناهمگنی شدید تحولات قیمت مسکن در سطح مناطق و شهرهاست. داده‌های کلان ملی اغلب تفاوت‌های عمیق میان بازارهای محلی را پنهان می‌کنند. در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و گسترش دورکاری، الگوهای جغرافیایی تقاضای مسکن تغییر کرده است. شهرهایی که پیشتر کمتر مورد توجه بودند، مانند دیترویت و راچستر افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند، در حالی که برخی از بازارهای بسیار داغ پیشین مانند آستین یا ساراسوتا با کاهش قیمت مواجه شده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد که شوک‌های ساختاری مانند همه‌گیری می‌توانند توزیع مکانی تقاضای مسکن را به‌طور قابل‌توجهی تغییر دهند.

■ استطاعت‌پذیری مسکن؛ مساله اصلی خانوارها

با این حال مساله اصلی برای خانوارها نه صرفا رشد قیمت مسکن بلکه استطاعت‌پذیری آن است یعنی نسبت قیمت مسکن به درآمد. شاخص رایج در این زمینه، نسبت درآمد متوسط خانوار به قیمت مسکن است. به گفته زیبل، این نسبت از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ افزایش یافت اما از آن زمان به بعد به‌جز وقفه کوتاهی پس از بحران مالی، روندی کاهشی داشته است. کاهش این نسبت به معنای آن است که خرید مسکن برای خانوارهای متوسط دشوارتر شده است. نکته مهم این است که در سال‌های ۲۰۲۵-۲۰۲۴، وضعیت استطاعت‌پذیری حتی از سال ۲۰۰۶ یعنی اوج حباب مسکن، نیز بدتر شده است. این امر نشان می‌دهد که مشکل کنونی صرفا یک چرخه قیمتی نیست بلکه ریشه‌های عمیق‌تری دارد. بررسی شاخص‌های منطقه‌ای استطاعت‌پذیری نیز تصویر جالبی ارائه می‌دهد. براساس شاخص موسسه امریکن اینترپرایز برای ۶۰ منطقه کلان‌شهری بزرگ، شهرهایی مانند پیتسبورگ، کلیولند و اوکلاهماسیتی همچنان از مقرون‌به‌صرفه‌ترین بازارهای مسکن برخوردارند. در مقابل شهرهایی که معمولا به‌عنوان گران‌ترین بازارهای مسکن شناخته می‌شوند- نظیر سن‌خوزه، سان‌فرانسیسکو و لس‌آنجلس- اگرچه هنوز بسیار گران هستند اما در یک دهه گذشته از نظر استطاعت‌پذیری بهبود نسبی داشته‌اند زیرا قیمت مسکن در آنها اخیرا کاهش یافته است. این نکته نشان می‌دهد که حتی در بازارهای بسیار گران نیز امکان تعدیل نسبی وجود دارد، هرچند سطح مطلق قیمت‌ها همچنان بالا باقی می‌ماند.

■ محدودیت عرضه؛ عامل رشد نرخ مسکن

پس از ترسیم این تصویر توصیفی، گفت‌وگو به ریشه‌های افزایش هزینه‌های مسکن می‌پردازد. زیبل تاکید می‌کند که مهم‌ترین عامل، محدودیت عرضه مسکن است. این محدودیت از دو کانال اصلی عمل می‌کند. کانال نخست، «اثر قفل‌شدگی وام مسکن» است. بسیاری از مالکان خانه که پیش از افزایش شدید نرخ بهره در سال ۲۰۲۲ وام گرفته‌اند از نرخ‌های بسیار پایین-در حد ۲ تا ۳ درصد- بهره‌مند هستند. این گروه تمایل اندکی به فروش خانه خود دارند زیرا خرید خانه جدید مستلزم پذیرش وامی با نرخ بهره بسیار بالاتر است. در نتیجه عرضه خانه‌های موجود در بازار کاهش می‌یابد. این وضعیت به‌نوعی خود تقویت‌کننده است: کمبود عرضه، فروش را کاهش می‌دهد و کاهش فروش، کمبود عرضه را تشدید می‌کند. با این حال به‌زعم زیبل عامل اصلی‌تر کمبود عرضه، کاهش شدید ساخت‌وساز جدید در بلندمدت است. داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد شروع ساخت مسکن جدید به‌ازای هرهزار خانوار در ماه که در فاصله ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ به‌طور متوسط حدود ۲۲ واحد بود، پس از آن به‌شدت کاهش یافته است: ابتدا به حدود ۱۲واحد و پس از ۲۰۱۰ به کمتر از ۱۰واحد در ماه. پیامد این روند، شکل‌گیری شکاف بزرگی میان عرضه و تقاضای مسکن است که برآورد می‌شود بین ۳ تا ۵میلیون واحد مسکونی در سطح آمریکا باشد. این شکاف به‌خوبی توضیح می‌دهد که چرا حتی افزایش‌های نسبتا محدود در تقاضا می‌تواند به جهش‌های قیمتی منجر شود.

■ علت محدودیت عرضه مسکن

پرسش بعدی این است که چرا عرضه مسکن تا این حد محدود شده است. پاسخ زیبل به پدیده‌ای بازمی‌گردد که به «نیمبی‌گرایی» (NIMBY–ism syndrome) معروف است؛ یعنی مقاومت ساکنان محلی در برابر ساخت‌وساز جدید در نزدیکی محل سکونت‌شان. از آنجا که اختیارات مربوط به مقررات کاربری زمین و منطقه‌بندی عمدتا در سطح محلی است، مالکان خانه که بزرگ‌ترین دارایی‌شان مسکن است انگیزه قوی دارند تا از طریق فشار بر نهادهای محلی عرضه مسکن را محدود کنند و از افزایش یا حفظ ارزش دارایی خود مطمئن شوند. این مساله به‌ویژه در مورد مسکن چندخانواری اهمیت دارد زیرا چنین واحدهایی معمولا تراکم بالاتری ایجاد می‌کنند و با مقاومت بیشتری مواجه می‌شوند.

دو ابزار مهم محدودکننده عرضه که در گفت‌وگو به آنها اشاره می‌شود، محدودیت «حداقل اندازه قطعه زمین» و منطقه‌بندی صرفا تک‌خانواری است. در بسیاری از شهرها و مناطق حومه‌ای مقرراتی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد خانه‌ها روی قطعات کوچک ساخته شوند؛ برای مثال، الزام به داشتن حداقل یک‌هکتار زمین برای هر واحد مسکونی. پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که چنین محدودیت‌هایی اثر معناداری بر افزایش قیمت مسکن دارند. علاوه بر این، حتی در مواردی که سیاستگذاران ایالتی تلاش کرده‌اند منطقه‌بندی تک‌خانواری را محدود کنند، اثرگذاری این سیاست‌ها به‌شدت زمان‌بر است زیرا تبدیل یک خانه تک‌خانواری به چند واحد مسکونی مستلزم فرآیندی طولانی از خرید، تخریب و ساخت مجدد است. در واکنش به این محدودیت‌های محلی، برخی سیاست‌ها در سطح ایالتی طراحی شده‌اند تا از سد مقاومت‌های محلی عبور کنند. نمونه مهم آن، قانون 40B در ایالت ماساچوست است که شهرها را ملزم می‌کند حداقل ۱۰درصد از موجودی مسکن خود را به مسکن مقرون‌به‌صرفه اختصاص دهند. در صورت عدم رعایت این شرط توسعه‌دهندگان می‌توانند برخی از موانع اداری محلی را دور بزنند. قانون دیگری که اخیرا اجرایی شده، الزام شهرهای واقع در حوزه حمل‌ونقل عمومی به افزایش تراکم مسکن در نزدیکی ایستگاه‌هاست.

این سیاست‌ها نشان می‌دهد که بدون مداخله در سطوح بالاتر حکمرانی، حل مشکل کمبود عرضه دشوار خواهد بود.

■ نقش نرخ بهره و سیاست‌های پولی در افزایش هزینه تامین مالی

در کنار عرضه، نقش نرخ بهره و سیاست‌های پولی نیز در گفت‌وگو مورد بررسی قرار می‌گیرد. افزایش نرخ‌های بهره در سال‌های اخیر هزینه تامین مالی خرید مسکن را به‌شدت بالا برده است. زیبل نشان می‌دهد که افزایش نرخ بهره از ۵ به ۷درصد می‌تواند پرداخت ماهانه وام مسکن را حدود ۲۵درصد افزایش دهد؛ رقمی که برای بسیاری از خانوارها تعیین‌کننده است. با این حال او تاکید می‌کند که فدرال‌رزرو مستقیما نرخ‌های بلندمدت وام مسکن را کنترل نمی‌کند و این نرخ‌ها بیشتر به بازده اوراق خزانه ۱۰ساله وابسته‌اند. افزون بر این، کاهش نرخ بهره بدون افزایش عرضه مسکن می‌تواند به افزایش تقاضا و در نهایت افزایش قیمت‌ها منجر شود. بحث درباره سیاست‌های مداخله‌گرانه دولت از جمله فشار بر فدرال‌رزرو یا خرید اوراق رهنی توسط نهادهای دولتی نیز به همین نتیجه می‌رسد: بدون اصلاحات ساختاری در سمت عرضه، این سیاست‌ها ممکن است اثرات محدودی بر استطاعت‌پذیری داشته باشند یا حتی به‌طور ناخواسته قیمت مسکن را افزایش دهند

■ نقش کمرنگ سرمایه‌گذاران نهادی در مسکن آمریکا

این گفت‌وگو همچنین به نقش سرمایه‌گذاران نهادی در بازار مسکن می‌پردازد. برخلاف تصور رایج، سهم این سرمایه‌گذاران در کل بازار نسبتا محدود است (حدود ۲ تا ۳درصد)، هرچند در برخی شهرها می‌تواند به ۲۰درصد برسد. اثر اصلی آنها نه الزاما افزایش مستقیم قیمت بلکه کاهش تعداد خانه‌های تک‌خانواری در دسترس برای مالکیت خانوارهاست، زیرا این واحدها به بازار اجاره منتقل می‌شوند. در نهایت، زیبل به مساله اجاره‌نشینی در مقابل مالکیت می‌پردازد. داده‌ها نشان می‌دهد که تا اوایل دهه ۲۰۲۰، هزینه مالکیت خانه با در نظر گرفتن همه هزینه‌ها کمتر از اجاره بود اما اکنون این وضعیت معکوس شده است. در بسیاری از شهرها، مالکیت خانه صدها دلار در ماه گران‌تر از اجاره است. از این رو، توصیه اصلی او این است که تصمیم خرید یا اجاره باید براساس آمادگی مالی فردی اتخاذ شود، نه انتظار افزایش قیمت مسکن. تلاش برای زمان‌بندی بازار، به‌ویژه در بازاری با عدم‌قطعیت بالا اغلب به نتایج نامطلوب منجر می‌شود

■ سخن پایانی

جمع‌بندی این گفت‌وگو نشان می‌دهد که بحران استطاعت‌پذیری مسکن در آمریکا بیش از آنکه ناشی از یک عامل منفرد باشد، نتیجه برهم‌کنش پیچیده‌ای از محدودیت‌های عرضه، سیاست‌های محلی کاربری زمین، تحولات مالی و تغییرات جمعیتی و فناوری است. هر راه‌حل پایداری برای این بحران، ناگزیر باید بر افزایش عرضه مسکن به‌ویژه در مناطق پرتقاضا متمرکز باشد و همزمان از سیاست‌هایی که صرفا تقاضا را تحریک می‌کنند، بدون توجه به عرضه، پرهیز کند. از این منظر، مساله مسکن نه‌فقط یک چالش اقتصادی بلکه آزمونی برای حکمرانی چندسطحی و تعادل میان منافع فردی و جمعی در جوامع مدرن است.

اصلاحیه آگهی فراخوان پیش‌ارزیابی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شناسایی پیمانکار «احداث مجموعه تولید بریکت گرم (HBI) در دو واحد مگامدول احیای مستقیم سایت بردسیر» شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

(مناقصه شماره ۲۹-TC-۴۰۴)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور **«احداث مجموعه تولید بریکت گرم (HBI) در دو واحد مگامدول احیای مستقیم سایت بردسیر هر یک با ظرفیت ۱٫۷۲ میلیون تن در سال به صورت EPC، شامل کلیه خدمات مهندسی، خرید، ساخت، حمل، نصب و راه‌اندازی، آموزش و گارانتی و تامین مالی، مطابق شرایط اسناد»** را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست ابتدا نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

توضیح: اسناد مناقصه برای مناقصه‌گرانی که حائز امتیاز کافی در ارزیابی کیفی باشند، ارسال خواهد شد.

متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های خالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، شماره ۱۲، طبقه همکف تحویل دهند

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- پیمانکار باید دارای تجربه اجرای پروژه‌های مشابه باشد.
- پیمانکار باید دارای گواهینامه معتبر طرح و ساخت صنعتی (EPC) پایه یک در رسته صنعت، یا صنعت و معدن باشد.
- پیمانکار باید دارای گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری «پایه یک در رشته صنعت و معدن» یا «پایه یک صنعت به همراه شرکت مشاور دارای گواهینامه صلاحیت خدمات مشاور پایه ۱ در گروه صنعت با تخصص فلزات اساسی»
- پیمانکار باید دارای گواهی صلاحیت ایمنی معتبر باشد.
- معرفی شرکت همکار و ارائه توافقنامه محضری در صورت تمایل به شرکت در مناقصه به صورت مشارکتی

ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ و شماره شبا ۲۷۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار «احداث مجموعه تولید بریکت گرم (HBI) در دو واحد مگامدول احیای مستقیم سایت بردسیر» شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: **از ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲**

متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را **حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹** به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.

دستگاه مناقصه‌گزار در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد مناقصه‌گران بر اساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان درخصوص تصمیمات مناقصه‌گزار در بر نخواهد داشت.

جهت کسب اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۶ و ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۵ و آدرس الکترونیکی (Tc@Goharzamin.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

اصلاحیه آگهی مناقصه عمومی احداث کارخانه تصفیه پساب صنعتی (RO) واحدهای احیاء سایت بردسیر شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

(مناقصه شماره ۲۷-TC-۴۰۴)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین در نظر دارد پیمانکار واجد شرایط و صلاحیت به منظور **«احداث کارخانه تصفیه پساب صنعتی (RO) واحدهای احیاء مجتمع صنعتی بردسیر»** این شرکت را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به همراه انجام فرآیند ارزیابی کیفی و فنی، شناسایی و انتخاب نماید. متقاضیان جهت شرکت در مناقصه می‌بایست ابتدا نامه اعلام آمادگی و فیش واریزی را از طریق آدرس ایمیل ذیل به دبیرخانه کمیسیون معاملات ارسال نمایند.

متقاضیان واجد صلاحیت پس از دریافت پاکت‌های خالی مناقصه از دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در مجتمع سیرجان یا دبیرخانه دفتر مرکزی تهران، پیشنهادات خود را تا قبل از مهلت مقرر به آدرس تهران، بلوار آفریقا، بلوار آرش غربی، شماره ۱۲، طبقه همکف تحویل دهند.

شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- گواهینامه معتبر صلاحیت پیمانکاری «پایه ۳ در رشته «آب»» به همراه گواهینامه صلاحیت پیمانکاری «پایه ۳ در رشته تأسیسات و تجهیزات یا صنعت» از سازمان برنامه و بودجه کشور
- پیمانکار باید سابقه کار مشابه داشته باشد.
- گواهی صلاحیت پیمانکاری و ایمنی از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با تاریخ معتبر
- ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ و شماره شبا ۲۷۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین جهت شرکت در مناقصه عمومی انتخاب پیمانکار «احداث کارخانه تصفیه پساب صنعتی (RO) واحدهای احیاء سایت بردسیر» شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: **تا تاریخ شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ ساعت ۱۴:۰۰**
- متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را **حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹** به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.
- کارفرما در انتخاب شرکت‌ها جهت دعوت به مناقصه و همچنین در رد یا قبول پیشنهاد پیمانکاران بر اساس صلاحدید خود کاملاً مختار بوده و لذا شرکت در مناقصه، حقی برای ایشان درخصوص تصمیمات کارفرما در بر نخواهد داشت
- جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۶ و ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۵ و آدرس الکترونیکی (TC@GoharZamin.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

آگهی مزایده عمومی شماره 404-09-EX-SB01

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین در نظر دارد میزان **۱۵ هزار متریک تن** شمش (Prime Continuous Cast Steel Billet) گرید 3SP با ابعاد 150 (±5) mm × 150 (±5) mm × 12000 (±100) mm را با ترم تحویل FCA شرکت صنایع فولاد مشیز بردسیر از طریق مزایده به فروش رساند. متقاضیان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مزایده و همچنین اطلاع از سایر شرایط به وب‌سایت www.goharzamin.com بخش مزایده مراجعه و در صورت تمایل به شرکت در مزایده مورد نظر، نماینده آن شرکت جهت دریافت پاکت‌ها با در دست داشتن معرفی‌نامه مکتوب به دفتر مرکزی این شرکت به آدرس: تهران، بلوار نلسون ماندلا، بلوار آرش غربی، پلاک ۱۲، طبقه سوم، واحد بازاریابی و فروش مراجعه نمایند. لازم به ذکر است پاکت‌های پیشنهادی باید حداکثر تا **ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸** تحویل دبیرخانه شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین به آدرس مذکور (طبقه دوم) گردد.

گشایش پاکت‌ها در **ساعت ۱۲ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸** انجام خواهد شد.

جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۱۲۰۴۴۹۱۶۸ تماس حاصل فرمائید.

وبسایت: www.goharzamin.com

آگهی شناسایی شرکت‌های مهندسی مشاور در زمینه طراحی و مهندسی نیروگاه‌های خورشیدی بزرگ مقیاس و نیروگاه‌های مولد موتور گازسوز

(شماره ۳۱-TC-۴۰۴)

شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین (سهامی عام) در نظر دارد از شرکت‌های مهندسی مشاور که دارای رتبه ۱ از سازمان برنامه و بودجه در رشته‌های مشاور تخصص تولید نیرو، انتقال و توزیع نیرو و همزمان حداقل رتبه ۳ انرژی‌های تجدیدپذیر، حاضر در لیست مشاوران خورشیدی مورد تائید سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) و دارای تجربه در زمینه طراحی و مهندسی نیروگاه‌های خورشیدی بزرگ‌مقیاس و نیروگاه‌های مولد موتور گازسوز باشند، دعوت به همکاری می‌نماید.

سایر شرایط لازم مناقصه‌گران برای شرکت در مناقصه:

- ارائه معرفی‌نامه و تسلیم فیش واریزی به مبلغ ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به حساب شماره ۱۱۳۷۸۰۰۲۰۰۰۷۵ نزد بانک سپه و یا حساب شماره ۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ و شماره شبا ۲۷۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۰۷۷۹۵۵۷۲۱ نزد بانک ملت به نام شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین
- مهلت تسلیم درخواست خرید اسناد: از روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ ساعت ۱۴:۰۰
- متقاضیان باید پاکت در بسته و مهر و امضا شده، حاوی مدارک کاغذی و CD (شامل کلیه مدارک اسکن شده) که نام و نشانی درخواست‌کننده و موضوع مناقصه به وضوح روی آن درج شده را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ به دبیرخانه کمیسیون معاملات کارفرما تحویل داده و رسید دریافت کنند.

این آگهی به منظور ارزیابی کیفی انتشار یافته و پس از ارزیابی، از متقاضیان واجد شرایط طی مراحل بعدی دعوت به عمل خواهد آمد.

به مدارک و اسناد فاقد امضا، مخدوش، غیرمستند و همچنین مدارکی که بعد از انقضاءِ مهلت قید شده در آگهی واصل شوند، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

بدیهی است ارائه مدارک هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان جهت دعوت به ارائه پیشنهاد ایجاد نخواهد کرد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد ارزیابی کیفی مندرج می‌باشد.

جهت اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن‌های ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۶ و ۰۳۴-۴۱۵۲۷۱۱۵ و آدرس الکترونیکی (TC@GoharZamin.com) مکاتبه نمایند.

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گهرزمین

بررسی بازدهی هفتگی بازار سرمایه نشان می‌دهد

پیشتازی «سکرما» و «ثروت البرز» در هفته سوم بهمن

تجارت‌نیوز- بازدهی نمادهای بازار سهام در هفته سوم بهمن ۱۴۰۴ با نوسان‌های دو رقمی همراه شد. سکرما با رشد ۱۴درصدی در صدر ایستاد و در سوی مقابل، غدانه و غبهار با افت ۱۱درصدی بیشترین کاهش ارزش را ثبت کردند. جدول این هفته تصویری شفاف از برندگان و بازندگان بازار ارائه می‌دهد.

بازار سهام در هفته سوم بهمن شاهد جابه‌جایی معنادار در جدول بازدهی نمادهای بازار سهام بود. برخی سهم‌ها با رشدهای پی‌درپی توجه فعالان را جلب کردند و در مقابل تعدادی دیگر در مسیر اصلاح قرار گرفتند. داده‌های معاملاتی نشان می‌دهد بازدهی‌ها در این هفته عمدتا در بازه ۱۰ تا ۱۴درصد نوسان داشته و همین موضوع رقابت نزدیکی میان نمادهای صعودی و نزولی ایجاد کرده است.

■ بیشترین بازدهی نمادهای بازار سهام

در صدر جدول بازدهی نمادهای بازار سهام، سکرما با رشد ۱۴درصدی قرار گرفت و عنوان پربازده‌ترین سهم هفته سوم بهمن را به خود اختصاص داد. پس از آن چهار نماد ثاصفا، ثرود، وثوق و پارتا هر کدام با ثبت بازدهی ۱۳درصدی در رتبه‌های بعدی ایستادند. این سهم‌ها با اختلافی اندک نسبت به صدر جدول جزو نمادهای پیشتاز هفته بودند و بخش عمده‌ای از بازدهی مثبت بازار را به خود اختصاص دادند.

■ کمترین بازدهی نمادهای بازار سهام

در سمت دیگر جدول بازدهی نمادهای بازار سهام، غدانه و غبهار با افت ۱۱درصدی بیشترین کاهش هفتگی را تجربه کردند و در قعر جدول قرار گرفتند. همچنین ولتجار، وبرق و وپخش هر کدام با ثبت بازدهی منفی ۱۰درصدی در رده‌های بعدی کم‌بازده‌ترین نمادهای هفته جای گرفتند. این نمادها در هفته سوم بهمن بیشترین فشار فروش را تجربه کردند و در فهرست نزولی‌های بازار قرار گرفتند.

■ بیشترین بازدهی صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس

بررسی بازدهی صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس نشان می‌دهد صندوق «ثروت البرز» پیشتاز صندوق‌های بازار سرمایه در هفته سوم بهمن بوده و ارزش دارایی خود را حدود ۴/۹درصد افزایش داده است. در رتبه‌های بعدی صندوق سهامی پرتو آمال، شهامی به‌آفرید سپینود، ثروت داریوش و سهام فارابی قرار داشته‌اند.

گفتنی است، عملکرد و بازدهی این صندوق‌ها اثری مهم در کلیت بازار سرمایه دارد و از این رو، ارزیابی آنها برای سرمایه‌گذاری، موضوعی با اهمیت به‌شمار می‌رود. کارشناسان بازار سرمایه همواره توصیه می‌کنند افراد غیرحرفه‌ای با استفاده از روش‌های غیرمستقیم در این بازار سرمایه‌گذاری کنند و بازدهی صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس را مورد بررسی قرار دهند. بر این اساس سرمایه‌گذاری در صندوق‌های متنوع بازار سهام که بنا بر میزان ریسک‌گریزی و ریسک‌پذیری افراد دسته‌بندی شده‌اند، راهکار ورود غیرمستقیم به بازار محسوب می‌شود.

نکته روز

«جهان‌صنعت» مسیر بازار سرمایه را واکاوی می‌کند

بورس در کشاکش جنگ و صلح!

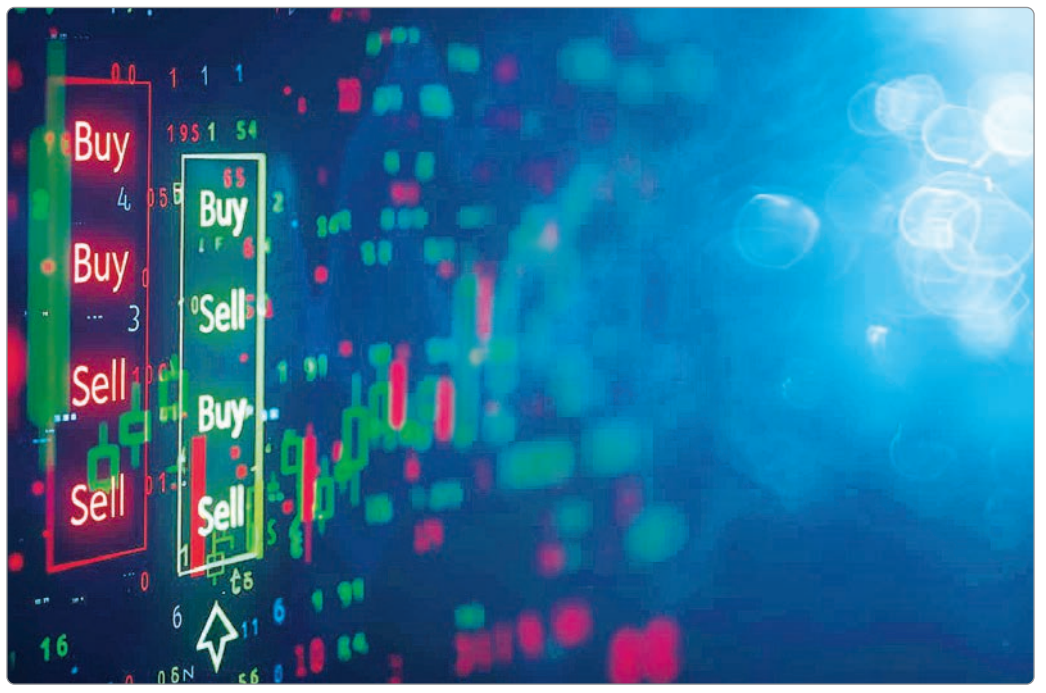

«جهان‌صنعت»- بازار سرمایه در هفته سوم بهمن همچنان روندی نزولی همراه با خروج سرمایه‌های حقیقی را تجربه کرد. تداوم تنش‌های سیاسی و نظامی علیه ایران و کاهش شدید ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران تحت‌تاثیر این عوامل، باعث شد تا بازار سرمایه همچنان روزهایی بدون رونق را سپری کند. همزمان، افزایش جذابیت در بازارهای سفته‌بازانه نیز به تسهیل روند خروج سرمایه‌ها کمک کرده و شاخص‌های بازار با تداوم روند اصلاحی همراه بودند.

به این ترتیب، هفته گذشته شاخص کل بورس تهران با ثبت ۰/۷۳درصد افت به تراز ۴میلیون و ۲۹هزار واحد رسید. شاخص هم‌وزن بازار نیز با ثبت افت ۰/۴۵درصدی در تراز یک‌میلیون و ۵هزار واحد قرار گرفت. چنانچه بازار به روند اصلاحی خود ادامه دهد، شاخص هم‌وزن شاهد از دست دادن کانال یک‌میلیونی خواهد بود. نکته قابل‌توجه اینکه صندوق‌های اهرمی بازار نیز در هفته گذشته شاهد ریزش بودند.

■ صندوق‌های طلا و جبران افت هفته گذشته

با این حال اما در هفته سوم بهمن‌ماه صندوق‌های طلای بورسی موفق به بازگشت به محدوده سقف قبلی شده و اصلاح قیمتی هفته دوم بهمن را جبران کردند. این رشد تحت‌تاثیر تقویت بازار اونس جهانی طلا و همچنین بازگشت دلار آزاد به نرخ‌های نزدیک به سقف قبلی رخ داد. همچنین کاهش امیدواری به روند مذاکرات میان ایران و آمریکا در روزهای میانی هفته، به افزایش تقاضا در صندوق‌های طلای بورسی منجر شد.

■ تقویت نامحسوس جبهه خریداران در هفته‌ای منفی

بررسی آمار معاملات هفته گذشته نشان می‌دهد باوجود فضای معاملاتی منفی و خروج سرمایه از بازار، سرانه خریداران افزایش یافته و در بالای ۶۰میلیون تومان تثبیت شده است. در واقع با کاهش یافتن فروشندگان حقیقی و کاهش سرانه فروش و در مقابل آن، افزایش سرانه خرید می‌توان گفت بازار از روند هیجانی خود خارج شده و جریان سرمایه در حال ورود به مسیری متعادل است.

با این حال آمارها نشان می‌دهند، همچنان خریداران حقیقی به طور ویژه افزایش نیافته‌اند و با قطعیت نمی‌توان در خصوص بازگشت بازار به مدار صعود در هفته جاری سخن گفت. به‌ویژه اینکه با توجه به تداوم سفرهای منطقه‌ای در هفته گذشته سرمایه‌گذاران و تحلیلگران در انتظار خروجی دقیق‌تری در خصوص اخبار مذاکرات هستند و هرگونه خبر می‌تواند جهت کلی روند بورس را به طور کامل تغییر دهد.

■ گزارش عملکرد شرکت‌ها در سایه تغییر سیاست‌های ارزی

بررسی عملکرد شرکت‌های بورسی نشان می‌دهد باوجود اینکه این شرکت‌ها شاهد افزایش سودآوری در ترازنامه‌ها بوده‌اند اما با توجه به افزایش نرخ ارز و در قیاس با تورم موجود از رشد بازمانده، با کاهش تولید روبه‌رو شده‌اند و همین موضوع نیز سبب توقف روند سرمایه‌گذاری در این شرکت‌ها شده است.

به عبارت دیگر حتی اگر بورس ایران در ماه گذشته تا به امروز تحت‌تاثیر ریسک‌های سیاسی و نظامی نیز دچار ریزش نمی‌شد، بسیار محتمل بود که با انتشار گزارش‌های شرکت‌ها، بسیاری از شرکت‌های بورسی در صنایع و گروه‌های مختلف شاهد روند خروج سرمایه باشند چراکه با عدم تحقق انتظارات تحلیلگران پیرامون سودآوری در قیاس با واقعیات بازار مواجه بوده‌اند.

در این میان یکی از مشکلات اصلی در صنایع تولیدی روند کاهشی میزان تولید است که تحت‌تاثیر کاهش تقاضا و یا نبود مواد اولیه متاثر از تحریم‌ها و یا از دست دادن برخی بازارهای مهم صادراتی رخ داده است. کاهش معنادارا حاشیه سود در برخی صنایع، افق سودآوری در آنها را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. از این رو، سرمایه‌گذاران اکنون با احتیاط بیشتر گام برداشته و برخی سرمایه‌ها نیز در انتظار شفاف شدن تاثیر سیاست ارز تک نرخی و مجوزهای افزایش نرخ محصول در صنایع مختلف هستند. بر این اساس بازار از منظر بنیادین نیز همچنان در انتظار به سر برده و با خروج سرمایه‌های قدرتمند از روند معاملات، وارد فاز اصلاحی شده است و شاید اتفاقات سیاسی و اجتماعی در دی و بهمن تنها به‌عنوان کاتالیزور این اصلاح عمل کرده است

■ بازار در کشاکش امیدها و نگرانی‌ها

بازار سرمایه در هفته‌ای که گذشت شاهد رفتار متفاوت معامله‌گران در روزهای مختلف، تحت‌تاثیر اخبار متغیر و گاه متناقض سیاسی قرار داشت. از آنجا که مذاکرات روز جمعه تا حدودی از شدت نگرانی‌ها کاسته بود، روز شنبه بورس با معاملاتی کاملا مثبت همراه با ورود دوباره سرمایه‌های حقیقی روبه‌رو بود اما مجددا با افزایش اظهارنظرهای سیاسی و گاهی متناقض و نگران‌کننده، جو منفی تقویت و باعث شد تا معاملات بورس نیز متاثر از آن بار دیگر وارد فضای منفی شده و تحلیل‌ها پیرامون ریزش دوباره و شناسایی کف‌های جدید نیز در میان تحلیلگران بازار افزایش یابد.

در واقع می‌توان گفت در این روزها حرکت شاخص‌های مالی بازار بیش از آنکه متاثر از مولفه‌های اقتصادی باشد، تحت فشار فضای منفی و خستگی روانی سرمایه‌گذاران از طولانی شدن ابهامات سنگین سیاسی و نظامی است. دچار شدن سرمایه به وضعیت تعلیق، در نهایت به کاهش شدید ریسک‌پذیری در بازار انجامیده و سرمایه‌گذاران را متوجه بازارهایی با ریسک پایین‌تر در طولانی‌مدت خواهد کرد.

دیدگاه

یک کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد

رشد بورس در گرو کاهش ریسک‌های کلان

یک کارشناس بازار سرمایه گفت که بازار سرمایه در شرایط کنونی تحت فشار ریسک‌های سیاسی و نرخ بهره بالا قرار دارد؛ متغیرهایی که تعیین‌کننده مسیر آتی بورس و صنایع پیشرو هستند.

محمدرضا بیک‌زاده با اشاره به شرایط فعلی بازار سرمایه به صدای بورس گفت: بازار در مقطع کنونی تحت‌تاثیر دو عامل اصلی قرار دارد؛ نخست، ریسک‌های سیاسی شامل احتمال جنگ یا روند مذاکرات. در صورت کاهش این ریسک‌ها، بازار سرمایه از ظرفیت رشد بالایی برخوردار خواهد بود.

وی نرخ بهره بالا را دومین عامل فشار بر بازار دانست و افزود: با ورود به ماه‌های پایانی سال، به‌ویژه بهمن و اسفند حجم تامین مالی اوراق دولتی و شرکتی افزایش می‌یابد که این موضوع تقاضا برای منابع مالی و در نتیجه نرخ بهره را به‌شدت بالا برده است

این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به نرخ‌های فعلی تامین مالی تصریح کرد: اکنون نرخ‌های نزدیک به ۴۰درصد در بازار مشاهده می‌شود که عملا یک نرخ بدون ریسک بسیار بالا ایجاد کرده و فشار قابل‌توجهی بر بازار سهام وارد می‌کند.

بیک‌زاده تاکید کرد: اگر ریسک‌های کلان سیاسی کاهش یابد و نرخ بهره نیز به مسیر منطقی‌تری هدایت شود، می‌توان انتظار داشت بازار سرمایه باتوجه به ارزندگی فعلی سهام، رشد قیمتی مناسبی را تجربه کند. وی افزود: افزایش نرخ دلار آزاد و موضوع تک‌نرخی شدن ارز هنوز به‌طور کامل در قیمت سهام منعکس نشده و با شفاف‌تر شدن این متغیرها، چشم‌انداز بازار می‌تواند بهبود یابد. وی درباره سناریوی تشدید تنش‌ها گفت: در صورت وقوع جنگ، طبیعی است که سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز تمایلی به حضور در بازار سهام نداشته باشند و کلیت بازار با فشار منفی مواجه شود؛ هرچند برخی صنایع مانند شرکت‌های دارای معادن طلا ممکن است از رشد نرخ ارز منتفع شوند.

بیک‌زاده در ادامه خاطرنشان کرد: در صورت کاهش تنش‌ها و رفع تحریم‌ها، صنایع ریالی ازجمله خودروسازی، بانک‌ها و دارویی‌ها می‌توانند عملکرد بهتری داشته باشند.

وی درباره سناریوی میانه نیز توضیح داد: اگر نرخ ارز در سطوح فعلی باقی بماند اما تحریم‌ها به‌طور جدی رفع نشود، صنایع دلاری مانند پتروشیمی، پالایشی و فلزات اساسی گزینه‌های مناسب‌تری برای سرمایه‌گذاری خواهند بود.

بیک‌زاده در پایان گفت: بازار از منظر قیمتی ارزنده است اما سرمایه‌گذاران تا زمان شفاف شدن شرایط سیاسی و اقتصادی همچنان با احتیاط و صبر تصمیم‌گیری می‌کنند.

دیده‌بان

افزایش سرمایه ۴۳۹ و ۶۹درصدی ۲ شرکت فرابورسی

بورس‌پرس- دو شرکت فرابورسی از برنامه افزایش سرمایه ۶۹ و ۴۳۹درصدی از سود انباشته و تجدید ارزیابی دارایی‌ها خبر دادند. دو شرکت نخ‌ریسی و نساجی خسروی خراسان و سرمایه‌گذاری صنعت پتروشیمی ساختمان خلیج‌فارس از برنامه افزایش سرمایه ۶۹ و ۴۳۹درصدی از دو محل سود انباشته و تجدید ارزیابی دارایی‌ها خبر دادند. براساس این گزارش نخریس در نظر دارد سرمایه فعلی را از ۷۷ به ۱۳۰میلیارد تومان برساند. افزایش سرمایه این شرکت فرابورسی از محل سود انباشته به منظور خرید پنج دستگاه ماشین‌آلات بافندگی اعمال خواهد شد. همچنین وپسا درصدد است سرمایه فعلی را از ۲۵۰میلیارد به ۱/۳۴هزارمیلیارد تومان برساند. افزایش سرمایه این شرکت حاضر در تابلو زرد بازار پایه فرابورس از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها به منظور اصلاح ساختار مالی صرف خواهد شد.

تا پایان نخستین ماه زمستان ۱۴۰۴ رقم خورد

ثبت ۱۲۷۷ نهاد مالی در بازار سرمایه ایران

سنا- تعداد نهادهای مالی تخصصی تحت‌نظارت سازمان بورس و اوراق بهادار در پایان دی ۱۴۰۴ به ۱۲۷۷ نهاد رسید. تعداد نهادهای مالی در آذرماه امسال ۱۲۷۲ نهاد بود. در دی امسال پنج نهاد مالی تخصصی جدید مجوز فعالیت گرفتند تا به این ترتیب تعداد نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه ایران از ۱۲۷۲ نهاد در پایان آذرماه به ۱۲۷۷نهاد در پایان دی افزایش یابد

■ سهم صندوق‌های سرمایه‌گذاری

از حیث تعداد، صندوق‌های سرمایه‌گذاری سهم ۴۳/۴درصدی را در میان نهادهای مالی به خود اختصاص داده‌اند. استقبال سرمایه‌گذاران از این نهاد مالی به‌عنوان مقصد سرمایه‌گذاری روند صعودی تعداد آنها را استمرار بخشیده و تعداد آنها به ۵۵۴نهاد در پایان دی ۱۴۰۴ افزایش یافته است. تعداد صندوق‌های سرمایه‌گذاری در پایان آذر امسال ۵۴۹ نهاد بوده است

■ شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها

داده‌های این گزارش آماری نشان می‌دهد تعداد شرکت‌ها و هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری از ۳۴۴شرکت در پایان سال گذشته به ۳۶۴ شرکت در دی امسال رسیده است. سهم شرکت‌های سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها از مجموع سبد نیز در دی امسال به ترتیب ۱۶ و ۱۳درصد بوده است

اداره میزهای صنعت سازمان بورس منتشر کرد

کارنامه مصرف انرژی در صنایع فعال بازار سرمایه

سنا- اداره میزهای صنعت و رتبه‌بندی ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار در گزارشی تحلیلی به بررسی روند «میزان مصرف انرژی گاز، سوخت و خوراک، آب و برق مصرفی در صنایع با اهمیت و انرژی‌بر بازار سرمایه» و نقش و اهمیت ناترازی انرژی در میزان تولید و سودآوری صنایع بورس پرداخت.

فروغ لطفی، کارشناس اداره میزهای صنعت و رتبه‌بندی ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار ضمن تشریح جزئیات گزارش «میزان مصرف انرژی گاز سوخت و خوراک، آب و برق مصرفی در صنایع با اهمیت و انرژی‌بر بازار سرمایه» توضیح داد: در این گزارش به روند میزان مصرف انرژی گاز سوخت و خوراک، آب و برق مصرفی در صنایع با اهمیت و انرژی بر بازار سرمایه پرداخته شده است. یافته‌های این گزارش بیانگر نقش بااهمیت ناترازی انرژی در میزان تولید و سودآوری صنایع دارد، به نحوی که ناترازی انرژی می‌تواند منجر به کاهش تولید یا بعضا توقف خطوط تولید صنایع بااهمیت شود. به گفته او، یافته‌های این گزارش بیانگر آن است که مصرف انرژی گاز در دی امسال نسبت به آذر در همه صنایع به میزان ۱۴درصد کاهش داشته است. بر این اساس مصرف حامل انرژی گاز در دی نسبت به آذر در صنایع فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای به میزان ۳درصد افزایش و در صنعت سیمان، آهک و گچ، استخراج کانه‌های فلزی، محصولات شیمیایی، فلزات اساسی، عرضه برق، گاز، بخار و آب گرم و سایر صنایع با کاهشی به میزان ۵۰، ۴۰، ۲۵، ۱۵، ۸ و ۵درصد همراه بوده است. او تاکید کرد: از سوی دیگر میزان مصرف انرژی برق در دی‌ماه نسبت به آذر با کاهشی به میزان ۱۹درصد همراه شده زیرا میزان مصرف انرژی برق در صنعت استخراج کانه‌های فلزی ۲درصد افزایش و صنایع سیمان، آهک و گچ، محصولات شیمیایی، فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای، فلزات اساسی و سایر صنایع به ترتیب با کاهش ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۵ و ۲۰درصدی روبه‌رو بوده است. لطفی افزود: همچنین میزان مصرف انرژی آب در دی‌ماه نسبت به ماه گذشته با کاهش یک‌درصدی همراه بوده است به گونه‌ای که کاهش ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۸ و ۹درصدی در صنایع فلزات اساسی، سایر صنایع، فرآورده‌های نفتی، کک و سوخت هسته‌ای و عرضه برق، گاز، بخار و آب گرم و استخراج کانه‌های فلزی ازجمله تغییرات مهم مصرف آب در ماه مورد گزارش است. او گفت: نرخ خوراک صنایع عمدتا با تاخیر اعلام می‌شود که این امر روند تهیه گزارش‌های میان‌دوره‌ای صنایع را دچار مشکل می‌کند؛ از این رو، با توجه به نقش بااهمیت نرخ خوراک بر تصمیمات سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود شرکت ملی صنایع پتروشیمی نسبت به اعلام به موقع نرخ خوراک و سوخت گاز صنایع مبادرت ورزد.

شرکت پالایش نفت تبریز (سهامی عام)
نوبت دوم
آگهی مناقصه عمومی
شماره تقاضا: RZP-1441505291
موضوع آگهی: تامین کالا

ردیف	واحد	تعداد	شرح کالا
۱	دستگاه	۱	لودر بیل بکهو

آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ می‌باشد برای کسب اطلاعات بیشتر و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به سایت شرکت www.tzorc.ir بخش تامین‌کنندگان- فراخوانها مراجعه نمایید.
روابط‌عمومی و امور بین‌الملل شرکت پالایش نفت تبریز

شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)
نوبت اول
آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۰۳۸/ مع‌ت
شرکت پالایش نفت شیراز در نظر دارد جهت خرید تیوب باندل کولر هوایی مناقصه عمومی برگزار نماید. لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر به وب‌سایت شرکت پالایش نفت شیراز به آدرس www.sorc.ir مراجعه نمایید.
روابط‌عمومی شرکت پالایش نفت شیراز (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام)
موضوع: فراخوان مناقصه عمومی
شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام) در نظر دارد خرید دوربین با متعلقات مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید. لذا از کلیه تأمین‌کنندگان ذیربط و ذیصلاح دعوت می‌شود حداکثر تا ۱۰ روز بعد از چاپ آگهی به منظور دریافت اسناد مناقصه، نسبت به واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شبا IR ۶۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۱۸۰۵۷۲۰۰ نزد بانک تجارت به نام شرکت پتروشیمی تبریز به شناسه پرداخت ۰۲۰۱۰۰۱۲۱۰۵۳۶۴۱۰۰ اقدام و فیش واریزی به همراه درخواست کتبی خرید اسناد و مدارک حقوقی شرکت شامل فرم تکمیل شده اطلاعات پایه‌ای شرکت، اساسنامه، آگهی تاسیس، آگهی آخرین تغییرات، گواهی صاحبین امضای مجاز، سابقه کاری مرتبط، معرفینامه شرکت (مهر و امضا شده) و اظهارنامه مالیاتی سال گذشته را به پست الکترونیک ei5.proc@tpco.ir ارسال و یا به نشانی: تبریز- انتهای اتوبان شهید کسایی- کیلومتر ۳ آزادراه شهید باکری- جاده اختصاصی مجتمع پتروشیمی تبریز- پتروشیمی تبریز- ساختمان مرکزی- واحد تدارکات مراجعه نمایند متقاضیان می‌توانند به منظور کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۳۴۲۸۲۵۷۲-۰۴۱ تماس حاصل نمایند.

سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	شماره تقاضا	شرح
۶۸۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال	PVD-0354105	دوربین با متعلقات مربوطه

اطلاعات کامل مربوط به مناقصه فوق در سایت پتروشیمی تبریز به آدرس WWW.TPCO.IR موجود می‌باشد.
روابط‌عمومی شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام)
موضوع: فراخوان مناقصه عمومی
شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام) در نظر دارد خرید کابل برق مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی تأمین نماید. لذا از کلیه تأمین‌کنندگان ذیربط و ذیصلاح دعوت می‌شود حداکثر تا ۱۰ روز بعد از چاپ آگهی به منظور دریافت اسناد مناقصه، نسبت به واریز مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب شبا IR ۶۵۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۵۱۸۰۵۷۲۰۰ نزد بانک تجارت به نام شرکت پتروشیمی تبریز به شناسه پرداخت ۰۲۰۱۰۰۱۲۱۰۵۳۶۴۱۰۰ اقدام و فیش واریزی به همراه درخواست کتبی خرید اسناد و مدارک حقوقی شرکت شامل فرم تکمیل شده اطلاعات پایه‌ای شرکت، اساسنامه، آگهی تاسیس، آگهی آخرین تغییرات، گواهی صاحبین امضای مجاز، سابقه کاری مرتبط، معرفینامه شرکت (مهر و امضا شده) و اظهارنامه مالیاتی سال گذشته را به پست الکترونیک ei5.proc@tpco.ir ارسال و یا به نشانی: تبریز- انتهای اتوبان شهید کسایی- کیلومتر ۳ آزادراه شهید باکری- جاده اختصاصی مجتمع پتروشیمی تبریز- پتروشیمی تبریز- ساختمان مرکزی- واحد تدارکات مراجعه نمایند متقاضیان می‌توانند به منظور کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن: ۳۴۲۸۲۵۷۲-۰۴۱ تماس حاصل نمایند.

سپرده شرکت در مناقصه (ریال)	شماره تقاضا	شرح
۷۵۲،۰۰۰،۰۰۰ ریال	PVP-0474050	کابل برق

اطلاعات کامل مربوط به مناقصه فوق در سایت پتروشیمی تبریز به آدرس WWW.TPCO.IR موجود می‌باشد.
روابط‌عمومی شرکت پتروشیمی تبریز (سهامی عام)

شرکت پتروشیمی پردیس
Pardis Petrochemical Company
نوبت اول
فراخوان عمومی شناسایی پیمانکار و دعوت به مناقصه
شرکت پتروشیمی پردیس در نظر دارد مناقصه با موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های متقاضی دعوت می‌گردد حداکثر از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ نسبت به ثبت‌نام در سامانه برگزاری الکترونیک معاملات شرکت پتروشیمی پردیس به آدرس https://pardis.tender.paupc.ir و دریافت نام کاربری و رمز عبور اقدام نمایند. دریافت فرم ارزیابی کیفی و تکمیل فرم‌ها و ارائه کلیه مستندات مورد نیاز از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
الف) موضوع مناقصه:
۱- طراحی، خرید، نصب و راه‌اندازی یک دستگاه شیپ لودر جدید و دمونتاژ کردن شیپ لودر قدیمی مجتمع پتروشیمی پردیس به شماره PPC/۹۳۴-۱۴۰۴
ب) نشانی مناقصه‌گزار: عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، محدوده طرح‌های پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی پردیس .
لازم به توضیح اینکه پس از بررسی‌های لازم، از متقاضیانی که واجد شرایط شناخته شوند (کسب حداقل امتیاز لازم از فرم ارزیابی کیفی پیمانکاران) جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد و ارسال مدارک هیچگونه حقی جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. متقاضیان می‌توانند در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸-۰۷۷۳۷۳۲۳۳۰۵ داخلی ۲۰۲۸ (امور حقوقی و قراردادها/ واحد مناقصات) تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی شرکت پتروشیمی پردیس

بازتاب

تاثیر حذف شتاب‌زده ارز ترجیحی بر مرغداران

ایسنا– مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی با اشاره به‌مازاد تولید در بازار از دولت خواست شرکت پشتیبانی امور دام برای تنظیم بازار و تامین ذخایر استراتژیک به‌ویژه در آستانه ماه‌رمضان و ایام نوروز نسبت به‌جمع‌آوری مرغ مازاد اقدام کند.

حبیب اسدالله‌نژاد در گفت‌وگویی رادیویی با اشاره به‌حذف ارز ترجیحی اظهار کرد: اصل حذف ارز ترجیحی اقدامی بود که باید انجام می‌شد و هدف دولت نیز انتقال یارانه از حلقه اول تولید به‌مصرف‌کننده نهایی و قرارگرفتن آن بر سر سفره مردم بود اما زمان اجرای این‌طرح و شیوه عملیاتی‌شدن آن مناسب انتخاب نشد. وی افزود: این‌طرح به‌صورت شتاب‌زده و بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم اجرا شد درحالی‌که اگر حذف ارز ترجیحی به‌صورت تدریجی و پلکانی انجام می‌گرفت نه تولیدکننده دچار آسیب می‌شد و نه مصرف‌کنندگان با شوک قیمتی روبه‌رو می‌شدند. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی با اشاره به‌افزایش هزینه‌های تولید گفت: خوراک دام که حدود ۶۵درصد هزینه تولید مرغ را شامل می‌شود پس‌از حذف ارز ترجیحی حدود چهاربرابر افزایش یافت. قیمت جوجه یک‌روزه به‌عنوان یکی از مولفه‌های اصلی تولید رشد قابل‌توجهی داشته که این‌عوامل به‌طور مستقیم بر قیمت تمام‌شده مرغ اثر گذاشته است. اسدالله‌نژاد تاکید کرد: تولیدکنندگان کاملا فشار اقتصادی واردشده به‌مردم را درک می‌کنند و هیچ‌مرغداری از افزایش قیمت مرغ خوشحال نمی‌شود چراکه اولین پیامد این‌شرایط زیان تولیدکنندگان است. درحال‌حاضر بسیاری از واحدهای مرغداری به‌دلیل نبود نقدینگی و فراهم‌نشدن زیرساخت‌ها توان ادامه تولید را ندارند و از چرخه تولید خارج شدند؛ موضوعی که می‌تواند در آینده تامین مرغ را با چالش مواجه کند. وی با اشاره به‌ظرفیت تولید کشور تصریح کرد: ایران توان تولید بیش‌از ۳/۵میلیون‌تن مرغ در سال را دارد و حتی با سرانه مصرف ۳۲کیلوگرم برای هر ایرانی امکان صادرات حدود ۶۰۰هزارتن مرغ وجود دارد. اکنون که ارز ترجیحی حذف شده باید فضای لازم برای صادرات پایدار و برنامه‌ریزی‌شده فراهم شود تا تولیدکننده بتواند با اطمینان قراردادهای صادراتی منعقد کند. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی با انتقاد از تصمیمات مقطعی در حوزه صادرات گفت: تصمیمات کوتاه‌مدت و ممنوعیت‌های ناگهانی صادرات هم به‌تولید آسیب می‌زند و هم اعتماد طرف‌های خارجی را از بین می‌برد. صادرات باید پایدار و قابل پیش‌بینی باشد. اسدالله‌نژاد در ادامه با اشاره به‌وضعیت فعلی بازار مرغ گفت: قیمتی که هم‌اکنون در بازار عرضه می‌شود قیمت واقعی مرغ نیست و تولیدکنندگان به‌ازای هر کیلوگرم مرغ زنده بین ۴۰تا۵۰هزارتومان زیان می‌دهند. این درحالی است که در آذرماه رکورد جوجه‌ریزی ۱۷۳میلیون‌قطعه ثبت شد اما در ماه‌های بعد به‌دلیل حذف ارز ترجیحی و کمبود نقدینگی تولید کاهش یافت. وی افزود: از دولت درخواست کردیم شرکت پشتیبانی امور دام به‌وظیفه ذاتی خود عمل کرده و مرغ مازاد را برای ذخایر استراتژیک به‌ویژه برای ماه‌رمضان و ایام نوروز جمع‌آوری کند اما قیمت‌های خرید فعلی حمایتی نیست و عملا انگیزه‌ای برای جمع‌آوری مرغ مازاد ایجاد نمی‌کند. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی در پایان خاطرنشان کرد: پیش‌بینی ما این‌است که از اواخر ماه قیمت مرغ به‌سمت قیمت واقعی حرکت کند. هرچند نگرانی مردم کاملا قابل درک است اما با افزایش قیمت تمام‌شده تولیدکننده ناچار به‌اصلاح قیمت خواهد بود به‌ویژه آنکه در شرایط فعلی امکان صادرات نیز وجود ندارد و تولیدکنندگان تعیین‌کننده قیمت نیستند.

صادرات غیرنفتی دولت‌چهاردهم از ۸۶میلیارد دلار گذشت

تحلیل بازار– گمرک ایران در گزارشی از عملکرد دولت‌چهاردهم در حوزه تجارت خارجی از صادرات ۸۶میلیارد دلاری انواع کالاهای غیرنفتی خبر داد. بر این‌اساس در دولت‌چهاردهم صادرات غیرنفتی کشورمان به۲۳۶میلیون‌تن رسید و به‌لحاظ ارزشی به‌میزان ۸۶میلیارددلار انواع کالای غیرنفتی از کشور صادر شد. در این‌مدت به‌مقدار ۶۰میلیون‌تن انواع کالا وارد کشور شد که ارزش این‌میزان واردات ۱۰۲میلیارد دلار بود. این گزارش می‌افزاید که در حوزه ترانزیت خارجی نیز عملکرد دولت چهاردهم از ابتدا تاکنون نشان می‌دهد در این‌مدت بیش‌از ۳۱میلیون‌تن انواع کالا از مسیر کشورمان ترانزیت شده است.

توزیع روغن سرخ‌کردنی افزایش یافت

تجارت‌نیوز– رییس اتحادیه بنکداران مواد غذایی درباره وضعیت عرضه روغن سرخ‌کردنی در بازار گفت که حذف ارز ترجیحی ۲۸هزارو۵۰۰تومان تاثیر بسزایی در قیمت روغن و دیگر کالاهای اساسی داشته به‌طوری که عرضه برخی کالاها به‌دلیل تغییر نرخ با تاخیر روبه‌رو شد. رضا کنگری اظهار داشت: اکنون چالش روغن خوراکی به‌ویژه روغن سرخ‌کردنی و حلب‌های ۵کیلویی خانوار و ۱۶کیلویی صنف و صنعت در بازار برطرف شده است. وی بخشی از کمبود روغن در بازار را مواد اولیه و بخشی را حاشیه سود غیرکارشناسی در قیمت مصرف‌کننده دانست و افزود: در بحث روغن آنچه مشکل‌ساز شده قیمت درج‌شده روی محصول فروشی روغن با حاشیه سود ۴درصد است. این‌در حالی است که فقط حاشیه سود بنکداری‌ها ۳درصد بوده و حاشیه سود خرده‌فروشی‌ها ۱۲درصد و هزینه‌های حمل‌ونقل و انبارداری ۳درصد باید محاسبه شود. به گفته او قیمت‌های مصرف‌کننده برای روغن با توجه به‌ارز اصلاح‌شده و نرخ‌های بنکداری متفاوت بوده و برخی فروشگاه‌ها با قیمت‌های بالاتری نسبت به‌نرخ کارخانه می‌فروشند که می‌تواند این‌موضوع مشکل‌ساز شود. کنگری تصریح کرد: اگر زنجیره توزیع به‌طور گسترده روغن عرضه کند به‌طور حتم کمبود بازار کاهش می‌یابد و روند عادی توزیع روغن برقرار خواهد شد. رییس اتحادیه بنکداران مواد غذایی گفت: سهم اصناف در بازار حدود ۶۸درصد است. فروشگاه‌های زنجیره‌ای به‌سرعت در مواقع بحرانی افت می‌کنند اما اصناف درطول جنگ تحمیلی ۱۲روزه بازار را حفظ و از انبارهای موجود استفاده کردند.

رییس اتحادیه بنکداران مواد غذایی با تاکید براینکه اگر زنجیره تامین و توزیع با هم هماهنگی بیشتری داشته باشند و آسیب‌شناسی لازم صورت گیرد کمبود بازار به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد، افزود: اکنون اکثر کالاها در بازار موجود است و کمبود محسوس وجود ندارد زیرا با اصلاح نرخ ارز و بازنگری در نرخ‌های حاشیه سود شبکه توزیع به‌طور حتم روند عرضه بهبود می‌یابد.

«جهان‌صنعت» از سقوط صادرات صنایع‌دستی گزارش می‌دهد

گره تحریم بر تاروپود فرش ایرانی

رضا لاله باغ – «جهان صنعت»

فاطمه عباس‌پور– کمتر از سه‌دهه قبل فرش دستباف ایرانی یکی از ستون‌های صادرات غیرنفتی کشور بود؛ صنعتی که بر طبق برآوردها سالانه بیش‌از ۲میلیارددلار ارزآوری داشت؛ ارزآوری که با یک‌سقوط آزاد تمام‌عیار به‌نزدیک ۴۰میلیون‌دلار یعنی ۲درصد ظرفیت سابق خود رسیده است.

تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان مهم‌ترین عامل در این‌روند به‌شمار می‌روند اما فعالان این‌حوزه نقش سیاستگذاری در شدت‌بخشیدن به‌اثر تحریم‌های خارجی را نیز در رسیدن به‌این وضعیت مهم می‌دانند و از موانع حوزه فرش به‌عنوان تحریم داخلی یاد می‌کنند. در سال۱۴۰۴–۱۴۰۳ صادرات فرش و گبه دستباف ایران حدود ۴۰تا۴۲میلیون‌دلار بوده؛ رقمی که درمقایسه با اوج تاریخی دهه۷۰ کاهش بیش‌از ۹۰تا۹۸درصدی را تجربه کرده است. این‌افت شدید نه‌تنها بازارهای قدیمی را از دست داده بلکه سهم ایران در تجارت جهانی فرش را به‌یک بخش بسیار کوچک تقلیل داده است.

■ ضربات بی‌امان انزوای بین‌المللی بر صادرات فرش ایرانی

براساس اخرین آمارهای گمرک کشور و طبق گفته رییس کمیسیون فرش، هنر و صنایع‌دستی اتاق ایران، میزان صادرات در هفت‌ماهه امسال ۲۳میلیون‌دلار بوده و پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال به‌بیش‌از ۳۵میلیون‌دلار نرسد.

سیدمرتضی حاجی‌آقامیری دراین‌باره به«جهان‌صنعت» گفت: شرایط کنونی سیاست اقتصادی داخلی، مقررات‌گذاری و قانونگذاری داخلی، وضعیت ارتباطات خارجی، انزوای بین‌المللی و تحریم‌های خارجی مخصوصا در موضوع فرش دستباف ما را به‌نقطه نگران‌کننده‌ای رسانده است. فرش دستباف برای سومین بار پس از انقلاب در سال۱۳۹۷ با فرمان۱۳۴۶ دونالد ترامپ آن‌هم به‌شکلی بسیار سختگیرانه تحریم شد. این‌در حالی است که نزدیک به۴۵درصد بازار جهانی فرش دستباف در اختیار ایالات متحده آمریکاست. طبیعی است که با ازدست‌دادن چنین بازاری عملا چیزی از بازار جهانی برای ما باقی نمی‌ماند و رتبه همیشگی اول خود را از دست می‌دهیم.

وی افزود: البته نبود ایران در بازار بین‌المللی کاملا جبران نشده و هنوز ظرفیت خالی وجود دارد چراکه هیچ فرشی نمی‌تواند جای فرش ایرانی را بگیرد اما اگر این‌روند ادامه پیدا کند آرام‌آرام در سایه انزوای بین‌المللی همه‌چیز را از دست خواهیم داد.

■ هدف‌های دورازدسترس و پوچ

حاجی‌آقامیری گفت: به‌عنوان فعالان این‌بخش بارها گفتیم که در چنین شرایطی نمی‌توان زندگی کرد و توسعه یافت. می‌توان اعداد عجیب‌وغریب در برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی قید کرد اما اگر این‌اعداد برمبنای منطق و واقعیت میدان نباشد صرفا آمال‌وآرزوست. اینکه بگوییم سالی ۲۳درصد رشد صادرات غیرنفتی یا ۸درصد رشد اقتصادی خواهیم داشت با چه ارتباطات، اقتصاد و زیرساختی محقق می‌شود؟

وی ادامه داد: در شرایطی که زیرساخت‌ها در ناترازی از بین می‌روند و تولید ما رو به‌نابودی بوده چنین اهدافی عملی نیست. وضعیت تجارت خارجی ما نیز گویای همین مساله است. کشوری مانند بنگلادش سالانه ۶۰میلیارددلار صادرات پوشاک دارد در حالی که کل صادرات ما به‌این رقم نمی‌رسد.

■ سنگ‌اندازی‌های عجیب ازسوی بانک مرکزی

رییس کمیسیون فرش، هنر و صنایع‌دستی اتاق ایران افزود: تحریم‌های داخلی، مقررات عجیب‌وغریب و رفتارهای بانک مرکزی ازجمله مهم‌ترین موانع هستند. در سال‌های گذشته هر زمان با تلاش فراوان توانستیم بخشی از دولت را مجاب کنیم که برخی تعهدات ارزی در حوزه فرش دستباف به‌شدت آسیب‌زا و نابودکننده این‌صنعت بوده اجرای تصمیمات برای حل چالش‌ها با مشکل مواجه شد.

حاجی‌آقامیری گفت: برای مثال در سال۱۴۰۲ مجلس در قانون بودجه مقرر کرد که در حوزه صنایع‌دستی تعهد ارزی حذف نشود اما به‌میزان ارزش مواد اولیه کاهش یابد. با این‌حال بانک مرکزی این‌مصوبه را تا بهمن‌ماه اجرا نکرد درحالی که باید از ابتدای فروردین اجرا می‌شد. استدلال مشخصی نیز ارائه نمی‌کرد. واقعیت این‌است که بانک مرکزی معمولا استدلالی ارائه نمی‌دهد و تصمیمش را اعمال می‌کند. این فعال بخش خصوصی ادامه داد: در سال۱۴۰۳ نیز تلاش کردیم همان بند در قانون بودجه تکرار شود اما سازمان برنامه و بودجه مانع شد. در روزهای پایانی دولت سیزدهم هیات دولت آئین‌نامه‌ای را اصلاح کرد که طبق آن تعهد ارزی صنایع‌دستی به‌میزان ارزش مواد اولیه کاهش می‌یافت اما باز هم بانک مرکزی اجرا نکرد تا اسفند۱۴۰۱ که با پیگیری‌های فراوان عملی شد. با این‌حال از حدود دوماه پیش بانک مرکزی اعلام کرده مصوبه هیات وزیران را اجرا نمی‌کند چون بخش حقوقی بانک مرکزی آن را خلاف قانون تشخیص داده در حالی که بانک مرکزی چنین صلاحیتی ندارد و مرجع تشخیص معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری یا هیات تطبیق قوانین مجلس است.

■ اختیارات فراوان و بدون مبنای منطقی

رییس کمیسیون فرش، هنر و صنایع‌دستی اتاق ایران گفت: عملا بانک مرکزی خود اجتهاد کرده و هرطور که بخواهد عمل می‌کند و نظارت موثری هم بر آن نیست. وقتی سیاستگذاری تجاری را به‌دستگاه سیاستگذار پولی و ارزی می‌سپاریم که رویکردش عمدتا بستن است نتیجه همین می‌شود. این‌نوع نگاه سیاستگذاری از زمان دولت آقای روحانی شکل گرفته، در دولت آقای رییسی نیز ادامه یافت و امروز دوباره همان رویکرد حاکم است. بانک مرکزی بارها اعلام کرده که دستگاه دولتی نیست که در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی پاسخگو باشد و حتی خود را دربرابر بخش خصوصی نیز پاسخگو نمی‌داند. دستگاهی که پاسخگو نبوده و ارتباط با آن به‌سادگی ممکن نیست طبیعی است که توافقاتش با اتاق بازرگانی و بخش خصوصی نیز پایدار نماند.

وی ادامه داد: در چنین شرایطی صادرات ما نه‌تنها به‌اهداف تعیین‌شده نمی‌رسد بلکه به‌تدریج ظرفیت‌های خود را در بازارهای بین‌المللی از دست می‌دهد. بازارهای جهانی منتظر ما نمی‌مانند و اگر ما با سیاستگذاری‌های نادرست داخلی و اصرار بر سیاست‌هایی که انزوای بین‌المللی را تشدید کرده حضور خود را تضعیف کنیم دیگران جای ما را خواهند گرفت. کره‌جنوبی توانسته صادرات صنایع خلاق خود را ظرف حدود ۱۵سال ۲۰برابر کند چراکه برنامه دیپلماسی فرهنگی دارد. ما تاکنون کجا دیپلماسی فرهنگی داشتیم؟ اساسا کجا به‌دو موضوع مهم فرهنگ و اقتصاد که دومزیت عمده همه کشورها در بازارهای بین‌المللی هستند توجه کردیم؟

■ جای خالی اقتصاد و فرهنگ در میان اولویت‌ها!

حاجی‌آقامیری افزود: در کشور ما نه اقتصاد اولویت دارد و نه فرهنگ. فرهنگ تنها درقالبی خاص به‌رسمیت شناخته می‌شود و دستگاه‌های سیاستگذار اقتصادی نیز اساسا اولویتی برای اقتصاد قائل نیستند. اقتصاد در این‌کشور بیشتر ابزاری برای رسیدن به‌اهداف دیگر است. تا زمانی که اقتصاد اولویت نداشته باشد وضعیت به‌همین شکل ادامه خواهد داشت و سایر کشورها از نبود ما در صحنه بین‌المللی در همه حوزه‌ها استفاده خواهند کرد.

وی در خاتمه سخنانش گفت: براساس آماری که در هفت‌ماهه‌نخست سال مشاهده کردم حدود ۲۳میلیون‌دلار صادرات فرش داشتیم. باتوجه به‌شرایط فعلی، اعتراضات، اتفاقات کشور و سایه جنگی که وجود دارد بعید می‌دانم تا پایان سال رقم بسیار بیشتری محقق شود. تصور می‌کنم نهایتا ۳تا۵میلیون‌دلار دیگر به‌این رقم افزوده شود. بعید می‌دانم در سال جاری رقم نهایی از حدود ۲۴تا۳۵میلیون‌دلار فراتر برود؛ آماری که نسبت به‌سال گذشته هم کاهش محسوسی را نشان می‌دهد.

گزارش ۲

کاهش مزیت رقابتی شرکت‌های قندی

در چندسال گذشته صنعت قندوشکر در فضایی کاملا متفاوت از گذشته رفتار کرد. جنگ روسیه و اوکراین که یکی از بزرگ‌ترین تکانه‌های ژئوپلیتیکی دهه اخیر بود بازار جهانی مواد غذایی را به‌هم ریخت و قیمت بسیاری از کالاهای اساسی از غلات گرفته تا شکر به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. اختلال در زنجیره تامین، محدودیت‌های صادراتی، افزایش هزینه حمل‌ونقل و کاهش عرضه جهانی همگی دست‌به‌دست هم دادند تا قیمت شکر در بازارهای بین‌المللی جهش کند.

این افزایش قیمت جهانی برای بسیاری از شرکت‌های قندی ایران به‌فرصتی طلایی تبدیل شد. حاشیه سود آنها در سال‌های اخیر رشد کرد آن‌هم نه لزوما به‌دلیل تحول در بهره‌وری یا مدیریت بلکه به‌واسطه شرایطی که از بیرون مرزها بر بازار تحمیل شد. شرکت‌هایی که پیشتر با حاشیه سود محدود فعالیت می‌کردند ناگهان با رشد درآمد و سودآوری مواجه شدند و صورت‌های مالی آنها رنگ و بوی متفاوتی گرفت.

■ بررسی عملکرد ۹ماهه شرکت‌های قندی

به گزارش بازار بررسی عملکرد ۹ماهه شرکت‌های قندی نشان می‌دهد که این‌صنعت با ترکیبی از رشدهای چشمگیر، افت‌های نگران‌کننده و زیان‌های عمیق مواجه است که ازیک‌سو حکایت از ظرفیت‌های نهفته دارد و ازسوی‌دیگر ضعف‌های ساختاری و مدیریتی را آشکار می‌کند. درمیان شرکت‌های زیان‌ده وضعیت قشرین بیش‌از همه جلب توجه می‌کند. این‌شرکت با ثبت زیان ۳۴میلیاردتومانی جهشی منفی معادل هزاردرصد را تجربه کرده که نشانه‌ای از بحران جدی در ساختار هزینه، مدیریت تولید یا بازار فروش است. قنقش نیز با زیان ۱۷میلیاردتومانی و رشد ۱۶۹درصدی زیان در مسیر مشابهی قرار گرفته و به‌وضوح از ضعف در کنترل هزینه‌ها و ناکارآمدی عملیاتی رنج می‌برد.

درمقابل برخی شرکت‌ها توانستند عملکردی قابل‌قبول یا حتی چشمگیر ثبت کنند. قشیر با سود ۸۹میلیاردتومانی و رشد ۴۷درصدی نشان داده که می‌توان در همین شرایط در نوسان رشد کند. قجام با جهش ۶۲۱درصدی و سود ۱۴۹میلیاردتومانی یکی از بهترین عملکردها را در صنعت داشته اما این‌سود واقعی و نتیجه عملیات تولید بوده یا صرفا محصولات انباری را یک‌جا فروختند؟ قثابت نیز با رشد ۱۰۴درصدی و سود ۱۸۲میلیاردتومانی جایگاه خود را درمیان شرکت‌های موفق تثبیت کرده است.

در بخش شرکت‌های بزرگ‌تر قصفها با سود ۴۴۳میلیاردتومانی و رشد ۳۶درصدی همچنان یکی از بازیگران قدرتمند صنعت باقی مانده است. قچار نیز با سود ۴۱۷میلیاردتومانی و رشد ۳۹درصدی عملکردی باثبات و قابل اتکا ارائه کرده است. قهکمت با سود ۳۸۶میلیاردتومانی و رشد ۴درصدی اگرچه رشد محدودی داشته اما همچنان در محدوده سودآوری قرار دارد.

درمیان شرکت‌هایی که رشد اندک یا نزدیک به‌صفر داشتند قنیشا با سود ۱۱میلیاردتومانی و رشد تنها ۳درصد نشان می‌دهد که درجازدن در این‌صنعت می‌تواند به‌مرور به‌عقب‌ماندگی تبدیل شود. قزوین نیز با رشد ۱۳درصدی و سود ۲۳۵میلیاردتومانی عملکردی متوسط اما قابل قبول داشته است.

■ افت سود شدید

در بخش شرکت‌هایی که با افت سود مواجه شدند قیستو با سود ۳۰۶میلیاردتومانی اما افت ۱۱درصدی و قاروم با افت سنگین ۵۲درصدی و سود ۹۸میلیاردتومانی نشان می‌دهند که فشار هزینه‌ها و نوسانات بازار همچنان تهدیدی جدی برای سودآوری است. قپیرا نیز با افت ۳۴درصدی و سود ۸۷میلیاردتومانی در مسیر نزولی قرار گرفته و نیازمند بازنگری در استراتژی‌های عملیاتی است.

درمیان شرکت‌های روبه‌رشد قشهد با سود ۲۰۸میلیاردتومانی و رشد ۹۰ درصدی، و قمرو با سود ۲۲۹میلیاردتومانی و رشد ۷۰درصدی عملکردی قابل‌توجه داشتند. قلرست نیز با رشد ۱۲۳درصدی و سود ۲۹۷میلیاردتومانی یکی از ستاره‌های امسال صنعت بوده است.

اگرچه مجموع سود صنعت رشد کرده اما دونماد زیان‌ده با جهش منفی شدید و چندنماد با افت سودآوری زنگ خطر جدی برای آینده این‌صنعت هستند. زیان‌های سنگین قشرین و قنقش نشانه‌ای از ضعف ساختاری، مدیریت ناکارآمد و ناتوانی در تطبیق با شرایط بازار است. افت شدید سود در نمادهایی مانند قاروم و قپیرا نیز نشان می‌دهد که بخشی از صنعت در حال ازدست‌دادن مزیت رقابتی است.

■ تاثیر بر کل صنعت

این نمادهای منفی اگرچه در اقلیتند اما می‌توانند به‌مرور کل صنعت را تحت تاثیر قرار دهند زیرا ضعف در چندحلقه زنجیره تامین و قیمت‌گذاری را مختل کرده و فشار را به‌سایر شرکت‌ها منتقل می‌کند. صنعت قندوشکر برای حفظ رشد پایدار نیازمند اصلاحات جدی در مدیریت هزینه، نوسازی تجهیزات، بهبود بهره‌وری و بازنگری در سیاست‌های فروش است. درغیراین‌صورت رشد فعلی تنها یک‌آمار ظاهری خواهد بود و در پشت آن شکاف‌های عمیق‌تری شکل خواهد گرفت.

عمق بازار

قیمت به‌تومان

نخست

گزارش اوپک از کاهش قیمت و تولید نفت ایران در یک‌ماه گذشته

نفت ایران ریخت

گروه انرژی– اوپک در جدیدترین گزارش خود از تولید روزانه ۳میلیون و ۱۲۹هزار بشکه‌ای نفت ایران در نخستین ماه ۲۰۲۶ خبر داد؛ گزارشی که میانگین قیمت فروش نفت سنگین ایران را حدود ۶۰دلارو۸۷سنت به ازای هر بشکه اعلام کرده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش معناداری را نشان می‌دهد. تولید نفت ایران در ماه ژانویه درحالی با ۸۱هزاربشـــکه در روز کاهش نسبت به ماه قبل از آن به ۳میلیون‌و۱۲۹هزار بشـــکه در روز رسیده که در آخرین ماه ۲۰۲۵ بالغ بر ۳میلیون و ۲۱۰هزار بشکه در روز نفت تولید کرده بود. اوپک اعلام کرده که قیمت هر بشکه نفت خام سنگین ایران در ماه ژانویه امسال با ۵۷سنت کاهش نسبت به ماه قبل از آن به ۶۰دلار و ۸۷سنت رسیده در حالی که قیمت متوســـط سبد نفتی اوپک در این ماه ۶۲دلار و ۳۱سنت بوده است. ایـــن کاهش قیمت در حالی رخ داده که بازار جهانی نفت همزمان با تحولات سیاسی و اقتصادی منطقه با نوسانات زیادی همراه بوده است. تحلیلگران براین باورند که این وضعیت نشان‌دهنده بی‌ثباتی انتظارات معامله‌گران و تردید نسبت به مسیر آینده است.

میانگین سبد نفتی اوپک در ژانویه به ۶۲دلارو۳۱سنت در هر بشکه رسید که در مقایسه با ۶۱دلارو۷۰سنت در دسامبر ۶۱سنت افزایش داشت. میانگین سبد نفتی اوپک از ابتدای ســـال۲۰۲۶ تاکنون ۶۲دلار و ۳۱سنت در مقایسه با ۷۹دلارو۳۸سنت در مدت مشابه سال۲۰۲۴ بود. براساس جدیدترین گزارش ماهانه بازار نفت اوپک که اواخر هفته گذشته منتشر شد تولید نفت این گروه در ژانویه در مقایسه با دسامبر ۲۰۲۵ به میزان ۱۳۵هزاربشکه در روز کاهش یافت و به حدود ۲۸/۴۵میلیون بشکه در روز رسید. بیشترین افزایش تولید نفت مربوط به عراق بود که با ۳۸هزار بشکه در روز افزایش به ۴/۲میلیون بشکه در روز رسید در حالی که ونزوئلا بزرگترین کاهش تولید را در ماه میلادی گذشته ثبت کرد و تولیدش با ۸۷هزار بشکه در روز کاهش، به ۸۳۰هزاربشکه در روز رسید. براساس اطلاعات منابع ثانویه اوپک تولید نفت ایران با ۸۱هزار بشکه در روز کاهش به ۳/۱۲۹میلیون بشکه در روز رسید. تولید متحدان اوپک در گروه اوپک‌پلاس با ۳۰۵هزاربشکه در روز کاهش به ۱۳/۹۹۶میلیون بشکه در روز رسید. مجموع تولید نفت خام اوپک پلاس متشکل از تولیدکنندگان اوپک و غیراوپک در همین مدت ۴۳۹هزاربشکه در روز کاهش یافت و به ۴۲/۴۴۸میلیون بشکه در روز رسید. اوپک پیش‌بینی خود از رشد تقاضای جهانی برای نفت در سال۲۰۲۶ را بدون تغییر نگه داشت و همچنان انتظار دارد تقاضا ۱/۳۸میلیون بشکه در روز نسبت به سال گذشته رشد کند که کل تقاضا را به ۱۰۶/۵میلیون بشکه در روز می‌رســـاند. انتظار می‌رود عمده رشد تقاضا از سوی کشورهای غیرعضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) باشد که تقاضایشان حدود ۱/۲۳میلیون بشکه در روز افزایش یافته و به ۶۰/۵میلیون بشکه در روز می‌رسد. چین، کشورهای آسیایی و خاورمیانه در صدر این مصرف کنندگان قرار دارند. پیش‌بینی می‌شود تقاضا در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تنها ۱۵۰هزاربشکه در روز افزایش یابد و به ۴۶/۰۶میلیون بشکه در روز برسد. اوپک انتظار دارد تا سال ۲۰۲۷ تقاضا برای نفت حدود ۱/۳۴میلیون بشـــکه در روز افزایش یابد و به ۱۰۷/۸۶میلیون بشکه در روز برسد. پیش‌بینی می‌شود این میزان در کشورهای غیر عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با افزایش ۱/۲۴میلیون بشکه در روز به ۶۱/۶۹میلیون بشکه در روز و در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) با افزایش ۱۱۰هزاربشکه در روز به ۴۶/۱۶میلیون بشکه در روز برسد.

روایت الجزیره و وال‌استریت ژورنال از روزهای پرتنش بازار

نفت میان توافق و تهدید

«**جهان‌صنعت**»– در حالی که خبرهـــا از مذاکرات ایران و آمریکا به سمت مثبت شدن پیش می‌رود با این حال بازار نفت هنوز در وضعیت انتظار و ابهام قرار دارد. اگر این مذاکرات به توافق نرسد شـــوک قیمتی می‌تواند نخستین واکنش بازار باشد؛ سناریویی که معامله‌گران از هم‌اکنون آن را جدی گرفتند. الجزیره هشدار می‌دهد ناامنی در خلیج‌فارس حتی در حد تهدید نفتکش‌ها می‌تواند مسیر تجارت جهانی نفت را دچار اختلال کند؛ هشـــداری که همزمان با روایت وال‌استریت ژورنال از تردید واشنگتن در برخورد با نفتکش‌های ایرانی معنا پیدا می‌کند. تحلیلگـــران بازار نفت می گویند که بازار عمدتا بیش از آنکه به نتیجه مذاکرات واکنش نشان دهد به احتمال شکست حساس است. چه آنکه پیشتر هم با انتشار خبرهای نسبتا مثبت از گفت‌وگوهای ایران و آمریکا قیمت‌ها همچنان در وضعیت ناپایدار باقی مانده بود. از سویی تحلیل الجزیره نشان می‌دهد که بازار انرژی در چنین مقاطعی نه منتظر توافق بلکه نگران پیامدهای آن است به‌ویژه زمانی که پای خلیج‌فارس و امنیت نفتکش‌ها در میان باشـــد. درواقع نفت پیش از آنکه به سیاست اعتماد کند به ریسک واکنش نشان خواهد داد. الجزیره در گزارش تحلیلی اخیر خود اشاره می کند که هرگونه تشدید تنش در خلیج‌فارس حتی در حد تهدید می‌تواند هزینه تجارت نفت را بالا ببرد. به نوشته این رسانه افزایش حق بیمه کشـــتی‌ها، تغییر مسیر نفتکش‌ها و احتیاط شرکت‌های حمل‌ونقل از نخســـتین پیامدهای ناامنی دریایی است. این شرایط نه‌تنها تولیدکنندگان بلکه خریداران نفت را نیز وارد فاز انتظار و احتیاط می‌کند. به همین دلیل است هم هست که بازار همزمان با مذاکرات خود را برای یک سناریوی پرتنش آماده نگه داشته است. همزمان گزارش وال‌استریت ژورنال تصویر روشن‌تری از محاسبات واشنگتن ارائه می‌دهد. این گزارش بررسی کرده که اگر دولت آمریکا گزینه توقیـــف نفتکش‌های ایرانی را اجرا کند تبعات آن بازار جهانی نفت را متاثر خواهد کرد. از همین رو این نشریه نتیجه گرفته که آمریکا از اجرای این تصمیم عقب‌نشینی کرده است؛ عقب‌نشینی که پیام روشنی برای بازار نفت داشته و امنیت خلیج‌فارس همچنان متغیری غیرقابل پیش‌بینی است.

■ وقتی سیاست به قیمت وصل می‌شود

تحلیلگران بازار نفت براین عقیده هســـتند که خلیج‌فارس در تحلیل‌های انرژی فقط یک مسیر عبور نیست بلکه می تواند یک اهرم باشد. الجزیره در این رابطه می نویسد:« حدود یک‌پنجم نفت جهان از تنگه هرمز عبور کرده و همین نسبت هرگونه ناامنی در این مسیر را به مساله‌ای جهانی تبدیل می‌کند. به همین دلیل است که حتی تهدید محدود علیه نفتکش‌ها می‌تواند واکنش‌های زنجیره‌ای در بازار ایجاد کند؛ از افزایش قیمت نفت خام گرفته تا رشد هزینه حمل‌ونقل و بیمه.» تحلیلگران بازار نفت می گویند برای تولیدکنندگان نفت به‌ویژه کشورهای منطقه ناامنی در خلیج‌فارس به معنای افزایش هزینه فروش است. هرچه ریســـک بالاتر برود شرکت‌های بیمه نرخ‌های بالاتری مطالبه می‌کنند و همین هزینه درنهایت یا از سود تولیدکننده کم می‌شـــود یا به قیمت نهایی نفت افزوده خواهد شد. الجزیره تاکید می‌کند که این هزینه‌ها حتی در شرایطی که صادرات متوقف نشود می‌تواند تجارت نفت را کند و پرهزینه کند. از سوی دیگر خریداران نفت نیز در چنین شـــرایطی با عدم قطعیت مواجه می‌شوند. پالایشگاه‌ها و دولت‌هایی که به نفت خلیج‌فارس وابسته هستند در دوره‌های تنش به ذخایر استراتژیک متوسل می‌شوند یا بـــه دنبال منابع جایگزین می‌گردند؛ منابعی که معمولا گران‌تر و با فاصله جغرافیایی بیشتر هستند. همین تغییر رفتار خود عاملی برای بی‌ثباتی بیشتر در بازار است. وال‌استریت ژورنال هم همین شرایط را تحلیل کرده است. این رسانه در گزارش خود به همین نقطه اشاره می‌کند که چرا آمریکا از توقیف نفتکش‌های ایرانی صرف‌نظر کرده چه آنکه به نوشته این رسانه نگرانی اصلی فقط واکنش نظامی ایران نیست بلکه اثر دومینویی این واکنش به بازار جهانی نفت می‌رسد. واشـــنگتن می داند که هر پاسخ ایران در خلیج‌فارس می‌تواند بازار را وارد فاز هیجانی کند که کنترل آن از دست سیاستگذاران خارج می‌شود و مستقیما به مصرف‌کنندگان منتقل خواهد شد.

■ بازار در انتظار

آخرین روز معاملات هفته قبل آن هم در بحبوحه مصاحبه های رگباری دونالد ترامپ، رییس‌جمهور آمریکا بازار نفت نشانه‌های روشنی از بلاتکلیفی نشان داد. نوسان قیمت‌ها، واکنش سریع معامله‌گران به اخبار سیاسی و حساسیت بالا نسبت به تحولات خلیج‌فارس همگی بیانگر بازاری بودند که هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته است. نفت برنت پس از افزایش تقریبا یک‌درصدی در روز چهارشنبه به ۷۰دلار در هربشکه رسید و نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا نزدیک به ۶۵دلار در هر بشکه بود. الجزیره در تحلیل خود اشاره می‌کند که بازار درچنین‌شرایطی بیش از آنکه بر عرضه‌وتقاضای واقعی تمرکز کند به سناریوهای ژئوپلیتیکی وزن می‌دهد. معامله‌گران در روزهای اخیر همزمان دو مسیر متفاوت را رصد کردند: خبرهای مربوط به مذاکرات ایران و آمریکا که می‌تواند به افزایش عرضه نفت ایران منجر شود و خطر شکست مذاکرات و بازگشت سناریوهای تنش‌آلود در خلیج‌فارس. همین دوگانگی باعث شده قیمت‌ها در یک محدوده ناپایدار نوسان کنند و بازار حالت انتظار فعال به خود بگیرد. در حالی که دونالد ترامپ، رییس جمهور آمریکا پس از مذاکرات با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرد که هدف او دستیابی به توافق هسته‌ای با تهران است معامله‌گران همچنان نگران خطرات عرضه هستند. قیمت نفت خام از ابتدای سال۲۰۲۶ به جز یک هفته هر هفته افزایش یافته که تحت‌تاثیر ریسک‌های ژئوپلیتیکی بوده است. هرچند که بانک‌ها همچنان معتقدند که عرضه فراوان است اما این عقیده همه بازار نیست. گروه گلدمن ساکس اعلام کرده که مازاد عرضه در حال ظهور است اما عمدتا در مکان‌هایی رخ می‌دهد که برای تعیین قیمت اهمیت کمتری دارند. اگرچه هنوز خبر قطعی از توافق یا شکست منتشر نشده اما واکنش بازار نشان می‌دهد که معامله‌گران بیش از همه از سناریوی عدم توافق هراس دارند. وال‌استریت ژورنال تاکید می‌کند که بازار نفت در چنین شرایطی معمولا بدبینانه رفتار می‌کند چه آنکه به اعتقاد معامله گران بازار هزینه اشتباه در خوش‌بینی بسیار بالاتر از هزینه احتیاط اســـت. گزارش رویترز نشان می دهد که در معاملات اخیر افزایش حجم قراردادهای پوششی و رفتار محتاطانه خریداران نشـــان می‌دهد که بازار خود را برای شوک احتمالی آماده کرده است. الجزیره نیز در تحلیل خود به این نکته اشاره می‌کند که حتی اگر تنش‌ها به درگیری مستقیم نینجامد ناامنی روانی در بازار می‌تواند قیمت‌ها را بالا نگه دارد زیرا نفت ممکن است پیش از وقوع بحران آن را از قبل قیمت‌گذاری کند.

■ جایی بین توافق، تهدید و نااطمینانی

در چنین شـــرایطی تحلیل الجزیره سه سناریوی اصلی را برای آینده بازار نفت ترسیم می‌کند؛ سناریوهایی که هرسه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به ایران و خلیج‌فارس گره خوردند: نخست آنکه دستیابی به توافق و کاهش تنش است. در این حالت بازگشت تدریجی نفت ایران به بازار می‌تواند فشار کاهشی بر قیمت‌ها وارد و فضای روانی بازار را آرام‌تر کند. البته باید در نظر داشـــت در این ســـناریو بازار به ســـرعت واکنش نشان نمی‌دهد و ترجیح می‌دهد پایداری توافق را بســـنجد. سناریوی دوم طولانی‌شدن مذاکرات بدون نتیجه روشن اســـت؛ وضعیتی که بازار را در حالت فرسایشی نگه می‌دارد. در این شرایط قیمت‌ها ممکن است در محدوده‌ای ناپایدار باقی بمانند و هر خبر کوچک نوسان‌های مقطعی ایجاد کند. الجزیره این سناریو را محتمل‌ترین وضعیت کوتاه‌مدت می‌داند چه آنکه به نوشته این رسانه وضعیتی است که در آن نااطمینانی به عنصر غالب بازار تبدیل می‌شود. سومین احتمال که بسیار نگران‌کننده بوده و آن شکست مذاکرات و بازگشت تنش‌هاست. در این حالت آنچه وال‌استریت ژورنال از آن به‌عنوان نگرانی واشـــنگتن یاد می‌کند به واقعیت نزدیک می‌شود. تهدید نفتکش‌ها، واکنش‌های متقابل و افزایش ریسک در خلیج‌فارس می‌تواند بازار نفت را وارد فاز طوفانی کند. حتی اگر تنگه هرمز به‌طور کامل بسته نشود ایجاد ناامنی محدود نیز برای جهش قیمت‌ها کافی خواهد بود. آنچه این سناریوها را به هم پیوند می‌دهد نقش محوری ایران در معادله است. ایران نه‌تنها به‌عنوان یک تولیدکننده نفت بلکه به‌عنوان بازیگری که می‌تواند امنیت مسیرهای انرژی را تحت تاثیر قرار دهد در مرکز توجه بازار قرار دارد. الجزیره و وال‌استریت ژورنال هـــر دو بر این نکته تاکید دارند که بازار نفت رفتار ایران را با دقتی بیش از گذشـــته دنبال می‌کند زیرا هر تغییر در این رفتار می‌تواند معادلات قیمت را برهم بزند.

خبر

کاهش ۵۶درصدی درآمدهای نفتی

تسنیم– درکمیســـیون تلفیق بودجه درآمدهای نفتی۱۴۰۵ بدون تغییر ماند. در این بخش کاهش ۵۶درصدی نســـبت به ســـال گذشته ثبت شد. براساس مصوبات کمیسیون تلفیق مجلس رقم پیش‌بینی شده برای درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز و میعانات گازی در بودجه سال۱۴۰۵ بدون تغییر نسبت به لایحه اولیه دولت و در حدود ۲۶۰هزارمیلیاردتومان(۲۶۰همت) تثبیت شـــد. این رقم در مقایسه با بودجه ســـال۱۴۰۴ کاهشی ۵۶درصدی را نشان می‌دهد. در بررسی لایحه بودجه ســـال۱۴۰۵ درآمدهای حاصل از صادرات نفت، گاز و میعانات گازی یکی از نکات قابل توجه اســـت. برخلاف برخی بخش‌های درآمدی که در کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی افزایش یافتند این بخش بدون هیچ تغییر از لایحه اولیه دولت به تصویب رسید. مقایسه با سال گذشته: در قانون بودجه سال۱۴۰۴ درآمد دولت از این بخش ۶۰۴هزارمیلیاردتومان(۶۰۴همت) پیش‌بینی شده بود. با این حال تحقق‌نیافتن بخش عمده‌ای از این رقم در عمل دولت را بر آن داشت تا در لایحه بودجه سال۱۴۰۵ برآوردی واقع‌بینانه‌تر ارائه دهد. رقم جدید: بر این اساس در لایحه اولیه بودجه۱۴۰۵ این درآمد به ۲۶۰هزارمیلیاردتومان(۲۶۰همت) کاهش یافت که نشان‌دهنده کاهش ۵۶درصدی نسبت به رقم مصوب سال قبل است. تصویب نهایی در کمیسیون تلفیق: این رقم در کمیسیون تلفیق مجلس نیز بدون تغییر تایید و تکرار شد

لار؛ فقیرترین سد تهران

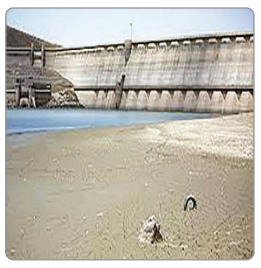

ایلنا– باوجـــود بارندگی‌ها و باتوجه به خالی‌بودن ۶۳درصدی حجم مخازن، سدها همچنان در شـــرایط ناپایدار به‌سر می‌برند. براســـاس داده‌های منتشرشـــده سد لار به عنوان یکی از سدهای مهم پنج‌گانه تهران با ۱۰میلیون‌مترمکعب ذخیره آبی و ۹۹درصد حجم خالی روبه‌رو بوده که ۲۴درصد نسبت به مدت مشابه سال آبی گذشته ذخیره کمتری دارد. ســـد طالقان ۸۵میلیون‌مترمکعب آب دارد و ۲۰درصد پرشدگی در شرایط منفی ۶۰درصد نسبت به سال گذشته به‌سرمی‌برد و لتیان–ماملو نیز ۹۳درصد حجم خالی داشته و با ۲۴میلیون‌مترمکعب آب ذخیره شده منفی۴۵درصد کاهش موجودی را نسبت به سال‌گذشته به نام خود ثبت کرده است. بر پایه آخرین آمار حجم آب ذخیره شده در سدهای کشور ۱۹میلیاردو۴۱۰میلیون‌مترمکعب بود که نسبت‌به میزان ۲۲میلیاردو۱۸۰میلیون‌مترمکعب مدت مشابه سال آبی گذشته ۱۲درصد کمتر بوده و نشان از تداوم فشار بر ذخایر آبی است. درحال حاضر میزان پرشدگی سدها به ۳۷درصد رسیده که باتوجه به خالی‌بودن ۶۳درصدی حجم مخازن سدها همچنان در شرایط ناپایدار به‌سر می‌برند. بررسی وضعیت برخی سدهای مهم کشور نشان می‌دهد که باوجود افزایش نسبی بارش‌های بهمن‌ماه کاهش قابل توجهی در حجم مخازن نسبت به سال گذشته رخ داده است. رصد سدهای تامین‌کننده آب شرب و کشاورزی تهران و البرز حاکی از آن است که تا ۱۹بهمن سد امیرکبیر تنها ۶میلیون‌مترمکعب آب در خود جای داده و با ۴درصد پرشدگی ۷۷درصد نسبت به سال گذشته در همین زمان منفی است.

چقدر گاز به ترکیه صادر کردیم؟

تسنیم– صادرات گاز ایران به ترکیه در سال میلادی گذشته ۱۶درصد رشد کرد و به بیش از ۸میلیارد مترمکعب رسید. مرکز آمار کمیسیون اروپا(یوروستات) در جدیدترین آمار خود از رشد ۱۶درصدی صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه در سال۲۰۲۵ خبر داده است. ایران در سال۲۰۲۴ بالغ بر ۷میلیاردو۴۰میلیون‌مترمکعب گاز طبیعی به ترکیه صادر کرده بود که این رقم در سال۲۰۲۵ به ۸میلیاردو۱۷۰میلیون‌مترمکعب افزایش یافته است. رشد دورقمی صادرات گاز ایران به ترکیه در سال۲۰۲۵ در حالی است که دولت دونالد ترامپ از ابتدای این سال سیاست فشار حداکثری علیه کشورمان را در پیش گرفته است. ایران پس از روسیه دومین صادرکننده بزرگ گاز طبیعی به ترکیه از طریق خط لوله در سال۲۰۲۵ بوده اســـت. در حالی که صادرات گاز ایران به ترکیه در این سال ۱۶درصد رشد داشته صادرات گاز روسیه به ترکیه ۲درصد کاهش یافته و به ۲۱میلیاردو۱۵۰میلیون‌مترمکعب رسیده است. صادرات گاز طبیعی جمهوری آذربایجان به ترکیه در این سال صفر بوده است

فراخـــوان مناقصـــه عـــمـــومی
(نوبت اول)
مشعل پویا
شـــرکت مـــشـــعل پـــویـــا اســـپـــادانا (زیر مجمـــوعه هلدینـــگ پتـــروپالایـــش اصـــفهان) در نظر دارد جهت خرید یک دستگاه جرثقیل سقفی ۱۵ تن، مناقصه‌ای را به روش عمومی به فروشندگان واجد صلاحیت واگذار نماید.
آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه : تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهاد و ارسال پاکات مناقصه : تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در قرارداد : ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
مدت قرارداد : ۱ ماه
شرایط تحویل اسناد مناقصه : مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه درخواست کتبی خود را به شماره موبایل ۰۹۱۳۳۱۶۸۱۶۵ در شبکه اجتماعی ایتا ارسال نمایند.
در صورت نیاز همه روزه به غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۷ به منظور دریافت اطلاعات تکمیلی و فنی با آقای مهندس نصر با شماره ۰۹۱۳۳۸۶۵۲۱۰ تماس حاصل نمایید.

فراخـــوان مناقصـــه عـــمـــومی
(نوبت اول)
مشعل پویا
شـــرکت مـــشـــعل پـــویـــا اســـپـــادانا (زیر مجمـــوعه هلدینـــگ پتـــروپالایـــش اصـــفهان) در نظر دارد جهت خرید یک دستگاه رول ورق ۴ غلطک، مناقصه‌ای را به روش عمومی به فروشندگان واجد صلاحیت واگذار نماید.
آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه : تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۹
آخرین مهلت زمانی ارائه پیشنهاد و ارسال پاکات مناقصه : تا ساعت ۱۲:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در قرارداد : ۲/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
مدت قرارداد : ۱ ماه
شرایط تحویل اسناد مناقصه : مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه درخواست کتبی خود را به شماره موبایل ۰۹۱۳۳۱۶۸۱۶۵ در شبکه اجتماعی ایتا ارسال نمایند.
در صورت نیاز همه روزه به غیر از ایام تعطیل از ساعت ۸ لغایت ۱۷ به منظور دریافت اطلاعات تکمیلی و فنی با آقای مهندس نقدعلی با شماره ۰۹۱۳۴۱۲۴۸۰۳ تماس حاصل نمایید.

K.P.I.C
شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه (سهامی عام)
آگهی نوبت دوم دعوت به مزایده عمومی
شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشـــاه در نظر دارد برخی اقلام کارکرده، مستعمل و مازاد شامل (۵ بسته مزایده)، اقلام برقی، مواد شیمیایی و روغن، اقلام انفورماتیک، باطری و ضایعاتی را که شـــرح اقلام مربوطه در وب‌ســـایت رســـمی شـــرکت به آدرس www.kpic.ir بخش مزایده‌ها، قابل دسترسی است از طریق مزایده عمومی به فروش برساند متقاضیان شرکت در کلیه مزایده‌های فوق (بجز اقلام ضایعاتی) بایستی در سامانه Iranemp عضو شده و دارای مجوز زیست‌محیطی باشند و جهت اطلاع از شرایط شرکت در مزایده، بازدید از اقلام و دریافت برگ ارائه پیشنهاد قیمت با شماره ۳۱۲۷۲۲۷۳ -۰۸۳ (اداره عملیات انبارها) تماس حاصل نمایند و پس از هماهنگی‌های لازم با اداره فوق از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ به محل این مجتمع واقع در کرمانشاه، کیلومتر ٤ جاده هرسین، پل چهر، کیلومتر ۳ کمربندی شهید شفیعی، شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه، مراجعه نمایند. آخرین مهلت ارسال پاکات پیشنهاد قیمت به امور حقوقی و پیمان‌ها تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ می‌باشد.
۱) ســـپرده شـــرکت در مزایده برای هر بســـته مزایده ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (پانصد میلیون ریال) می‌باشـــد که باید به شـــماره حساب ۱٤۳٤۳٦۵۹۵٦۲۱ شماره شباء IR ۷٦۰۵۹۰۰۱٤۳۰۰٤۰۳٦۵۹۵٦۲۰۰۱ بانک سینا بنام شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه واریز گردد.
۲) دستگاه مزایده‌گذار در قبول یا رد پیشنهادهای واصله مختار است.
۳) برنامه‌ریزی حمل و اولویت‌بندی خروج کالا از سوی دستگاه مزایده‌گذار اعلام می‌گردد.
٤) دستگاه مزایده‌گذار در صورت نیاز مجاز است از لیست اقلام، مواردی را حذف نماید.
۵) میزان تقریبی اقلام منوط به برآورد شخصی شرکت‌کنندگان در مزایده می‌باشد؛ برآورد موضوع مزایده صرفاً برآورد اولیه و احتمالی بوده و شرکت‌کنندگان در مزایده می‌بایست شخصاً نسبت به بازدید از محل و برآورد شخصی موضوع مزایده اقدام و ســـپس پیشـــنهاد ارائه نمایند؛ مقادیر اعلام شده در مزایده هیچگونه الزام یا تعهدی از حیث مقدار موضوع مزایده برای این شرکت در پی نخواهد داشت و مسئولیت دقت در برآورد بر عهده شرکت‌کننده در مزایده می‌باشد.
٦) برنده مزایده ملزم به بارگیری کل اقلام هر بسته مزایده در آگهی می‌باشد.
۷) هزینه چاپ آگهی مزایده از برنده مزایده اخذ خواهد شد.
روابط‌عمومی شرکت صنایع پتروشیمی کرمانشاه

آگهی تجدید مزایده عمومی
(نوبت دوم)
مشعل پویا
شرکت مشعل پویا اسپادانا (هلدینگ پتروپالایش اصفهان)
در نظر دارد ۱۲۰/۰۰۰ متر مکعب از خاک دپو شده در سایت این شرکت (واقع در اصفهان، کیلومتر ۵ اتوبان شهید زاهدی - آزادگان، جاده انبار نفت شهید منتظری) را به صورت مزایده به فروش برساند.
لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می‌آید از تاریخ نشر آگهی به مدت ۱۰ روز جهت هرگونه سوال فنی از ساعت ۸ لغایت ۱۵ با شماره ۰۹۱۳۲۰۶۲۶۹۲ آقای مهندس حبیبی تماس حاصل نمایند و جهت اخذ اسناد به شماره ۰۹۱۳۳۱۶۸۱۶۵ در شبکه ایتا پیام ارسال نمایند.
پرداخت هزینه آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.

روزنامه جهان صنعت — تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵
شرکت پتروشیمی مارون MARUNPetrochemical Co.
آگهی مناقصه عمومی
شماره: ۱۴۰۴/۸۷۱
نوبت دوم
– کارفرما: شرکت پتروشیمی مارون
موضوع مناقصه: مناقصه تعمیر و نگهداری دســـتگاه‌های تصفیه آب خانگی، صنعتی و نیمه صنعتی مجتمع پتروشیمی مارون
محل اجرا: شـــرکت پتروشیمی مارون به نشانی خوزستان- بندر ماهشهر- منطقه ویژه اقتصادی-سایت ۲ و واحد بازیابی اتان اهواز
میزان ســـپرده شـــرکت در مناقصه: ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا چک تضمین شده بانکی
مهلت و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ ۱٤۰٤/۱۱/۲۵ لغایت پایان وقت اداری ۱٤۰٤/۱۲/۰۲ (به جزء ایام تعطیل)، برای دریافت غیرحضوری اسناد، مدارک مربوطه (نامه اعلام آمادگی، فیش واریزی و آدرس پست الکترونیکی جهت ارسال اسناد) را به آدرس پست الکترونیکی tenders@mpc.ir ارسال نمایند.
تلفن هماهنگی: ۰۶۱-۵۲۲۹۵۱٤۰ و ۰۶۱-۵۲۲۹۵۷۰٤
– حداقل شرایط حضور در مناقصه:
داشتن شخصیت حقوقی- داشتن تجربه و حسن سابقه در انجام حداقل سه کار مشابه و ...
– قیمت اســـناد و نحوه واریز: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز به حســـاب شماره ۶۰۱۷۰۳۲۲۸۱ بانک تجارت شعبه مجتمع پتروشیمی مارون با شناسه بانکی ۳۱۱۵۰۱۵.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج گردیده است
روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی مارون
www.mpc.ir

«جهان‌صنعت» ابعاد حریق بازارچه جنت‌آباد را بررسی می‌کند

بحران خاموش ایمنی

پویا اصل‌باغ- بوی دود هنوز از غرفه‌های نیم‌سوخته به مشام می‌رسد؛ جایی که در عرض چند دقیقه حاصل سال‌ها کار و زندگی کاسبان به خاکستر تبدیل شد. «تمام زندگیم شب عیدی سوخت»؛ این را یکی از غرفه‌داران می‌گوید. در روزگاری که معیشت بسیاری از خانواده‌ه زیر فشار است، این حادثه تنها یک خسارت مالی نبود بلکه امنیت شغلی و آرامش چندین خانواده نیز در شعله‌ها خاکستر شد و از میان رفت. در حالی که برخی کسبه از تاخیر در امدادرسانی و فرسودگی زیرساخت‌ها سخن می‌گویند، مسوولان این ادعاها را رد کرده و از حضور به‌موقع نیروها و تامین آب مورد نیاز خبر می‌دهند. با این حال آنچه از این فضای سوخته باقی مانده پرسشی اساسی درباره وضعیت ایمنی بازارها و نقاط پرخطر پایتخت است؛ پرسشی که بی‌توجهی به آن می‌تواند هزینه‌های سنگین‌تری را برای معیشت، امنیت و حتی جان افراد به همراه داشته باشد. تلاش برای دریافت پاسخ مناسب از مسوولان آتش‌نشانی و شورای شهر به نتیجه نرسید و هیچ‌یک حاضر به گفت‌وگو نشدند. در میان سکوت نهادهای مسوول، تنها پاسخی که دریافت شد، صدای یکی از غرفه‌داران بود که آن‌هم دل و دماغ صحبت کردن را نداشت و با اصرار فراوان توانستیم با او گفت‌وگو کنیم.

■ **شرح حادثه**

حادثه در صبح روز ۱۴بهمن‌ماه ۱۴۰۴ حوالی ساعت۹:۵۵ در یک مجموعه تجاری و بازارچه واقع در بخش غربی تهران رخ داد، زمانی که آتش‌سوزی گسترده‌ای در بخشی از سازه‌ای حدود ۵هزار مترمربع آغاز شد و با سرعت به بخش‌های دیگر سرایت کرد. گزارش‌های اولیه حاکی از آن بود که دود سیاه حجیمی از محل حادثه به آسمان برخاسته و از نقاط مختلف شهر قابل رویت بود به‌طوری که ساکنان منطقه شاهد شعله‌های گسترده و شدت حریق بودند. نیروهای آتش‌نشانی از پنج‌ایستگاه مختلف به محل اعزام شدند و با تجهیزات کامل از جمله تانکرهای آب و خودروهای امدادی عملیات مهار آتش را آغاز کردند. در ساعات نخست، آتش تا اندازه‌ای گسترش یافت که سقف برخی مناطق در حال فروریختن دیده شد و بخش زیادی از سازه و غرفه‌های داخل آن به‌شدت تحت‌تاثیر قرار گرفتند.

منابع خبری غیررسمی از سوختن بیش از یکصدغرفه و تلفات گسترده مالی سخن گفتند، براساس اظهارات رسمی بعدی مقام‌های آتش‌نشانی علت اولیه حریق اتصالی در سیم‌کشی برق در یکی از بخش‌های داخلی سازه بوده که پس از آن شعله‌ها به بخش‌های دیگر سرایت کرده است. این حادثه در محلی رخ داد که بسیاری از غرفه‌ها کالاهای قابل‌اشتعال از جمله پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی نگهداری می‌کردند، عاملی که در تشدید سرعت گسترش آتش موثر بوده است. سرانجام پرسنل آتش‌نشانی پس از ساعت‌ها تلاش موفق شدند آتش را مهار کنند و در ادامه عملیات لکه‌گیری و جلوگیری از بازگشت شعله‌ها را در نقاط مختلف محل حادثه انجام دادند. با این حال اظهارات کسبه و مسوولان درباره حادثه، درست نقطه مقابل یکدیگر است. برخی شاهدان می‌گویند زیرساخت‌های بازارچه فرسوده بوده و در ساعات اولیه، کپسول‌های آتش‌نشانی خالی بوده‌اند درحالی‌که مقامات این ادعاها را رد کرده‌اند.

■ **روایت‌ها علیه یکدیگر**

پیشتر اشاره شد که کاسبان و مقامات مسوول هریک اظهارات متفاوتی ارائه کرده‌اند. هرکدام روایتی از حادثه ارائه می‌دهند و مشخص نیست ابعاد دقیق آن چگونه است. با این حال شواهد و قرائن حاکی از آن است که فرسودگی زیرساخت‌ها و بی‌توجهی شهرداری و پیمانکار در وقوع این رخداد نقش داشته‌اند. در ادامه روایت برخی کاسبان و مسوولان را در کنار هم قرار داده‌ایم و قضاوت نهایی را به شما واگذار کردیم.

■ **روایت کاسبان و غرفه‌داران**

به گفته کاسبان این بازارچه، آتش حوالی ساعت ۹صبح از یکی از غرفه‌ها جرقه زد و در کمتر از نیم ساعت شعله‌ها به بخش‌های دیگر سرایت کرد. بسیاری از غرفه‌ها کالاهای قابل‌اشتعال داشتند و کپسول‌های آتش‌نشانی موجود در محل خالی بود به‌طوری که کسبه برای چند دقیقه عاجز از کنترل حریق مانده بودند. یکی از کسبه می‌گوید: «تمام زندگی‌ام شب عیدی سوخت. کپسول‌ها خالی بود و هیچ کمکی در آغاز حادثه به ما نشد.» او افزود که بازارچه به گفته ریش‌سفیدان سه دهه پیش ساخته شده و در دهه۸۰ به عنوان محل کسب درآمد زنان سرپرست خانوار بازسازی شد. این غرفه‌دار می‌گوید از چند سال قبل امکانات برقی و تاسیساتی بازارچه ناکافی بود و امنیت آن تحت فشار قرار داشت.

پس از وقوع حادثه جلسه‌ای با حضور نمایندگانی از کسبه و شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل وابسته به شهرداری تهران برگزار شد. در این جلسه مدیرعامل شرکت قول داد بازارچه در شش‌ماه تا یکسال آینده بازسازی شود و سه مکان موقت برای کسبه پیشنهاد شد اما کسبه بر اولویت دریافت خسارت و جبران سرمایه از دسترفته تاکید کردند. یکی از کاسبان می‌گوید: «اول باید پول ما داده شود تا بتوانیم سرمایه خود را بازسازی کنیم. بازارچه موقت، اولویت بعدی است.»

■ **اظهارات مقامات مسوول**

جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی درباره زمان رسیدن نیروها گفت: با توجه به شرایط ترافیکی، نیروهای آتش‌نشانی هفت‌دقیقه بعد از تماس به محل رسیدند. متاسفانه مردم قبل از تماس با آتش‌نشانی برای خاموش کردن آتش اقدام کردند و این روند طبیعی باعث طولانی شدن زمان اطفای حریق شد. بازارچه جنت جزو ساختمان‌های پرخطر تهران بود و خودروهای آتش‌نشانی بدون تجهیزات یا آب به محل اعزام نشدند. در هنگام تغییر شیفت، تمام تانکرها و تجهیزات بررسی می‌شوند و رانندگان از موجودی آب مطلع هستند. استفاده از منابع آب مختلف، طبیعی و برای مقابله با آتش در چند جبهه ضروری است.

از سوی دیگر کامران عبدولی، معاون حفاظت و پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران گفت بازارچه در سال گذشته پنج بار اخطار ایمنی دریافت کرده است که آخرین آن مربوط به آذر۱۴۰۳ بوده است. به گفته او، رعایت اصول ایمنی مانند جداسازی و منطقه‌بندی حریق، آماده‌به‌کار بودن سیستم‌های اعلام و اطفای حریق و سیم‌کشی‌های استاندارد به‌درستی انجام نشده بود. عبدولی نیز تاکید کرد که اصول ایمنی رعایت نشده بود. او در این باره می‌گوید: سیستم‌های اعلام و اطفای حریق آماده نبود، سیم‌کشی‌ها ناایمن بودند و جداسازی حریق نیز انجام نشده بود. اینها از جمله مواردی بود که حادثه را تشدید کرد.

در این میان برخی نمایندگان شورای شهر تهران نیز واکنش‌های مختلفی را نسبت به این حادثه ابراز کرده‌اند. سوده نجفی، رییس کمیته سلامت شورای شهر تهران حادثه را زنگ خطری جدی برای سلامت، ایمنی و معیشت شهروندان دانست و گفت: این حادثه نشان می‌دهد بی‌توجهی به الزامات ایمنی و نبود نظارت مستمر بر زیرساخت‌ها می‌تواند پیامدهای جدی و غیرقابل جبران داشته باشد. مدیریت شهری باید اقدامات فوری برای جبران خسارت و ایجاد محل موقت کسب برای آسیب‌دیدگان انجام دهد. فشار معیشتی و روانی شدیدی بر خانواده‌ها وارد شده است؛ بسیاری تنها منبع درآمدشان فعالیت در غرفه‌ها بود و این حادثه نزدیک به شب عید رخ داد.

زهرا شمس، رییس کمیته اجتماعی شورای شهر، یکی دیگر از نمایندگان شورای شهر بوده که در این باره اظهارنظر کرده است. وی درباره ضرورت بازسازی فوری گفته: بازسازی تنها به ساخت دوباره محدود نمی‌شود؛ تشکیل کمیته فنی برای بررسی عملکرد تجهیزات ایمنی، روند نظارت بر بازارچه و نقش عوامل انسانی ضروری است. مدیریت شهری موظف است با شفافیت روند بررسی حادثه و جبران خسارات را به اطلاع عموم برساند تا اعتماد شهروندان حفظ شود.

ناصر امانی هم از دیگر نمایندگانی بود که درباره این حادثه سخنانی را مطرح کرد. او اخطارهای صادرشده از سمت شهرداری را کافی ندانسته و در این زمینه می‌گوید: شهرداری چندبار تذکر داده اما کافی نیست. مالکان باید ملزم به ایمن‌سازی فوری شوند و دستگاه قضایی، نیروی انتظامی و آتش‌نشانی همکاری کنند.

■ **حمایت از کاسبان؛ از وعده تا واقعیت**

رییس کمیته گردشگری شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به آتش‌سوزی بازارچه جنت گفت: شهردار تهران جلساتی در این خصوص برگزار کرده و امیدواریم هرچه سریع‌تر خبرهای خوبی به این غرفه‌داران داده شود.

معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهرداری تهران نیز با اشاره به حریق و تخریب بازارچه، از استقرار غرفه‌داران در یک بازار موقت در منطقه۵ تهران خبر داد. وی افزود که همزمان با اقدامات اجرایی، موضوع بیمه و سایر فرآیندهای مرتبط با حادثه در حال پیگیری است و با همکاری مجموعه شهرداری و سایر نهادهای مرتبط، تمهیدات لازم برای معرفی غرفه‌داران آسیب‌دیده به منظور دریافت تسهیلات مالی و وام در حال انجام است. صورت‌جلسات مربوطه نیز برای شفافیت روند تنظیم می‌شود تا حمایت‌ها هرچه سریع‌تر عملیاتی شود.

به گفته او، حدود ۲۵۰غرفه‌دار در این حادثه متضرر شده‌اند و اولویت نخست مدیریت شهری، رسیدگی فوری به وضعیت معیشتی و فراهم‌سازی امکان فعالیت آنان پیش از شب عید است. معاون خدمات شهری تاکید کرد که ورود به مباحث حقوقی و تعیین مسوولیت‌ها در مرحله بعدی انجام خواهد شد و تمرکز فعلی بر حمایت عملی و میدانی از کسبه است.

وی همچنین درباره ابعاد حقوقی حادثه توضیح داد: بهره‌بردار بازار موظف به رعایت کامل ضوابط ایمنی بوده و این موارد در قراردادها قید شده است. با این حال مدیریت شهری فارغ از مسوولیت قانونی هر نهاد، خود را موظف به حمایت از شهروندان آسیب‌دیده می‌داند. نمایندگانی از میان غرفه‌داران انتخاب شده‌اند و جلسات روزانه با این نمایندگان و شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران برگزار می‌شود تا روند رسیدگی به مطالبات به‌صورت شفاف و مستمر دنبال شود. شهرداری تهران تاکید کرده است که در این حادثه مانند حوادث گذشته، از شهروندان و آسیب‌دیدگان حمایت می‌کند و تلاش می‌شود بخشی از خسارت‌ها جبران و شرایط بازگشت به فعالیت عادی فراهم شود.

■ **برباد رفتن سرمایه مردم**

یکی از کاسبان این بازارچه در گفت‌وگو با «جهان‌صنعت» تشریح کرد: آتش حوالی ساعت ۹صبح از سیم‌کشی دو غرفه آغاز شد و با سرعت به بخش‌های دیگر سرایت کرد. در آن ساعت تعداد کمی از غرفه‌داران در محل حضور داشتند و بسیاری هنوز به محل کار خود نرسیده بودند. کپسول‌های آتش‌نشانی موجود در محل کارایی لازم را نداشتند و آتش‌نشانی دیر به محل رسید.

وی افزود: این حادثه خسارت سنگینی به‌همراه داشت. تمام سرمایه‌ام در عرض سه‌ربع از بین رفت. همچنین سرمایه و کالاهای غرفه‌های دیگر نیز از بین رفت و بیش از ۳۰۰خانواده، تنها منبع درآمد خود را از دست دادند. هیچ بیمه یا حمایت مالی برای جبران خسارت‌ها ارائه نشده است. وضعیت بازارچه پیش از حادثه نیز با مشکلات فراوانی مواجه بود و نگرانی‌هایی درباره آینده آن و احتمال تصاحب زمین برای ساخت پارکینگ وجود داشت.

این کسبه با انتقاد از مسوولان وقت بیان کرد: انتظار داریم که هرچه زودتر خسارت‌های وارده جبران و شرایطی برای بازگشت به کسب‌وکار فراهم شود. اجاره‌های بالا، کمبود امکانات رفاهی و نبود زیرساخت‌های ایمنی مناسب، کسب‌وکار و زندگی خانواده‌ها را در این بازارچه در معرض خطر قرار داده؛ در چنین شرایطی ما قرار است به استقبال بازار شب عید برویم؟

خبر

هر ۵دقیقه، ابتلای یک ایرانی به سرطان

ایلنا- رییس مرکز تحقیقات سرطان ایران به تازگی اعلام کرده است که هر پنج‌دقیقه یک ایرانی به سرطان مبتلا می‌شود و رشد ابتلا به سرطان در ایران بالاترین نرخ در جهان را دارد. سرطان پس از بیماری‌های قلبی- عروقی، دومین علت مرگ در کشور است و سالانه حدود ۱۰۰هزار بیمار جدید سرطانی در ایران شناسایی می‌شوند. همچنین ۹۸درصد عوامل ابتلا به سرطان به سبک زندگی و تنها ۲درصد به ژنتیک مربوط است؛ سرطان پستان شایع‌ترین سرطان و سرطان معده کشنده‌ترین سرطان در ایران است.

درخصوص دلایل آمار بالای ابتلا به سرطان و مرگ‌ومیر ناشی از آن یاشا مخدومی، نایب رییس انجمن رادیو آنکولوژی ایران گفت: این آمار که البته دقیق نیست، تعداد بیماران سرطانی جدید در سال است. وزارت بهداشت این اطلاعات را هر سال منتشر می‌کند. به‌طور تقریبی حدود ۱۷۰هزار تا ۱۸۰هزار مورد جدید سرطان در سال تشخیص داده می‌شود. آمار دقیق‌تر را باید از وزارت بهداشت دریافت کرد. حتی اگر عدد را کمی بیشتر بگیریم مثلا ۲۰۰هزار نفر در نظر بگیریم به‌طور تقریبی هر پنج‌دقیقه حدود ۱/۹ بیمار می‌شوند.

وی افزود: ما یک مفهوم داریم که تعداد بیماران به ازای جمعیت را در سال بررسی می‌کند. این تعداد به‌عنوان نسبت به جمعیت عنوان می‌شود. یکی از شاخص‌ها نیز رشد یا افزایش سرطان در سال است. به‌عنوان مثال اگر سال گذشته تعداد بیماران ۱۰۰هزار نفر بوده، امسال ممکن است به عدد بالاتری برسد و درصد این افزایش، درصد رشد سرطان را نشان می‌دهد. روند رشد سرطان باید با توجه به آمارهای سال گذشته مشخص شود

مخدومی اظهار کرد: ایران یکی از کشورهایی است که نسبت سرطان به کل جمعیت آن متوسط است. به‌طور کلی نسبت سرطان در ایران نسبت‌به ایالات‌متحده آمریکا کمتر اما از برخی کشورها بیشتر است. همچنین نسبت افزایش رشد سرطان در ایران از متوسط آمار جهانی کمی بیشتر است. با این حال این به‌معنای آن نیست که ایران جزء کشورهای با آمار بالای سرطان محسوب می‌شود.

به گفته وی، تغییرات در سبک زندگی مردم به‌طور قابل‌توجهی می‌تواند بر نرخ رشد سرطان تاثیر بگذارد. قبل از انقلاب جمعیت عمدتا روستایی بود اما اکنون بیشتر جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند. این تغییرات شامل عواملی مانند استرس بیشتر، آلودگی هوا و تغذیه و فعالیت بدنی است. این عوامل می‌توانند به افزایش بیماری‌ها از جمله سرطان کمک کنند. در عین حال رابطه دقیقی بین تغییرات در سبک زندگی و ژنتیک وجود ندارد و به‌سختی می‌توان مرزهای مشخصی بین این دو تعیین کرد. هردو عامل می‌توانند به‌طور همزمان در بروز بیماری‌ها نقش داشته باشند و بررسی آنها نیاز به تحقیقات دقیق‌تری دارد

نایب‌رییس انجمن رادیو آنکولوژی ایران در ادامه خاطرنشان کرد: سرطان معمولا یک بیماری چندعاملی است که تحت‌تاثیر ترکیبی از عوامل ژنتیکی و محیطی قرار دارد. برخی نکات کلیدی در این زمینه عبارتند از: ژن‌های سرطان‌زا: در برخی افراد ژن‌هایی وجود دارد که می‌تواند خطر بروز سرطان را افزایش دهد اما این ژن‌ها ممکن است هیچ‌گاه فعال نشده و منجر به بیماری نشوند.

حجم بدهی‌ها در حوزه تجهیزات پزشکی فراتر از برآوردها

ایلنا- معاون برنامه‌ریزی اداره کل تجهیزات و ملزومات پزشکی با اشاره به انباشت قابل توجه بدهی‌ها در حوزه دارو و تجهیزات، بر ضرورت اصلاح ساختار تامین مالی برای جلوگیری از تعمیق بدهی‌ها تاکید کرد.

مصطفی مژده‌ای‌فر با بیان اینکه حجم بدهی‌ها در حوزه تجهیزات پزشکی از بسیاری برآوردها فراتر رفته است، گفت: استمرار این وضعیت می‌تواند پایداری زنجیره تامین را با چالش جدی مواجه کند و نیازمند تصمیم‌گیری فوری و دقیق است. وی با اشاره به اجرای طرح دارویار از سال ۱۴۰۱ افزود: انتقال یارانه ارزی از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره، اگرچه با هدف کاهش رانت و فساد انجام شد اما در حوزه سلامت به دلیل حساسیت خدمات باید با پیش‌بینی منابع پایدار همراه باشد.

مژده‌ای‌فر ادامه داد: در حال حاضر مابه‌التفاوت قیمت دارو و تجهیزات از تامین‌کنندگان اخذ می‌شود و بازگشت منابع از مسیر سازمان هدفمندی یارانه‌ها با تاخیرهای چندماهه انجام می‌گیرد که این موضوع فشار مضاعفی بر شرکت‌ها وارد کرده است.

وی تاکید کرد: افزایش هزینه‌های مالی ناشی از دریافت تسهیلات بانکی و نوسانات نرخ ارز، ریسک فعالیت در این حوزه را بالا برده و فرآیند ثبت سفارش و تامین کالا را با اختلال روبه‌رو می‌کند.

معاون برنامه‌ریزی اداره کل تجهیزات و ملزومات پزشکی راهکار پیشنهادی این معاونت را اختصاص مستقیم و نشان‌دار منابع ریالی به بیمه‌ها برای پرداخت مطالبات حوزه دارو و تجهیزات عنوان کرد و گفت: این اقدام می‌تواند از ایجاد بدهی‌های جدید جلوگیری کرده و گردش مالی زنجیره را تسهیل کند.

وی خاطرنشان کرد: مدل‌سازی مالی این پیشنهاد انجام شده و با استقبال فعالان حوزه تولید و تامین تجهیزات پزشکی همراه بوده است.

آگهی مفقودی

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۲۲۱ج۴۷ ایران ۹۶ به شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۱۹۹۱۵ و شماره شاسی ۰۰۸۱۵۲۵۷۰۲ مفقود گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشد.

شاهرود

آگهی مفقودی

پروانه بهره‌برداری شماره ۱۷۱۸۸۱۳ مورخه ۱۴۰۲/۹/۲۷ بنام شرکت پیشگامان تجارت هیواد صادر شده توسط وزارت صنعت معدن و تجارت استان سمنان مفقود گردیده و از اعتبار ساقط می‌باشد.

شاهرود

آگهی فقدان

برگ سبز، سند کمپانی و کارت خودروی سواری پژو پارس XU7 مدل ۱۳۹۴ رنگ سفید شماره شاسی NAAN21CA6FH381033 شماره موتور 124K0606072 شماره پلاک ۳۰ ۷۶۱ل۲۱ به نام منصوره معدن‌شکاف شماره ملی ۴۸۹۹۰۲۳۱۸۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نظرآباد

آگهی فقدان

برگ سبز خودروی سواری سایپا دوگانه‌سوز تیپ 131LE* مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید شماره شاسی NAS412100D1292629 شماره موتور ۴۹۰۸۱۹۹ پلاک شماره ۶۸ ۵۵۴د۳۶ به نام محسن غلامی شماره ملی ۱۶۳۰۰۶۹۱۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نظرآباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۴۰۴/۲۵۵۹۵ تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ موضوع قانون تعیین‌تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلامعارض خانم سیده‌هاجر ولی‌نژاد فرزند سیدحسن نسبت شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۴/۳۰ مترمربع به شماره کلاسه ۱۴۰۴/۲۶۲۷ قسمتی از پلاک ۱۰۸ فرعی از ۳۱- اصلی واقع در اراضی فراش‌محله بخش ۱۷ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع‌الواسطه از مالک رسمی حبیب‌اله ملکپور منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵

محمدحسن صادقی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

جهان صنعت

سازمان آگهی های روزنامه جهان صنعت

۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱
۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

www.jahanesanat.ir

جهان صنعت

فرم اشتراک روزنامه

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبلغ مندرج در جدول ذیل:
به شماره شبا IR۳۴۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۱۶۷۹۸۶۶۴۸ بانک رفاه به‌نام محمدرضا سعدی (مدیر مسئول)
واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده به دفتر امور مشترکین روزنامه «جهان‌صنعت» یا به شماره ۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴ (تلگرام، واتس‌آپ، ایتا) و یا به آدرس ایمیل jahan1383@yahoo.com ارسال نمائید.
آدرس: خیابان شیخ‌بهایی شمالی، کوچه معصومی، پلاک۴
تلفن: ۲۱-۸۸۶۱۰۰۱۹ نمابر: ۸۸۰۳۹۷۰۷

« فقط تهران بزرگ »

دوره اشتراک	۶ ماهه	یک‌ساله
هزینه اشتراک (ریال)	۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۶۰/۰۰۰/۰۰۰

شرایط اشتراک:
- ساعات تحویل روزنامه از ۶ الی ۱۱ صبح
- شروع اشتراک (متقاضیانی که درخواست خود را به طور کامل تحویل نمایند) اول و شانزدهم هر ماه می باشد.
- مبلغ مندرج در جدول فوق بابت روزانه یک نسخه اشتراک می باشد.
- لطفا کپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگهداری فرمائید.
- در صورت عدم تحویل روزنامه حداکثر تا ساعت ۱۴ همان روز اعلام فرمائید.

نام و نام خانوادگی : ..... شرکت / موسسه : ..... کدپستی : ..... تلفن : .....
ایمیل : ..... تعداد درخواستی : ..... مدت اشتراک: ۶ ماهه ☐ یک ساله ☐
آدرس : .....
شماره فیش بانکی : ..... بانک : ..... تاریخ واریز فیش : .....

«جهان‌صنعت» از هشدار بی‌سابقه بخش خصوصی گزارش می‌دهد

گردشگری در رکود کامل

نادر نینوایی- صنعت گردشگری ایران به نقطه‌ای رسیده که عالی‌ترین نهاد بخش خصوصی کشور صراحتا از ضرورت «نجات فوری» آن سخن می‌گوید. نامه رسمی صمد حسن‌زاده، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران خطاب به سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را نباید صرفا به چشم یک مکاتبه اداری دید؛ این نامه را باید بیانیه‌ای هشداردهنده درباره وضعیت بحرانی یکی از پیشران‌های اشتغال و ارزآوری کشور قلمداد کرد.

در این نامه، صریح و بی‌پرده اعلام شده که فعالان گردشگری برای ایفای تعهدات خود نیازمند سه برابر شدن سرمایه در گردش هستند؛ عددی که به‌تنهایی عمق بحران نقدینگی را آشکار می‌کند. وقتی صنعتی برای بقا به سه برابر سرمایه در گردش سال گذشته نیاز دارد یعنی ساختار مالی آن زیر فشارهای بی‌سابقه قرار گرفته است.

بحران‌های ماه‌های اخیر -از جنگ ۱۲ روزه گرفته تا حوادث و ناآرامی‌های دی‌ماه- به گفته رییس اتاق بازرگانی عملا گردشگری کشور را به رکود کامل کشانده است؛ رکودی که فقط به کاهش فروش بلیت و افت ضریب اشغال هتل‌ها محدود نمی‌شود بلکه زنجیره‌ای از بدهی، تعهدات معوق، فشار نقدینگی و خطر ورشکستگی را به همراه آورده است.

■ افول گردشگری؛ از آمار تا واقعیت میدانی

در نامه صمد حسن‌زاده تاکید شده که صنعت گردشگری در ماه‌های اخیر با «رکود کامل» مواجه شده است. این تعبیر در ادبیات اقتصادی، عبارتی بسیار سنگین است. رکود کامل یعنی نه فقط کاهش رشد بلکه توقف جریان عادی کسب‌وکار.

برآوردهای رسمی تشکل‌های صنفی گردشگری نشان می‌دهد تنها در دی‌ماه سال جاری، دفاتر خدمات مسافرتی حدود هزارمیلیارد تومان خسارت دیده‌اند و هتل‌های کشور زیانی بیش از سه‌هزارمیلیارد تومان را تجربه کرده‌اند. این ارقام فقط مربوط به یک ماه است؛ ماهی که به دلیل شرایط امنیتی و فضای بی‌اعتمادی، سفرهای داخلی و خارجی به شکل چشمگیری کاهش یافت. در چنین فضایی لغو تورها، استرداد بلیت‌ها، کاهش ضریب اشغال هتل‌ها و توقف رزروهای بین‌المللی، ضربه‌ای همزمان به جریان درآمدی فعالان صنعت گردشگری وارد کرد اما نکته مهم‌تر آن است که تعهدات مالی پیشین همچنان پابرجاست؛ تعهداتی که دفاتر مسافرتی در قبال ایرلاین‌ها، هتل‌های خارجی و شرکای بین‌المللی خود دارند. به بیان دیگر درآمد کاهش یافته اما بدهی‌ها باقی مانده‌اند.

از سوی دیگر افزایش ۳۰ تا ۵۰درصدی نرخ بلیت پرواز و رشد هزینه‌های اقامت، فشار مضاعفی بر بازار وارد کرده است. افزایش هزینه‌ها در شرایط رکودی به معنای کوچک‌تر شدن تقاضاست. نتیجه این چرخه معیوب، تشدید رکود و فرسایش سرمایه فعالان بخش خصوصی است.

■ ضرورت ۳ برابر شدن سرمایه در گردش

یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های نامه رییس اتاق بازرگانی ایران تاکید بر نیاز فعالان گردشگری به حداقل سه برابر شدن سرمایه در گردش نسبت به سال گذشته است. این گزاره در نگاه اول ممکن است اغراق‌آمیز به نظر برسد اما در بطن خود واقعیتی تلخ را بازتاب می‌دهد.

سرمایه در گردش سوخت روزمره یک بنگاه اقتصادی است؛ منابعی که برای پرداخت حقوق کارکنان، اجاره، هزینه‌های جاری، بازپرداخت بدهی‌ها و اجرای تعهدات استفاده می‌شود. وقتی فروش کاهش می‌یابد و جریان نقدی مختل می‌شود، بنگاه برای ادامه فعالیت ناچار است از ذخایر قبلی یا منابع جدید استفاده کند.

در شرایط فعلی، فعالان گردشگری نه‌تنها با کاهش شدید درآمد مواجهند بلکه باید هزینه‌های ثابت بالا و بدهی‌های انباشته را نیز مدیریت کنند. به همین دلیل برای حفظ بازار و جلوگیری از نکول تعهدات، به منابعی بسیار فراتر از گذشته نیاز دارند.

این وضعیت را می‌توان نوعی «شوک نقدینگی» دانست؛ شوکی که اگر مدیریت نشود به موجی از تعطیلی بنگاه‌ها خواهد انجامید. تعطیلی هر دفتر خدمات مسافرتی یا هتل فقط به معنای از دست رفتن یک کسب‌وکار نیست بلکه به معنای بیکار شدن کارکنان، از دست رفتن سرمایه انسانی و تضعیف جایگاه ایران در بازارهای منطقه‌ای گردشگری است

■ جای خالی حمایت موثر از بخش گردشگری

در بخش دیگری از نامه، صمد حسن‌زاده به اقدام وزارت صنعت، معدن و تجارت اشاره کرده که بسته حمایتی ۷۰۰هزارمیلیارد تومانی برای تامین نقدینگی صنایع و جلوگیری از تعطیلی بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص داده است. مقایسه این عدد با وضعیت گردشگری، پرسشی جدی را مطرح می‌کند و آن اینکه چرا صنعتی که همواره از آن به‌عنوان پیشران اشتغال و ارزآوری یاد می‌شود، از بسته حمایتی متناسب بی‌بهره مانده است؟

گردشگری برخلاف صنایع سنگین، وابستگی ارزی بالایی ندارد و با سرمایه‌گذاری نسبتا کمتر اشتغال گسترده ایجاد می‌کند. علاوه بر این، نقش آن در دیپلماسی عمومی و تصویر بین‌المللی کشور انکارناپذیر است. با این حال به نظر می‌رسد در تقسیم منابع حمایتی، این صنعت در اولویت پایین‌تری قرار گرفته است.

رییس اتاق بازرگانی ایران صراحتا اعلام کرده که بسته‌های حمایتی پس از بحران‌های اخیر تصویب شده‌اند اما به دلیل بوروکراسی اداری و نارسایی در زنجیره اجرا تاکنون حمایت مالی موثری به گردشگری اختصاص نیافته است. این همان گره مزمنی است که فعالان اقتصادی سال‌هاست از آن گلایه دارند یعنی تصویب روی کاغذ و در مقابل توقف در اجرا.

اگر قرار باشد حمایت‌ها در پیچوخم اداری متوقف شود نتیجه آن تعمیق بحران خواهد بود. بازار گردشگری، بازاری بسیار حساس و رقابتی است؛ وقفه‌های طولانی می‌تواند منجر به از دست رفتن سهم ایران در منطقه شود، سهمی که بازپس‌گیری آن سال‌ها زمان خواهد برد.

■ فرصت کوتاه برای تصمیم سخت

نامه اتاق بازرگانی ایران تنها یک مطالبه مالی نیست؛ این نامه در واقع فراخوانی برای تصمیم‌گیری فوری و شجاعانه است. اتاق اعلام کرده آمادگی دارد با بهره‌گیری از ظرفیت تشکل‌های تخصصی، در تدوین بسته‌های حمایتی هدفمند و عملیاتی مشارکت کند و پیشنهادهای اجرایی، شفاف و قابل پیاده‌سازی ارائه دهد.

این پیشنهاد می‌تواند فرصتی برای هم‌افزایی دولت و بخش خصوصی باشد؛ فرصتی که اگر از دست برود، هزینه‌های آن به مراتب سنگین‌تر خواهد بود زیرا تعمیق بحران در گردشگری فقط به این صنعت محدود نمی‌ماند؛ صنایع‌دستی، حمل‌ونقل، رستوران‌ها، مراکز خرید و حتی بخش فرهنگ و هنر نیز از آن تاثیر می‌پذیرند.

واقعیت آن است که بازارهای داخلی و بین‌المللی گردشگری بسیار سیال هستند. رقبای منطقه‌ای ایران از ترکیه تا امارات و عربستان با برنامه‌ریزی دقیق در حال جذب سهم بیشتری از بازار گردشگران هستند. در چنین رقابتی، تعلل در حمایت از فعالان داخلی می‌تواند به معنای واگذاری داوطلبانه بازار باشد.

اکنون توپ در زمین دولت است. آیا وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خواهد توانست با تدوین و اجرای بسته‌ای عملیاتی، مانع از تعطیلی بنگاه‌ها شود؟ آیا سازوکاری طراحی خواهد شد که منابع حمایتی به سرعت و بدون بوروکراسی فرساینده به دست فعالان برسد؟ و مهم‌تر از همه آیا نگاه به گردشگری از یک حوزه فرعی به یک اولویت اقتصادی تغییر خواهد کرد؟

آنچه مسلم است، صنعت گردشگری ایران در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ خود قرار دارد. هشدار بخش خصوصی روشن است؛ آنها معتقدند که بدون اقدام فوری، موج تعطیلی‌ها آغاز می‌شود و بازگشت به نقطه امروز نیز دشوار خواهد بود. در نهایت باید اذعان داشت که نجات گردشگری، دیگر یک شعار توسعه‌ای نیست بلکه ضرورتی فوری برای نجات این بخش مهم اقتصاد کشور است

نمایه

تابش از اقدامات اخیر هگتا گزارش داد

از احیای پروژه‌های گردشگری تا ارتقای زیرساخت‌های ریلی

«**جهان‌صنعت**»- مدیرعامل هلدینگ گردشگری تامین اجتماعی(هگتا) گزارشی از اقدامات اجرایی این هلدینگ گردشگری ارائه کرد؛ اقداماتی که در حوزه تکریم بازنشستگان، فعال‌سازی پروژه‌های متوقف‌شده، نوسازی زیرساخت‌های اقامتی و ارتقای خدمات حمل‌ونقل ریلی به اجرا درآمده است.

علیرضا تابش با اشاره به اینکه دهه فجر می‌تواند فرصتی برای جمع‌بندی و ارائه گزارش عملکرد نهادهای خدماتی نظیر هگتا و شرکت‌های تابعه آن باشد، اظهار کرد: تمرکز هگتا در یک‌سال گذشته اقداماتی بوده که اثر مستقیم بر ذی‌نفعان، به‌ویژه خانواده بزرگ تامین اجتماعی داشته باشد و بخشی از دارایی‌های راکد را به چرخه بهره‌برداری بازگرداند.

■ اعزام ۴۶۰۰ بازنشسته تامین اجتماعی از ۲۴استان کشور

تابش با اشاره به اجرای طرح «کرامت رضوی» گفت: از ابتدای بهمن‌ماه تاکنون ۴۶۰۰ نفر از بازنشستگان سازمان تامین‌اجتماعی از ۲۴ استان کشور با استفاده از ناوگان ریلی به مشهد مقدس اعزام شده‌اند و این برنامه در ماه‌های آینده ۱۰هزار بازنشسته عزیز را شامل خواهد شد.

وی افزود: ساماندهی سفرهای بازنشستگان به اقصی‌نقاط کشور به ویژه اماکن زیارتی، با تاکید بر ایمنی، نظم و حفظ کرامت این قشر در اولویت بوده است.

■ نوسازی زیرساخت‌های اقامتی هتل‌ها

مدیرعامل هگتا با اشاره به پروژه‌های گروه هتل‌های هما اظهار کرد: بازگشت «رستوران گلستان» هتل‌هما تهران به چرخه خدمات پس از دو سال بهسازی، تکمیل «سالن هما کلاس» در هتل هما احمدآباد مشهد، اجرای پروژه «مقاوم‌سازی هتل هما بندرعباس» و آماده‌سازی «آشپزخانه مرکزی هتل هما تهران»، برنامه‌ریزی راه‌اندازی رستوران‌های روباز هتل‌ها از جمله اقدامات این ایام بوده است.

از دیگر اقدامات موثر در جهت ارتقای سطح خدمات زنجیره اقامتی می‌توان به نوسازی تعداد قابل‌توجهی از هتل‌های ایرانگردی و جهانگردی در شهرهای مختلف با هدف ارائه خدمات بهتر به هموطنان عزیز در سال جاری اشاره کرد. این اقدامات با هدف ارتقای کیفیت خدمات و افزایش رضایت‌مندی مهمانان انجام شده است.

تابش همچنین از امضای قرارداد تجهیز و بهره‌برداری هتل کوهسار آبادگران مشهد پس از سال‌ها توقف خبر داد و گفت: این پروژه با سرمایه‌گذاری ۳۵۰میلیارد ریالی و در قالب مدل مشارکتی BOLT اجرایی می‌شود و در مسیر فعال‌سازی ظرفیت‌های بلااستفاده گردشگری کشور اهمیت دارد.

■ سرمایه‌گذاری در گردشگری سلامت و اقامت ساحلی

تابش درباره برنامه‌های شرکت دهکده ساحلی انزلی اظهار کرد: پروژه دهکده سلامت با ۱۰ واحد اقامتی و اعتباری حدود ۳۰۰میلیارد ریال در حال اجراست و پیش‌بینی می‌شود ابتدای تابستان سال آینده به بهره‌برداری برسد.

«پروژه ویلایی ساحل» نیز شامل ۱۴واحد و «پروژه ویلایی دریا» شامل ۸واحد با برآورد سرمایه‌گذاری حدود ۲۵۰۰میلیارد ریال و زمان بهره‌برداری بهار ۱۴۰۶ در دستور کار قرار دارد.

■ نوسازی بیش از ۵۰ واگن مسافری و در مسیر خدمت‌رسانی قرار گرفتن قطارهای رجا و بهره‌برداری از «سوله تخصصی تعمیرات واگن‌های پنج‌ستاره رجا»

مدیرعامل هگتا در ادامه با بیان استمرار خدمات رجا در بحران‌ها باوجود تعطیلی بخش بزرگی از دستگاه‌های اجرایی و توجه بیشتر به همکاران رجا و تلاش در تامین نیازهای ضروری آنان به بهره‌برداری از سوله تخصصی تعمیرات و تزئینات داخلی واگن‌های پنج‌ستاره شرکت رجا اشاره کرد و گفت: این پروژه طی حدود ۷۰ روز اجرا شده و بیش از ۶۵۶۰ نفر-ساعت کار تخصصی برای آن صرف شده است. به گفته وی، با راه‌اندازی این سوله، ظرفیت تعمیرات پیشرفته و کیفیت خدمات ناوگان ریلی ارتقا یافته است. تابش در پایان تاکید کرد: مجموعه اقدامات انجام‌شده در این ایام بخشی از برنامه مستمر هگتا برای تکریم بازنشستگان، احیای پروژه‌های نیمه‌تمام و ارتقای کیفیت خدمات گردشگری و حمل‌ونقل است؛ رویکردی که بر نتیجه‌محوری و پاسخگویی عملی به نیازهای ذی‌نفعان استوار است.

خبر

افزایش سقف تسهیلات زیرساخت‌های گردشگری

«**جهان‌صنعت**»- وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت که در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان سمنان از افزایش سقف تسهیلات زیرساخت‌های گردشگری از ۳۰میلیارد تومان به یک‌هزار میلیارد تومان و تفویض اختیار تصمیم‌گیری به استانداران خبر داد.

رضا صالحی‌امیری با تاکید بر ضرورت گفت‌وگوی صادقانه با مردم افزود: باید روایت دقیق و شفاف از مسائل کشور ارائه شود و در عین حال میان مطالبات قانونی مردم و اقدامات خشونت‌آمیز تفکیک قائل شد. شنیدن صدای مردم و پاسخگویی به مطالبات آنان یک ضرورت است.

وی با اشاره به شرایط خاص کشور در حوزه فشارهای خارجی و تحریم‌ها خاطرنشان کرد: عبور از این مقطع نیازمند همدلی ملی، اقناع نسل جوان و تقویت امید اجتماعی است. همه نهادهای فرهنگی، آموزشی و اجرایی در این مسیر مسوولیت دارند.

وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری همچنین با عذرخواهی از مردم شهرستان میامی به دلیل عدم امکان حضور در این سفر، وعده داد در فرصتی دیگر به این شهرستان سفر کند و افزود: دولت خود را موظف می‌داند با حضور مستمر در استان‌ها، مسائل و مطالبات مردم را از نزدیک پیگیری کند.

پیگیری قانونی برای حک یادگاری بر دیواره‌های تخت‌جمشید

ایرنا- رییس اداره حقوقی و املاک اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی فارس از پیگیری قاطع و همه‌جانبه تخلف حک یادگاری بر بخشی از دیواره‌های مجموعه جهانی تخت‌جمشید خبر داد

داریوش اسدی با اعلام این خبر، افزود: به دنبال گزارش ثبت شده مبنی بر وارد آمدن آسیب ناشی از حک یادگاری بر بخشی از دیواره‌های تاریخی، بلافاصله موضوع در دستور کار اداره حقوقی قرار گرفت و هماهنگی‌های لازم با پایگاه میراث جهانی، یگان حفاظت و حراست مجموعه انجام شد.

او با بیان اینکه بخش‌های مجموعه تحت پوشش دوربین‌های نظارتی قرار دارد، ادامه داد: ابعاد دقیق این تخلف مستندسازی شد و بررسی تصاویر ثبت شده در حال انجام است.

اسدی گفت: همه مستندات لازم جهت شناسایی فرد یا افراد خاطی گردآوری شده و پس از تکمیل فرآیند حقوقی، پرونده برای رسیدگی به مراجع قضایی ارسال خواهد شد.

رییس اداره حقوقی و املاک اداره‌کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی فارس اظهار کرد: صیانت از آثار تاریخی، به‌ویژه آثار ثبت شده در فهرست میراث جهانی، وظیفه‌ای قانونی و ملی است و با هرگونه تعرض به این سرمایه‌های ارزشمند بدون اغماض و در چارچوب قانون برخورد خواهد شد.

او تاکید کرد: مطابق قوانین مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی، هرگونه تخریب، آسیب یا دخل و تصرف در آثار تاریخی جرم محسوب می‌شود و مرتکبان علاوه بر جبران خسارت با مجازات‌های قانونی روبه‌رو خواهند شد.

رییس اداره حقوقی و املاک اداره‌کل میراث فرهنگی فارس همچنین از عموم شهروندان و گردشگران داخلی و خارجی خواست با احساس مسوولیت اجتماعی، در حفظ و پاسداشت این میراث گران‌سنگ مشارکت داشته باشند.

اسدی اضافه کرد: عموم مردم در صورت مشاهده هرگونه رفتار آسیب‌زا، مراتب را به یگان حفاظت اطلاع دهند تا از تکرار چنین مواردی جلوگیری شود.

نقش دارابگرد در توسعه گردشگری کشور پررنگ‌تر می‌شود

ایسنا- معاون هماهنگی امور گردشگری و زیارت استانداری فارس با اشاره به افتتاح پایگاه پژوهشی شهر تاریخی دارابگرد، این اقدام را گامی برای تقویت جایگاه دارابگرد در پازل گردشگری کشور دانست.

مهدی پارسایی در مراسم افتتاح پایگاه پژوهشی دارابگرد، گفت: دارابگرد، مانند فیروزآباد و بیشابور از مهم‌ترین شهرهای دوره ساسانی است. با این حال از زمان ثبت ملی در سال ۱۳۱۵ تاکنون هیچ پژوهش علمی و عملیاتی در آن صورت نگرفته بود

معاون هماهنگی امور گردشگری و زیارت استانداری فارس بیان کرد: با حمایت‌های نماینده شهرستان و وزارت میراث فرهنگی، این منطقه به‌عنوان هفتمین پایگاه پژوهشی ملی در استان فارس معرفی شده است.

پارسایی بر لزوم توجه به میراث فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور تاکید کرد و گفت: میراث فرهنگی باید به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در برنامه‌ریزی‌های دولت و مجلس لحاظ شود. این میراث درس‌هایی مهم از گذشته را در اختیار ما قرار می‌دهد که می‌تواند به بهبود حکمرانی و اداره کشور کمک کند.

پارسایی در پایان گفت: توسعه گردشگری در استان نیازمند نگاه همه‌جانبه به میراث فرهنگی، تاریخ و جاذبه‌های گردشگری است که با همکاری تمام دستگاه‌ها، این هدف قابل تحقق خواهد بود.

جدول ۳۲۱۱۰

افقی:
۱- خواننده فقید موسیقی کلاسیک ایران- سخن قابل استناد
۲- از رشته‌های تحصیلی فنی دانشگاه- ضربه‌ای در ورزش بدمینتون- معامله مطلوب کاسب
۳- آخرین رمق خستگان- آزاده و رستگار- شبیه و نظیر- هر چیز بی‌جان
۴- از افعال ربطی- مهره شیشه‌ای رنگین- اطراف و پیرامون
۵- نشانه معتبر کالا- وجه دلیل و سبب- مسرور و خوشحال
۶- از قبایل مدینه در صدر اسلام- از شخصیت‌های داستانی در شاهنامه- واحد پول کشور بنگلادش
۷- از صور فلکی شامل مجموعه‌ای از ستارگان پراکنده- دستگاه تنفسی جانوران آبزی- کلام غیرآشکار
۸- عضو راهی بدن- قسمتی از خانه برای دورهم‌نشستن- عدد خرابی اوضاع
۹- به طور ناگهانی- قسمت فلزی چرخ خودروها- کشوری در جنوب صربستان با مرکز پریشتینا
۱۰- گونه‌ای دوخت درشت روی پارچه- زاری سوزناک- از پونه بیزار است
۱۱- گردنه کوه- خصلت اخلاقی- نمایشنامه‌نویس ایرانی شب‌نشینی باشکوه آقای گیل
۱۲- دانا و نیک‌رفتار- عنصر مسبب فشار خون در نمک- روستاهای بزرگ
۱۳- شاخه نازک درخت- بخشاینده و مهربان است و از صفات باری‌تعالی- طرف و جانب- پسوند نسبت و تشبیه
۱۴- همنشین جن- میوه زرد گلابی شکل- نام دیگر میزان الحراره
۱۵- عمودی و ستون مانند- معروف‌ترین اثر داستانی نوشته‌شده به قلم مسعود کیمیایی که در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است

عمودی:
۱- یادداشت سراسر اندوه- مقدمه کتاب
۲- مرکز ایالت تبت در چین- همسر اختیار کردن- دهانه قنات
۳- کمترین وقت- رخنه و شکاف- وسیله‌ای برای دسترسی بهتر به اینترنت
۴- ستایش و تمجید- بسیار ساعی و پرتلاش- قشر و پوسته و هرطبقه از سطح زمین
۵- یاد کردن با افسوس- پوشاننده و پنهان‌کننده- دشمن سرسخت- ریشه و شالوده
۶- آخرین نت موسیقی- تیر کوتاه پیکاندار- پیمان‌شکن- شهری در استان اصفهان
۷- حالت شکل ماه در سه شب اول ماه قمری که شبیه کمان است- فاقد شکل هندسی منظم- واحد شمارش قند
۸- کتابی از ژرژ برتانوس نویسنده فرانسوی
۹- حلقه فلزی برای اتصال- درخشش و شعاع نور- پیوسته و مدام
۱۰- سمبل و مظهر- نگهبان نوبتی- گونه‌ای خط‌کش- نوعی ارز دیجیتال
۱۱- طعام رقیق- پنبه‌پاک‌نشده- خوشبو - نوعی شمع
۱۲- دلیری و توانایی- باریک‌اندام- از درختان جنگل‌های شمال کشور با چوب سخت
۱۳- منحنی آماری- کاغذ فروش- شماره آغاز کار
۱۴- ماسک و روبند- ویژگی چشم ضعیف- رودی در شبه‌جزیره بالکان
۱۵- نخستین پایتخت سلسله اشکانیان و نام قدیم شهرستان دامغان- مانع مشاجرات می‌گردد

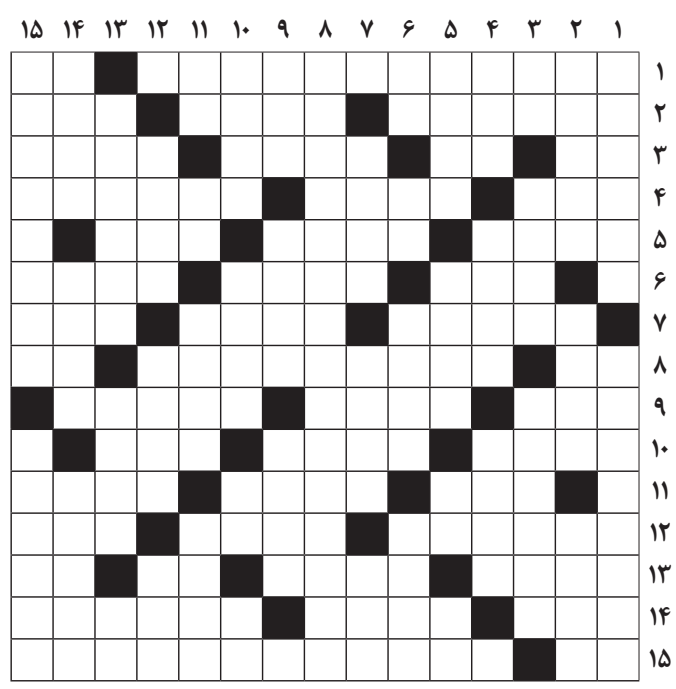

۱۷۹۵

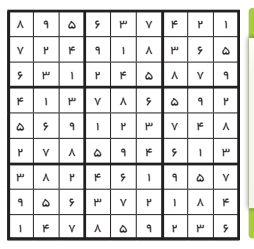

حل سودوکو ساده

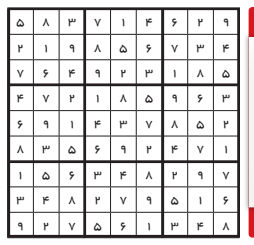

حل سودوکو سخت

جواب جدول شماره ۳۲۰۹

طراح: محمود کیمیایی

سودوکو ساده

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود

۹		۱				۴		
		۴			۵			۳
		۷		۸	۴			
			۲	۹		۵		
	۷					۳	۱	
۶	۹		۷				۲	
۷		۶						
			۴	۲				۸
۴	۵		۶	۱		۲		

۱۷۹۶

	۹					۸		۴
۴		۱	۷		۶			
			۴		۲		۳	
۳				۵				
	۵		۱			۷		
							۴	۹
۵				۷		۲		۶
		۶						
۲		۷	۵		۱			۸

سودوکو سخت

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو(Sudoku)یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

جهان صنعت

۲۵ بهمن ۱۴۰۴ ۲۵ شعبان ۱۴۴۷ ۱۴ فوریه ۲۰۲۶ شنبه

عضو انجمن صنفی روزنامه‌های غیر دولتی و تعاونی مطبوعات

شماره ۶۰۱۹ - سال بیست‌ودوم

پایان نامه

این نامه اخلاق حرفه‌ای:

http://www.jahanesanat.ir

■ صاحب امتیاز و مدیر مسوول: محمدرضا سعدی

■ تلفن تحریریه: ۸۸۰۳۶۸۹۰

■ نمابر: ۸۸۰۳۹۷۰۷

■ تلفن سازمان آگهی‌ها: ۲۱- ۸۸۶۱۰۰۱۹

■ نشانی: خیابان شیخ‌بهایی شمالی، کوچه معصومی، پلاک ۴

■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۸۳۸۸

■ روابط عمومی: ۸۸۶۱۰۰۲۳

■ لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ

www.jahanesanat.ir jahan1383@yahoo.com

سینمای جهان

چهره آشنای سینما و تلویزیون از دنیا رفت

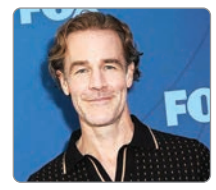

ورلد آف ریل- جیمز ون در بیک، چهره‌ای آشنا در سینما و تلویزیون پس از مبارزه‌ای علنی با سرطان، در ۴۸سالگی درگذشت. او در مورد مبارزه‌اش با سرطان بسیار صریح بود و در سال‌های اخیر اخبار مربوط به این سفر را با صداقت و شجاعت به اشتراک گذاشت. ون در بیک پس از تشخیص سرطان روده بزرگ مرحله سه در سال۲۰۲۳ و افشای عمومی وضعیت خود در اواخر سال۲۰۲۴، صادقانه در مورد چگونگی تغییر دیدگاهش نسبت به زندگی، خانواده و ایمان توسط این بیماری صحبت و حتی این تجربه را به‌عنوان کاتالیزوری برای رشد عمیق شخصی توصیف کرد. ون در بیک بیشتر برای نقش برجسته‌اش به‌عنوان داوسون لیری در سریال «داوسون کریک» مشهور است. توصیف اینکه چگونه این سریال حال و هوای فرهنگی دهه‌های۹۰ و ۲۰۰۰ را به تصویر کشید، بسیار دشوار است. این سریال به صدایی تعیین‌کننده برای نسلی از نوجوانان تبدیل شد که عشق، دوستی و هویت را با صداقت عاطفی که در آن زمان نادر بود، کاوش می‌کرد. در این فرآیند ون در بیک به یک نماد تلویزیونی نسلی تبدیل شد. نهر داوسون آغازگر حرفه ون در بیک بود و درها را برای تجربه نقش‌هایی در سینما و تلویزیون به روی او گشود. دو نقش مشهور او در سینما کمی بعد از آن به دست آمد: یکی «بلوز دانشگاه» و دیگری «قوانین جاذبه». در عرصه تلویزیون او در سریال‌هایی مانند «به بی‌بی اعتماد نکن در آپارتمان۲۳»، «سی‌اس‌آی: سایبر» و «ژست» ظاهر شد درحالی‌که همبازی‌هایش میشل ویلیامز و کیتی هولمز به موفقیت‌های دیگری دست پیدا کردند، ون در بیک بیشتر به خاطر نهر داوسون به یاد آورده شد؛ سریالی که تاثیر آن به تنهایی برای تثبیت میراث او کافی بود و سایه بزرگی بر بقیه آثارش انداخت. ون در بیک همسری فداکار و پدری مهربان برای شش‌فرزندش بود و از خبر درگذشت او به‌عنوان یک تراژدی مطلق یاد شده است.

هوش‌مصنوعی دعوای تام کروز و برد پیت را جهانی کرد

ورایتی- با انتشار ویدئویی از هوش مصنوعی که تام کروز و برد پیت را در حال مبارزه نشان می‌دهد، انجمن تصاویر متحرک نقض گسترده حق نشر توسط «سی دنس» را محکوم کرد. در این ویدئو که با استفاده از هوش‌مصنوعی و توسط کمپانی «سی‌دنس» تولید شده، این دوبازیگر مشهور هالیوودی در حال دعوا روی پشت بام دیده می‌شوند. «انجمن تصاویر متحرک» آمریکا روز پنجشنبه کار این کمپانی را محکوم کرد و گفت عرضه این ویدئو به‌شکلی گسترده حق نشر را نقض کرده است. بایت‌دنس، مالک چینی تیک تاک در برابر با تمجید از این ویدئو گفت که این مدل «جهش قابل‌توجهی در کیفیت تولید» را در مقایسه با نسخه قبلی نشان می‌دهد. سخنگوی انجمن تصاویر متحرک در بیانیه‌ای علیه این کمپانی چینی گفت: بایت‌دنس با راه‌اندازی سرویسی که بدون ضمانت‌های معنادار در برابر با نقض کپی رایت کار می‌کند، میلیون‌ها شغل آمریکایی را نادیده می‌گیرد و باید به سرعت فعالیت نقض‌کننده خود را متوقف کند. این انجمن صنفی پس از انتشار بازی «سورا۲» توسط «اوپن‌ای آی» در پاییز گذشته که با استفاده از هوش مصنوعی ساخته شده بود، اظهارنظر مشابهی کرده بود. «اوپن‌ای آی» هم به این نگرانی‌ها پاسخ داد و تدابیری را اجرا کرد که نقض حق نشر استودیو را برای کاربران دشوار می‌کرد و درنهایت دیزنی با عقد قراردادی مجوز ۲۰۰کاراکتر برای استفاده در «سورا۲» را داد. اکنون روشن نیست که آیا بایت‌دنس از این رویکرد استقبال خواهد کرد یا اینکه معترضان مجبور به دعاوی نقض حق نشر خواهند شد. برخی با ناامیدی به ویدئوهای «سی دنس» واکنش نشان دادند. از جمله رت ریس، نویسنده فیلم‌های «ددپول» که نوشت: متاسفم که این را می‌گویم. احتمالا کار ما تمام شده و به زودی یک‌نفر می‌تواند پشت کامپیوتر بنشیند و فیلمی بسازد که قابل تفکیک از فیلم‌های هالیوودی نباشد. این ویدئو را روآیری رابینسون، فیلمساز و تهیه‌کننده ایرلندی فیلم و تبلیغات ساخته است. او در ایکس نوشت: آیا باید به خاطر تایپ کردن دو خط و فشار دادن یک دکمه کشته شوم؟ سایر ویدئوهای «سی‌دنس» که به‌صورت آنلاین در حال پخش هستند شامل «مرد عنکبوتی»، «تایتانیک»، «چیزهای عجیب»، «ارباب حلقه‌ها»، «شرک» و موارد دیگر است.

برلیناله۲۰۲۶ با تجلیل از میشل یئو آغاز شد

مهر- مراسم افتتاحیه برلیناله با سخنرانی‌های تاثیرگذار شان بیکر و میشل یئو، تاکید بر سینمای مستقل و اشاره‌ای اندک به سیاست، با لحنی امیدوارکننده شروع شد. این جشنواره که پنجشنبه شب با روحیه‌ای امیدوارانه آغاز شد، با وجود بارش شدید باران در هوای سرد و مرطوب و با چهره‌هایی که با چتر و بارانی روی فرش قرمز راه رفتند کارش را آغاز کرد. شان بیکر، بلا رمزی، کریم عینوز، نیل پاتریک هریس، رادو جود، دنیل برول و لارس آیدینگر از جمله این ستارگان بودند. در این مراسم بیکر برای اهدای جایزه خرس طلای افتخاری امسال به میشل یئو، برنده اسکار روی صحنه رفت. وی هنگام ورود به صحنه برلیناله را به‌عنوان «جشنواره‌ای که همیشه از صداهای جسورانه، افراد ریسک‌پذیر و هنرمندانی که از قرار گرفتن در یک چارچوب واحد امتناع می‌کنند» ستایش کرد و از میشل یئو به‌عنوان چهره‌ای یاد کرد که فقط در فیلم‌ها ظاهر نمی‌شود بلکه از آن‌دسته افرادی است که دمای اتاق را از نو تعریف می‌کنند. یئو هم یادآور شد برلین همیشه از هنرمندان جسور حمایت می‌کند و افزود که وقتی هنرمند جوانی بود، برلین از او استقبال کرد. یئو با تشویق ایستاده جمعیت روبه‌رو شد که تحت‌تاثیر سخنرانی او قرار گرفته بودند. نکته‌ای که به‌طور قابل‌توجهی در مراسم افتتاحیه غایب بود، تاکید بر سیاست و رویدادهای جاری بود. برخلاف سال گذشته که تیلدا سوینتون سخنرانی آتشینی ایراد و در آن قتل عام و طرح ترامپ برای تبدیل غزه به یک ریویرا را محکوم کرد، مراسم این دوره بر هنر فیلمسازی متمرکز بود و یئو در سخنرانی خود فقط به «جهانی تقسیم‌شده» اشاره کرد. تریشیا تاتل، رییس جشنواره که دومین سال ریاست خود در برلیناله را پشت سر می‌گذارد نیز در طول حضورش روی صحنه بر فیلمسازی مستقل تمرکز کرد و گفت احساس می‌کند این صنعت در وضعیت بسیار خوبی است. فیلم افتتاحیه امسال «مردان خوب نیستند» ساخته شهربانو سادات، کارگردان مشهور افغان در قالب یک کمدی رمانتیک، داستان یک فیلمبردار زن در یک ایستگاه تلویزیونی در کابل را دنبال می‌کند که درست قبل از سقوط کابل به دست طالبان در سال۲۰۲۱، با روزنامه‌نگار مرد مشهور این ایستگاه درگیر می‌شود. جشنواره فیلم برلین تا ۲۲ فوریه ادامه دارد.

دوربین

رضا لاله باغ - «جهان صنعت»

برای یک لقمه نان

گزارش «جهان‌صنعت» از اختتامیه چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر

جشنواره‌ای که دیگر مردمی نیست

گروه فرهنگ و هنر- بحث درباره «مردمی بودن» یک جشنواره سینمایی در ظاهر ساده اما در باطن بسیار پیچیده است. وقتی از مردمی بودن سخن می‌گوییم، منظور تنها میزان فروش بلیت یا تعداد مخاطبان نیست بلکه نسبت میان جشنواره، هنرمندان، آثار و افکار عمومی است؛ نسبتی که اگر دچار گسست شود، دیگر با آمارسازی، تبلیغات رسمی یا تشریفات پرزرق و برق قابل ترمیم نخواهد بود. جشنواره فیلم فجر به‌عنوان مهم‌ترین رویداد رسمی سینمای ایران، از ابتدای شکل‌گیری‌اش همواره حامل بار نمادین و سیاسی بوده است. این جشنواره نه‌تنها ویترین سینمای کشور بلکه آینه‌ای از رابطه میان دولت، هنرمندان و جامعه محسوب می‌شود. بنابراین هرگونه کاهش مشارکت، غیبت چهره‌ها یا بی‌اعتنایی افکار عمومی، نشانه‌ای از تحولی عمیق‌تر در بطن جامعه فرهنگی است.

نخستین ادعا، تحریم عملی جشنواره از سوی مردم است. این ادعا اگرچه به صورت مطلق قابل اثبات یا رد نیست اما می‌توان آن را از چند منظر بررسی کرد. مردمی بودن جشنواره به این معناست که مخاطبان با اشتیاق در آن مشارکت کنند، فیلم‌ها بازتاب دغدغه‌های اجتماعی باشند و فضای جشنواره به جایگاه گفت‌وگوی عمومی تبدیل شود. در سال‌هایی که شکاف میان روایت رسمی و تجربه زیسته مردم افزایش می‌یابد، طبیعی است که این پیوند تضعیف شود. اگر فیلم‌های تولیدشده نتوانند مسائل واقعی جامعه را بازتاب دهند یا اگر مخاطب احساس کند جشنواره بیشتر تریبون یک گفتمان خاص است تا میدان رقابت آزاد هنری، فاصله شکل می‌گیرد. این فاصله گاه در کاهش شور عمومی و گاه در بی‌تفاوتی نسبت به نتایج و برندگان خود را نشان می‌دهد.

نکته مهم دیگر غیبت برخی برندگان در مراسم اختتامیه است. در هر جشنواره‌ای حضور برندگان در مراسم دریافت جایزه بخشی از آئین اعتباربخشی به رویداد است. وقتی چهره‌هایی مانند مارال فرجاد که جایزه بهترین نقش مکمل زن را برای فیلم «زنده‌شور» دریافت کرده به دلیل بیماری در مراسم حاضر نیست و از طریق ویدئو پیام می‌دهد، این امر از نظر انسانی کاملا قابل درک است و نمی‌توان آن را نشانه اعتراض دانست. او در بیمارستان و در حال درمان سرطان بوده و پیامش نیز حاوی قدردانی از کارگردان و عوامل فیلم است. بنابراین در این مورد خاص، غیبت را نمی‌توان به‌عنوان تحریم یا بی‌اعتنایی تعبیر کرد اما در سایر موارد مانند شهرام حقیقت‌دوست که اعلام شده درگیر فیلمبرداری بوده، یا کارن همایونفر که به دلیل اجرای برنامه‌ای دیگر حضور نداشته، مساله پیچیده‌تر می‌شود. در فضای حرفه‌ای سینما، همزمانی تعهدات امری رایج است اما وقتی مجموعه‌ای از غیبت‌ها کنار هم قرار می‌گیرد، ذهن افکار عمومی به سمت پرسش درباره انگیزه‌ها سوق پیدا می‌کند.

از سوی دیگر ابهام در ماجرای موسیقی و نام آریا عظیمی‌نژاد که به گفته مجری نامش اعلام شده اما سازندگان فیلم تاکید کرده‌اند موسیقی انتخابی او نبوده، نشانه‌ای از ضعف شفافیت اجرایی است. جشنواره‌ای که داعیه اعتبار ملی دارد، باید در اعلام نامزدها و عوامل آثار دقت کامل داشته باشد. هرگونه تناقض یا اطلاع‌رسانی مبهم، به سرمایه نمادین جشنواره آسیب می‌زند. اعتماد عمومی در حوزه فرهنگ بسیار شکننده است و با خطاهای ارتباطی به‌سرعت مخدوش می‌شود.

در بخش بازیگران نقش اول نیز نکات قابل‌تاملی وجود دارد. آزیتا حاجیان برای فیلم «کافه سلطان» برنده جایزه شده اما جایزه‌اش را محمدرضا شریفی‌نیا دریافت کرده است. این امر در سینمای ایران مسبوق به سابقه است و گاه به دلایل شخصی یا حرفه‌ای رخ می‌دهد. با این حال سخنان شریفی‌نیا در مراسم که به کنایه‌ای درباره نام خانوادگی شاهسواری اشاره کرده، نشان می‌دهد فضای اختتامیه تنها یک مراسم هنری نبوده بلکه رنگ‌وبوی سیاسی نیز داشته است. وقتی تریبون جشنواره به محل طرح کنایه‌های سیاسی تبدیل می‌شود، مرز میان هنر و سیاست بیش از پیش کمرنگ می‌گردد. این امر لزوما منفی نیست زیرا سینما ذاتا هنری اجتماعی و سیاسی است. در مورد بهرام افشاری که برای «زنده‌شور» جایزه بهترین بازیگر نقش اول مرد را دریافت کرده، سخنان کاظم دانشی، کارگردان فیلم اهمیت بیشتری دارد. او ضمن قدردانی از داوران به‌طور تلویحی به جشنواره سال ۱۴۰۱ و دبیری مجتبی امینی اشاره کرده و گفته خوشحال است که وضعیت تکرار نشده است. همچنین با اشاره به اینکه «همه می‌دانیم چرا» برخی همکاران حضور ندارند و «آقای پزشکیان هم بهتر می‌داند»، به شکلی غیرمستقیم فضای سیاسی و اجتماعی را عامل غیبت‌ها معرفی کرده است. این جملات نشان می‌دهد حتی در متن رسمی جشنواره، نوعی نارضایتی یا گلایه نسبت به شرایط وجود دارد. وقتی کارگردانی بر صحنه اختتامیه از «حق دادن» به همکارانی که نیامده‌اند سخن می‌گوید، این خود تاییدی است بر اینکه مساله صرفا تعهد کاری یا بیماری نبوده بلکه بخشی از غیبت‌ها ریشه در اعتراض یا نارضایتی داشته است.

موضوع حضور یا عدم حضور مقامات سیاسی نیز قابل تحلیل است. جشنواره فیلم فجر از بدو تاسیس، پیوند نزدیکی با ساختار رسمی قدرت داشته و حضور رییس‌جمهور یا وزیر فرهنگ در اختتامیه، نماد حمایت دولت از سینما تلقی می‌شده است. اگر در سال‌هایی این حضور کمرنگ شده و در سالی دیگر پررنگ‌تر باشد، می‌توان آن را نشانه‌ای از تغییر اولویت‌های سیاسی یا تلاش برای بازسازی مشروعیت فرهنگی دانست. مردمی بودن جشنواره را اما نمی‌توان صرفا با حضور رییس‌جمهور سنجید. چه‌بسا حضوری رسمی اما بدون مشارکت واقعی هنرمندان و مخاطبان نتواند خلأ اعتماد را پر کند. از منظر جامعه‌شناسی فرهنگ، جشنواره‌ها زمانی مردمی تلقی می‌شوند که سه سطح را همزمان پوشش دهند: تولید اثر مبتنی‌بر مسائل جامعه، مشارکت آزاد هنرمندان بدون هراس از پیامدهای حرفه‌ای و استقبال واقعی مخاطبان. اگر هریک از این سه سطح دچار اختلال شود، جشنواره به رویدادی تشریفاتی بدل می‌شود. در متن مورد بحث، نشانه‌هایی از اختلال در سطح دوم دیده می‌شود یعنی بخشی از هنرمندان به دلایل مختلف ترجیح داده‌اند در مراسم حضور نداشته باشند. این انتخاب می‌تواند ناشی از فشار افکار عمومی، نگرانی از واکنش مخاطبان یا اعتراض به سیاست‌های فرهنگی باشد. وقتی کارگردانی صراحتا می‌گوید همکارانش «نمی‌خواهند طرفدارانشان ناراحت شوند»، این جمله بیانگر شکافی عمیق میان فضای رسمی جشنواره و حساسیت‌های اجتماعی است.

در اینجا پرسش اصلی این است که این روند تا چه حد بازتاب‌دهنده تنوع و تکثر واقعی سینمای ایران است. اگر طیف گسترده‌ای از فیلمسازان احساس کنند امکان حضور برابر ندارند یا آثارشان با معیارهایی غیرشفاف ارزیابی می‌شود، جشنواره به‌تدریج از جایگاه ملی خود فاصله می‌گیرد. بنابراین مردمی بودن یک جشنواره بیش از آنکه در آمار و ارقام یا حضور چهره‌های سیاسی تعریف شود، در میزان اعتماد متقابل میان هنرمندان، برگزارکنندگان و مخاطبان ریشه دارد. جشنواره‌ای که بتواند فضای امنی برای بیان دیدگاه‌های متفاوت فراهم کند، شفافیت اجرایی داشته باشد و به دور از ملاحظات تنگ‌نظرانه سیاسی عمل کند حتی در شرایط بحرانی نیز سرمایه اجتماعی خود را حفظ خواهد کرد اما اگر این اعتماد آسیب ببیند، بیشتر به نمایش وحدت ظاهری شبیه خواهد بود تا جشن واقعی سینمای یک ملت

مساله اصلی نه صرفا غیبت چند هنرمند یا حضور مقامات بلکه بحران اعتماد و شکاف میان ساحت رسمی و بدنه اجتماعی سینماست. ترمیم این شکاف نیازمند بازنگری در سیاست‌های فرهنگی، شفافیت بیشتر در داوری و انتخاب آثار و پذیرش تکثر دیدگاه‌هاست. تنها در این صورت می‌توان دوباره از مردمی بودن جشنواره سخن گفت؛ مردمی بودنی که نه در شعار بلکه در مشارکت واقعی و احساس تعلق هنرمندان و مخاطبان معنا پیدا می‌کند.

خبر

یازدهمین دوره فلوشیپ ناشران در استانبول

غیبت آژانس‌های ادبی ایرانی

ایرنا- مدیر کارگزاری ادبی پُل با اشاره به اینکه در این دوره شش‌آژانس ادبی ایرانی برای شرکت در فلوشیپ استانبول تقاضا داده بودند، توضیح داد که متاسفانه همه تقاضاها با رایزنی آژانس ادبی اینتروتما (یکی از مجریان فلوشیپ استانبول) رد شد. مجید جعفری‌اقدم درباره یازدهمین دوره فلوشیپ(نشریاری) ناشران در استانبول توضیح داد: این رویداد فرهنگی در ۲۱بهمن۱۴۰۴ با حضور ۹۰موسسه انتشاراتی و آژانس ادبی از ترکیه و بیش از ۱۰۰ناشر و آژانس ادبی از دیگر کشورها افتتاح شد. کشور اندونزی مهمان ویژه این دوره فلوشیپ است که با ۱۵ناشر و آژانس ادبی در این رویداد شرکت کرده است. به گفته مدیر کارگزاری ادبی پُل این رویداد سه روزه که توسط اتحادیه ناشران ترکیه (TBYM) با حمایت وزارت فرهنگ و گردشگری سازماندهی شده است، میزبان صدها ناشر و آژانس ادبی از ۷۳کشور است که برای خرید و فروش کپی رایت کتاب‌ها و دیگر همکاری‌های فی‌مابین گفت‌وگو خواهند کرد. این برنامه در سه‌روز کاری اجرا می‌شود. مدیر کارگزاری ادبی پُل با اشاره به اینکه در این دوره شش آژانس ادبی ایرانی برای شرکت در فلوشیپ استانبول تقاضا داده بودند، توضیح داد: متاسفانه همه تقاضاها با رایزنی آژانس ادبی اینتروتما (یکی از مجریان فلوشیپ استانبول) رد شد و فلوشیپ استانبول امسال به هیچ‌کدام از آژانس‌های ادبی از ایران اجازه حضور در این برنامه را نداد. این در حالی است که نخستین دوره نشریاری در تهران درنتیجه دیدار مسوولان با مدیران آژانس ادبی و شبه‌دولتی اینتروتما در ترکیه برگزار شد. او با اشاره به اینکه در این دوره از فلوشیپ میز ندارد، ادامه داد: من در مراسم افتتاحیه شرکت کردم، درخواست من هم رد شده است. شاید اینتروتما بازار کتاب ایران را جزو حیطه فعالیت خود به حساب می‌آورد و بقیه آژانس‌های ادبی را به چشم رقیب می‌بینند. یک نماینده هم در تهران گذاشته‌اند که با ناشران ایرانی مراوده می‌کند، او در این فلوشیپ هم به‌عنوان آژانس اینتروتما کتاب‌های ایرانی را معرفی می‌کند. به گفته او اینکه آژانس ادبی اینتروتما برای حضور یا نبود کارگزاری‌های ادبی در ایران تصمیم‌گیری می‌کند، مساله‌ای است که باید مورد توجه مسوولان قرار بگیرد.

کتاب

اعلام فهرست نامزدهای اولیه جایزه ادبیات غیرداستانی زنان

ایسنا- فهرست نامزدهای اولیه جایزه ادبیات غیرداستانی زنان۲۰۲۶ با حضور ۱۶نویسنده معرفی شد. اروندتی روی، سارا پری و لیا ایپی از جمله نویسندگانی هستند که در فهرست اولیه امسال جایزه ادبیات غیرداستانی زنان قرار گرفته‌اند. فهرست اولیه سال۲۰۲۶ این جایزه ادبی، موضوعاتی در حوزه‌های سیاست، خاطره‌نویسی، علم، هنر، تاریخ و زندگی‌نامه را دربر می‌گیرد و همچنین هفت نویسنده کتاب‌اولی را شامل می‌شود. از شناخته‌شده‌ترین نام‌های این فهرست به اروندتی روی، رمان‌نویس برنده جایزه بوکر و فعال سیاسی می‌توان اشاره کرد که با کتاب خاطرات خود با عنوان «Mother Mary Comes to Me» در این فهرست قرار گرفته است. کتاب «مرگ یک مرد معمولی» نوشته سارا پری، نویسنده بریتانیایی که درباره سوگ، خانواده و ایمان است و بر مرگ پدرشوهر این نویسنده متمرکز است نیز در فهرست اولیه قرار دارد. لیا ایپی، استاد دانشگاه و نویسنده نیز برای نگارش کتاب «هتک آبرو: تجسم دوباره یک زندگی» نامزد شده است. این کتاب به تاریخچه خانوادگی شخصی او در کنار تحولات سیاسی در سراسر بالکان، امپراتوری عثمانی و پیامدهای کمونیسم می‌پردازد. موضوعات حول محور تاریخ و سیاست حضوری پررنگ در این فهرست دارند. لیز دوست، خبرنگار بی‌بی‌سی نیز برای کتاب «بهترین هتل کابل» در این فهرست قرار گرفته است. کتاب «Daughters of the Bamboo Grove» اثر باربارا دمیک که داستان واقعی دوقلوهای جداشده را روایت می‌کند تا پیامدهای انسانی سیاست تک‌فرزندی چین را روشن کند، در کنار «هتل تبعید» نوشته «JaneRogoyska» از دیگر آثار این فهرست به‌شمار می‌روند. «قانون در کنار ما» نوشته لیدی هیل، «در جست‌وجوی Albion» اثر زکیه سیول، «ملت غریبه‌ها» نوشته «Ece Temelkuran» در کنار «درمان با هنر» نوشته دیزی فنکورت، «نبوغ درختان» نوشته هریت ریکس، «اجازه نده شکستت بدهد عزیزم» به قلم جنی ایوانز، «برای جوان، بااستعداد و سیاهپوست بودن» اثر «KadiatuKanneh-Mason»، «هنرمندان، خواهران و برادران، رویاپردازان» نوشته جودیث مکرل، «راهش را از من بپرس» به قلم دیپا پل و «زندگی کردن به همان شکلی که هستم» اثر گریس اسپنس گرین سایر آثار حاضر در فهرست اولیه جایزه ادبیات غیرداستانی زنان را تشکیل می‌دهند. این جایزه در پی پژوهشی تاسیس شد که نشان داد فقط ۳۵/۵درصد از برندگان در هفت‌جایزه مهم غیرداستانی بریتانیا طی دهه پیشین را نویسندگان زن تشکیل داده‌اند. جایزه سال گذشته به دکتر ریچل کلارک برای نگارش کتاب «داستان یک قلب» رسید. داوران فهرست نهایی شش‌کتاب را در ۲۵مارس اعلام خواهند کرد و برنده در ۱۱ژوئن معرفی می‌شود.